دورهٔ چهاردهم قانون گذاری — جلسه ۷۹ — شماره مسلسل ـ ۱۳۳۶

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۷ آذر ماه ۱۳۲۳ ☆

فهرست مطالب :

۱ ـ تصویب صورت مجلس
۲ ـ مذاکره در پیشنهاد آقای فرهودی راجع بدستور
۳ ـ تصویب اعتبارنامه آقای ایپکچیان از تبریز
٤ ـ مذاکره در برنامه دولت
٥ ـ قرائت پیشنهاد آقای دکتر شفق و بیانات آقای نایب رئیس راجع به پایان سال اول کنفرانس تهران
٦ ـ بقیه مذاکره دربرنامه دولت
۷ ـ اقتراع شعب
۸ ـ قرائت گزارش شعبه چهارم راجع بنمایندگی آقای پور رضا از فیروزآباد فارس
۹ ـ بقیه مذاکره در برنامه دولت
۱۰ ـ تقدیم یك فقره طرح قانونی ازطرف آقای دکتر مصدق راجع به نفت بقید دو فوریت و تصویب دو فوریت و اصل طرح
۱۱ ـ تصویب اعتبارنامه آقایان لنکرانی و پور رضا
۱۲ ـ بقیه مذاکره در برنامه دولت
۱۳ ـ اقتراع جهة شرفیابی روزعیدغدیر
۱٤ ـ قرائت گزارش کمیسیون عرایض راجع بعدم کفایت ادله و مستندات نسبت باعلام جرم بر علیه آقای سهیلی و ارجاع آن بکمیسیون دادگستری
۱٥ ـ قرائت و تصویب ده فقره گزارش کمیسیون عرایض و مرخصی
۱٦ ـ بقیه مذاکره در برنامه دولت و اخذ رأی اعتماد
۱۷ ـ موقع ودستور جلسهٔ بعد ـ ختم جلسه

مجلس یکساعت قبل از ظهر بریاست آقای دکتر معظمی (نایب رئیس) تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه ٥ آذر ماه را آقای جواد مسعودی (منشی) قرائت نمودند ☆☆

[۱ ـ تصویب صورت مجلس]

نایب رئیس ـ اعتراضی بصورت مجلس هست ؟ (اظهارشد خیر) صورت جلسه تصویب شد قبل از دستور یکنفر از آقایان اجازهٔ نطق خواسته بعلاوه دو فقره پیشنهاد رسیده است که قرائت میشود :

(بشرح زیر قرائت شد)

[۲ ـ مذاکره درپیشنهاد آقای فرهودی راجع بدستور]

پیشنهاد میکنم برنامهٔ دولت ازدستورجلسهٔ امروزخارج شود ـ فرهودی

نایب رئیس ـ آقای فرهودی

یکی ازنمایندگان ـ بنده مخالفم .

فرهودی ـ علت این پیشنهاد بنده ارادتی است که

☆ عین مذاکرات مشروح هفتاد و نهمین جلسه از چهاردهمین دورهٔ قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰٥)

ادارهٔ تندنویسی وتحریر صورت مجلس

☆☆ اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه ـ آقایان : فرمند ـ جلیلی ـ مجد ضیائی ـ نراقی ـ دولت آبادی ـ دهستانی ـ یمین اسفندیاری

غائبین بی اجازه ـ آقایان : طوسی ـ تربتی ـ نبوی ـ اخوان ـ کفائی ـ آصف ـ امیر ابراهیمی ـ صادق بوشهری ـ دکتر زنگنه دکتر مصدق ـ کنابادی ـ معدل ـ رفیعی ـ اوانسیان

دیرآمدگان بی اجازه ـ آقایان : بیات ـ سیف پور ـ شریعت زاده ـ مجد ـ گله داری ـ جمال امامی ـ دکتر کیان .

بدولت دارم (خنده نمایندگان) دلیلش هم اینست که دولتی که با این حسن نیت تشکیل شده میل دارد که در مجلس شورای ملی آراءِ اعتماد کاملی بدست بیاورد وما هم میل داریم دولتی که تشکیل میشود کاملاً از طرف مجلس شورای ملی پشتیبانی و تقویت شود متأسفانه برنامهٔ که داده اند ناقص است نقص برنامه این است ؛ مثل اینکه این هیئت دولت یکمرتبه از خارجه آمده اند یا اینکه در گردشهای کوه نوردی بوده اند سه ماه است که درین مملکت یکقضیه بسیار مهمی مطرح است و در جریان است و افکار عمومی ملت ایران باین قضیه مشغول است وحتی ازحدود مرزهای ما هم خارج شده و افکار عمومی جهان را بخود مشغول کرده است و ازپهنای اقیانوسها هم رد شده است ودرجراید و مجالس خارجه هم راجع باین موضوع مذاکره است تقاضا های مختلف امتیاز و درخواست هائی شده است وحتی یکنفر آوانتوریه هم که چند مرتبه نام وعنوان خودرا عوض کرده است آمده است مثل اینکه باغ انگور شهریار را میخواهد اجاره بکند تقاضا کرده است که امتیاز تمام معادن فلزات‌را بمن بدهند (بعضی از نمایندگان ـ کی گوش به حرف داد؟) در اثر این تقاضا ها یك گردبادی تولید شد و کابینه سابق‌هم توی آن گردباد مجبور شد خودش را کنار بکشد واین کابینه تشکیل شد بنابر این این کابینه حقش اینست که در برنامه نظر خودش را بطور صریح و روشن در این موضوع اظهار داشته باشد (یکی از نمایندگان ـ موردی ندارد) درموقعی که کابینهٔ آقای ساعد معرفی شد آقای دکتر کشاورز همکار محترم بنده یك تذکر خیلی صحیحی در همان موقع دادند و به آقای ساعد گفتند که شما چرا راجع بمسئله نفت در برنامه تان تذکری ندادید اگر آقای ساعد آن روز آن تذکر را قبول کرده بود و در برنامه اش فکر خود و کابینه اش را راجع بمسئله نفت نوشته بود شاید این حوادث بعدی پیش نیامده بود بنا براین برنامه وقتی کامل است که دولت نظر خودش را صریحاً دراین باب ذکر بکند بنده با بعضی از آقایان وزرا صحبت کردم که چرا دراین برنامه موضوع امتیاز نفت نیست ، یك جوابهائی دادند و جوابهایشان هم تا حدی صحیح بود و آن این بود که این مسئله منفی است و مسائل منفی‌را مانمی توانیم دربرنامه بنویسیم دربرنامه‌مسائل مثبت را مینویسیم درهر حال ذکر نظر و رویه کابینه درباب امتیازاتی که درخواست شده در رأی مجلس مؤثر است و بایستی دربرنامه بنویسند حالا که دربرنامه ننوشته‌اند بنده پیشنهادم را مسترد میکنم باین شرط که جناب آقای نخست وزیر اینجا اطمینان بدهند که درضمن برنامه که اینجا مطرح میشود نظرشان را بطور صریح و روشن وبطوریکه غیر قابل تأویل باشد اینجا بیان کنند ویك نقص دیگر در برنامه این است که نوشته‌اند تشییدروابط دوستی (بعضی از نمایندگان ـ آقا این مطالب مربوط به برنامه است بپیشنهاد شما مربوط نیست) اجازه بفرمائید این یك نقص اساسی‌دارد و آن اینست که در قسمت اول که نوشته شده تشیید روابط دوستی با دول متحابه می‌بایستی بنویسند با رعایت اصل حاکمیت ملی و احترام متقابل نه‌تشیید بلاشرط .

جمعی از نمایندگان ـ رأی ـ رأی

جوادمسعودی ـ پس گرفتید ؟

فرهودی ـ بلی بنده‌پس گرفتم

ملك مدنی ـ آقا برنامه جزو دستور است مطالب هم آنجا باید گفته شود .

نایب رئیس ـ پیشنهاد دوم قرائت میشود (بشرح‌زیر قرائت شد)

[۳ ـ تصویب اعتبارنامه آقای ایپکچیان ازتبریز]

امضا کننده‌پیشنهاد میکنم اعتبار نامه آقای ایپکچیان قبل از طرح برنامهٔ دولت طرح و تصویب شود .

فاطمی ـ آقا مخالفی نیست طرح بفرمائید .

نایب رئیس ـ آقای شریعت زاده مخالفید؟

صادقی ـ آقا مخالفی نیست .

نایب رئیس ـ آقای شریعت زاده با اعتبار نامه آقای ایپکچیان مخالفت کرده‌بودند حالا میخواستم‌به‌بینم‌بمخالفتشان باقی هستند یانه ؟

شریعت‌زاده ـ توضیحات من راجع بدلایل مخالفت بااعتبار نامه‌ها در جلسهٔ که مخالفت کرده‌ام مبسوط گفته شده است آقایان نمایندگان هم البته همان توضیحات را درنظر دارند وتکرار آن دیگر لزومی ندارد .

نایب رئیس ـ رأی میگیریم باعتبارنامه آقای ایپکچیان (جمعی ازنمایندگان ـ آقا راپرت شعبه را قرائت بفرمائید) گزارش شعبه‌خوانده شده‌است اجازه بدهید رئیس کارخودش راانجام‌بدهدرأی‌میگیریم به‌اعتبارنامه آقای‌ایپکچیان‌ازتبریز آقایانیکه موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد .دستورمذاکره در برنامهٔ آقای بیات است قبل ازنطق اجازه بفرمائید که مادهٔ ۱۴۳ و ۱۴۴ نظامنامه قرائت بشود.

(بشرح زیر قرائت شد)

مادهٔ صدو چهل وسوم ـ مخبرین جراید و تماشاچیان باید ساکت بنشینند و اگر از طرف یکی از آنها علامت تکذیب یا تصدیق مشاهده شود فوراً اخراج خواهند شد

مادهٔ صدو چهل وچهارم ـ هر تماشاچی که باعث اغتشاش مذاکرات یااختلال نظم‌شود فوراًبمحاکم مرجع جلب‌میشود

[۴ ـ مذاکره‌دربرنامه دولت]

نایب‌رئیس ـ خواستم‌خاطر آقایان‌رامتوجه کنم که‌دربین صحبت‌نمایندگان‌صحبت نکنند برای آنکه کاملاً مجلس آرام باشد . برنامه دولت‌مطرح‌است‌آقای‌دکتر کشاورزبفرمائید.

دکتر کشاورز ـ بادولتی که آقای بیات تشکیل‌دادند و با آقایان وزیرانشان وبرنامهٔ که بمجلس شورای ملی‌تقدیم کرده‌اند بنده مخالف هستم البته این مخالفت من در هر یکی از سه قسمتی که گفتم از حیث شدت متفاوت است .در بین‌ما اطباءِ مرسومست وقتیکه ببالین یك مریضی‌میرویم‌ویایك‌کسی برای‌معالجه‌بمامراجعه میکند، مریض‌رامعاینه‌میکنیم بعداز اینکه‌معاینه کردیم‌عوامل‌مثبت‌ومساعدی‌را که برای‌بهبودی در این مریض موجود است در نظر میگیریم عوامل منفی و نا مساعد و خرابی که در این‌مریض وجود دارد جدا میکنیم و این دوتا را با هم مقایسه میکنیم و بعد مراجعه میکنیم بوجدان خودمان و از خودمان میپرسیم که آیا تخصص ما اطلاعات ما برای معالجهٔ این بیمار در این شرایط کافی‌است یا نه اگر کافی بوداو را معالجه‌میکنیم و مسئولیت‌معالجهٔ او را بعهده میگیریم و اگر حس کردیم که ما قادر معالجهٔ این بیمار نیستیم اقلاً به‌او اطلاع میدهیم که وضعیت شما جوری است که ازقدرت دانائی وتوانائی‌ما خارج است وبفلان کس‌مراجعه بکنید بهتر معالجه‌میکند(گله‌داری ـ ویزیتش را هم میگیرید) آقای گله داری بهتر اینست که زحمت بخودشان بدهند و تشریف بیاورند پشت تریبون ولی من اطمینان دارم که تا آخر مجلس صدای ایشان بگوش ملت نخواهد رسید مگر باین ترتیب . ویزیت گرفتن از بیمار گناه نیست دزدی کردن‌وچاپیدن مردم گناه است (هاشمی صحیح‌است) بهر حال‌با این مثالی که عرض کردم‌میخواستم بآقای بیات عرض کنم که شما هم بنام نخست وزیر آینده باید وضعیت ایران را در نظر بگیرید و بدانید در ایران برای انجام خدمت نسبت بملت ایران و حفظ مصالح مملکت چه عوامل مساعدی وجود دارد چه عوامل نامساعدی وجود دارد و بعد پشت تریبون‌بگوئید که من خود را دراینموقع قادر میدانم که بملت ایران و بوطنم خدمت بکنم بنا براین بنده قبلاً ناچارم بعنوان مقدمهٔ طولانی وضعیت چندماههٔ اخیر ایران را در پشت‌تریبون عرض و تشریح بکنم‌وبگویم با این وضعیت آقای بیات قادر خواهند بود باینکه پست نخست وزیری را اشغال بکنند یا نه ؟

مشروطیت ایران ، مشروطیتی که برای بدست آوردن آن خون بهترین فرزندان ایران ریخته شد در نتیجهٔ کودتای ۱۲۹۹ بدست‌کسی که با اقرار بانجام کودتاوقیام بر علیه حکومت ملی در مجلس شورای ملی بنام نمایندهٔ ملت نشسته است‌از بین رفت . این مشروطیت قریب۲۰سال اسماً وجود داشت ولی رسماً ملت ایران از تمام مزایای آن بی بهره بود . اتفاقات شهریور و اتفاق واتحادی که ملل آزادیخواه دنیا برای از بن کندن رژیم فاشیسم تشکیل دادند باعث شد که ملت ایران ازآن رژیم دیکتاتوری خلاص بشود بقول‌آقای‌دکتر مصدق یکدوره (وخیال میکنم منظورشان دورهٔ دیکتاتوری بوده) زمامداران ما می گفتند سیاست در این مملکت یکی است وهرچه میگویند ما باید بکنیم بنده وارد اندازهٔ‌صحت و سقم این مطلب و اینکه آیا زمامداران ما تا چه اندازه مسئول بوده‌اند نمیشوم ولی امروزملت ایران ووقتی که من میگویم ملت ایران یعنی اکثریت ملت ایران علاقه دارد

که در ایران سیاست یکی باشد و آن سیاست اکثریت ملت ایران باشد (صحیح است) ولی سیاست یك ملت وحفظ منافع ومصالح اکثریت یك ملت بهیچوجه با دوستی واتحاد بادول دیگروخصوصاً دول همسایه منافات ندارد بلکه امروزوضعیت دنیا طوری است که هیچ ملتی نمیتواند ادعا بکند که بدور مملکت خودش دیواری بکشدوخودش را ازهمسایگان خود و حتی از دول دور دست بی نیاز بداند و با آنها رابطهٔ نداشته باشد هر ملتی مثل هر فرد در جامعه احتیاج دارد که دوست داشته باشد باهمسایه هایش مساعدت بکند و از مساعدت آنها برخوردار شود متأسفانه بعد از وقایع شهریور در آن سیاستی که ذکر شد تغییر اساسی در ایران حاصل نشد طبقهٔ حاکمه مخصوصاً رئیس الوزرای دو دورهٔ اخیر یعنی آقای ساعد در رفتارشان ودر اعمالشان نشان دادند و این مطلب را من هفت ماه قبل گفتم که ایشان یکی از مخالفین جدی آزادی ودموکراسی بوده‌اند . . .

جمعی از نمایندگان ـ اینطور نیست آقا ، قضاوت غلط نکنید

تهرانی ـ چون موافق میل شما رفتار نکردند .

ایرج اسکندری ـ جامعه باید قضاوت بکند

دکتر کشاورز ـ آقایان اکثریت توجه داشته باشند که عقیده یك وکیل آزاد است و حق دارد پشت تریبون مجلس شورای ملی عقیدهٔ خودش را صریحاً بگوید ، من اشتباه میکنم یا شما اشتباه می کنید این را یکروزتاریخ ایران قضاوت خواهد کرد (صحیح است) بنابراین خواهش میکنم که مانع صحبت من نشوید واگرتصور می کنید که با این چیزها بنده ازمیدان درمیروم اشتباه می کنید(خنده نمایندگان) به آقای بیات عرض کردم که شما باید وضعیت چند ماههٔ اخیر ایران را درنظر بگیرید آنوقت بگوئید که من میتوانم مسئولیت امور این مملکت را بعهده بگیرم . درچند ماههٔ اخیربدست دولتهای سابق اغتشاشاتی عمداً تولیدشدوحتی کمك کردند برای اینکه یکعده از ملت ایران را بوسایل غیر مستقیم مسلح بکنند که اینها یك روز برای حکومت مرکزی که درایران وجودش لازم است و باید مقتدر باشد خطرناك باشند حتی باسم اتحادیه هائی ، اتحادیه های عشایر سعی کردند که یك عده از برادران ما یکعده از ایرانیهائی را که خون پاك ایرانی در عروقشان جاری است و متأسفانه از اوضاع اجتماعی کاملاً اطلاعات ندارند برای استفادهٔ خودشان متحد ومسلح بکنند (قبادیان آنها گول نمیخورند) . . . میدانم که آنها پاکتر از آنند که حلقهٔ بندگی یکنفر وطن فروش را بگردن بیندازند (قبادیان ـ آنها وطنشان‌را از جانشان بیشتر دوست دارند) در ایران اخیراً بنام حفظ شعائر مذهبی ، مذهبی که مورد احترام ما و تمام ملت ایران است یکعده شیاد کارهائی باسم مذهب انجام میدهندکه اسلام نهی کرده مثلاً مجبورمیکنند که زنها چادر سیاه بسر بگذارند و اگر زنی در اراك ، در قم بدون چادر حرکت کند مورد ستم وضرب یکعده ازخدا بیخبر و اشخاصیکه ذرهٔ از مذهب اسلام چیزی نفهمیده اند واقع می شوند (فیروز آبادی ـ اینطور نیست . اینها چه حرفهائی است) دولت سابق در اصفهان و در تبریز بروی کارگران بی گناهی که هیچ چیز جز دو بازوی خودشان برای دفاع نداشتند و برای حفظ حقوق خودشان مجتمع شده بودند اسلحه کشید و بدستور دولت و شهربانی که تحت نظر دولت بود یك عده کارگر بی گناه‌را بخاك‌وخون کشیدند.

نایب رئیس ـ آقا اینها که مربوط به برنامه دولت نیست در اطراف برنامه صحبت کنید .

دکتر کشاورز ـ بنده اول‌هم عرض کردم وضعیت‌ایران را در این چند ماهه اخیر باید تشریح کنم و بعد از ایشان سؤال کنم که آیا میتوانند با این جریانات مملکت را اداره کنند یانه اگر گفتند بلی آنوقت ماهم در رأی دادن بدولت مطالعه میکنیم .

طهرانی ـ آقای دکتر کشاورز اینطور نیست این حرفها بد است در مطبوعات خارجه منعکس میشود .

دکتر کشاورز ـ چه مانعی دارد گفتگوهای مجلس‌شورای ملی در مطبوعات خارجه منعکس شود ؟

دکتر رادمنش ـ خطاب‌به آقای‌طهرانی اگر حرفی‌دارید بروید پشت تریبون بگوئید. چرا نمیگذارید صحبت کنند .

طهرانی ـ (در حالتیکه از صندلی خود برخاسته و بطرف خارج از اطاق جلسه رهسپار بودند) آقا اینها دروغ است . اظهار این‌مطالب خیانت به مملکت است (زنگ ممتد رئیس) .

ایرج اسکندری ـ برو بیرون . تو یك عمر به مملکت خیانت کردی .

(در اینموقع عده از آقایان نمایندگان ازجلسه خارج شدند)

جمعی‌ازنمایندگان ـ چند دقیقه تنفس داده شود .

عده‌دیگرازنمایندگان ـ تنفس لازم نیست .

دکتر کشاورز ـ تنفس لازم نیست . عده‌هم بقدر کفایت هست .

نایب رئیس ـ بفرمائید .

دکتر کشاورز ـ مطلب دیگری که میخواهم تذکر بدهم موضوع مستخدمین امریکائی است .

بهبهانی ـ اخطار نظامنامه دارم اجازه میفرمائید ؟

دکتر کشاورز ـ وسط نطق دیگری که نمیشودصحبت کرد . بنده قبول نمیکنم‌در بین‌صحبت‌بنده کسی‌حرفی‌بزند .

بهبهانی ـ اخطار نظامه ایست و در هر موقع میتوان اظهار کرد .

(زنگ ممتد رئیس)

نایب رئیس ـ (خطاب بآقای بهبهانی) اجازه بفرمائید ایشان صحبتشان‌را تمام کنند بعد صحبت نمائید .

بهبهانی ـ اخطار نظامنامه‌ایست .

بعضی‌ازنمایندگان ـ باهمهمه اخطار است مانعی ندارد اظهار نمائید .

عدهٔ از نمایندگان ـ در بین صحبت دیگران که نمیشود صحبت کرد . این چه ترتیبی است

گله‌داری ـ (درموقع خروج از جلسه) این‌چه‌وضعی است . به‌مذهب‌بدمیگوئی به ملت بد میگوئی مگر مملکت بی‌صاحب است .

ایرج اسکندری ـ (خطاب‌بآقای‌گله داری) برو بیرون فضولی نکن . دزد . همه شما را میشناسند .

(زنگ ممتد رئیس)

بهبهانی ـ (خطاب به‌آقای‌نایب رئیس) شمانمیتوانید مجلس را اداره کنید بموجب نظامنامه تنفس بدهید .

نایب رئیس ـ (خطاب بآقای بهبهانی) بدون اجازه صحبت نکنید . بشما اخطار میکنم .

جمعی از نمایندگان ـ (باهمهمه) مانعی ندارد آقای بهبهانی اخطارشان را بگویند .

(زنگ رئیس)

نایب رئیس ـ آقای‌بهبهانی‌اخطارتان را بفرمائید .

بهبهانی ـ عرض کنم اگر یکعده اهتمام ندارند بحفظ انتظام مجلس ما میخواهیم‌مجلس‌منظم باشد ودربین نطق‌ناطق صحبت نشود وناطق هرچه میخواهد با کمال آزادی‌بگوید بشرط اینکه فحش ندهد و چیزی نگوید که اسباب هیجان اشخاص‌بشود . این‌فرمایشاتی که آقای‌دکترمیکنند مربوط بدولت فعلی و برنامه دولت فعلی نیست . برنامه دولت یك موادی دارد که باید روی‌آن مواد صحبت شود دولت‌سابق چه کرده است امروز موقع آن حرف نیست و خارج از موضوع است . بنده تصورمیکنم آقای دکتر میتوانند هر چه میخواهند دراطراف مواد برنامه آزادانه صحبت کنند (دکتر کشاورز ـ ولی مطابق میل شما) ولی هیجان کردن ویك‌حرفهائی زدن ومجلس را بهیجان درآوردن و اشخاص را تحریك کردن ومجلس را از انتظام انداختن خوب نیست .

نایب رئیس ـ من بآقایان : دکتر رادمنش وفداکار و ایرج اسکندری وبهبهانی اخطار میکنم‌برای اینکه مانع صحبت ناطق شدند . آقای دکتر کشاورز بفرمائید .

دکتر کشاورز ـ بنده خیال‌میکنم قبل‌از اینکه وارد صحبت شوم یك تسکینی‌برای‌آقایان نمایندگان لازم‌باشد

دشتی ـ با بیاناتتان تسکین بدهید .

دکتر کشاورز ـ مطلب دیگریرا خواستم بآقای بیات تذکر بدهم وجزو کارهائی است که دولت باید درانجامش

پیشقدم باشد موضوع مستشاران امریکائی است یکروز آقای ساعد بشهادت آقایان نمایندگانی که بیغرض و بیطرف هستند یك لایحهٔ برای لغو اختیارات دکتر میلسپو بمجلس آوردند وحتی بقول یکی از آقایان نمایندگان اکثریت ایشان وجود دکتر میلسپو واختیارات ایشان را منافی باسرکار بودن و نخست وزیری خودشان میدانستند .

جمعی از نمایندگان ـ عده کافی نیست چند دقیقه تنفس داده شود .

دکتر کشاورز ـ بنده میدانم تاحرفم تمام شود چند مرتبه مجلس از اکثریت خواهد افتاد زیرا حقیقت تلخ است (دراین موقع بیست دقیقه پس از ظهر جلسه بعنوان تنفس تعطیل و بفاصله یکربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

کاظمی ـ بنده اخطار نظامنامه دارم .

نایب رئیس ـ بفرمائید .

کاظمی ـ برای استحضار خاطر آقایان بنده چندماده از نظامنامه را که یادداشت کرده‌ام میخواستم قرائت کنم . . .

نایب رئیس ـ مواد را بنده استخراج کرده‌ام چندماده است که برای استحضار آقایان قرائت میشود .

(آقای هاشمی بشرح ذیل قرائت نمودند)

ماده صد و یازدهم ـ هرگاه رئیس در ضمن یك نطق دو نوبت بناطقی اخطار انحراف از موضوع نموده و باز ناطق مداومت نماید دردفعه سیم رئیس بتصویب مجلس میتواند ناطق را از تکلم در آن موضوع در تمام جلسه منع نماید و مجلس در این باب بدون مباحثه بقیام و قعود رأی میدهد ـ .

ماده صد و دوازدهم ـ کلیةً قطع کلام و استعمال الفاظ زشت و تعرضات شخصی و هرگونه حرکات و نمایشاتی که موجب بی نظمی مجلس باشد ممنوع است .

ماده صد و بیست و چهارم ـ در صورتیکه بیکی از نمایندگان دردفعه اولی اخطاری شده باشد و درهمان جلسه مجدداً مستحق همین تنبیه بشود این دفعه اسم او درصورتمجلس قید خواهد شد .

ماده صد و بیست و نهم ـ موأخذه بامنع حضور در موارد ذیل است .

اولاً ـ نمایندهٔ که پس از موأخذه در همان جلسه مجدداً از دایره نظم خارج میشود .

ثانیاً ـ نمایندهٔ که درظرف شش ماه دومرتبه موأخذه شده باشد .

ثالثاً ـ نمایندهٔ که مردم را درمجلس علنی بزد وخورد یا جنگ خانگی یا بضدیت و نقض قوانین اساسی دعوت وترغیب نماید .

رابعاً ـ نمایندهٔ که نسبت بمجلس یا قسمتی ازمجلس یا برئیس هتك شرف نماید .

خامساً ـ نمایندهٔ که نسبت بیك یاچندنفر ازهیئت‌دولت فحش داده یا تهدید نماید .

سادساً ـ نمایندهٔ که نسبت بدولت توهین نماید .

دشتی ماده ۱۲۹ را مجدداً قرائت بفرمائید

ماده ۱۲۹ ثانیاً بشرح سابق خوانده شد

نایب‌رئیس ـ آقای فداکار

فداکار ـ چون اخطار فرمودید بنده میخواستم ازحق خودم دفاع کنم اولاً آقایان نمایندگان شاهدند که آقای تهرانی برخلاف تمام مواد نظامنامه عمل کردند وتوهین زیادی کردند و برخلاف تمام مقررات عمل کردند و هیچ نوع مؤاخذه نفرمودید والبته در مقابل فحاشی های ایشان نمیشود ساکت نشست و آقای رئیس هم هیچ نوع مؤاخذه نفرمودید بنابراین اخطاری که نسبت بمـا شد بیمورد است وبنده استدعا میکنم برطبق ماده ۱۲۸ بآقای طهرانی هم اخطار بفرمائید .

نایب‌رئیس ـ جنابعالی حقش این بود که درآن موقع قبل ازاینکه چیزی بفرمائید این اخطار را تذکر میدادید وبنده هم می پذیرفتم وباکمال بیطرفی بوظیفه خودم عمل میکردم (صحیح است) . آقای دکتر کشاورز

دکتر کشاورز ـ قبل از ادامه صحبتم بنده خواستم به آقای دکتر معظمی نایب‌رئیس این عرض را بکنم که یکی از موادی را که آقای هاشمی قرائت کردند مستقیماً برای تذکر به بنده بود و آن ماده تصریح می کرد

که اگر نماینده را در حین صحبت دو بار اخطار کردند و باز هم از موضوع صحبت منحرف شد آقای رئیس مجلس شورای ملی حق دارند از صحبت کردن آن وکیل مانع شوند .

نایب رئیس ـ بنده که هنوز اخطار نکرده‌ام .

دکتر کشاورز ـ بنده یك تذکری مجبورم عرض کنم بنده امیدوارم که از مشروطیت ایران این اندازه‌ها چیزی باقیمانده باشد که یك نفر نماینده بتواند افکار خودش را در مقابل نمایندگان مجلس شورا عرضه بدارد و نمایندگان مجلس شورا مختارند که افکار او را بپذیرند یا ردبکنند واطمینان دارم که کسی که امروز ریاست مجلس شورای ملی را عهده‌دار است از این حق سوء استفاده نخواهد کرد مطلبی را که در ضمن آن بقول مرحوم فروغی جمله معترضه پیش آمد مربوط بمستشاران آمریکائی بود و همانطور که در جلسات مجلس شورای ملی کراراً مذاکره شد وجود مستشاران آمریکائی و مستخدمین آمریکائی برای اداره امور مالی بنظر حتی اکثریت مجلس شورای ملی هم ازقراریکه می‌بینیم مفید بنظر نمیرسد و اخیراً شنیده شد که تصمیم گرفته‌اند که خانواده هریك از مستخدمین آمریکائی راهم به‌ایران کوچ بدهند و برای کوچ دادن آنها به ایران مبلغ هنگفتی‌هم از خزانه این ملت فقیرخرج کنند وحتی این مطلب را گمان نمیکنم صحیح باشد شنیدم که میگفتند برای هریك از آنهاهم چندین تن اثاثیه بدون گمرك اجازه داده شده که بایران آورده شود بنده ازاین مطلب مستشاران آمریکائی میگذرم برای اینکه حس میکنم که اکثریت مجلس شورای ملی میخواهد این تصمیم را اتخاذ بکند و فهمیده است که وجود مستشاران آمریکائی مخصوصاً اختیارات نامحدودی که به‌دکتر میلسپو داده شده موافق مصالح مملکت ایران نیست (صحیح است) وضعیت مملکت را آقای بیات ازنظر نبودن قماش وقند و چای و دوا و طبیب و اینها لازم نیست که بنده عرض کنم بااینکه هر روز آقایان اکثریت مجلس شورای ملی از دولتهائی که بعد از شهریور سرکار آمدند یکی یکی پشتیبانی کردند هر روز وضع گرسنگی و لختی و بیدوائی و بی‌غذائی ملت ایران از روزپیش بدتر شد و دولتهائی که سرکار آمدند هیچ نوع کمکی بمردم گرسنه و لخت ایران تا امروز نکردند حتی توزیع قماش و قند و شکر که چندی پیش قبل از این کابینه اخیر تا اندازهٔ بطورنسبةً بهتری انجام میشد درماههای اخیر بکلی مختل شد و اخیراً دو عمل انجام گرفت که این دو عمل را بنده باید بشما تذکر بدهم که نظیر این در دولت آینده اتفاق نیفتد یکی اینکه بمردم به‌اهالی تهران اخیراً مقداری شکر توزیع کردند و بعدهم اعلان کردند که چون شکر سفید وقند در دسترس نیست شکرقرمز بمردم میدهند و در نتیجه همین اعلان نرخ قند وشکر سفید را دربازارسیاه بالا بردند و یك عده‌ای از آقایانی که قند و شکر را احتکار کرده بودند ازاین عمل یك منافع هنگفتی بردند یکی دیگر موضوع سهمیهٔ چای ایران از خاور میانه است با اینکه من خودم درپشت این تریبون در موقعی که با کابینه ساعد مخالفت میکردم (با کابینهٔ دوم ساعد) گفتم که اطلاع صحیح دارم که در ایران به اندازه مصرف سه سال چای موجود است و این مطلب تکذیب‌هم نشد باوجود براین اعلامیه از طرف رئیس کل دارائی منتشر شد که به‌اهالی اطلاع داده شود که کمیته تدارکات خاور میانه برای سال ۱۹۴۵ سهمیهٔ چای برای ایران قائل نشده و همین اعلان باعث شد که نرخ چای یکمرتبه در تهران بالا رفت و به یکعده معین و مشخص که قصد داشتند کمك بکنند که چایشان به قیمت ارزان فروخته نشود خدمت بزرگی شد (صحیح است) بنده اگر بگویم این کارها خیانت بمنافع ملت ایران است میترسم دو مرتبه آقایان اکثریت عصبانی بشوند یك اعلامیه صادر میشود که جیب یکعده معینی را پر کنند و آن پولها و منافع بضرر ملت ایران هم خرج شود این عمل را چی باید اسمش را گذاشت این را شما بفرمائید تامن ساکت شوم (گله‌داری ـ این اعلان که صحیح است و همینطور است) یکی از مظاهر مشروطیت یکی ازمبانی دموکراسی آزادی افراد و آزادی اجتماعات است تاحدودی که مغایرت ومخالفت باقانون اساسی نداشته باشد (صحیح است) و یکی از ارکان مشروطیت و

یکی از ارکان دموکراسی در تمام ممالك آزادی خواه دنیا احزاب است . بیست سال تمام ملت ایران از حقوق سیاسی خودش محروم بود بیست سال تمام اجتماعات و احزاب غدغن بود و همین که بعد از وقایع شهریور یکعدهٔ از مردم ایران دورهم جمع شدند و برای حفظ اصول مشروطیت و دموکراسی که ماهم برای همان اینجاجمع شده‌ایم خواستند تشکیل احزاب بدهند بموانع برخوردند که مخصوصاً دولت اخیر ساعد بیش ازهمه دولتها موانع تولید کرد آقایان اطلاع دارند که درتمام نقاط ایران باروبهٔ که آقای ساعد نسبت بدولت دوست وهمسایه ما اتحاد جماهیرشوروی پیش گرفته بود مخالفت‌هائی ابرازشد ایرادی را که ملت ایران در نمایشات بزرگی که درشهرهای مختلف مثل اراك ، رشت ، مازندران ، اصفهان داد بحکومت گذشته ساعد میگرفت جنابعالی باید توجه به آن بکنید آن ایراد این بود که دولتی که ده ماه تمام بایکعده کمپانیها راجع به امتیاز نفت صحبت کرده است و مستخدم بخرج ملت ایران استخدام کرده آورده حتی امتیازنامه هم نوشته و متخصص تحریر امتیاز ازخارج برای ایران آورده یك چنین دولتی نباید بیك دولت دوست دیگر آنطور زننده وبابی‌نزاکتی جواب بدهد هیچکس ازافراد ملت ایران ادعانکرد ونگفت که چون دولت اتحاد جماهیر شوروی درخواست امتیاز نفت کرد شما دربست باید امتیاز نفت را بیمطالعه به اتحاد جماهیرشوروی بدهید بلکه مردم ایران آنهائیکه نمایشات عظیمشان باعث ترس و وحشت دولت گذشته شد میگفتند با آن سوابق شما حق ندارید نسبت بیك دولت دوست ما عملی بکنید که این عمل علامت خصومت و دشمنی بخصوص باشد اگر دولت ساعد ده ماه پیش وقتی که درخواست امتیاز نفت از طرف دول دیگر شده بود جواب داده بود که ما این عمل را برای بعد از جنگ گذاشته‌ایم هیچکس نمی گفت که این تصمیم را چرا درباره تقاضای دولت اتحاد جماهیر شوروی بعدها اتخاذ کرده‌اید اما وقتی که نحوه عمل آنطوری شد که دولت ساعد کرد این موقع بایستی توجه کرد که علت این بی‌نزاکتی علت این سوء رفتار سیاسی که ایشان کردند چیست ؟ آیا یك خصومت مخصوصی دردولت گذشته نسبت بیکی ازهمسایه‌های ما که طرف احترام تمام ملل دنیا است وجود داشته یاوجود نداشته ؟ در نمایشاتی که در شهرهای مختلف برعلیه دولت ساعد برای این خلاف نزاکت داده شد دولت گذشته تانك و توپ و سرنیزه بجان مردم کشید و حتی در تبریز چند نفر کارگر را بقتل رساندند این کارگرها چه میگفتند ؟ کارگرها میگفتند ما میخواهیم آزاد باشیم برای اینکه بتوانیم در هرحزب و در هردسته و هر جمعیتی که منافع طبقاتی ما وصنفی ما ایجاب بکند وارد شویم این البته با افکاری که دولت ساعد در سرش میپرورانید منافات داشت درش تردید نیست حتی در روز هفتم نوامبر کارگرهای تهران اتحادیه کارگران جبهه آزادی که از سی روزنامه تشکیل شده تصمیم گرفته بودند که احساسات دوستانه خودشان را بمناسبت جشن انقلاب اکتبر نسبت بهمسایه متفق مان ابراز کنند این تشکیلات مراسلهٔ بدولت و بحکومت نظامی و شهربانی نوشتند و اطلاع دادند که ما در انروز هیچ نوع صحبتی در نمایش ومیتینك عظیمی که داریم نخواهیم کرد جز اینکه طبقه کارگر ایرانی مثل کارگرهای همه دنیا نسبت بدولت دوست ما اتحاد جماهیرشوروی تبریك وشادباش میگویند درجواب ازطرف دولت وحکومت نظامی نوشته شد که ماده هفت و ماده ده حکومت نظامی‌را بشما ابلاغ میکنیم که طابق النعل بالنعل اجرا کنید واین بخط خودشان آقای فرماندار نظامی نوشته بودند این یعنی چه ؟ یعنی در چنین روزی که تمام کارگران دنیا نسبت بیك ملت آزادی خواه نسبت بیك ملتی که در چند سال اخیر در راه حفظ آزادی و دموکراسی دنیا قربانی داده و زحمت کشیده و میتوان بجرئت گفت که آزادی و دموکراسی دنیارا یکی از ارکانی بود که ازخطر فاشیست نجات داده نسبت بچنین دولتی شما حق ندارید اظهار شادباش وتبریك بگوئید مردم تهران‌را با توپ وتانك وسرنیزه متفرق کردند و چند روز بعد ازسقوط ساعد یعنی درروز جمعه اتحادیه کارگران و جبهه آزادی بعد ازاینکه تذکر دادند که این اتحادیه منظوری

جز تبریك به اتحاد جماهیر شوروی و کارگران اتحادجماهیر شوروی ندارد موافقت کنید که کارگران ایران هم مثل کارگران همه دنیا نسبت به آنها شاد باش بگویند باز با مخالفت باقیمانده های دولت ساعد مواجه شد چون دولت ساعدرا ملت ایران ازکار بر کنارکرده بود (دکترطاهری ملت نکرد خودش استعفا داده) تبریك به اتحاد جماهیر شوروی برای جشن انقلاب اکتبر بعقیده من از سه نظر مخصوصاً واجب بود ۱ـ برای اینکه تمام مظالم دورهٔ تزاری و تمام بدیها و امتیازاتی‌را که ملت ایران متحمل شده بود انقلاب اکتبر ازایران رفع کرد و از تمام امتیازاتی که در ایران آن دولت داشت عاملین و کارگران اتحاد جماهیر شوروی گذشتند و صرف نظر کردند (صحیح است) تبریك به اتحاد جماهیر شوروی از نظر دیگری هم واجب بود و آن این بود که اتحاد جماهیر شوروی الآن متفق جنگی ما است یعنی ما برعلیه فاشیست آلمان مثل سایر متفقین یعنی در ردیف انگلستان و امریکا و اتحاد جماهیر شوروی درجنگ هستیم این نمایشات ازیك لحاظ دیگری هم واجب بود وآن این بود که همانطوریکه گفتم ملل اتحاد جماهیرشوروی در این جنگ در این جنگی که بین آزادی و ارتجاع و فاشیسم در دنیا در گرفته شانه خودش‌را زیر بار سنگینترین مسئولیتها داد و بزرگترین سختی ها و مشقات جنگ را کارگران اتحاد جماهیرشوروی برعهده گرفتند (صحیح‌است) بسیار خوب پس اگر دولتی از کارگران ایران که بخواهند به چنین ملتی که این کارها را کرده اند تبریك بگویند جلوگیری کنند اسمش را چه باید گذاشت ؟ میگویند با فاشیست‌ها همکاری کرده است یانه ؟ (هاشمی ـ ساعدفاشیست است ؟ این تکفیر سیاسی است) (سیف پور فاطمی ـ تمام ملت ایران دولت شوروی را دوست دارند و دوستی دولت شوروی بهیچوجه انحصاری نیست) دستگاه خاکمه ما این احساساتی را که آقایان نمایندگان محترم بجا ایراد کردند منعکس نکرد من شاید قبول بکنم که اکثر آقایان نماینده‌گان محترم دوستی با اتحاد جماهیر شوروی را برای ملت ایران واجب میدانند (صحیح است) ولی اگر دولتی این احساسات پاك آقایان نمایندگان‌را منعکس نکند آیا این دولت نباید مورد بازخواست واقع شود اگر رادیوئی که درتحت نظر وزیر پست و تلگراف کابینه سابق (آقای مشار) اداره میشد این رادیو در گفته‌ها وسخن پراکنی‌های خودش (بقول خودش) سعی بکند که ازمقالات و جرائدی که آن مقالات نسبت بیکی از دول دوست ما یکقدری توهین آمیز باشد استفاده بکند و جرائد آزادی خواه‌را کنار بگذارد و ازآنها اصلاً صدائی درنیاورد آیا این برخلاف میل اکثریت ملت ایران رفتار کرده یا نکرده ؟ من ناچارم یك نکته دیگری‌راهم عرض کنم چون میگویند سخن سخن میآورد آقای مشار درکابینه سابق بودند و حالاهم هستند (جمعی از نمایندگان ـ نیستند آقا) به بخشید معذرت میخواهم با صحبت های آقای سیف پور رشته سخن از دستم در رفت منظورم این است که آقای مشار که درکابینه سابق وزیرپست و تلگراف بودند و رادیو را اداره میکردند مقالات ایشان در جراید برعلیه پیمان سه گانه هنوز وجود دارد یك دولتی که میخواهد روابط خودش را با متفقین خودش حفظ بکند بایك کسی همکاری نمیکند که آن شخص در توی جراید علناً پیمان ایران با آمریکا و انگلستان واتحاد جماهیرشوروی را مخالف مصالح مملکت بداند . . .

یکنفر از نمایندگان ـ آمریکا نبود .

دکتر کشاورز ـ بهرحال نمایش دومی‌را که کارگران تهران میخواستند برله اتحاد جماهیر شوروی بدهند با توپ و سرنیزه وتانك ومسلسل متفرق کردند واجازه ندادند که ملت ایران آزادانه باتحاد جماهیرشوروی که یکی از همسایگان و متفقین ماست تبریك بگوید در حالیکه آقای روزولت رئیس جمهور آمریکا خودش بکارگرانی که برای چنین عملی جمع شده بودند آمدو بآنها تبریك گفت که یك چنین عملی کرده اند ما این ایرادات را باقای ساعد داریم در صورتیکه خودش بایستی در گفتن این تبریك پیشقدم باشد وبکارگران آزادی بدهد که این عمل را آزادانه انجام بدهند .

نایب رئیس ـ (خطاب بآقای دکتر کشاورز) آقا وقتیکه برنامهٔ دولت مطرح است این صحبتها را نکنید.

دکتر کشاورز ـ بنده دارم این عیوب را تذکر میدهم که ایشان متوجه باشند و تکرار نکنند حالا هم اگر میفرمائید صحبت نکنم!

نایب رئیس ـ اینها ببرنامه مربوط نیست.

سید ضیاءالدین طباطبائی ـ بگذارید بگویند.

حسین طهرانی ـ ما قصد داریم همه را گوش کنیم و بعد هم جواب بدهیم و تکذیب کنیم.

دکتر کشاورز ـ مرحمت دارید ولی توجه داشته باشید که مطابق قانون اساسی تمام اختیارات ناشی از ملت است و در اختلاف بین ما و اکثریت مجلس شورا ملت ایران قضاوت میکند و حرف آخر را او خواهد زد.

حسین تهرانی ـ اکثرش قابل تکذیب است.

دکتر کشاورز ـ بنظر شما البته بنده اصل دوم قانون اساسی را اینجا خدمت آقایان عرض میکنم که میگوید:

مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند. (صحیح است) آیا جلوگیری از مردم ایران برای اینکه تشکیل اتحادیه و حزب بدهند با قانون اساسی مغایرت ندارد؟

یکنفر از نمایندگان ـ در موقع حکومت نظامی خیر.

دکتر کشاورز ـ آیا صحیح است که تابلوی یک حزبی را که در مجلس شورای ملی هشت نفر نماینده دارد بکشند پائین و تابلوی یک اتحادیه کارگران را که فقط برای حفظ منافع طبقه کارگر تشکیل شده بردارند و غدغن بکنند که افراد حزب و اتحادیه در خانهٔ خودشان تجمع نکنند آیا این مغایرت با قانون اساسی ندارد؟ این مغایرت با اصل سیزدهم متمم قانون اساسی ندارد؟ که میگوید:

منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی قهراً نمیتوان داخل شد مگر بحکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده.

چند نفر از نمایندگان ـ با قانون حکومت نظامی مغایرت دارد.

آن گفتگو برپا گشته اساس و بنای آن جادو جنجال و غوغا بوده است.)

اکثر از نمایندگان ـ صحیح است. صحیح است

دکتر کشاورز ـ بنده هم منظورم این بود که این موضوع را تذکر بدهم و آقایان اکثریت صحیح است هم بگویند (در این موقع آقای منوچهر تیمور تاش با تعرض و عصبانیت از مجلس خارج شدند) راجع باین قضیه نظر آقایان نمایندگان معلوم شد حالا اجازه بفرمائید بنده هم نظر خودم را عرض بکنم در ایران یک عده از روزنامه نگاران بنام جبههٔ آزادی دور هم جمع شده‌اند این روزنامه‌ها اسامیشان معلوم و معین است ۳۰ روزنامه است که ۲۵ روزنامه‌اش چه در تهران و چه در ولایات در حال انتشار است که تمام آنها با دولت آقای ساعد مخالفت کردند در ایران یک حزبی هم هست که میگویند حزب توده حالا صحیح است یا صحیح نیست بنده نمیدانم آقایان اکثریت بفرمایند آیا یک حزبی هست که میگویند حزب توده این حزب هم دارای یک تشکیلاتی است در تهران و در تمام شهرستانها حالا آیا این حزب قوی است یا نه بنده نمیدانم آنرا هم آقایان اکثریت میدانند این حزب با تمام تشکیلاتش با طرز و رفتار کابینه آقای ساعد مخالفت کرده است اتحادیه کارگرانی نیز در ایران وجود دارد که از قراریکه میگویند بیش از دویست هزار نفر کارگر و عضو دارد این اتحادیه کارگران هم با دولت آقای ساعد مخالفت کرد روزنامه حزبی هم که رهبر باشد که بنظر من بعد از روزنامه اطلاعات کثیرالانتشارترین روزنامه‌های ایران است آنهم با دولت آقای ساعد مخالفت کرد یک روزنامه دیگر بهم بنام ایران ما وجود دارد که خیلی مورد علاقهٔ روشنفکران و جوانان ایرانی است که آنهم از قراریکه میگویند یکی از روزنامه‌های خیلی کثیرالانتشار است که آنهم با دولت آقای ساعد مخالفت کرده چرا باید آقای تقی‌زاده از وجود این مجریان اطلاع داشته باشند جز اینکه باید بدانند که آن روزنامه‌هائیکه مخالفت کردند قلیل‌الانتشار نبوده‌اند آن تشکیلاتی که با دولت آقای ساعد مخالفت کرده غیر مهم نبوده است و جار و جنجال و غوغا راه نیانداخته اینها صلاح مملکت ایران نیست ما وقتیکه سفیر کبیر در یک مملکتی داریم این سفیر کبیر وقتیکه خواست صحبت بکند باید عین وقایع را صحبت بکند وقایع و حقایق را منعکس بکند نه اینکه در وقایع و حقایق تغییر و تبدیل بدهد تذکر دیگری که میخواستم بدولت آقای ساعد بدهم....

نمایندگان ـ آقای بیات نه آقای ساعد.

دکتر کشاورز ـ چون خیلی با آقای ساعد مخالف هستم اسمشان هم از خاطرم نمیرود تذکر دیگری که میخواستم بآقای بیات بدهم این بود که توجه بفرمایند مثل دولت گذشته با بی‌اعتنائی نسبت باعضاء جزء ادارات و کارگران و سربازان و افسران جزء رفتار نکنند بحال و زندگی اینها توجه مخصوص بنمایند اینها اشخاصی هستند که در مملکت ما چرخ اداری طبقه حاکمه و چرخ دستگاه های مملکت را میچرخانند و خیلی از این اعضاء ادارات و افسران اشخاصی هستند که دامنشان بدزدی و رشوه‌خواری و حیف و میل مال دولت و ملت ایران آلوده نشده و اینها با حقوقی که میگیرند نمیتوانند زندگی خودشانرا با این زندگی گران که دستگاه دولت گذشته باین گرانی هم کمک کرد بچرخانند نسبت باینها یک توجه مخصوصی بکنند و بعلاوه نسبت بحوزهٔ انتخابیه خودم هم باید بگویم چایکاران گیلان، برنج کاران گیلان، توتون کاران گیلان و اشخاصیکه تخم نوغان و ابریشم بعمل میآورند همه‌شان دارند از بین میروند و همانطور که خبر دارید مخصوصاً در نتیجه بی‌مبالاتی دولتهای گذشته وضع نوغان و پیله بسیار خراب شده و بکلی از بین رفته و حتی تخم نوغان باندازه کافی نتوانستند تهیه بکنند و در اینکار یک دستهائی در کار بوده است که این دستها برای سوء استفاده خودشان برای اینکه رشوه بگیرند تخم نوغان خراب را چند بار باسم تخم نوغان صحیح با رشوه قبول کردند و این باعث شد که بکلی جنس ابریشم و تخم نوغان بکلی از بین برود باین نکته خواهش میکنم توجه مخصوصی داشته باشید و توجه بکنید و در نظر داشته باشید که ثروت گیلان یعنی چای یعنی توتون یعنی

برنج یعنی تخم لوغان و ابریشم این چهار تا را مخصوصاً توجه کنید اگر مردم گیلان نتوانند این اجناس خودشان را آنطور که لازم است بفروشند تمام دهقانان زارعین و کارگران گیلان از بین میروند و بیکار میشوند چند کلمه دیگر هم میگویم و عرض خودم را تمام میکنم و آن چند کلمه راجع بآرتش است تمام ملت ایران و آقایان نمایندگان اطمینان دارند و باین نکته اذعان دارند که ما احتیاج داریم بیك آرتش قوی بیك آرتش نیرومند و یك آرتش ملی اما متأسفانه با اینکه عده زیادی از آقایان نمایندگان تصدیق میکنند که از شهریور ببعد تصفیهٔ‌ای که لازم بود درسران آرتش انجام بگیرد انجام نشده معهذا تا بحال دولتهای گذشته باین تصفیه توجه ننموده‌اند من چند بار پشت تریبون تذکر داده‌ام که این افسرانیکه مال سربازو ملت را دزدیده‌اند افسرانیکه با بیت المال ملت بازی کرده‌اند و بیت المال ملت ایران را چپاول کرده‌اند باید بحسابشان رسیدگی شود دیده بشود که حقوق آنها چه مقداری پس انداز شده چطور صاحب چندین دستگاه خانه و مقدار زیادی باغ و ملك هستند این ها را باید توجه کرد بحساب افسرانیکه بآرتش و به ایران خیانت کرده‌اند رسیدگی کرد تا آن افسرانی که پاکند و عده شان هم زیاد است آن افسران جزئی که پاکدامن و فداکار هستند و عده شان هم خیلی زیاد است شناخته و تقدیر بشوند ملت ایران این ارتش را با چشم خوب نگاه بکند و آنها را از خودش بداند یکی از اصلاحات دیگری که لازم است و باید در دولت آقای بیات انجام بگیرد موضوع اصلاح شهرداری است وضع آب وضع اغذیه در تهران بسیار خراب است

هاشمی ـ صحیح است

دکتر کشاورز ـ گرانی جنس مستقیماً یکی از مسئولینش شهرداری و دستگاه شهرداری است و در آنجا از قراریکه همه میشنویم حیف و میلهائی مدتها ست از چندین سال پیش تا بحال متصدیان امر میکنند و بهیچوجه تا بحال هیچ قدرتی نتوانسته است آنها را از کار بر کنار بکند نکتهٔ دیگری هم که باید عرض بکنم این است که شهرداری علناً با شرکت اعضاء خودش با شرکت رفته گران شهرداری در اتحادیه کارگران مخالفت میکند لازمه مشروطیت و دموکراسی این است که شما اجازه بدهید که هر عضو و هر فردی در هر درجه که هست وارد هر حزب و هر اتحادیه که دلش میخواهد و صلاح میداند بشود امروز دنیا وضعش تغییر کرده امروز برخلاف قول یکی از روزنامه فروشها که صحیح هم همین است که اورا روزنامه فروش بخوانیم زیرا روزنامه‌اش را بارتجاع فروخته است پرتقال فروشی و کارگر و حمال فحش نیست پرتقال فروشی که صبح تا شب پرتقال رامیخرد و سعی میکند که چند تا پرتقال بفروشد و برای زن و بچهٔ فقیرش شب خرجی ببرد که در یك اطاق تنگ و تاریك زندگی بکنند بعقیده من این پرتقال فروش هزار بار از آن وزیر دزد و وکیل دزد شرافت بیشتر دارد (صحیح است) بنابراین کارگر را از اینکه از حقوق صنفی خودش دفاع بکند نباید جلوگیری کنند شهرداری و دستگاه حاکمه ما نباید هر کسیرا که عضو یك حزب میشود و عضو یك اتحادیه میشود ورقه اش را ازش بگیرند و بگویند تورا بیرون میکنیم برای اینکه عضو فلان اتحادیه هستی سخن من بدرازا کشید بنده مطالبم را تمام میکنم و راجع بآقایان وزیرانشان یعنی نسبت به بعضیهاشان مخصوصاً بیکی از آنها که آقای سروری هستند به مناسبت اینکه در کابینهٔ گذشته که ما بعقیدهٔ ما آن کابینه را صالح نمیدانیم و ایشان چون عضو آن کابینه بودند بایشان و با یکی دو نفر از اعضای دیگر قطعاً موافق نیستیم و در برنامهٔ شما هم کوتاه صحبت میکنم برای اینکه شاید رفقای من هم صحبت بکنند بر نامهٔ شما برنامهٔ واضح و روشن و صریح نیست یك کلیاتی اینجا نوشته‌اید مثلاً یکی این است که (تهیه کار برای کسانیکه ممکن است بیکار شوند) الآن در ایران عده زیادی برای تعطیل کارهای متفقین بیکار هستند اینها را باید بطور صریح و روشن گفت که با چه زمینه و با چه وسایل و نقشهٔ برای اینها تهیه کار خواهید کرد رو بهمرفته بنده میتوانم عرض کنم که با تمام مطالبی که گفتم و این وضعیتی که برای جنابعالی روشن کردم که ایران الآن در چه حال است تصور

می کنم که شما کسی نباشید که بتوانید این کارها را اصلاح کنید امیدوارم که خلاف این نظر من ثابت شود.

نخست وزیر (آقای بیات) ـ نظر باینکه آقایان نمایندگان محترم البته درخاطر دارند که خود این بنده در ادوار مجلس سمت افتخار عضویت مجلس شورای ملی را داشته‌ام و حقیقتاً همیشه معتقدم که مجلس شورای ملی واقعاً باید طرف احترام و توجه عموم باشد و البته باید سرمشق کلیه امورات در مملکت قرار بگیرد این است که در این موقع مخصوصاً میخواستم خواهش کنم و تقاضا نمایم که آقایان با کمال توجه و خونسردی صحبت بکنند و نظریات خودشانرا بدهند و بنده هم حاضرم با کمال میل نظریات آقایان موافقین و مخالفین را تماماً گوش بدهم و این را هم میخواستم عرض کنم که آنچه اظهاراتی که میشود بنده یادداشت برمیدارم و جواب کلیه آقایان را البته بعد از اینکه نظر موافق و مخالف را شنیدم و مجموعهٔ نظریهٔ که بدستم آمد بعرض مجلس شورای ملی میرسانم

نایب رئیس ـ آقای اردلان

اردلان ـ بنده اسم خودم را در برنامهٔ دولت ثبت کرده بودم که بعنوان موافق صحبت بکنم و منظورم از این اجازه یك مطالب کلی بود که میخواستم راجع بامور مملکتی در موقعیکه برنامهٔ دولت مطرح است این مطالب را بعرض هیئت دولت و آقای نخست وزیر برسانم که مورد توجه بشود ولی ضمناً آقای دکتر کشاورز یك مطالبی فرمودند که شاید آقای نخست وزیر و یکعده از رفقای محترم جواب خواهند داد لیکن بنده یك قسمتش را لازم دانستم جواب عرض کنم در ابتدای فرمایشاتشان اشاره فرمودند از نمایندگانی که در مجلس شورای ملی وجود دارند و از موضوع کودتا بنده عقیده دارم در موقعیکه اعتبار نامه ایشان در مجلس شورای ملی مطرح بود مذاکرات باندازه کافی شده بنابراین ایجاد یك موضوعی در یك جائیکه مرکز ثقل مملکت است دوباره صحبت بکنیم و بدون جهت اختلافی ایجاد بکنیم شایسته نیست این یك تصمیمی است که مجلس شورای ملی گرفت و مجلس وارد مذاکره شد اما یك قسمت فرمایشات دیگری فرموده‌اند که بیشترش مربوط ببرنامه کابینه فعلی آقای بیات نبود مربوط بکابینه گذشته بود که استعفاء کرده بود.

دکتر کشاورز ـ (خطاب بآقای اردلان) شما جواب بنده رامیدهید یا آمده‌اید موافقت خودتان را اظهار کنید.

اردلان ـ البته در موقع خودش مجلس شورای ملی به نمایندگان اجازه میدهد که با کمال آزادی از دولت وقت سؤال بکنند و استیضاح نمایند ولی حالا آنهاهم نباید جواب بدهند زیرا مربوط ببرنامه ای که امروز مورد بحث است نبود یك فرمایش دیگری فرمودند راجع بقانون حکومت نظامی خواستم عرض کنم که قانون تا وقتی که لغو نشده همیشه محترم است بنا بر این قانون حکومت نظامی هم که هنوز لغو نشده بقوت خودش باقی است در آن موقع که وضع شد بفرمایش آقا برای یك امر مخصوصی بود ولی چون تا بحال لغو نشده بحال خودش باقی است ممکن است آقا طرحی پیشنهاد بفرمایند که در مجلس مطرح شود و این قانون حکومت نظامی را اصلاح فرمایند بیك نحوه بهتری آنوقت البته وقتی که اصلاح شد اجراء خواهد شد پس تا موقعی که قانون حکومت نظامی لغو نشده بقوت خودش باقی است البته همهٔ ماها معتقد هستیم که در مملکت مشروطه احزاب باید وجود داشته باشد مجامع باید باشد کنفرانسها باید داده شود ولی بنده شخصاً امیدوارم که هیچوقت در این مملکت زنده نباشم که وضعیت آن نمایشی را که در آن روز داده شد ببینم بهر حال مطالبی که میخواستم راجع ببرنامهٔ دولت آقای بیات عرض کنم بدو قسمت تقسیم میشود یکی راجع بسیاست خارجی است و دیگری راجع باوضاع داخلی مملکت خودمان است اما در قسمت سیاست خارجی بنده می خواستم این مطلب را عرض کنم که همه آقایان بخاطر دارند در مدت چند روز فرداً فرد اهالی این مملکت بمناسبت یك قضیه ای یك نگرانیهائی داشتند. از هر فردی از افراد این مملکت که ملاقات میکردید یك نگرانیهائی داشتند. حالا بنده نمیخواهم علت را بگویم که چرا و چه پیش آمد شد ولی آنچه بنده مطالعه میکردم فکر میکردم که ممکن بود ما کاوش بکنیم

وعلت اینکه این نگرانی در مملکت با آن وضعیت ایجاد شد پیدا کنیم. پس از اینکه بنده تفکر کردم علت این بود و خواهش میکنم که دولت حاضر کاملاً درش نظر داشته باشد و آن این بود که دولت سابق ما در سیاست خارجی خودش با مجلس شورای ملی زیاد تماس نداشت بلکه دولت در سیاست خارجی خودش تماسش با مجلس شورای ملی ناچیز و صفر بود. برای این موضوع بنده لازم است که یك مختصر توضیحی عرض بکنم و آن این است که در چندی قبل ما سفرای خودمان را از انگلستان و مصر و عراق و ترکیه بتهران احضار کردیم و اینها در وزارت خارجه جلسات متعددی داشتند و راجع بسیاست خارجی مملکت خیلی بحث شد و تصمیمی اتخاذ کردند و بعد هم بمحلهای خودشان مراجعت کردند. بنده که یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی هستم تا این ساعت بهیچوجه از این سیاست خارجی و تصمیمی که اتخاذ شده مطلع نشدم و بنظر بنده این صلاح نیست. دولت باید در سیاست خارجی خودش همیشه تماس مستقیم با مجلس شورای ملی داشته باشد. باور بفرمائید اگر این تماس مستقیم با مجلس شورای ملی بود بنده یقین دارم این نگرانیها بوجود نمی آمد. حالا هم این سفرای ما رفتند و تصمیماتی اتخاذ شد و ممکن است در آتیه یك مطالبی آنجا عرض اندام بکنند که چون ما مطلع نیستیم باز یك مشکلاتی برای ما ایجاد کند وظیفه دولت اینست که مجلس شورای ملی را از جریان امور سیاست خارجی همیشه مستحضر بکند و اورا در تماس مستقیم نگاه دارد: این است که از دولت آقای بیات بنده تمنا دارم که این نظر را کاملاً رعایت بکنند مثلاً دولت افغانستان که دولت دوست و همسایه ما است یك وزیر مختاری برای ترکیه تعیین میکند آن وزیر مختار میآید در تهران دو شب میماند و بعد میرود بترکیه یا مرخصی میگیرد و از ترکیه برمیگردد بافغانستان دو شب اینجا میماند اگر بنده که دو مجلس شورای ملی وکیل هستم از مسافرت او اطلاع پیدا میکنم حتی همین وضعیت اگر برای سفرای ما که از خارجه آمده اند از لندن یا از مصر آمده اند اتفاق بیفتد ممکن است هیچ اطلاعی بدست نیاید. مثلاً یکی از سفرای ما که در لندن بود که آقای تقی زاده باشد البته شایسته بود که ایشان که برگشته بودند و چند روزی در اینجا بودند یك روز یك جلسه ای تشکیل میدادند و آقایان نمایندگان را دعوت میکردند که بگویند این چند سالی که من در آنجا بودم مذاکرات سیاسی که من در آنجا کرده ام چه بوده است: این بنظر بنده لازم بود که این تماس با مجلس شورای ملی همیشه رعایت بشود در هر صورت این عقیدهٔ بنده است. حالا که بنده در این موضوع صحبت کردم خواستم یك تذکری عرض بکنم و از جناب آقای نخست وزیر خواهش بکنم راجع باین محبوسین سیاسی که ما داریم یك توجهی بفرمایند. چندی قبل بنده بطرشت رفته بودم و یك عمارتی در آن جا بود و آنها مثل اینکه استغاثه میکردند که نسبت بآنها توجهی بشود. بنده چند روز قبل از رادیوی انگلستان یك مطلبی شنیدم که چون باین مطلبی که الآن اینجا عرض کردم ارتباط دارد عرض میکنم رادیوی انگلستان در ضمن گزارشات خودش میگفت که چند نفر از اهالی بلژیك آمدند نامهٔ نوشتند که یك افسر آلمانی نسبت باهالی محل خود خیلی بدرفتاری کرده محاکمه اش را تقاضا کردند. در آنجا ذکر شد که محاکمه برای این شخص تشکیل دادند و چون مدارك کافی برای اینکه معلوم بشود این افسر مجرم و مقصر است در دست نبود آن محکمه آمریکائی که در بلژیك تشکیل داده بودند آن افسر را تبرئه کرد و بنده حقیقةً از این خبر لذت بردم که ما با متفقین عهد و پیمان بستیم که با اشخاصی که آنها چندسال است در جنگ هستند و آنها شهرهایشان را اینطور خراب کرده اند و جوانهایشان را کشته اند معهذا عدالتشان تا این حد است که تا وقتی یك مدارك کافی ابراز نشود محکمهٔ آنها آن شخص را محکوم نمیکند. چندی قبل یك کاغذی از رشت برای من رسیده بود فرستنده اسمش آقای نصرت الله صوفی سیاوش بود و این شخص مینویسد که مدت ۱۵ ماه است باسم اینکه من از ستون ۵ هستم آورده اند و در رشت حبس کردند و من ظلم میخواست یك محاکمه ای تشکیل بشود و ما بگوئیم که آقا

ما باستون پنجم چکار داریم؟ بیچاره هستیم بدبخت هستیم چند نفر چای کار هستیم و این پدر ما باید زندگی مارا اداره کند. بنده هم چون در رادیو شنیدم که اینها اینقدر دقیق هستند و رعایت میکنند یقین دارم که اگر دولت ما هم مذاکره بکنند نسبت باین اشخاص هم مسلماً آنچه حق و عدالت حکم میکند رفتار خواهند کرد. بنده خودم از اشخاصی هستم که موافق هستم هر کس بر خلاف مصالح مملکت یا دولی که ما با آنها عقد و اتحاد بسته ایم بخواهد اقدامی بکند باید شدیداً مجازات بشود چرا؟ برای اینکه این معاهده را مجلس شورای ملی بسته است و باید رعایت بشود. اما اگر یك اشخاصی غرض دارند و میآیند یك نسبت هائی میدهند نباید یك نفر ایرانی که زن و بچه اش در جای دیگر هستند ۱۵ ماه بیاید در تهران حبس بشود بدون اینکه تقصیر او معلوم باشد که امیدوارم توجهی در این قسمت بشود. اما نسبت بامور داخلی بنده یك چند کلمه عرض خواهم کرد: البته چون وقت تنگ است باختصار عرض میکنم. عرض بنده راجع باین محور اقتصادی مملکت یعنی بانك ملی ایران است بنده گمان نمیکنم هیچیك از آقایان نمایندگان باشند که توجه خاصی باین مؤسسه ملی ما نداشته باشند. بدبختانه یك اختلاف و مشاجره ای برای این مؤسسه ملی ایجاد شده است که بضرر این مؤسسه و بضرر مملکت است. بنده از جناب آقای نخست وزیر تمنی میکنم یك توجه خاصی نسبت باین موضوع بفرمایند. بنده خودم عضو بانك ملی ایران بودم و در چند سال قبل یك نامه ای بدستم افتاد که نوشته بود روی پاکت محرمانه و مستقیم یکی از بانکهای ممالك مهم دنیا بیك مملکت دیگری ببانکش کاغذ نوشته بود که یك بانکی در ایران ایجاد شده بنام بانك ملی ایران خواهش میکنم اگر از این بانك اطلاعی دارید و با این مملکت رابطه ای دارید برای ما بفرستید و این جواب بانك آن مملکت را داده بود (البته اگر اشتباه نمیشد بدست من نمیافتاد و مورد بحث من واقع نمیشد چون این کاغذ را بعوض اینکه برای ای بفرستند این را مستقیماً ببانك ملی ایران فرستاده بودند) در جواب آن نامه نوشته بود که این یك بانکی است که تأسیس شده و سرمایه اش فلان ولی شمارا متذکر میکنم که اعتبارات مالی این بانك رابطه مستقیم باسیاست و قدرت مالی دولت ایران دارد. شما که میخواهید با آن بانك معامله کنید همیشه توجهتان باین قسمت باشد حالا سالهای سال ما باید بخارجیها و مؤسسات ملی دنیا حالی کنیم که درست است که اعتبارات این بانك صددرصد مال دولت است ولی اینطور نیست که خزانه بانك ملی ایران مال دولت باشد دستش را بگذارد هر وقت هر قدر پول میخواهد بردارد. این یك مؤسسه ای است ملی اساسنامه او از تصویب مجلس شورای ملی گذشته و کاملاً اختیارات مالی صحیح دارد. پس می بینیم که ممالك دیگر بسیار متوجه این مؤسسه بزرگ اقتصادی ما هستند و بسیار ناروا است که دولت ما بگذارد یك اختلافی بوجود بیاید که رئیس کل دارائی ما بخارجه بنویسد که امضای رئیس بانك ملی ایران اعتباری ندارد.

امیر تیمور ـ حق نداشته بی جا کرده غلط کرده است (خنده نمایندگان).

اردلان ـ بنده تصور میکنم که این کار برای عدم تصمیم دولت بوده است برای اینکه دولت باید نیمساعت رئیس کل دارائی را صدا بکند و رئیس بانك را صدا بکند و مذاکره بکند و بگذارد قضیه اینطور بشود. ما یك مؤسسه ای داریم که بوسیله آن مؤسسه میتوانیم مایحتاج و کارهای اقتصادی خودمان و اعتبارات خودمان را بوسیله آن بر آورده کنیم نباید بگذاریم که کوچکترین رخنه و سستی در این مؤسسه ملی ما بوجود بیاید ولی این مطالب را نیز بنده ناچارم بگویم که هیئت مدیره این بانك هم نباید برای بقای خودشان متشبث بوزیر بشوند متشبث بوکیل بشوند متشبث باشخاص متنفذ بشوند (دکتر عبده ـ متشبث نشده اند) تنها چیزی که نگهدار این مؤسسه ملی ما است ترازنامه او است حساب شود و زیان او است رفتار درست این بانك نگهبان این بانك است نباید هیئت مدیره این بانك برای بقای خودشان هیچ وسیله ای پیدا کنند جز دفتر درست ترازنامه

درست وحساب درست اگر اینهارا داشتند دولت باید از آنها پشتیبانی بکند و مجلس هم باید پشتیبانی بکند و الا آن رئیس بانکی که بخواهد برای بقای خودش متشبث بشود ضرر ببانك ملی ایران میخورد و نباید که این کار را بکنند این است که تقاضا میکنم دولت باین موضوع توجه کند و مخصوصاً این قسمتش را بمنتهای درجه توجه بکند که این مؤسسه ملی ما خدای نکرده تزلزلی درش حاصل نشود زیرا روح اقتصادی ما و سنگ بزرگی که ما میتوانیم پایه اش را بگذاریم بانك ملی ما است زیرا که بانك ملی ما ناشر اسکناس است درعین حال بنده یك تذکری خواستم بجناب آقای وزیر دارائی عرض کنم . بنده چندی قبل که رفتم از مجلس شورای ملی حقوق بگیرم دیدم که اسکناس های صد ریالی به بنده دادند که در این اسکناسهای صد ریالی جدید آن عبارتی که روی اسکناسهای قدیم نوشته شده بود نبودو این موضوع در حفظ اعتبار این مؤسسه بسیار تأثیر دارد. در اسفند ۱۳۱۰ قانونی از مجلس شورای ملی گذشته است که یك پهلوی طلا عبارت است از یك سکه ای که هفت گرم و سی و سه صدم گرم طلای خالص داشته باشد و برابر است با یکصد ریال و در تمام اسکناسهای سابق نوشته میشد یکصد ریال برابر یك پهلوی بنا بر این ارزش این اسکناس یکصد ریالی یك پهلوی طلا است وبنده نمیدانم بچه مناسبت دراین اسکناسهای جدید این عبارت حذف شده (دکتر شفق — اشتباه شده) این اشتباهات قابل بخشش نیست برای اینکه ما باین مؤسسه فوق العاده علاقمند هستیم کوچکترین عملی که بخواهد این مؤسسه را درش صدمه بزند ما باید مراقب باشیم وبگذاریم اسکناس صد ریال برابر یك پهلوی طلا است این موضوع ندارد که نوشته نشود تمنا دارم اگر میخواهند اسکناسهای جدیدی چاپ کنند مراقب این باشند قانونی که ازمجلس شورای ملی میگذرد تامدتی که لغونشده باید رعایت بشود در اسفند ۱۳۱۰ قانونی از مجلس گذشته و باید این موضوع نوشته شود . بنده یك عرایض دیگری دارم که البته سعی میکنم خیلی مختصر عرض بکنم و آن راجع بانحصارات است که درمجلس شورای ملی بنده چند نوبت راجع باین موضوع عرض کرده ام و استدعا میکنم توجه بفرمایند که نظر بنده این است که دولت باوضع حاضر صلاح نیست در انحصار کالاها دخالت بکند تنها باید حمایت بکند نه خودش انحصار را نگاه دارد . خیلی فرق است بین یك دولتی که خودش انحصار کالاهارا نگاه دارد با یك دولتی که حمایت بکند. حالا بنده نمیخواهم دراین خصوص زیاد بحث بکنم فقط یك مثال عرض میکنم وازاین مثال ما میتوانیم بسایر نکات پی ببریم . موضوع مثال بنده موضوع انحصار چای است بنده انحصار چای را مخالف منافع مملکت ایران تشخیص داده ام ولی درعین حال حمایت دولت را برای محصول چای داخله ایران لازم میدانم واین دوقضیه ایست که باید ازهم تفکیك شود . انحصار چای باعث شده است که محصول چای داخله مارونقش را ازدست بدهد آقایان توجه دارند که چای یك محصولی است یك بوته ای است که در هندوستان هم هست در لاهیجان هم هست علت اینکه چای داخله ما بخوبی چای خارجه نیست برای این است که اگرزارع گیلانی متوجه شد که دولت چای محصول داخله را بیك قیمت معینی میخرد دیگر اومراقبت در تهیه کردن این چای نمیکند وچون شماالآن چای داخله ایران دارید تاجر ها را مجبور میکنند که علاوه براینکه چای از خارجه وارد میکنند یك مقدارهم حتماً ازچای ایران بخرند تاجر هم این چای را میخرد ولی چون خوب نیست آن را با چای خارجه مخلوط میکند و میکشد روی قیمت چای خارجه . بنابراین من که میخواهم یك استکان چای بخورم باید بدون جهت یك مالیاتی بدهم بآن چایکاری که در رشت است وچون اوهم میداند که دولت این چای را ازاو بیك قیمت معینی میخرد آنوقت آن دقت و مراقبتی که باید در عمل آوردن چای بکند نمیکند . . .

امینی ـ اینطور نیست آقا بدون اطلاع نفرمائید .

اردلان ـ دولت نباید انحصار چای را نگاهدارد بلکه باید حمایت بکند .

امینی ـ آقا این موضوع را واگذار کنید بما .

اردلان ـ . . . حمایت دولت چه جور است؟ حمایت دولت این است که اولاً چای از خارجه نیاید ثانیاً مالیاتی که از چای خارجه که بایران میآید میگیرند از محصول داخلی ایران نگیرد و در تمام نقاطی که ما چای بعمل میآوریم در ایران باید دولت یك متخصصین چایکار داشته باشد که اگر چایکار محتاج بیك اطلاعاتی است راجع بچای وراجع بعمل آوردن چای باین متخصص مراجعه بکند و از او اطلاعاتی بخواهد واین شخص باید چایکاران را تعلیم بدهد یاد بدهد اینهایك نظریاتی است که دولت میتواند حمایت از این محصول داخلی کرده باشد ولی خودش بنظر بنده بهیچوجه صلاح نیست که انحصار داشته باشد . همینطور انحصار پنبه وچیزهای دیگر که بنده تشخیص میدهم که این انحصارها بضرر مملکت است . بالاخره این نظر بنده است ممکن است آقای امینی و سایر آقایان یك نظریات دیگری داشته باشند (امینی ـ بنده جسارتاً عرض کردم) این نظر بنده بود امیدوارم که دولت حاضر نسبت بعرایضی که بنده کردم توجه بفرمایند وبنده هم ازموافقین دولت هستم ورأی هم خواهم داد .

نایب رئیس ـ پیشنهادی راجع بختم جلسه رسیده است خوبست آقایان موافقت بفرمایند (صحیح است) حالا جلسه را بعنوان تنفس ختم میکنیم جلسه آتیه هم فردا (**چهارشنبه ۸ آذرماه**) سه ساعت قبل از ظهر دستور هم بقیه شور در برنامه دولت .

(مجلس یکساعت وده دقیقه بعداز ظهر بعنوان تنفس تعطیل و مجدداً روز چهارشنبه ۸ آذرماه یکساعت قبل ازظهر بریاست آقای ملك مدنی (نایب رئیس) تشکیل گردید)

نایب رئیس ـ جلسه پیش چون تنفس داده شده بقیه مذاکرات در برنامه دولت شروع میشود . آقای طباطبائی

محمد طباطبائی ـ عرض میکنم اگر یك قدری بنده دیرتر شروع کردم بصحبت برای این بود که قدری زیادتر بصحبتم توجه بفرمائید . آقایان بنظر من بزرگترین مصیبت ها برای ملت و جامعه ای اختلال فکری اختلال دماغی وهرج و مرجی است که در افکار عمومی پیدا میشود ، همانطور که افراد و اشخاص ممکن است مریض بشوند و گاهی شدت مرض یك شخصی رامیبرد روبمرك و هلاکت ، جامعه ها واجتماعات بشری هم همین طور است ملل دچار مصائب و امراض مختلفه میشوند . و گاهی مرض جامعه ای بقدری شدت پیدامیکند که مثل حال یك مریض و یك بیمار سخت آن جامعه وآن ملت را روبانقراض وسقوط میبرد وبنظر من مهلك ترین امراض مرض اختلال فکری است ، هرج و مرج فکری نا منظم کار کردن دستگاه فکری و دماغی آن جامعه است وقتی این طور شد مملکت و جامعه بطوریکه اشاره کردم و عرض کردم رو به نیستی و زوال میرود و اگر مراجعه بفرمائید بتاریخ گذشته ایران و یك قدری دقت بفرمائید خواهید دید که این اختلال فکری و این هرج و مرج فکری در سابق شاید مثل حالا کمتر نظیر داشته است متأسفانه هر وقت این مملکت یك مقداری از قید و محدودیت بیرون میآید همین اندازه که ما احساس میکنیم یك مقداری آزاد هستیم با کمال تأسف می بینیم که این هرج ومرج فکری دامنه اش وسیعتر می شود بعداز اینکه دوره ۱۳ خاتمه پیدا کرد بنده خودم هم شخصاً ازطرفداران تجدید انتخابات بودم در آن دوره صحبت ازتمدید مجلس هم بود ، انتخابات اعلان شد بجریان افتاد ، در همه جای مملکت و مخصوصاً در تهران ملاحظه فرمودید پشت شیشه های هر مغازه ای هر دکانی هر کس هوس کرده بود یك اعلان چاپ کرده و نوشته بود که اگر وکیل میخواهید چنین و چنان وچنان وچنین باشد مرا انتخاب کنید من باین داعیه اعتراضی ندارم علی الاصول ـ البته در مملکت مشروطه این حق عمومی است و هر کس میتواند بگوید که من میخواهم وکیل بشوم ، اما در یك جائی که ۱۲ نفر باید انتخاب بشوند آن هم در این عصر آیا واقعاً جا دارد که دوازده هزار نفر کسب و کار و شغلشان را ول کنند در بدر بدوند که من میخواهم وکیل بشوم و بروم مجلس ؟ ملاحظه فرمودید با هر کسی صحبت میخواستید بکنید یا هر کسی به شما مراجعه میکرد نتیجه صحبت این بود که مرا فراموش نکنید ، این نمونه ایست ازاختلال فکری یك ملتی ـ در آن

کابینه که من مقداری صحبت کردم در اطراف و حواشی صحبت بدون اینکه قصدی داشته باشم غرضی داشته باشم اشاره کردم باین مطلب که مملکت مثل یك ماشینی است که هر چرخی هر پیچ و مهرهٔ باید کار خودش را بکند ، اگر اینها بهم ریختند و این دستگاه انتظام کار خودش را از دست داد این ماشین دیگر کار نخواهد کرد مملکت هم همینطور است اگر بناشد همهٔ مردم بیجهة و بی مناسبت شغل و کار و حرفه خودشان را ول بکنند و توی کار هم توی شغل هم بدوند این اسمش هرج و مرج است ، این اسمش اختلال است ، نتیجه اش همین روح طغیان و سر کشی است که در این مملکت هست که خدای نکرده ما را رو به انقراض میبرد ، این مطلب توی دماغ من بود وقتی که انتخابات خاتمه پیدا کرد کم کم میخواستم فراموش کنم ولی بعد که یکی دو دفعه کابینه افتاد و قرار شد که کابینهٔ دیگری بیاید روی کار در این یکماهه اخیر دیدیم که این امر هم شبیه بامر انتخابات شده و زیر شدن مردم را ناخوش کرده هر کس از خانه اش بیرون میآید ، هر که با هر کس خویش بود و سلام علیك داشت و وقتی به او میرسید التماس دعای وزیر شدن داشت ، شما باور کنید ، خود آقایان بهتر از من شاهدند چون در این جریانها اکثر و زیادتر وارد هستند کمتر تلفونی است به انسان میکنند کمتر احوال شریفی است که میپرسند که این مسئله ضمناً نباشد که در کابینه یك جائی برای من باز کنید ، البته وزیر شدن گناه نیست آنهائی هم که وزیر شده اند یك پهلوانهای نوظهوری نبودند و نیستند . اما ابتذال مقام هم در مملکت تا این درجه نباید باشد وقتی که کابینه آقای ساعد آمد بمجلس معرفی شد من از مخالفین بودم آنوقت که صحبت کردیم من گفتم که آقای ساعد و کابینه ای که آمده است بمجلس ناتوان تر از آن است که در یك همچو موقعی بتواند زمام مملکت را در دست بگیرد و برای مدت نسبتاً طولانی بتواند در این مملکت حکومت کند گویا آنوقت من عرض کردم بیشتر از دو ماه طول نخواهد کشید اکثریت ظرفدار ایشان فریاد کردند و گفتند که او را نگاه میداریم و متأسفانه ملاحظه فرمودید که دو ماه هم طول نکشید گویا عمر کابینه اخیر آقای ساعد پنجاه یا پنجاه و یکی دو روز بیشتر نبود کابینه ساعد علاوه بر ضعف و فتوری که داشت در نتیجه یك اشکال سیاسی ، یك محظور بزرگ سیاسی که پیش آمد یا پیش آوردند سقوط کرد ، وقتی کابینه ایشان افتاد و استعفا کرد و رفت یك مطلبی برای تقریباً سه هفته مملکت را معطل کرد که اگر اجازه بفرمائید برای یك مرتبه بطور اختصار من در مجلس شورای ملی عرض بکنم چون در روزنامه ها بود مردم هم کم و بیش شنیدند اما از زبان مجلس و توی مجلس شورای ملی این مطلب گفته نشد و آن این مسئله بود که آقای دکتر مصدق نامزد زمامداری و ریاست وزراء شدند ، ایشان خودشان هم قبول کردند مراسله ای که بمجلس نوشتند این بود ، دلیلشان هم این بود که من در مجلس هستم و موقعیت مملکت مهم و خطیر است و در یك چنین مواقع مهم و فوق العاده هر کسی هر فردی مکلف است که اگر از ش خدمتی بر میآید خودداری نکند نوشته بودند که این وجوب وجوب عینی است نه کفائی و بعد ایشان خواسته بودند که بنظر من بر خلاف قانون اساسی مجلس تصمیم بگیرد و رأی بدهد باینکه اگر وکیل وزیر شد به وکالت خودش باقی بماند و بعد بر گردد بمجلس یعنی بعد از افتادن یا بعد از عزل یا استعفا بیاید به مجلس و وکیل باشد ، در این باب صحبت بسیار شد ، در آخرین جلسهٔ خصوصی من این مطلب را عرض کردم حالا هم در جلسه عمومی عرض میکنم بهمان دلایلی که آقای دکتر مصدق اشاره فرمودند بهمان دلایلی که ایشان داشتند ، این اصل قانون اساس تغیر ناپذیر است یعنی وکیل اگر قبول خدمت دولتی کرد خود بخود منعزل از وکالت است ، این اصل قابل تفسیر نیست اگر بخواهیم این اصل را تغییر بدهیم از وظایف مجلس شورای ملی نیست (صحیح است) یکی از آقایان بعد از استدلال و صحبت من در این باب که یك قدری مشروحتر و یکقدری واضحتر صحبت کردم گفتند که در دوره سیزدهم این تفسیر یعنی این اصل قانون اساسی عملاً تفسیر شده است و این تفسیر این بود که سه نفر از مجلس در دوره سیزده رفتند و وزیر شدند یکی همین آقای بیات ،

این را خواستم عرض کنم که آقایان وقتی که رفتند وارد کابینه شدند من این جا اعتراض کردم ، اخطار قانونی کردم که بر خلاف قانون مربوط به محدودیت وکلا از خدمت دولت است مگر آنکه سه ماه قبلاً استعفا کنند این یك عمل خلاف قانونی بود که در آن دوره مرتکب شدند و هیچ چارهٔ هم نبود جبران ناپذیر بود ، دولت بعد از آنکه دچار اعتراض شد بخیال خودش ، برای اینکه این اشکال قانونی را مرتفع کرده باشد آقایان آمدند سه ماه حقوق نگرفتند ، حقوق نگرفتن مستلزم این نبود که ایراد قانونی برطرف شود ، اینکه سه ماه پیش استعفا نکرده و رفته است جزء وزراء شده است قانوناً وزیر نبوده است و عملی را هم که دولت کرده است مورد قبول نبوده و تازه همین عملی را هم که کردند لازمه اش این نیست که آن اصل قانون اساسی تفسیر شده و مورد پیدا کند که اگر وکیلی قبول خدمت دولتی کرد قانون اساسی تفسیر شده یا تغییری کرده باشد نه ، وقتی کسی از مجلس رفت دیگر وکیل نمیشود ، در دوره سیزدهم این عمل شاید برای دفعهٔ صدم تأیید شد که اگر وکیلی رفت به کادر دولت معزول است و مستعفی است و دیگر وکیل نیست ، از این مطلب که بگذریم بعد که صحبت کردیم آقای دکتر مصدق که خودشان هم ملاحظه فرمودند که مجلس هم مهیای تفسیر و تغییر در این باب نیست خودشان صرف نظر کردند ، نظر مجلس بعد از ایشان متوجه این معنی شد که سقوط دولت ساعد بطوری که عرض کردم در نتیجه یك اشکال سیاسی بود ، این طور فکر شد که برای حل این مشکل سیاسی یك آدم مناسب لازم است بعضی ها صحبت کردند فکر کردند که با ضعف و اختلالی که عرض کردم متأسفانه در امور اجتماعی ما هست برویم دنبال یك حکومت با قدرتی برویم دنبال یك حکومتی که بتواند روی پای خودش بایستد و تکیه بکند به مجلس و به قانون و مملکت را از وضع فعلی نجات بدهد ، اما چون ابتکار فکری متأسفانه در این مملکت کمتر است ما وحشت میکنیم از فکر او و فکر تازه این موفقیت معلوم شد در مجلس شورای ملی عجالةً نیست فکر دیگری پیش آمد و آن این بود که برویم از موی سفید و شخصیت های قدیم استفاده کنیم برویم یك پیرمردی را که تجربه داشته باشد ، کار یر اداری داشته باشد کار یر سیاسی داشته باشد ، دارای شخصیت و سوابق باشد ، مورد اعتماد جامعه و مملکت باشد از این حیث که همه یقین داشته باشیم که به مملکت خیانت نمیکند ، برویم یك همچو آدمی را بیاوریم ، حالا که آن طرز فکر عجالةً اجرا نمیشود و طرفدار کمتر دارد یا ما استعدادش را نداریم برویم یك پیرمردی را بیاوریم ، از شخصیت او از تجربه او از سوابق او بنفع مملکت و برای حل یك اشکال سیاسی که برای ما برای آینده ما ، برای تاریخ ما دارای کمال اهمیت است بلکه اصلاح بشود و حل بشود با این که من خودم شخصاً با این سنخ حکومت ها موافق نیستم معهذا در این باب و در این فکر شرکت کردم ، رأی تمایل خواستند ، در رأی تمایل هم شرکت کردم و موافقت کردم چون تشخیص دادم فعلاً صلاح قطعی مملکت در این است متأسفانه آن هم نقش بر آب شد و در این باب هم ما موفقیت حاصل نکردیم از آن فورمولی که در آن دوره یعنی در حکومت گذشته ما معتقد بودیم که بیائیم در محل جلسهٔ علنی با ورقه رأی تمایل بگیریم « و اگر آقایان در خاطر داشته باشند که چقدر آنوقت مخالفت شد با آن نظر چون آن موقع درست درنمی آمد » طبیعتاً مجلس رفت روی آن نظر آمدیم در جلسهٔ علنی بدون حضور تماشاچی رأی تمایل گرفتیم نتیجه این شد که آقای بیات تشریف بیاورند روی صندلی مرحوم مستوفی الممالك ، مرحوم مشیر الدوله اگر از این تیپ رجال بگذریم از لحاظ قدرت ، نفوذ سلطه روی صندلی سردار سپه بنشینند و مملکت را اداره کنند (ساسان ـ اشکالی ندارد) (همهمه نمایندگان) گوش بده آقا تا عرض کنم وقتی که دولتی آمد بمجلس معرفی شد از دو جهت برای یك وکیل ، برای یك نماینده فرصت هست که وارد صحبت شود مطابق اصل سی و هشتم « چون دیروز صحبت از نظامنامه بود در خارج از موضوع یا داخل در موضوع صحبت کردن » . این اصل را بموقع میدانم که بخوانم برای آقایان :

اصل سی و هشتم ـ اعضاء مجلس شورای ملی باید رد یا قبول

مطالب را صریح و واضح اظهار بدارند و احدی حق ندارد ایشان را تحریص یا تهدید در دادن رأی خود نماید اظهار رد و یا قبول اعضای مجلس شورای ملی باید بقسمی باشد که روزنامه‌نویس و تماشاچی هم بتواند ادارك کند الی آخر ، این اصل را ملاحظه فرمودید یك نفر وکیل آزاد است مطالب خودش را صریح و واضح اظهار کند ، هیچ کس هم حق این را ندارد که یك وکیلی را محدود کند که این طور صحبت کن آنطور صحبت نکن وقتیکه یك دولتی آمد به مجلس از دو حیث میشود روی آن صحبت کرد یکی از لحاظ شخصیت و صلاحیت دولت و دیگر در اطراف برنامه ایست که یك دولت به مجلس میآورد ، حالا از لحاظ صلاحیت و شخصیت دولتی که به مجلس آمده ، آقای بیات شخصاً آدم خوبی است ، چند دوره در مجلس بودند ، مردی است شریف بسیار مورد احترام و بسیار مورد احترام و ارادت شخص من هستند ، اما از لحاظ مملکت با وضعی که آقایان بهتر از من استحضار دارند با اشاره اینکه الآن من کردم نسبت باوضاع آقای بیات دارای آن شرایط ، آن سوابق نیستند ، آقای بیات دارای کاریر اداری نیستند دارای کاریر سیاسی نیستند ، دارای آن شخصیت بآن ترتیب و آن تفصیلی که عرض کردم نیستند ایشان خودشان مردی منصف هستند ، آقای بیات ممکن بود ممکن هست که ازجهات دیگر خیلی بدرد مملکت بخورند و خیلی بتوانند از لحاظ دیگر یا از راههای دیگر به مملکت خودشان خدمت بکنند ، اما در یك چنین موقعی در یك همچو فصلی با ابتلائات و اشکالاتی که برای این مملکت هست من خیال نمیکنم هیچ منطقی هراندازه هم که در مقام محاجّه و مباحثه باشد از روی قلب و اطمینان خاطر بتواند به من جواب بدهد که آقای بیات برای حالا وجودشان لازم است (روحی ـ موقع صحبت رسید عرض میکنم) علاوه برخودشان بنظر من با اینکه کابینه ایشان دارای یك اعضاء و افرادی است که یك قسمتشان واقعاً افراد شریف و پاکدامن (صحیح است) و بسیار مردمان خوبی هستند (صحیح است) اما توی همین کابینه افرادی هستند که بدرد حالا و این کارها نمی خورند . آقای قوام السلطنه وقتیکه رئیس الوزرا شد پیش از ایشان هم شاید این قضیه سابقه دارد ایشان مد کردند که هر رئیس الوزرائی که میآید به مجلس دو نفر وزیر مشاور هم بیاورد ، وزیر مشاور از لحاظ قانون معنی ندارد .

فرهودی ـ برخلاف قانون اساسی است .

طباطبائی ـ بله برخلاف قانون اساسی است اصلاً مخالف احتیاج مملکت مخالف ضرورت ما است .

فاطمی ـ در قانون اساسی هست که عدهٔ وزراء را مجلس معین میکند .

طباطبائی ـ آقای عماد السلطنه در قانون هست که عدهٔ وزراء را مجلس معین میکند اما وزیری که واقعاً دارای وزارتخانه باشد ، وزیری که دارای کاراست ، وزیری که دارای اداره است نه وزیری که همینطور توی خیابان راه برود یك اتومبیل هم بآقا بدهند و باو بگویند وزیر آنهم با این گرفتاری مملکت آقا من نمیدانم ماچطور واقعاً کارمیکنیم ماشوخی میکنیم با این مملکت ، وزیر مشاور یعنی چه ؟ خیلی خوب آقای قوام السلطنه مدتی بود منزلش بود من خودم خیال میکردم یکی از شخصیتهائی است که ذخیره شده است برای این مملکت شاید بتواند خدمتی بکند ایشان وقتی آمدند گفتند دو نفر وزیر مشاور میآورند وقتی که آمدند دو نفر پیر مرد شریف موسفید را آوردند یکی این دستشان یکی آن دستشان آوردند اینجا نشاندند خوب باز این خودش یك چیزی بود و بعلاوه تجربه نکرده بودیم موقعیت مملکت هم مشکل بود گفتیم که آقای قوام السلطنه دو نفر پیر مرد دانا را آورده است که از فکر آنها از تجربیات و از امتحانات آنها استفاده خواهد کرد بنفع مملکت ، بعد دنبال این کار را متأسفانه ول نکردند آقای سهیلی هم که رئیس الوزراء شد آمد دیدیم یك نفر را از خواربار دنبالش آورده است که این هم وزیر مشاور (خنده نمایندگان) بعد از ایشان هم این مرض مرتفع نشد باز وزیر مشاور آوردند حالا آقای بیات هم همین عمل را مثل اینکه مقرر بود جمع رئیس الوزراء بشود ـ همین کار را میکنند یك وزیر مشورتشان که در آذربایجان است و انشاءالله

به نفع مملکت هم هست کار میکنند ولی آقای دکتر سیاسی که من با ایشان رفیق هم هستم و شخصاً نظر بدی بایشان ندارم چرا ایشان را از دانشگاه بردارند بیاورند اینجا ،

جمعی از نمایندگان ـ حالاهم هستند آنجا .

طباطبائی ـ خیلی خوب مقصودم این نبود که نیستند و حالاهم غصه نخوردم که چرا آنجاهم هستند (خنده نمایندگان) اگر هست که خود این هم یك اشکال ، مقصودم این است چرا آنجا را ول کرده آمده اند اینجا و آنجا را هم معطل کرده‌اند . یکی از رفقای مجلسیمان اگر اجازه بفرمائید الآن با اجازه خودشان اسمشان را ببرم میگفتند که تا ساعت ۹ آنجا یعنی در دانشگاه کسی نبود در و تخته هم بسته بود خوب ایشان وزیر مشاور هم هستند و باید اینجاهم باشند البته کار آنجا معطل میشود ، آقای دکتر سیاسی هم یك آدم معمر یك آدم ریش سفیدی یك آدم سیاستمداری نیستند که در یك همچو موقعی شما آقای بیات از فکر او بخواهید استفاده کنید شما در این باب چه می فرمائید چه مشورتی با ایشان دارید ؟ بهیچ چیز اصلاً عقلش قد نمیدهد (خنده نمایندگان)

نایب رئیس ـ آقایان یك قدری رعایت بفرمائید که مجلس از نظم خارج نشود .

نخست وزیر ـ بنده هم معتقدم که توهین نشود به همکاران بنده ، این را عرض میکنم که بنده حاضر به شنیدن این توهین نیستم و مطابق آئین نامه چون خودم در مجلس بودم مطابق نظامنامه تقاضای اخطار میکنم .

طباطبائی ـ در وسط حرف حرف نزنید تقاضا میکنم در میان صحبت من این اخطار را نفرمائید . قانون محاکمه وزراء و هیئت منصفه را میخوانم ،

ماده اول ـ هر گاه رئیس الوزراء یا وزیری در امور مربوط به شغل و وظیفه خود متهم بارتکاب جنحه یا جنایتی شود مورد تعقیب مجلس شورای ملی خواهد شد اعم از اینکه حین تعقیب متصدی شغل وزارت باشد یا نه .

تبصره ـ کفیل رسمی هر وزارتخانه در حکم وزیر است .

ماده دوم ـ موجبات تعقیب وزراء از طرف مجلس شورای ملی به قرار ذیل است :

۱ ـ اعلام کتبی یکی از نمایندگان در مجلس شورای ملی دایر به وقوع جنحه یا جنایت .

۲ ـ راپرتهای واصله به مجلس شورای ملی از طرف مأمورین وصاحب منصبان کشف جرایم .

۳ ـ شکایات و راپرتهای واصله از افراد مردم و اعلامات مطلعین از وقوع جرم که بتوسط نمایندگان مجلس شورای ملی تقدیم میشود .

تبصره ـ در موارد فوق باید توضیحات نمایندگان یا راپرتها یا شکایات و اعلامات واصله مبنی بر قرائن و اماراتی باشد که دلالت بوقوع جرم نماید .

ماده سوم ـ در هر یك از موارد مزبوره در ماده قبل رئیس مجلس شورای ملی در ظرف یك هفته نوشتجات و اسناد و مدارك موجوده راجع به اتهام را به کمیسیون عرایض مجلس ارجاع می‌نماید . کمیسیون مزبور مکلف است در ظرف ۱۵ روز تحقیقات بدوی را بعمل آورده خبر خود را دایر بلزوم یا عدم لزوم ادامه تحقیقات برئیس مجلس شورای ملی تقدیم نماید و این خبر در ظرف یك هفته در مجلس علنی قرائت شده و پس از قرائت بدون مذاکره و مباحثه اعم از اینکه خبر دایر به تعقیب یا عدم تعقیب متهم باشد به کمیسیون عدلیه ارجاع میشود .

یکی از اشخاصی که شما دعوت کردید به کابینه‌تان (خطاب بآقای نخست وزیر) آقای زند وزیر جنگه است در حالیکه نسبت بایشان از طرف یك عده از ارباب جراید اعلام جرم شده است .

کاظمی ـ یك عده مغرض .

طباطبائی ـ این دیگر قضاوتش باشما نیست و صحبت نفرمائید اگر مخالف مقررات است با آقای رئیس است و با اینکه یك کلمه گفتید مغرض یا غیر مغرض جواب قانون را نمیدهد

(ماده سوم را دوباره قرائت نمودند)

اعلام جرم از طرف یك نفر هم کافی است تا چه رسد باینکه ۱۰ تا ۱۵ تا از روزنامه‌ها نسبت به وزیری حق یا باطل اعلام

جرم کرده‌اند این مستلزم این است که مطابق قانون باید مراحل خودش را طی کند ، جواب قانونی باید بآنها داد که اعلام جرمی را که شما کرده‌اید بیمورداست وارد نیست و شما مغرض هستید البته وقتی که قانون گفت میتوانید بگوئید که مغرض هستید بموجب قانون حتی ممکن است آنها را تعقیب کرد که چرا توهین کردید افترا زدید ولی از لحاظ قانون این صراحتی بود که خواندم و اگر نسبت به وزیری ولو ناحق اعلام جرم شده باشد شما نباید دست او را بگیرید و بیاورید به مجلس معرفی کنید .

نایب رئیس ـ عرض میکنم آقایان بین صحبت‌های ناطق اظهاری نکنند چون موجب اختلال میشود وقتی یك نفر از آقایان صحبت کردند دیگران هم صحبت بکنند در نتیجه مجلس از نظم خارج میشود .

طباطبائی ـ عرض کنم من خدا را گواه میگیرم که هیچ نظر وغرضی ندارم چطور میشود خیال کرد که من با ایشان اختلاف حسابی سابقهٔ یا لاحقهٔ دارم این عمل بوده است که در نظر بنده است وقتی که قانون میگوید یك نفر حق دارد (من که قانون را خواندم) یك عده از روزنامه نویسها هم این تقاضا را کردند وتوسط آقای فرخ تقدیم مقام ریاست نمودند این میبایستی برود جریان قانونی خودش را طی بکند و مطابق قانون میبایستی که ایشان را بگوئیم که مرتکب جرمی شده اندیا نشده اند

ساسان ـ تا مجلس رأی نداده است

نایب رئیس ـ آقای ساسان صحبت نفرمائید .

طباطبائی ـ من که نخواستم بگویم که آقای زند محکوم شده اند و ایشان را باید مجازات کرد ولی شما که رئیس دولت هستید و سعی کردید یك افراد صحیحی را انتخاب کنید و گفتم که در کابینه شما یك مردمان بسیار شریفی هستند (حاذقی ـ اسم به‌برید آنها را هم) چه داعی دارد نمی خواهم بکسی تعارف بکنم آقای هدایت ، مردی است شریف و مسن دارای همه‌جور سابقه و آقای لقمان الملك است که من آن دفعه گله کردم که چرا ایشان از کابینه خارج شدند من نمیخواستم اسم ببرم در یك چنین موقعی که شما میخواهید که یك کابینه صحیحی درست کنید و جور کنید مگر آدم قحط است در این مملکت که شما حتماً دست متهمی را بگیرید و بیاورید در صورتیکه یك همچو اشکال قانونی هست و تاحالا مجلس رأی نداده است . حالا بنده اعتراض می کنم میگویند مجلس هنوز رأی نداده ، پس یك چیزی هست که مجلس رأی نداده لااقل یك نفری پیدا بکنید که نگویند مجلس رأی نداده ، خوب بود ایشان تشریف داشته باشند بیرون ، حالا نیایند بوزارت جنگ وقتی مجلس رأی داد ومعلوم شد که ایشان جرمی ندارند و وقتی که پاك و پاکیزه شدند آنوقت بیایند به مجلس

فولادوند ـ مگر هر کس بهر کس تهمت زد فوراً باید او را خارج کنند

طباطبائی ـ یك زنگ هم برای آقا بزنید (خنده نمایندگان ـ زنگ رئیس) .

نایب رئیس ـ آقایان خودتان نمیخواهید این جا نظم داشته باشد اگر بخواهید ، اکثریت مجلس باید رعایت نظم مجلس را بکنند (صحیح است) بنده ازطرف شما مجلس را اداره میکنم ، بنده خودم نیامده ام این جا ، پس باید رعایت نظم مجلس را بکنند (صحیح است) . .

طباطبائی ـ . . . . عرض کنم آقای دکتر صدیق اعلم خوب مردی است ومردی است که تمام عمرش را در خدمات فرهنگی طی کرده‌اند چند دقیقه پیش که ازپله‌ها میآمدند بالاخودشان یك مطلبی گفته‌اند و قید نکرده‌اند که نگویم و حالا اگر اجازه بدهید عرض میکنم گفتند که من آمدم توی دولت اما بدولت گفته ام که مرا از کار خودم نگیرید ، بردارید سی ، چهل ، پنجاه روزسر گردان کنید «البته عین گفته های ایشان را حفظ نکرده‌ام ، مطلبی که ایشان گفته‌اند معناً همین است ممکن است عبارات غیرازاین باشد» بعدهم از کار بیفتیم دوباره کابینه برود کاری و خدمتی هم نتوانم انجام بدهم ، این واقعاً عبث است استدعا کردم از دولت و موافقت کردند که یك قانونی بیاورند درمجلس که وزارت فرهنگ را ازجنجال سیاسی خارج کنند و همان نظری را که خودم داشتم تقاضا

کرده‌اند ، آقا الآن زمستان است شما بروید بمدارس بااین ده پانزده میلیون تومانی که دادید بخاری هنوز هم ندارند اطفال مثل جوجهٔ مرغ دارند میلرزند ، کتاب ندارند ، قلم و کاغذ ندارند ، کابینه رفت وزیر فرهنگ هم باآن کابینه رفت و حالا یك نفر دیگر را آوردند با این تغییرات فرهنگ و مدرسه و همه چیز از بین میرود الآن اینجا « اشاره بوزیر فرهنگ » وقتش را داریم ضایع میکنیم ، بااین حرف‌ها وضع مدارس بی‌ترتیب مانده ، ایشان گفتند که من خواهش کرده‌ام از دولت که یك قانونی بیاورند به مجلس که یك سالی ، دو سالی ، سه سالی بمن وقت بدهند واگر بنده را صالح میدانند موافقت بکنند توی هیئت دولت هم نیایم بروم کار بکنم در جنجال سیاسی هم وارد نباشم (دکتر کشاورز ـ کار یکنفر مدیر کل را بکند) . . . بروم دنبال خدمت معارفی که باید داشته باشم ، اگر این صحبت شده است ، اگر این تذکر را بآقای نخست وزیر داده‌اند خوب چرا آقای صدیق اعلم را به این کار گذاشته اند و آقای صدیق اعلم را از کارشان بیکار کرده‌اند ، شما میتوانید برای مدت معینی یك نفر را مسئول کنید خوب بود یك قانونی میآوردید ، مثل اساسنامه بانك یك همچو چیزی تهیه میکردید که مدیر کل اداره تعلیمات عمومی مملکت برای مدت دوسال سه سال ، پنجسال انتخاب میشود وباید برود انجام وظیفه بکند ، خوب بود عوض وزیر فرهنگ این لایحه را به مجلس میآوردید ، ویا می نوشتید درپرو گرام خود که این دولتی که آمده است ازجمله خدماتی که میخواهد بکند این است که میخواهد دستگاه وزارت فرهنگ را ازجنجال سیاسی بیرون کند وما میخواهیم یك اداره کل تعلیمات عمومی یا بهر اسمی که شما می پسندید تأسیس کنیم بهمین جهة هم وزیر فرهنگ را نیاوردم ونخواهم آورد لایحه‌اش راهم تقدیم خواهم کرد بمجلس میخواستید این کار را بکنید (دشتی ـ عیب ندارد این عقیده) ولی شما این عقیده را ندارید شما رفتید دنبال همان سلیقه پوسیده را گرفتید واین آقایان وزرای مشاور را که عادت شده است یك نفر رئیس الوزرا دونفر ، به‌بخشید دونفر ینگه همراه خودش بیاورد . آوردید .

نایب رئیس ـ آقای طباطبائی حضر تعالی که یکی ازو کلای قدیم مجلس هستید و قدرت بیان هم دارید نباید اینطور بیان خارج از نزاکت بفرمائید ، ینگه مفهوم خارجیش بد است ونباید گفته بشود .

نمایندگان ـ صحیح است

طباطبائی ـ . . . . من قبلاً عذر خواستم وحالاهم عرض میکنم که معذرت میخواهم ، آقای بیات خوب بود بجای کاری که سابق میکردند یعنی دوازده نفر ، سیزده نفر وزیر میآوردند ، میرفتید دنبال احتیاجات اساسی که این مملکت واقعاً تشنه است ، همین امروز صبح ، پائین یکنفر ازرفقای پارلمانی بمن تذکر داد آقای نصر الملك هدایت بطوریکه عرض کردم البته پیرمردی است شریف ، صحیح ، درست ودارای معلومات واطلاعات ، ایشان اگر رئیس الوزراء بودند من خیلی تعجب نمیکردم شاید حرفی هم نداشتم اما با وزارت پیشه و هنر ، توی آن وزارت خانه ، با آن هرج و مرجی که در آن جا حکم فرما است آقای نصر الملك هدایت حتماً کاری نمی توانند انجام بدهند ، برای وزارت پیشه وهنر یك فکر دیگری لازم است ، اگر میخواهید آنجارا اصلاح بکنید آنجا وزیر لازم ندارد آقای نصر الملك را نمی خواهد یك فکر دیگری برایش باید بکنید .

حاذقی - جوان برود مورد اعتراض است ، پیرهم مورد اعتراض است .

طباطبائی - . . . عرض کنم جوان فرستادند اعتراض کردم ، برای اینکه جوان رفت آنجا جوانی کرد ، مطالب شخصی را که اینجابنده عرض نمیکنم ، حالاهم عرض کردم بابدی وضع آنجا ، یك مرد شریفی مثل آقای نصر الملك هدایت مرد شریف بی آزاری حریف آنجا نیست ، اگر میخواهید یك صورت ظاهری درست کنید که یکعده بیایند این جامعرفی بشوند وبعداز چهل ، پنجاه روز دیگر باز درپرو گرام دولت صحبت بکنیم آن حرف دیگری است (حاذقی ـ خدانکند) واماپرو گرام دولت ، ازخود دولت گذشتم ونخواستم بیشتر از این اسائه ادب بکنم همین اندازه تذکر خیال میکنم برای نا جور بودن و نا هموار بودن دولتی کافی است ، اما

پروگرام دولت بطوری که در جلسهٔ اسبق عرض کردم، پروگرام هیچ صورت قانونی، قوت قانونی ندارد و یك ورقه ایست حاوی کلیات شبیه مرامنامهٔ خواب هیچوقت هم عملی نشده، هر دولتی که روی کار میآید این پروگرام را یك قدری پس وپیش میکند و قدری هم عباراتش را کم و بیش میکند میآورد بمجلس، اما اگر همین اندازه یك دولتی میخواست که فکر بکند ودارای استنباط وهوش بود وسر نوشت مملکت را تا یك اندازهٔ تشخیص میداد بجای همین تزیبناتی که مجمل وابتر در این برنامه هست، در وهلهٔ اول همانطوری که آقای دکتر کشاورز دیروز در اینجا اشاره کرد شما میبایست نظر خودتان‌را اینجا بنویسید راجع باین قضیه‌مهم ونسبت باین‌اشکالاتی که‌مملکت روبروشده میبایستی شما نظرتان‌را نوشته باشید که چکار خواهید کرد، نظرتان را نفیاً یا اثباتاً لازم بود مینوشتید، بایستی این قضیه راحل میکردید مملکت ایران بامقتضیات فعلی با اوضاعی که امروز ما کاملاً محتاج این مسئله هستیم که سیاست‌خارجی ماانت، روشن وبدون هیچ شایبه ودور ازتمام‌این‌اخلالهائی که دراین چند روزه در مرکز و در خارج استنباط کرده وملاحظه فرمودید باید دنبال شود (نمایندگان ـ صحیح است) بنده هنوز راجع بنفت صحبتی‌نکرده‌ام چون درمجلس مطرح نشده است باینجهت الآن نمیخواهم عرض کنم که قضیه نفت را شما که دولت هستید چه شکل باید انجام بدهید ولی یك کلی پیش‌همه محفوظ ومورد تصدیق همه‌است وآن اینست که سوء تفاهمات باید حل بشود (یکنفر از نمایندگان ـ حل شده است مجلس نظرش را داد) بسیار خوب از لحاظ خود نفت من دوباره تذکر میدهم و عرض میکنم که نفرمایند حل شده یانشده؟ ازلحاظ ارتباط مابا همسایگان عرض میکنم و این سوء تفاهمی که پیش آمده و موجب رفتن کابینهٔ سابق شد، شما میبایستی در این باب صریحاً در برنامه خودتان وعده میکردید، تعهد میکردید که در این باب یکقدم مؤثری بردارید ودر رفع سوء تفاهماتی که هست بهر شرطی که مقتضی‌میدانید عملی کنید، ولی در برنامه شما یك‌چنین مطلبی نیست‌مثل اینکه در این باب دراین بیست روزه‌اخیر در این یك ماه اخیر هیچگونه صحبتی نشده است.

امینی ـ ماده اول برنامه است.

طباطبائی ـ ....ماده اول برنامه یك چیزی است که از چهل سال پیش تا حالا هردولتی که آمده است راجع به سیاست خارجی آن را نوشته این کافی نیست شما مصادف هستید با یك قضیه جدی، اگر شما خوشحال هستید که‌من این جا هیچ حرفی نزنم راجع باین مطلب خیال میکنید حل شده است این‌طور نیست.

ایرج‌اسکندری ـ آقای حاذقی حل میکنند.

حاذقی ـ دولت حل میکند تا پایان جنگ

طباطبائی ـ ... (اشاره بآقای حاذقی ـ ایشان که نمیگذارند) یك نکته را من بآقایان عرض کنم و آن این است که خدای نکرده وحشتی از صحبت کردن نداشته باشند (صحیح است) چون اگر شما ومن عقیده‌مان این باشد که از صحبت نکردن و استخوان لای زخم گذاشتن، هیچ نگفتن قضایا حل میشود، خوب‌میشود کسیکه واقعاً اهل این مملکت باشد یا همینقدر دشمن این مملکت نباشد عقیده‌اش این‌است که‌مشکل‌سیاسی‌فعلی باید حل بشود. اما این طور که نیست یعنی حل‌نشده؟ (یکنفر از نمایندگان ـ همین طور است) ... باید در قضایای جدی جدی بود (نمایندگان ـ صحیح است). باید کاملاً صریح صحبت کرد چرا وحشت میکنید که اسم نفت را آوردم (صفوی ـ شما نظرتان را بفرمائید!) نظر من این است که یك مملکتی‌در یك‌چنین موقعی و با یك چنین حوادث عجیبی بایك دولت پوشالی با ضعف وفتور نمیتواند زندگی کند! این مشکلات را عدم لیاقت وضعف و فتور دولتهای پوشالی برای این‌مملکت پیش آورده.

سید ضیاءالدین طباطبائی ـ ضعف و فتور؟

طباطبائی ـ ... بلی‌ضعف‌وفتور، البته این را بایدصورت جدی بهش داد.

تهرانی ـ جدی است آقا!

طباطبائی ـ .... آقای طهرانی من نمیگویم نفت را بدهید یا ندهید صحبت از دادن یا ندادن نیست، بشما دارم میگویم که یك مملکتی‌درنتیجه ... (ساسان ـ حل‌شده) .. یك مملکتی روبروشده است‌با یك اشکال مهم سیاسی ودر نتیجه یك سوء تفاهماتی بین ما و یك دولت بزرگ‌همسایه پیش آمده است این مطلب بنظر من جدی است یك دولتی که میآید عوض همهٔ این حرفهای خیلی خوب اما بی حقیقتی که نوشته شده لازم‌بود دوسطر مینوشت که‌در این اشکالی که این مملکت امروز گرفتار است من این کار را خواهم کرد و یا بطور کلی من مدعی حل مشکل هستم کافی بود. الآن‌ملت‌ایران! اگربا مردم‌میخواهید روبروبشویداز شما اصلاح کشاورزی، این هائی که نوشته‌اید، بهبودی‌وضع ـ پائین آوردن‌هزینه، و امثال اینهارابا شما صحبت‌نمیکنند این انتظار را اصلاً کسی از شما ندارد بلکه الآن شمابايد بگوئید وضع آذربایجان، خراسان، شمال و مازندران کجا و کجا و خود طهران از لحاظ همین جریان هائی که بوده و هست و از لحاظ این مشکل سیاسی که موجب سقوط یك دولتی شد و شما امروز آمدید عوض همهٔ این حرفها باید چهار وپنج سطر مطلب صحیح و جدی مینوشتید این‌جا که من چه‌کار خواهم کرد اگر این را نمیخواستیدبنویسیدلااقل‌بگوئید من که‌دولت‌هستم‌وآمده‌ام زمام مملکت را دست بگیرم مدعی‌حل این مشکل و این محظور هستم من با نهایت احترام‌عرض میکنم برای این مطالب که در برنامه ذکر شده‌دیگر وقع‌و احترام‌ومعنائی باقی‌نمانده است هر کس آمده گفته که من میخواهم کشاورزی را اصلاح کنم، کشاورزی سرتان را بخورد آب یك طهرانی را نمیتوانید تنها اصلاح کنید، هردولتی آمده گفته است من اصلاحات معارفی میکنم با این ۱۵ میلیون که ما پول دادیم، این است وضع مدارس‌مختل، مغشوش‌و درهم‌و کثیف وریخته روی هم دیگردوباره‌سه‌باره عرض‌می کنم که چرا ما از صحبت هائی که عادی نیست و تکرار نیست وحشت میکنیم، خوب‌شما را بخدا امروز با وضع‌فعلی با گرفتاری فعلی مملکت ما محتاج بودیم که آقای بیات تشریف بیاورند و این برنامه را بنویسند، نسخه معالجهٔ تمام امراض ما این است، این‌نسخه‌مملکت را نجات میدهد ما گرفتار تعقیب صرف از یك‌عادت غلط، هستیم که یك حکومتی میافتد و بعد هم‌ناچار یك کسی باید بیاید، این کسی که آمدیك چند نفری باید ترو خشك کند ازخارج بیاورد و بعد هم یك چیزی بیاورد وبگوید برنامه و بعد هم یکعده مابنام موافق و مخالف صحبت کنیم توی صحبت هم بدویم یك خرده از هم برنجیم، پس فرداهم‌بفکراینکه رأی اعتماد میدهیم‌به‌دولت‌هفتاد، هشتاد تا ازاین ورقه‌های‌سفید که دوتا دانه‌اش واقعاً حیف است.

حاذقی ـ نمیشود دولت نباشد.

طباطبائی ـ ساکت باش آقا، عرض کنم آقا توجه بفرمائید مملکت گرفتار است این مردم نگران هستند، اوضاع اقتصادی ما مشکل است، من احتراز دارم از تکرار مطالب ولی‌ازلحاظ سیاست‌اوضاع برشماپوشیده‌نیست، وسط این مملکت یك خطی کشیده شده است.

همهمه‌نمایندگان ـ هیچ خطی کشیده نشده است! هیچ خطی وکسی قبول نمیکند.

نایب رئیس ـ آقای طباطبائی مراعات بفرمائید.

طباطبائی ـ عرض کنم، من از لحاظ سیاسی عرض نمیکنم، اگر مجال داده بودید عرض میکردم که ازلحاظ سیاست همه ایرانی هستیم، از لحاظ سیاست همه مملکت خودمان را میخواهیم بعداز مصلحت و استقلال خودمان، البته دوستی و خوبی روابط خودمان را با سایرین می خواهیم، البته ما با دول متفق خودمان مخصوصاً با دول بزرك متفق دوست هستیم من‌از لحاظ سیاسی عرض‌نمیکنم از این لحاظ عرض میکنم این‌مملکت، یك‌قسمت دراشغال یکی از متفقین ما است مطابق قوانین ومطابق پیمانی که داریم، یك قسمت‌هم سایرین هستند، غیراز ما دیگران هم در این مملکت هستند.

وزیر راه ـ (آقای انتظام) ـ اینها مخالف پیمان است آقا این مطالب که فرمودید ..

طباطبائی ـ ... میفرمائید نیستند و اگر بگویم نیستند درست میشود با تمام این مشکلات و مصائبی که برای مملکت هست ؛ بنظر من یك حکومت فعال یك حکومت جدی ، یك حکومتی که ملت ایران میخواهد ، ملت ایران میداند که با دست آن حکومت ممکن است نجات پیدا کنند ، لازم است و اگر بطوریکه در اول عرایضم عرض کردم امروز موجبات این کار ، مقتضیات این کار فراهم نبوده و نیست ما ناچار بودیم و ناچار هستیم که فکر بهتر و فکر قویتری بکنیم ، الآن اینجا یك یادداشتی است که به بنده نوشته شده و آن این است که این مطالب را تذکر بدهم که لااقل شما میبایست در برنامه تان بالصراحه وعده میکردید که برای رفع اغتشاش ها و اختلافاتی که در اغلب نقاط مملکت بروز کرده است چه نقشهٔ دارید و چه راهی را خواهید رفت ؛ الان که این یادداشت یکی از رفقا به بنده تذکر میدهد که بشما توصیه بکنم این طور نیست که شما خیال میکنید که یك قضیهٔ پیش آمد و چون ده بیست روز دولت نبود از بین رفت و حالا هم ما آمده ایم اگر هیچ صحبت نکردیم دیگر هیچ اشکالی نیست شما خوب بود میفرمودید که در سیاست خارجی چه رویه اتخاذ خواهید کرد و نقشه تان در این باب اگر هم به تفصیل نمیخواستید بطور اجمال تذکر میدادید که چه خواهد بود ، بنده در آخر صحبتم مجبورم دوباره تجدید بکنم این نظر را که من خودم شخصاً خدا میداند نسبت به آقای بیات کمال ارادت را دارم ؛ آقای بیات مدتی در مجلس بودند ، همکار محترم ما بودند ؛ الآن هم مطالبی که عرض کردم بطور کلی بود و نظر و هدف خاصی هم باین آقایان وزراء نداشته و ندارم و این مطالبی را که عرض کردم بنفع خود آقا بود ؛ اگر در انتخاب وزراء همانطور که دقت هم کردهاند ، یك قدری بیشتر دقت میکردند ، لااقل شما یك شخصی بودید که در این موقع آمدید به مجلس و یك کابینه خیلی جور و صحیح میآوردید و این خود یکقدری مایه امیدواری است و به عقیده من متأسفانه در این باب هم موفقیتی حاصل نکرده اید ..

نایب رئیس ـ آقای دکتر عبده

دکتر عبده ـ بنده در ستون موافق دولت اسم نوشتم ، موافق دولت هم هستم ولی مشروط باینکه تذکراتی را که عرض میکنم دولت آقای بیات مورد توجه قرار بدهند و ضمن نطقی که ایراد میکنند بما اطمینان بدهند که نسبت باین تذکرات اقدام کنند و قبل از اینکه شروع به بیان مطلب بکنم راجع به قسمتی از اظهارات آقای طباطبائی در باب آقای زند از نظر ندای وجدان یکنفر قاضی مجبورم عرایضی بکنم و آن این است که مطابق اصول صرف اعلام جرم یعنی صرف شکایت برعلیه یکنفر برای سلب صلاحیت او از وزارت کافی نیست ، اگر غیر از این بود کافی بود که برعلیه وزرای فعلی یکی از وکلاء اعلام جرمی بکند و این مانع از وزارت آنها بشود (صحیح است) . مطابق اصول برای اینکه از وزیری سلب صلاحیت بشود لااقل بایستی قرار تعقیب از طرف مجلس نسبت باو صادر بشود (بعضی از نمایندگان ـ از طرف کمیسیونها) این را بنده از نظر ندای وجدان یك نفر که ۱۵ سال از عمرش را صرف امور قضائی کرده مجبور بودم بعرضتان برسانم ، اما راجع به برنامه بنده هم با آقای طباطبائی در این عقیده شریکم که آقای بیات نسبت به سیاست خارجی مملکت مالازم بود که بیشتر توضیح بدهند این عبارتی که نوشته اند خلاصه است و مختصر است و بخیلی کلی است بالاخره برنامهٔ یك دولت میبایستی باندازهٔ روشن و واضح و زبان دار باشد که نمایندگان مجلس خط مشی آن دولت را تشخیص بدهند و روی موافقت با آن خط مشی بدولت رأی بدهند یا اگر مخالفند رأی ندهند . در هر حال نظر باینکه مهمترین موضوعی که امروز توجه همه را و همه ملت ایران را جلب میکند سیاست خارجی است ، تصور میکنم که بی مناسبت نیست راجع باین موضوع توضیحاتی بعرض همکاران محترم برسانم ، بنده از آنهائی هستم که معتقدم سیاست خارجی مملکت از نظر مباحثه در مجلس عیناً مثل سیاست داخلی

مملکت است بقول پرزیدنت ویلسن اگر در پارلمانهای دنیا همانطور که راجع بسیاست داخلی مملکت صریح صحبت میشود راجع بسیاست خارجی ممالك هم علناً صحبت میشد آن روز دیگر جنگ در دنیا اتفاق نمی افتاد تمام این خونریزیها و بدبختیهائی که امروزه بشر به آن گرفتار است ناشی از قرار دادهای سری و مذاکرات محرمانه است ما باید سعی کنیم بعنوان یك دولت کوچك برای حفظ استقلال مملکت خودمان صریح باشیم برای اینکه ما سیاستی جز حفظ استقلال مملکت نداریم (صحیح است) ما باید با کمال صراحت لهجه بدون تذبذب باهمهٔ متفقین خودمان رفتار کنیم (صحیح است) بطوریکه بهیچوجه مجال سوءظن به هیچکدام ندهیم (صحیح است) اگر ما باهمه صاف و راست رفتار کردیم اگر ما بهانه بدست هیچکس ندادیم مسلم بدانید که همه باستقلال ایران احترام خواهند گذاشت (سید ضیاء الدین ـ ما بهانه نمیدهیم اگر بهانه بگیرند مطلبی است علیحده) (ایرج اسکندری ـ برای ایشان هم زنك بزنید آقا) ما امروز با سه دولت بزرك در تماسیم و بدوستی هرسه دولت اهمیت میدهیم و علاقمندیم (صحیح است) اول دولتی که ما باید با آن حسن تفاهم داشته باشیم همسایهٔ شمالی ما دولت شوروی است ما طبعاً با دولت شوروی اخلاقاً ، سیاستاً با کمال صداقت و صمیمیت بایستی رفتار کنیم (صحیح است) علل و جهاتی هم برای این صداقت و صمیمیت هست برای این که از روز انقلاب اکتبر باین طرف دولت شوروی برخلاف سیاست سابق دولت تزاری با دولت ایران ، با ملت ایران یك رویه دوستانه و مسالمت آمیزی را اتخاذ کرده است وقتی یکنفر بیطرف فصول مختلف قرارداد ۱۹۲۱ را از نظر بگذراند مواجه میشود با مطالبی که حاکی از حسن نیت دولت شوروی است و آن این است که دولت شوروی از سیاست جابرانهٔ دولت مستعمراتی روسیه صرفنظر میکند دولت شوروی در امور داخلی ایران مداخله نمیکند ، از سیاست اقتصادی استعماری دولت تزاری صرفنظر میکند از کلیهٔ امتیازاتی که ملازمه با اختلال استقلال اقتصادی این مملکت دارد صرفنظر میکند خوب یك دولتی که بیاید صریحاً چنین قراردادی را با این صراحت که از نظر حفظ استقلال مملکت ما کاملا مؤثر است منعقد کند البته ما وظیفه داریم که با آن دولت مادام که باین اصول علاقمند است با کمال صمیمیت رفتار کنیم (صحیح است) ما نباید فراموش کنیم که اولین مرتبه کاپیتولاسیون را دولت شوروی در ایران الغاء کرد و ما روی الغاء کاپیتولاسیون از طرف دولت شوروی توانستیم این زنجیر کذائی را که باستقلال قضائی ما لطمه وارد می آورد پاره کنیم و بشکنیم ما این را فراموش نمیکنیم و از نظریه دولت شوروی نسبت بایران کمال تشکر را داریم بالاخره از نظر اقتصادی هم نباید فراموش کنیم که ایران بهترین بازار برای کالاهای شوروی است و شوروی هم بهترین بازار برای کالاهای ایران است ایران یکی از بهترین طرق ترانزیت شوروی است و شوروی هم بهترین راه ترانزیت برای ایران است اینها یك چیزهائی نیست که ما بتوانیم از آن صرفنظر کنیم و مسلماً هم دولت شوروی صرف نظر نخواهد کرد (صحیح است) اما دولت انگلستان ، روابط دوستی ما با دولت انگلستان از خیلی دیر شروع میشود و انصافاً ما جز محبت و صمیمیت از دولت انگلستان چیزی ندیده ایم و مساعدتی را که در تحصیل آزادی و مشروطیت ایران بما شده است فراموش نمیکنیم و اگر در ضمن جریان حوادث گاهی باقراردادهای ۱۹۱۹ یا ۱۹۰۷ که قلب ما را جریحه دار میکند مواجه میشویم این را هم حمل میکنیم بر نظریه سیاستمداران محلی و مسلماً سیاست عمومی انگلستان اینستکه یك ایران مستقل ، یك ایران نیرومند از نظر حفظ تعادل سیاست عمومی دنیا وجود داشته باشد . اما دولت آمریکا البته سابقه داریم که برخلاف سیاست متروکهٔ سیاست دولت آمریکائی امروز مداخله در امور غیر آمریکا هم هست یعنی دولت امریکا نسبت بامور جهان نمیتواند بی نظر باشد و روی این سیاست امریکا یك عامل مؤثری در سیاست عمومی دنیا است و از این عامل مهم ایران نمیتواند صرفنظر کند امیدواریم که این مداخله بنفع آزادی دنیا

و استقلال ملل کوچك تمام شود و ما خیلی خوشوقتیم که وقتی بتاریخ روابط خودمان باآمریکانگاه‌میکنیم‌می‌بینیم وقتی که صحبت از قرار داد ۱۹۱۹ شد دولت آمریکا اعلامیه صادر میکند در راه سعادت و حفظ استقلال‌ایران و کمك میکند برای شرکت‌ایران در کنفرانس صلح‌سابق و ما نسبت بدولت و ملت امریکا متشکریم و خدماتی را که مردمانی ازقبیل شوسترها درایران کرده‌اندفراموش نمیکنیم (صحیح است) با این روابط‌سیاسی که داریم‌وظیفهٔ یك دولت عاقل‌چیست ؟ این‌است که باید باکمال صراحت لهجه بادول‌بزرگ صحبت بکند وظیفهٔ یك دولت کوچك مثل دولت ما این است که باکمال صراحت لهجه باکمال صداقت و صمیمیت با این سه دولت رفتار کند ما شاهین ترازوی‌سیاست‌خارجی‌خودرانبایدبهیچ‌طرف‌متمایل کنیم و بهیچوجه کاری نکنیم که جلب سوء ظن یکی از آن ها بشود . بنده معتقدم که هیچ ایرانی با شرف هیچ ایرانی علاقمند باین مملکت دنبال سیاست یك جانبه نمیرود (صحیح است) و حتی بر خلاف نظر آقای دکتر کشاورز که گفتند : (اینطور از بیانشان استفاده میشد) که‌ساعد دنبال سیاست یك جانبه رفت میخواهم عرض کنم در عین اینکه مخالف دولت ایشان بودم ساعد مرد وطنپرستی است (صحیح است) ممکن است ساعد مثل هر بشری در اثر فشار کار در اثر توأم کردن پست وزارت امور خارجه با نخست وزیری‌دچاراشتباه شده‌باشدو ممکن‌است بی‌تجربگی و ناشی گری بخرج داده باشد و قیافه سیاست یکجانبه را بخود گرفته باشد ولی از آنجائی که ایرانی باید حق شناس باشد بنده که مخالف دولت ساعد بودم امروز از نظر اینکه حق یك مرد وطن پرست را ادا کرده باشم خودم را اخلاقاًمکلف میدانم که عرض کنم ساعد مرد خائن‌نیست (صحیح است) ما باید یك سیاست کاملاً ملی را تعقیب کنیم . مجبورم این نکته را عرض کنم که این دو دستگی عجیب که امروز در کشور ما مشهود است اگر ادامه پیدا کند برای‌همه‌ما خطرناك‌است(صحیح‌است) اگرماازاین‌دو دستگی صرف نظر نکنیم اگر در موقعیکه خدای‌نکرده ممکن است این خانه آتش بگیرد همه در مقام اطفاء این آتش نباشیم مسلم بدانیدخدای نکرده‌بعد ازچندی‌نه‌ایران خواهد ماند نه ایرانی (فولاد وند ـ نه دسته) نه دسته ولی در عین حال همانطور که عرض کردم بنده عقیدهٔ خودم را عرض میکنم نباید ما برای هیچیك از اتباع دولت‌هائی که با ما تماس دارند هیچگونه مزیتی قائل شویم بنده اینطور خیال میکنم و ممکن است اینطور هم باشد که‌اگر غیر ازاین بکنیم مجال بهانه بدست غیرمیدهیم اگرما آمدیم تمام اختیارات اقتصادی مملکت را بدست یك نفر امریکائی دادیم این خواه ناخواه ممکن‌است ایجاد سوء تفاهمی بکند (صحیح است) الآن سه‌سال‌است‌که قوای امریکادرایران است وهنوز دولت ما باآنها قراردادی نظیر پیمان سه گانه نه بسته اند در صورتیکه مطابق اصل ۱۰۶ قانون اساسی قوای‌بیگانه در کشورمافقط‌ممکن‌است بموجب قانون‌اقامت کنددریکی‌ازروزنامهای آمریکائی دیدم که‌امریکائی درقلب ایرانی‌جادارد‌ومحتاج‌بقرارداد‌نیست‌ولی‌تصدیق‌میفرمائیدمطالب اصولی‌باتعارف‌درست‌نمیشود‌اینهاطبعاً‌ممکن‌است‌یك‌بهانه‌هائی بدست دیگران بدهد و حال آنکه در این جریان باید اذعان کنیم که هیچکس نظرسوئی نداشته است‌وهیچکس نخواسته است دنبال سیاست یکطرفه برود (ساسان ـ از دولت در این موضوع سئوال شد و جواب ندادند) ولی چه‌باید کرد؟ناشیگری،عدم مهارت‌ممکن‌است‌سوء ظن ایجاد کند (ایرج اسکندری ـ بعضی اشتباهات خیانت است) اگر ما دولتهای با شهامتی داشتیم ، اگر ما دولتهای‌توانا و دانائی داشتیم‌که بعد از سوم‌شهریورقرار داد سه گانه را جلویشان میگذاشتند واجازه نمیدادند که‌برخلاف مدلول آن تجاوزی بحقوق‌ما‌بشودونسبت بکلیه متفقین‌علی‌السویه رفتار میکردند (صحیح است) آن روزی که عدهٔ از ایرانیان بانهام و عنوان همکاری با فاشیست با آلمانها از طرف مقامات‌بیگانه توقیف شدندآن روز (حالاکه گذشته عرض میکنم) آن روزلطمهٔ بزرگی باستقلال قضائی‌ایران

واردشد (صحیح است) استقلال‌قضائی‌ایران‌ایجاب‌میکرد که هر کس‌درایران مرتکب‌جرم میشود میبایستی مطابق اصول قضائی ما تعقیب شود این اصلی است که ایجاب میکند و حفظ میکند استقلال قضائی این مملکت را بنده در مقام ایراد و اعتراض به دولتهای پیش نیستم ولی تاریخ این ضربهٔ که باستقلال قضائی ما وارد شده است فراموش نخواهد کرد مضافاً باین که بموجب فصل چهارم قرارداد سه گانه ما مملکت اشغال شده نبودیم البته یك دولت اشغال کننده درخاك یك دولت اشغال شده حق دارد محاکمی تشکیل بدهد و جرائمی که در آنجا واقع میشود رسیدگی کندولی‌مابموجب فصل‌چهارم قرارداد که‌میگوید «دول‌متحده‌میتوانندرخاك‌ایران‌قوای‌زمینی‌ودریائی‌وهوائی بعدهٔ که‌لازم‌بدانندنگاهدارندوتاجائیکه‌مقتضیات‌استراتژیك اجازه بدهد نقاطی که این قوا آنجا نگاهداشته خواهندشد باموافقت دولت ایران‌تعیین خواهد شد. جمیع مسائل‌مربوطه بروابط‌بین‌قوای دول‌متحده وادارات دولت‌ایران‌حتی‌الامکان با همکاری ادارات‌ایران تسویه‌خواهد شد بنحوی که‌مأمونیت قوای مزبور محفوظ باشد مسلم‌است که حضور این قوادرخاك ایران اشغال‌نظامی نخواهد بود » حالاکه‌ماملکت اشغال‌شده نیستیم حالاکه ماملکت متفق هستیم قوای متفق نبایستی‌و حق ندارد که دادگاه علیحده تشکیل بدهد و باید کلیهٔ جرائمی که در این مملکت پیش میآید دادگاههای خودمان رسیدگی کنند (سید ضیاءالدین ـ تقصیر دولتهای‌شمابود) تصدیق‌میکنم‌بدتر ازهمه‌این که‌یکی ازدولتها که‌درست نظرم نیست‌کدام‌بودآمدندپروتکلی‌کتباًتنظیم کردند که‌بموجب‌این پروتکل جرم باز داشت شدگان سیاسی باحضور نمایندگان ایران رسیدگی میشود اگر بی تقصیر بودند آزاد میشوند اگرمقصر بودند تاخاتمهٔ‌جنگ درتوقیف میمانند بنده اگر متعرض این مطلب میشوم برای این است که در حقوق بین‌المللی استانوکو وسوابق بعدها ممکن‌است مورد استناد واقع شود و اگر اشتباهاً یك چنین پروتکلی تنظیم شده‌باشد بیمورد بودن آن باید پشت این تریبون گفته شود که بعدها موردسوءاستفاده‌واقع‌نشود(صحیح‌است) بنده نمیدانم دولتی که این پروتکل را امضا کرده به چه حقی بخودش اجازه میدهد که در مقابل تقاضای بیگانه تسلیم شود درصورتیکه ممکن بود این نظر را بطریق دیگری تأمین نمود این یك شکافی است که درجریان تاریخ استقلال قضائی ماپیش‌آمده است و نمیبایستی تکرار شود (صحیح است) بدتراز همه مطابق اطلاعاتی که بنده دارم اغلب این بیچاره‌هائی که توقیف‌شده‌اند تقصیری‌نداشته‌اندامامافحرف‌نزدیم‌برای‌اینکه گفته نشود برخلاف اصول دوستی وصمیمیت وهمکاری‌رفتار شده‌است (صحیح است) تاآن اندازهٔ‌هم که بنده اطلاع دارم تحقیقات‌هم‌این‌حقیقت‌راثابت‌میکندکه‌اغلب بازداشت‌شدگان بی‌تقصیرند یك عده از آنها بعد ازپانزده ماه بازداشت وپانزده ماه گرفتاری آزاد شدند و عده‌ای‌هم هنوز در بازداشت‌هستند شاید چند نفری واقعاً مقصر باشند ما انتظار داریم مللی که برای آزادی دنیا میجنگند نسبت به‌آزادی هم میهنان ما بیشتر علاقه نشان بدهند وما یقین داریم باتذاکراتی که داده شد کلیهٔ کسانی که بدون جهت‌توقیف‌شده‌اند والآن‌ماهها‌است که عائله آنها چشمشان دنبال آنها است هرچه‌زودتر آزاد شوند بنده از موقع استفاده میکنم وعرض می کنم از قراری که‌شنیده‌ام دولت سابق گویا بعضی ازمتهمین سیاسی که‌آزاد شده‌اند بعنوان‌اینکه ممکن است هنوز مورد سوءظن‌باشند کار نمیدهد درصورتیکه بکار آنها رسیدگی شده و بعد از رسیدگی‌معلوم شده که اینها واقعاًبی‌تقصیر هستند ودرهیچ عملی که مخالف مصالح متفقین باشد شرکت نداشته‌اند و از آقای بیات استدعا میکنم که نسبت باین موضوع توجه بفرمایند که هرچه زودتر کار مناسبی بآنها مراجعه شود . قسمت دیگر که بازناشی از مسامحه‌در امور مربوط بسیاست خارجی مااست عدم‌انعقاد قراردادی است راجع به مصونیت قوای متفقین در ایران که بموجب قسمت‌آخر فصل‌چهارم قرار داد سه گانه که میگوید : (قرار دادی باید منعقد شود که درآن قرارداد مصونیتهائی‌هم که قوای دول متحده در ایران ازآن برخوردار خواهند بود مقررخواهد گردید) بموجب قرارداد سه گانه میبایستی منعقد شده باشد راجع باینموضوع بایدقراردادی بسته شود ولی الآن سه سال‌است

از موقع انعقاد قرارداد سه گانه میگذرد درصورتیکه هنوز این قرارداد بسته نشده است (سید ضیاءالدین — و قراردادهای دیگر) بلی وقراردادهای دیگر واین موضوع هم در استقلال قضائی ما کمال تأثیررا دارد برای اینکه باقدان چنین قراردادی هر کس درداخل خاك ایران جرمی مرتکب بشود بایستی محاکم ما بآن رسیدگی کنند بنابراین اگر یکنفر شوفر بیگانه مثلاً در داخل مملکت ما جرمی مرتکب شود میبایستی رسیدگی باتهام او به محاکم ما مراجعه شود و این کار نشده باوجودی که قراردادی راجع بمصونیت قوای متفقین تا کنون منعقد نشده است امیدواریم بزودی جنگ تمام بشود یاموجباتی که اقامت آنها را در ایران ایجاب میکرده از بین برود و اقامت آرتش بیگانه در ایران زیاد طول نکشد و بزودی ارتش متفقین بسلامت بمملکت خود مراجعت کند ولی در عین حال بنظر بنده انعقاد این قرارداد ازضروریات سیاسی ما است (صحیح است) اما راجع به مسئله نفت بنده همانطور که عرض کردم هیچ وارد جزئیات کار نمیشوم وهیچ نمیخواهم عرض کنم که این عمل دولت ساعد در جریان نفت عملی برخلاف مقتضیات سیاسی ما بوده یا نبوده آیا استخدام دو نفر آمریکائی برای مشاوره آنهم بخرج ایران مناسب بوده یا نبوده بنده همه را حمل به ناشیگری سیاسی میکنم ولی درهر حال دوموضوع را باید محرز دانست یکی اینکه دولت ساعد بهیچوجه سوء نیتی در جریان تقاضای امتیاز نفت نداشته است و تنها در اثر مجامله کاری و رودربایستی که میدانید ایرانی اساساً اهل تعارف است که وقتی یك چیزی را ازش میخواهند فوراً طرف را جواب نمیکند و نمیگوید نه این سوء تفاهم پیش آمده ونتیجه اش این میشود که می‌بینید درصورتیکه در کارهای سیاسی باید رُك و راست حرفها را گفت دوم این است که دولت ایران مثل هر دولت مستقل دیگری حق دارد تقاضای امتیاز را قبول کند یا نکند به بعد از جنگ مجول کند یا نکند بعقیدهٔ بعضیها به بعد از صلح عمومی مجول کند یا نکند (صحیح است) یا ابداً تقاضای امتیاز را قبول نکند معنی استقلال در قاموسهای مختلف مختلف نیست دولتی را میگویند مستقل که درامور داخلی وخارجی خودش آزاد باشد (صحیح است) غیر از این استقلال معنی ندارد اگر بموجب اعلامیهٔ اول دسامبر ۱۹۴۳ سه دولت که خوشبختانه امروز (سیدضیاءالدین — دیروز) یکسال میگذرد و ما میتوانیم نسبت باین اعلامیه ابراز خوشوقتی کنیم برای اینکه قطع نظر از منشور اتلانتیك قطع نظر ازقرارداد سه گانه قطع نظر از سایر اعلامیه‌هائی که صادر شده است بطور کلی بموجب این اعلامیه از طرف رؤسای دولتهای بزرگ خدمات ملت ایران به متفقین تصریح گردیده و استقلال ایران تضمین شده است (صحیح است) اگر واقعاً بموجب منشور آتلانتیك و این اعلامیه‌ها ما دولت مستقلی هستیم این استقلال را بتمام معنای کلمه ما داریم (صحیح است) البته هر دولت مستقلی وقتی که تقاضای امتیاز نفت نسبت به دویست وشانزده هزار کیلو متراز اراضی او میشود حق دارد فکر کند ، مطالعه کند وبادرنظر گرفتن این نکته که امتیاز نفت مثل سایر امتیاز ها نیست جواب بدهد بالاخره باتجربه‌ای که ما در جنوب داریم میدانیم از نظر سیاسی ودرعین حال از نظر اقتصادی دادن امتیاز نفت برای ایران قابل مطالعه است (صحیح است) البته دولت شوروی حق دارد از دولت ایران انتظار صداقت و صمیمیت داشته باشد وباین صداقت و صمیمیت هم همهٔ افراد ملت ایران علاقمند هستند (صحیح است) ولی معنی صمیمیت این نیست که اگر ازما امتیاز نفت خواستند ما فوراً تسلیم شویم (صحیح است) دولت شوروی در ۱۹۲۱ از هر گونه امتیازی درخاك ایران صرف نظر کرد و درهمان قرارداد این انصراف خود را معلل کرد باین علت که عرض میکنم که دولت ایران بتواند آزادانه در دارائی خودش تصرفات بکند بنابراین خود دولت شوروی قبل از هر دولت دیگری علاقمند بوده است که ما آزادانه بتوانیم در دارائی خودمان دخالت وتصرفات کنیم (صحیح است) و مسلماً نفت شمال جزو دارائی مسلم ایران است (صحیح است) و بنده خیال نمیکنم دولت امروز شوروی برخلاف نظر پیشوای بزرگ شوروی نظر تازه اتخاذ

کرده ودررویه این بزرگ تجدید نظر نموده باشد (صحیح است) بعلاوه این نکته مخصوصاً درحقوق خصوصی ودرحقوق عمومی مورد نظر است که وقتی یك قراردادی بین دو نفر یا دو دولت منعقد میشود بایستی طرفین آزاد باشند و طرفین در وضعیتی باشد که هیچگونه شائبه اکراه و اجبار در آن نرود و فرض نشود تا وقتیکه قوای بیگانه در داخل این کشور است ممکن است فرض شود که ما در دادن امتیاز مکره بوده‌ایم و این نکته از نظر محبوبیت و از نظر شئون و حیثیتی که دولت شوروی در ظرف این چهار سال در دنیا پیدا کرده است بنظر بنده قابل تأمل است (صحیح است) دولت شوروی درظرف این چهار سال بحق و بجا خودش را قهرمان آزادی دنیا معرفی کرد بنده عقیده دارم و هر آدم منطقی هم اینطور فکر میکند که اگر دولتی این عنوان و این مقام و این حیثیت معنوی رادر دنیا پیدا کرد نباید به آسانی از دست بدهد (صحیح است) بنده نمیتوانم باور کنم که دولت شوروی یا مأمورین محلی شوروی با مداخله در امور داخلی ایران نسبت بما میخواهند اعمال فشار بکنند این را من نمیتوانم باور کنم و باور کردنی نیست و عمل دولت شوروی و عمل سربازان شوروی و رفتار آنها تا کنون نسبت بایران وایرانیان رویه مسالمت آمیز شوروی را محرز میکند و بهیچوجه بنده نمیتوانم این را باور کنم که بدون رضایت ملت ایران میخواهند ازما امتیاز نفت بگیرند ولی یك تشکر از دولت شوروی ما داریم آن این است که وقتی بخیال گرفتن امتیاز نفت درشمال افتادند مستقیماً بخود ما مراجعه کردند در مقاله روزنامه تایمز که گویا ارگان رسمی یا نیم رسمی وزارت خارجه انگلیس است یك مطلبی را دیدم (لابد آقایان هم مطالعه کرده‌اند) در آنجا متذکر میشود دولت روس بدون مشورت با دو هم پیمان خود در تقاضای خود اصرار میورزد معلوم میشود که بعقیده مضر روزنامه مزبور جرم آقایان این نبوده است که چرا بما مراجعه کرده‌اند ودرخواست گرفتن امتیاز را دارند جرمشان این بوده است که چرا بآن دو دولت متفق خودشان مراجعه نکرده‌اند اگر واقعاً اینطور است که مسائلی که مربوط بما است دیگر آن باید تصمیم بگیرند اگر واقعاً ما مال المصالحه غیر هستیم آنوقت استقلال و آزادی واینهمه حرفهائیکه برای آزادی وحمایت دول کوچك زده میشود معنی ندارد (صحیح است — احسنت) ایرانی هرچه داشت درطبق اخلاص گذاشت و برای پیشرفت متفقین خود داد اما جبران خسارات اورا باین ترتیب خواهند داد بنده از دولت آقای بیات از آنجائی که ایشان را مرد شریف و وطن پرستی میدانم انتظار دارم نسبت باین موضوع یادداشتی بوزارت خارجه انگلستان بفرستند . . .

سید ضیاء الدین — یادداشت را باید بهر سه دولت فرستاد .

دکتر عبده — بهر سه دولت بفرستند ولی تصور نشود که صرف منشور آتلانتیك یا اعلامیه تهران یاقراردادهای منعقده بین ما و سایرین برای رعایت استقلال ایران کافی است ما باید در این دنیای پر آشوب و مادی خودمان علاقه‌مند بآزادی و استقلال خودمان باشیم (صحیح است — صحیح است) . تا وقتی ایرانی بخواهد از حقوق خودش استفاده کند تا وقتی که ایرانی بخواهد زنده بماند زنده خواهد ماند (صحیح است . احسنت) . . .

فولادوند — ایرانی زنده بوده و خواهد ماند .

دکتر عبده — برای ایرانی دولت شوروی و آمریکائی و انگلستان همه مساوی است . وقتی که شنیده شد از طرف سفارت آمریکا راجع به دکتر میلسپو یك کاغذ گله آمیزی به دولت ما نوشته شده بنده در پشت همین تریبون بدولت امریکا بعنوان یك وکیل ملت ایران اعتراض کردم (صحیح است) امروز هم عرض میکنم اگر واقعاً این مطالبی که ما میشنویم و اقدامات راجع به تبعید اشخاص در شمال ایران میشود راست است این قابل اعتراض است و ما بایستی کاملا تعقیب بکنیم . . .

ایرج اسکندری — راجع بعملیات فلیچر هم در جنوب بفرمائید . . .

اردلان — آنها را شما بگوئید . .

دکتر عبده ـ نسبت بآنها هم همین اعتراض را ممکن است داشته باشیم اگر ما ایرانی هستیم بایستی بتمام معنی ایرانی باشیم و در مقابل هر مداخله که در امور داخلی ما میشود مقاومت کنیم اگر واقعاً سرنوشت ایران این بوده است که باید از بین برود بگذارید از بین برود ولی نه بدست ایرانی (صحیح است ـ آفرین) دولت شوروی کـه در ظرف این چهار سال محبوبیت جهانی پیدا کرده است باید با احترام و حفظ استقلال و تمامیت و حاکمیت دول کوچك ثابت کند که شایستگی قهرمانی آزادی جهان را دارد در اینجابنده روی سخنم بمامورین سیاسی شوروی در ایران است یعنی مامورین سیاسی که وظیفه دار مذاکره با دولت ما هستند بنظر بنده آنهاباید دقت بکنند که قبل ازهرچیز منافع معنوی دولت شوروی در جریان است باید عملا ثابت کنند که هیچ در خواستی که منافی با استقلال کشور ایران باشد نخواهند کرد. باید ثابت کنند که این جنك بقیمت خون جوانـان رشید شوروی تمام شده برای حفظ آزادی افراد وملل بوده ضمناً دولت آقای بیات هم باید به مسئولیت بزرگی کـه امروز متوجه ایشان است توجه بکنند. باید با تمام قواسعی بکنند این سوء تفاهمی که بین ما و دولت شوروی پیداشده است رفع بکنند باید آقای بیات سیاست خارجی خودش را بر حفظ استقلال ایران و در عین حال بر اساس حقایق سیاسی قرار بدهد نه بر پایه تصورات ولی یك نکته را هم بایـد توجه داشته باشند که برای ایرانی اولین حقیقت سیاسی غیر قابل تغییر استقلال ایـران است (صحیح است) بنده وقت آقایان را خیلی زیاد گرفتم ولی عرایض دیگری دارم اگر اجازه بفرمائید عرض کنم (جاذقی ـ بفرمائید شما ازطرف مجلس ایران نطق میکنید). قسمت دوم برنامه راجع بتوجه کامل به حفظ امینت در کشور بوسیله مراقبت در اجرای قوانین و تقویت قوای تأمینیه است بنده راجع باین موضوع عرض زیادی نمیکنم برای اینکه وقت آقایان را نگیرم ولی فقط وظیفه خودم میدانم از یك وزیری که در کابینه سابق شرکت داشته است و در کابینه فعلی هم شرکت دارد تشکر کنم و خیال میکنم این نظر عموم همکاران بنده است و آن شخص آقای سروری است که با اجرای قانون چاقو کشی خدمت بزرگی بایران کرده است (دکتر رادمنش ـ آزادی خواهان را هم تبعید کرده است بااین قانون) آنرا شما میگوئید اما راجع بقسمت سوم. سعی در بهبود زندگی مادی و معنوی عامه مردم بوسیله پائین آوردن هزینهٔ زندگی و تهیه و اجرای نقشه چند ساله برای بهداشت عمومی وفراهم کردن موجبات اصلاح مدارس و اجرای قانون آموزش و پرورش اجباری وهمچنین گذاردن قانون کار بمنظور تکمیل آسایش ورفاه کارگران در اینجا آقای بیات نمیدانم این ماده را بامشورت دکتر میلسپو نوشته اند یا بدون مشورت ایشان بهر صورت بنده بشما قول میدهم آقای بیات اگر بزرگترین سیاستمداران دنیا مثلا چرچیل بیاید در ایران رئیس الوزراء بشود باوجود آقای دکتر میلسپو یك قدم در راه بهبودی زندگانی مردم نمیتواند بردارد (صحیح است) شما واقعا اگر میخواهید درست به حقیقت و شخصیت آقای دکتر میلسپو وخدماتی که باین مملکت کرده اند توجه بکنید به گزارش اخیر ایشان گزارش ماهیانه اخیر آقای رئیس کل دارائی که جلد آن برنك کبود است گفته شد که ایشان هم با انتخاب این رنك خواسته اند بگویند که کابینه شمارا قبول ندارند و بهمین جهت پشت جلد گزارش خود برنك کبودی انتخاب کرده اند این گزارش شانزده صفحه است (تهرانی ـ ده هزار تومان خرج شده است) هشت صفحه اش راجع به آدرسهای روسای وزارت دارائی است زن و مرد (امیرتیمور ـ آدرس اولش کیست ؟) آقای زرین کفش وزیر سابق دارائـی صفحه آخرش هم راجع به امور پرسنلی است باقی میماند هفت صفحه که مشتمل بر گزارش مالی و اقتصادی این مملکت ملاحظه کنید در این هفت صفحه راجع به غله ونان وچائی وجیره بندی و توزیع کالا های انحصاری کارخانجات، بار بری و املاك واگذاری وخالصجات، توزیع مواد دخانیه، عملیات خزانه (تهرانی ـ یك صفحه اش را برای نمونه بخوانید آقای دکتر) عرض میکنم وقت تان تلف میشود در هرحال مطلب این است

و همه خوانده اند و دو سال است که وقت مان را با این آقا بـا قرائت اعلامیه هـا و گـزارش هـای ایشان تلف میکنیم. بنده راجـع بعملیـات آقـای دکتر میلسپو عرض زیـادی ندارم برای این کـه مطلب خیلی بازشده است بطور مثال اشاره میکنم بعملی که ایشان راجع به پخش قماش در تهران کرده اند آقایان سابقه دارند کـه دو سال پیش چندین مغازه در تهران بود و بهـر نحوی بود قماش را بین اهالی تهران در مقابل کوپن پخش میکردند ایشان که آمدند یك اداره کل توزیع درست کردند بعدهم یك عمارت بزرگی را اختصاص دادند به پخش قماش همان عمارت بزرگ فروشگاه که میدانید چندین میلیون ریال خرج آن شد که تا این عمارت مهیا شد برای فروش قماش قفسه واثاثیه مغازه ها را بآنجا آوردندو ازاین جهة چندین میلیون خسارت به کیسه فقیر این ملت واردشد پس ازچندین ماه تازه کالاهائی کـه در انبار بود آوردند توی این مغازه بزرگ ولی آدم نداشتند برای فروش آنوقت آن مستخدمین مغازه هارا بحال خودشان گذاشتند آمدند چهـار صد نفر عضو تازه استخدام کردند از زن و مرد (دکتر اعتبار ـ اغلب زن هستند) و ضمناً خرج ماهیانه مغازه هارا هم میپرداختند وبا این ترتیب موفق شدند روزی بین پانصد نفر تا هزار نفر قماش تقسیم کنند و حساب نکردند کـه با این ترتیب تقسیم این قماش بین هشتصد هزار نفر جمعیت تهران چطور عملی میشود وچند سال طول میکشد بعد دیدند که این کار عملی هم نیست پنجاه هزار تومان هم خرج نمودند آن نرده های آهن را در آنجا نصب کردند بازهم عملی نشد آمدند دوباره همان مغازه های سابق را باز کردند ورئیس کل پخش اعلان کرد که مغازه ها حاضر است برای فروش قماش مردم کـه رفتند و مراجعه کردند گفتند مادفتری نداریم حسابی نداریم ازدیوان جزا میترسیم قبل از اینکه دفتر ما مرتب بشود حاضر برای پخش قماش نیستیم. از این قبیل اعمال یکی دو تا نیست اداره تثبیت قیمتها درست شد منحل شد ادارهٔ منع احتکار درست شد منحل شد بهر کاری که دست بزنید همینطور است در همین کار جیره بندی آنطوریکه بنده اطلاع دارم تا کنون ۷۸۰۰۰۰ کوپن تقسیم شده است. وهنوز مسلماً ثلث اهالی تهران برگ جیره بندی ندارند شاید در همین مجلس عده باشند که هنوز برگ جیره بندی شان را نگرفته باشند آمدند بالاخره پخش برگهای جیره بندی را موقوف کردند دیدند که ازاین هفتصد وهشتاد هزار ورقه دویست و شصت هزار تا بلامحل است و اصلاً در مقابل پرسش نامه ندارد و روز بروز هم قیمت کوپن در بازار پائین میآید اول قیمت کوپن صد تومان بود بعد کم کم رسید به هفت، هشت تومان این تنزل قیمت دیگر مربوط بعملیات آقای دکتر میلسپو نبود این تنزل قیمت مربوط بقانـون عرضه و تقاضا بود چون کوپن در بازار زیاد شد قیمت پائین آمد. (خندهٔ نمایندگان) ما تنها موهبتی که بطور غیرمستقیم از این مرد بزرگ اقتصادی داریـم همان تنزل قیمت کوپن است (خنده نمایندگان) راجع به اعلان چای و شکر قرمز که آقای دکتر کشاورز فرمودند چگونه قیمت چای وشکر وقندرا بالا برد بنده عرضی نمیکنم. یکی از وظائف اساسی آقای دکتر میلسپو تنظیم بودجه کشور است شما خیال نکنید که کمیسیون بودجه راجع بگذراندن بودجه کوتاهی کرده است این حقیقت را باید گفت که تصور نکنید کـه کمیسیون بودجه نمیخواهد کار بکند خیر خیلی هم خوب کار میکند واین تأخیر دردادن گزارش برای این است که لایحه بودجه تقدیمی آقای دکتر میلسپو دارای خصوصیات بودجه نیست بودجه کشور شرایطی دارد باید فصل بندی شده باشد فصل ها ازهم جدا باشند بطوریکه ازفصلی بفصل دیگر نباید خرج بشود بودجه ای که تقدیم شده بطوریکه آقایان ملاحظه فرمودند بهیچوجه دارای خصوصیات بودجه نیست. یکی از مسائلی که مبتلا به امروز مردم است اجرای قانون مالیات بردرآمد است بنده بشهادت آقایانیکه در کمیسیون دارائی بودند راجع به آئین نـامه مالیـات بردرآمد شدید بودم چون معتقد بودم که بایستی در این مملکت بهروسیله ای که شده است این فاصله ای را که بین طبقهٔ ممتاز یا طبقه ثروتمند کشور و مردم پیدا شده از بین ببریم (صحیح است) ولـی

متأسفانه این قانون هم در عمل معلوم شد برای همان طبقات ضعیف وضع شده چندی است مزاحم اصناف این شهر شده‌اند اصناف تهران به بنده مراجعه کردند و میخواستند دکانهاشانرا این چند روزه تعطیل کنند بنده ازشان درخواست کردم که این کاررا نکنند وضع فعلی مملکت اقتضا ندارد این کار بشود و خیلی متشکرم بعرض من توجه کردند ولی بالاخره اگر قانون مالیات بر در آمد را بخواهند خوب اجرا بشود باید فکر اساسی کرد مخصوصاً اجرای این قانون بایستی بدست اشخاص پاکدامن انجام بگیرد وعملاً میبینیم غیرازاین میکنند وبنده مخصوصاً دلایلی دارم ولی برای اینکه وقتتان را زیاد نگیرم عرض نمیکنم ازیك کره فروش شاید از بیست و پنج هزار تا سی هزار تومان مالیات بردرآمد خواستند والبته آن بیچاره چون نتوانست این مبلغ را بدهد ناچار شد دکانش را تعطیل کند ومن یقین دارم که درهر اجرای قانون مالیات بردرآمد برعده فقرا و بینوایان این مملکت صد درصد اضافه خواهد شد وعجب تر اینکه آنهائی که درآمد سرشاری دارند وباید بیشتر مالیات بدهند قضایا را حل میکنند و کمتر درمعرض این اشکالات هستند . بنده مطلب دیگر راجع بآقای دکتر میلسپو دارم چون دیروز آقای اردلان هم فرمودند مجبورم اینجا عرض بکنم وآن راجع بآقای ابتهاج مدیر کل بانك ملی است بنده هیچ کاری ندارم که آقای ابتهاج را آقای دکتر میلسپو حق داشت بردارد یا حق نداشت این یك مسئله ایست مورد اختلاف بعقیدهٔ بنده اوچنین حق رانداشته است ولی چیزی دراین باب عرض نمیکنم چون نظرمخالف هم ممکن است باشد اما بعد از آنکه آقای دکتر میلسپو آمدند بموجب یك نامه ای ایشان رابرداشتند دوباره بمعیت وزیر مالیه وقت آقای زرین کفش یك شرح مجددی تهیه کردند وبه هیئت دولت انفصال ایشان را پیشنهاد کردند هیئت دولت هم این پیشنهاد را رد کرد اگربگوئیم که آقای دکتر میلسپو با توسل بنامه اخیر ازنظر اولیه خودش برگشته یعنی معتقد شده مثل ما باینکه اختیار عزل ونصب مدیر کل بانك ملی را ندارد بایستی در این صورت امر دولت را باید اطاعت کند و نمی بایست متوسل بشود باین نامه هائی که آقایان ملاحظه فرموده اند ببانك ها ومؤسسات نوشته وعزل آقای ابتهاج را اعلام کرده است و اگر بعقیده اولی خود باقی است بموجب قانون استخدامش نباید دست بهیچ کاری بزند تا نظریه مجلس دراین باب معلوم بشود و بنا براین ایشان با این عمل خودشان یا توهین بمجلس کردند یاتوهین بدولت (بعضی ازنمایندگان ـ توهین بهمه) بله زیرا آنروزی که ایشان خودشان راحامی استقلال مملکت معرفی کردند توهین بهمه شد روزی که ایشان آمدند و گفتند که دیگر موقع نیست دولتی درداخل دولت ایران باشد آنروز توهین بهمه شد (دکتر کشاورز ـ و کسی هم صدایش در نیامد) وبنده مکرر اجازه خواستم عرض بکنم وقت ندادند، آقای مهندس فریور دراین موضوع صحبت کردند وبسیار خوب هم صحبت کردند (ایرج اسکندری ـ سایرین جلوشان را گرفتند) درهر حال ما یك دلخوشی داریم وآن اینست که نخست وزیر فعلی ما آقای بیات است وبنده واقعاً مخفی نمی کنم از آقایان که نسبت بنظریه ایشان راجع بدکتر میلسپو یك قدری تردید داشتم وبعداً که تحقیق کردم اطلاعی که کسب کردم دیدم ایشان درعین حال که دوستی ممتدی با دکتر میلسپو دارند درکابینه آقای ساعد طرفدار الغای اختیارات ۱۳ اردیبهشت بودند واین فکر راتقویت میکردند خوب یکمردی که باتمام سوابق دوستی ازنظر حفظ قانون وازنظر حفظ مصالح مملکت بیاید این نظر را اتخاذ بکند این قابل تقدیس است بنده بایشان ارادت زیاد تری پیدا کردم و بطوری که اطلاع دارم میگفتند درآن دفعه اخیر که لایحه ای تهیه شده بود از طرف دولت وبمجلس نیامد ودرجلسه خصوصی طرح شد راجع بالغای اختیارات دکتر میلسپو و نفهمیدیم که دراثر چه عوامل مرموزی که بعقل بنده وسایر جوانهای مجلس نمیرسد ازبین رفت آقای بیات بآقای ساعد اعتراض کردند که آقا این چکار بود که ما کردیم بنده عقیده دارم که درظرف این دوماه درعقیدهٔ آقای بیات هیچگونه تزلزلی پیدا نشده است (بعضی از نمایندگان ـ

انشاء الله) و ایشان درعقیده خودشان باقی هستند و شرط موافقت بنده واکثر از آقایان اینست که شما نسبت باینموضوع صریح باشید ونظر سابق خودتانرا اجرا کنید اگر اینکار را کردید من بشما قول میدهم که تمام دستجات مجلس نسبت بشما ارادت وعلاقه مندی داشته باشند (صحیح است) و بعلاوه ازنظر مصالح مملکت مقتضی نیست که ما بیائیم دربست اختیاراتیکه مربوط بقدرت حاکمیت مملکت است بیکنفر خارجی بدهیم و آنهم درموقعیکه سرنوشت دنیادار دمعلوم میشود، آنهم درموقعی که بالاخره استاتو کووسوابق ممکن است مورد توجه واقع شود با دادن اختیارات مالی واقتصادی این کشور بیك نفر خارجی تلویحاً عدم لیاقت خود را امضا کرده ایم، ما بایستی هرچه زودتر این اختیاراتی که برخلاف مصالح سیاسی مملکت داده شده است خاتمه بدهیم و هرچه زودتر انتظارداریم که قانون الغاء اختیارات ۱۳ اردیبهشت آقای دکتر میلسپو به مجلس تقدیم شود (صحیح است) این نکته را هم فراموش نکنیم که امروز اقتصاد و سیاست باهم خیلی تماس نزدیك دارند . من میترسم وهمه ممکن است این توهم را داشته باشند که ازلحاظ تماس اقتصاد با سیاست آقای دکتر میلسپو بیشتر امریکائی باشد تا ایرانی و اگرخیال بکنید که آقای دکتر میلسپو در یك مسئله اقتصادی که با دولت شوروی یا دولت ثالثی تماس بگیرند اگربخواهند منافع ایران رابه منافع امریکائی ترجیح بدهند اول کسی که بایشان بی ارادت میشود بنده هستم برای اینکه ایشان امریکائی هستند وهفتاد سال یا هشتاد سال درست نمیدانم امریکائی بوده اندو نمیتوانند آخر عمری ایرانی باشند درقسمت طرح نقشه های اقتصادی بسیار فکر خوبی است ولی بشرط اینکه شورای عالی اقتصادی که درکابینه اسبق آقای ساعد گویا تصویبنامه مربوط بآنهم گذشت عملی شود و از مردمان با سابقه و مطلع در اداره امور اقتصاد این مملکت در آنجا دعوت کنند آنجا بیایند یك هیئتی باشد که در آنجا کار کنند خواه جوان باشند خواه پیر همینقدر که واردکار اقتصاد مملکت باشد کافی است بایستی در این مرکز از آنها استفاده بشود . مسئله ای که امروز خیلی موجب نگرانی ماشده است مسئله بیکاری است دراین مملکت ما چون در تهران هستیم در مجلس هستیم اطراف خودمان را می بینیم بدور نماهای رقت آور شهرستانها نظر نداریم ممکن است این مسئله برای ما گران تمام شود باید هرچه زودتر برای آنها فکر کار کرد ما الآن صدها مهندس داریم که اینها کاراداری میکنند وحال آنکه زحمات زیادی برای تربیت آنها کشیده شده است وشاید عدهٔ سرمایه دارهم داشته باشیم که باحسن نیت میل داشته باشند سرمایه‌های خودشان را در کارهای مولد ثروت مصرف بکنند اگر ما از این عوامل مهندسین جوان و از این جوانانیکه امروز در این مملکت داریم وازاین سرمایه داران بخواهیم استفاده بکنیم خیلی از ذخایر ومنابع مملکت را استخراج میکنیم هم به حال مملکت مفید خواهد بود وهم باین وسیله ممکن است از آفت بیکاری جلوگیری بکنیم در برنامه دولتهای سابق بعضی نکات مفید دیده شد دربرنامه دولت کنونی ذکری از آن نیست در صورتیکه بنظر بنده اگر تذکار آنها برای دلخوش کنك هم بود بد نبود مثلاً راجع به منع کشت تریاك که سالها است ازآن صحبت میشود ما میدانیم که یکی از بلاهای خانمان سوز این مملکت تریاك است بنده چندروز پیش رفتم بجنوب شهر و آنجا با دو چشم خودم وضع تأثر آور و سیه روز عدهٔ از هم میهنان خود را دیدم که دچار بلای شیره هستند دیدم در چه کثافتی غوطه میخورند و چگونه خود و عائله شان را بوادی نیستی سوق میدهند تا وقتی مردمان سالم نداشته باشیم تا استعمال تریاك و سایر مواد مخدره در این کشور رواج دارد نمی توانیم مامردمان با اراده وقوی وفعال برای کشور تهیه کنیم :

دکتر شفق ـ دراین خصوص طرحی تهیه شده است که تقدیم میشود .

دکتر عبده ـ راجع باستقلال قضات هم بنده مجبورم صحبتی بکنم زیرا خوب بنده خودم ازهمان دسته هستم واز این جهت افتخار میکنم وبنده باین نکته اساسی برخورده‌ام که مادام که استقلال قضات تأمین نشود ما نمی توانیم بیطرفی

کاملی که در نظر داریم از قضات انتظار داشته باشیم ولی باید مقدمةً این نکته را عرض کنم که اول باید دستگاه قضائی را تصفیه کرد بعد قضات را استقلال داد (صحیح است) ومخصوصاً برای تهیه یك کادر قضائی صحیح بایستی آقای وزیر مطلع دادگستری اقدام نمایند و من کمال امیدواری را بموفقیت ایشان دارم . یك قسمت مهمی که ما برای کشور نهایت درجه باید بآن اهمیت بدهیم استفاده ازجوانهای تحصیل کرده کشوراست ولااقل اسباب دلخوشی برای ما جوانهای مجلس بودکه در برنامه آقای ساعد بآن اشاره شده بود ولی در این برنامه دیگری باین دلخوشی لفظی مبادرت نشده‌است واز جوانهای تحصیل کرده کشور باید عملاً استفاده‌کرد (صحیح است) بنده عده لیسانسیه و مهندسینی را دراین‌کشور سراغ دارم واین که میگویم افسانه نیست الآن در این شهر دارند بقالی می‌کنند کاراژداری می‌کنند و برای مملکتی‌که میلیونها از کیسه فقیر این ملت خرج این اشخاص و جوانان تحصیل کرده کرده است من خیال می‌کنم خیلی مایه شرمساری وخجلت است‌که مهندسین ولیسانسیه‌های آن کشور برای پیدا کردن یك لقمه نان مجبور شوند خواربار فروشی باز کنند (صحیح است) ومن امیدوارم‌که دولت فعلی هم باین امرمهم یعنی استفاده ازجوانهای تحصیل‌کرده توجه‌بکنند یك وقتی در این مملکت یك فرصتی پیدا شد و یك عده را بفرنك فرستادند ومن‌خیال نمیکنم‌که دیگر باین‌زودی این فرصت در این مملکت تجدید بشود اکنون چندین ماه است‌که آقای مهندس فریور اصرار دارند راجع به قانون استخدام مهندسین و تهیه لایحه قانونی آن وتقدیم آن به مجلس شورای ملی و الآن هشت نه‌ماه از این موضوع می‌گذرد وهنوزاین لایحه ازطرف دولت بمجلس شورای ملی تقدیم نشده است (صحیح است)باز هم بنده در خاتمه عرایضم توجه دولت و نمایندگان محترم ملت را بدونکته جلب میکنم یکی اینکه دمکراسی ایران حکومت پارلمانی ایران بنظرمن همانطورکه بابیان‌شیوای خودشان تلویحاً آقای طباطبائی فرمودند دچار آفاتی شده است وجود حکومتهای بی دوام وعدم قدرت در حکومتها آفاتی است که مثل یك کرم که درختی را میخورد ممکن است دیر یا زود حکومت دمکراسی مارا از بین ببرد بنده خواستم اعلام خطر بکنم واز آقای بیات رئیس این دولت تقاضا میکنم که برای تثبیت حکومت دمکراسی وپارلمانی بیش ازاین توجه بکنند درختام عرایض خود راجع به حاکمیت واستقلال این مملکت‌که اهم مسائل‌است صحبت میکنم(صحیح است ـ احسنت) شما و دولت شما و کلیه ایرانیان میبایستی درمقابل هراقدامی‌که منافی با استقلال این‌کشور باشد مقاومت بکنید (صحیح است) ایستادگی بکنید ما هم ازچپ تا راست درهر دسته‌ای‌که باشیم ازشما پشتیبانی‌می‌کنیم . برای اینکه من معتقدم‌همه ماها ایرانی هستیم برای اینکه من معتقدم‌که فراکسیون دست چپ ماهم مثل فراکسیون دست راست‌همه ایرانی هستندمسلماً ایرانی هستند (صحیح است) وعلاقمند بمملکت هستند و من نمیتوانم قبول‌کنم که در مملکت ما درکشورما کسی باشدکه بخواهد منافع و استقلال مملکت را از نظر خود دورکند . دراین موقع باید ما دست بدست هم بدهیم ودر مقابل هرگونه عواملی‌که باستقلال حاکمیت ما صدمه برساند مقاومت وایستادگی بکنیم (صحیح‌است) ودرهرحال دنیا باید بداند که ملت مظلوم وستمدیده‌ایران که دراین‌جنك ضررهای بیشماری داد بدوستی بامتفقین خودش علاقمنداست ولی باستقلال و حاکمیت ایران بیشتر علاقه دارد

نمایندگان ـ احسنت ـ صحیح است

نایب رئیس ـ اگر اجازه می‌فرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) فعلاً تنفس داده میشود تا فردا صبح دراین موقع یکساعت بعدازظهر جلسه بعنوان تنفس تعطیل و روز پنج شنبه نهم آذر ماه یکساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای دکترمعظمی (نایب‌رئیس) تشکیل گردید .

[۵ـ قرائت پیشنهاد آقای دکتر شفق و بیانات آقای نایب رئیس راجع بپایان سال اول کنفرانس تهران]

نایب رئیس ـ شرحی آقای دکتر شفق به مجلس شورای ملی عرض‌کرده‌اند وچون فوریت دارد قرائت میشود :

مقام ریاست مجلس شورایملی : چنانکه آقایان‌نمایندگان مستحضرند سال گذشته درهمین روز ها یعنی از ششم تا دهم آذر ماه انجمنی مرکب از سران سه کشور بزرك متفق ما تشکیل یافت و درآن تصمیمات بس مهم اتخاذ گردید واز آن جمله موضوع میهن مقدس ما مورد بحث این مردان نامی واقع شد و روز دهم آذرماه اعلامیه ای با امضای آنان دائر باحترام استقلال کامل وتمامیت ارضی وحق حاکمیت سیاسی و اقتصادی ما صادر گشت اینجانب پیشنهاد میکنم چون این انجمن اولین انجمنی بودکه سران متفقین مارا جمع کرد وخوشبختانه این‌اجتماع درپایتخت‌کشور ما بعمل آمد و اعلامیه ای‌که حاکی از علاقه و احترام سه‌مردنامی نسبت بحقوق ملت ایران بود انتشار یافت مقام ریاست‌مجلس احساسات نمایندگان وملت ایران را بیان وابرازفرمایند .

نایب رئیس ـ با اطلاع از نظر آقایان نمایندگان یقین دارم‌که آقای دکترشفق دراین‌اظهارات‌مترجم‌احساسات ملت ایران و کلیه آقایان نمایندگان محترم میباشند (صحیح است) مجلس شورایملی و ملت ایران روزهائی راکه سه پیشوای بزرك و متفق ما درتهران‌گذراندند بامسرت بسیار یاد میآورند (صحیح است) و تصمیماتی راکه در آن ایام اتخاذ نمودند و به فتوحات عظیمی منجرگردید با نظر تحسین و احترام مینگرند (صحیح است) و مخصوصاً از اعلامیه‌ای‌که سه پیشوای بزرك دائر باحترام و استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ایران صادر کردند قدردان وسپاسگذار است

کلیه نمایندگان ـ صحیح است .

نایب رئیس ـ آقای امیرتیمور .

[٦ـ بقیه مذاکره دربرنامه دولت]

امیرتیمور ـ در مجلس چهارده بنده دوست دارم بیشتر گوش بدهم تا اینکه بسخن بپردازم و امروزهم که برحسب لزوم اجازه خواستم عرایضی عرض کنم ساعی خواهم بود خیلی ساده و بطور مختصر مطالب خود را بعرض برسانم و از تضییع وقت آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی احتراز خواهم کرد و بدواً هم از این مختصر تصدیعی که میدهم معذرت میخواهم . از نمایندگی مجلس و خدمت بکشور در زندگانی اجتماعی هر کس سهمی و بهره ای داشته سهم و بهرهٔ بنده هم گویا مبارزه با تبهکاران بود و حالا که قسمت و مقدر اینطور تعیین شده منهم این مقدر را استقبال میکنم و خدای خود را شکر گذارم . قبل از اینکه بعرض مطلب بپردازم چند مقدمه است که ناگزیرم عرض بکنم . مقدمه اول این است که تصور میکنم ازبدو مشروطیت تا بحال مستخدمین بسیاری از تمام ملل و ممالك دنیا بدولت ایران جلب شده و باین کشور خدمت کرده اند . این مستخدمین از ملیت های مختلف بوده و تا بحال بهیچوجه دیده‌نشده که در کشور ایران نسبت بیکنفر از این خارجی ها برخلاف واقع و برخلاف حقیقت اظهاری شده باشد یا بغرضی نسبت بآنها نسبتی داده شده باشد بلکه همیشه با یك نظر شفقت و رحمت وبایك دیده مکرمت ومرحمتی نسبت باین مستخدمین و نوکرهای خارجی کشور ایران نگاه کرده واگر خدمت آنها بقدر کاهی بوده است آن کاه را بقدر کوهی جلوه داده و هیچوقت در مقام عیبجوئی و ستیزه با آنها برنیامده است واین یکی از خصایص ایرانیها است زیرا این مستخدمین را که استخدام کرده‌اند اینهارا مثل یك مهمانی برای خودش فرض میکرده و روی همان صفت مهمان نوازی که ایرانیها دارند همیشه ساعی بوده اند که ببهترین وجهی با آنها رفتار کنند وبخوشترین صورتی آنهارا روانه کنند وتابحال همیشه اینکار راکرده اند و بعدها هم خواهند کرد . این مقدمه ای که عرض کردم برای این بود که در این کشور نسبت به مستخدمین خارجی غرضی تا بحال نبوده است و بعد از اینهم نخواهد بود . از این موضوع که بگذریم از اول دوره چهارده راجع بجناب آقای دکتر میلسپو که رئیس کل دارائی هستند .

یکی ازنمایندگان ـ جنابش چیست ؟!

امیرتیمور ـ خوب بنده ازنقطه نظرشخص خودم میگویم و طرز عملیات و اقدامات ایشان مذاکره است و مباحثاتی در مجلس و در خارج از مجلس در جرائد و تمام مملکت

بوده است وحقیقةً عملیات دکتر میلسپوطوری نبوده است که مورد پرده پوشی یا عفو و اغماض قراربگیرد . اما از ابتدا یك عده معدودی در مقام شبهه کاری بر آمده اند و مذاکره درباب دکترمیلسپورا همیشه ربط بادوستی ایران ودولت آمریکا داده‌اند و تصور کرده‌اند که اینطوراست و اینطور درمقام شهرت بر آمده‌اند و خواسته‌اند القاء شبهه بکنند که اگر نسبت به میلسپو یك اظهاری بشود وایرادی بشود بدوستی کشور ما با آمریکا لطمه وارد میشود در صورتیکه موضوع میلسپو و نوکری او بدولت ایران یك امرداخلی است وبهیچوجه‌من‌الوجوه ارتباطی با کشورهای خارجی حتی با آمریکا ندارد وهمیشه در تمام ایران یك احساسات بسیار پاکی نسبت بآمریکا موجود بوده است و موجود هم هست وتمام افراد ایرانی‌حقیقةً هوا خواه‌دوستی وحسن نیت با آمریکاهستند وازجمله آنها شخص بنده هستم که صمیمانه میخواهم عرض بکنم که اگر در رأس این افراد نباشم نفردوم شاید باشم و ازآن اشخاصی هستم که طالب دوستی ومودت ایران و آمریکا هستم واگرصحبتی راجع به دکترمیلسپوباشد یانسبت به مستخدمین آمریکائی‌نباید تلقی کرد که نسبت بدولت آمریکااست واین شبهه‌وشهرتها ازطرف یك عده عناصر معدودی است درمملکت که این ها مانند دزدانی‌هستند که بازار آشفته را طالب هستند و یك کسانی هستند که از دوام این وضعیت فائده میبرند و استفاده میبرند و ازبینوائی ملت ایران استفاده میکنند و با نهایت تردستی درمقام یك چنین القاءِ شبهه بر آمده‌اند که حتی یك عده ازنمایندگان عزیزوشریف وخوش‌نیت ما هم در اول مجلس دچارشبهه بودند و بعضی ازآنهامیگفتند که مصلحت سیاسی ما نیست که در موضوع میلسپو بحث شوددرصورتیکه اینطورنیست‌موضوع میلسپو موضوع‌داخلی ما است ومانسبت بنوکرخودمان و مستخدم خودمان بحث میکنیم وهیچ ارتباطی با سیاست خارجی ما ندارد وهمانطور که عرض کردم این شهرت و مسببین این شهرت یك عده معدودی هستندیك زدانی‌هستند که ازبازار آشفته‌میخواهند استفاده‌بکنند ودرزیرعلم میلسپوسینه میزنند (صحیح‌است) و از بینوائی ملت ایران میخواهند برای خود نوائی‌درست کنند(صحیح است) این موضوع دومی بود که عرض کردم مقدمه دیگری را هم که میخواهم بعرض برسانم برای این است که آقایان نمایندگان محترم بدانند که در بنده تغییر عقیده و سلیقه پیدا نشده و آنچه را در موقع طرح قانون استخدام دکتر میلسپو در دوره سیزدهم گفته‌ام حالا نیز عرض میکنم و هم چنین بعقیده‌که در موقع طرح قانون اختیارات میلسپو داشته‌ام امروز معتقدم موقع طرح قانون استخدام میلسپو من بعرض مجلس رساندم که هرملتی و هر کشوری‌خودش باید خانه خودش‌را اداره بکند . مملت‌ایران برای اصلاحات و تنظیمات اداری و وزارتخانه های خودش احتیاج به عناصر خارجی ندارد و در عناصر ایرانی عناصر بسیار شایسته و لایق وکافی وکاردان هستند که اگر در رأس امور گذارده شوند و از آن ها حمایت شود به بهترین وجهی ممکن است آن کارهائیرا که به عهده عناصر خارجی گذاشته‌ایم انجام بدهند وعرض کردم اگراین توجهی که درگذشته‌نسبت بخارجیهاشده ویا توجهی که فعلاً میخواهید نسبت بخارجیها بکنید یك عشرش اگر نسبت به یك فرد ایرانی‌بشود یعنی از او پشتیبانی بشود که دریك مدت معین در پستش باقی باشد و حقوق کافی باو داده شود و هر گونه کمك ومساعدت ازطرف دولت باو هم ابراز بشود صد برابر یك نفر اجنبی میتواند به مملکت و کشور خودش خدمت بکند (صحیح است) ولی نقص این کشور در گذشته این بود و این نقص حالا هم موجود است . تمام این بدبختی ها و بیچارگی ها بواسطه هیئت حاکمه ای بوده است که مصدر کار بوده اند و در تمام ادوار مختلفه به عقیده بنده با این که اغلب آن ها مردمان بسیار خوب وصحیح بوده اندامااهلیت و رشد وبلوغ سیاسی نداشتند وعدم لیاقت آنها و فرار ازمسئولیت بوده که بعناصر اجنبی‌متوسل شده‌اند (صحیح است) والا جهت دیگری که کارهارابدست‌خارجی بسپارند وجودندارد والآن‌هم درایران

عناصری‌هستند که اگر بکار گمارده بشوند بهتراز هراجنبی خواهند توانست باین مملکت خدمت بکنند و امور اداری مملکت وچرخهایش را براه بیندازند. البته در قسمت کارهای فنی بنده منکر نیستم که در کارهای فنی نه مملکت مابلکه تمام ممالك دنیا احتیاج به متخصص فنی دارد مثلاً اگرامروز ما بخواهیم یك بحرپیمائی قوی در خلیج فارس یابحر خزر ایجاد کنیم وامنیت آبهای خلیج‌فارس وبحر خزر راعهده‌دار بشویم باید برای کارهای کشتی سازی و بحرپیمائی ابتدایك متخصصینی جلب کنیم ولی درعین‌حال ماامیرالبحر را نباید یك نفر اجنبی قرار بدهیم باید امیرالبحر ما ایرانی باشد و بدست ایرانی اداره بشود نه بدست خارجی . در دنیا بتاریخ نگاه کنید سابقه ندارد این سابقه ننگین متأسفانه در کشور ایران گذاشته شده است که یك مملکتی اصلاح کلیه شئون اجتماعی خودش را از یك فرد بیگانه بخواهد و بیك فرد بیگانه‌این همه اختیارات را بدهد که ازعهده وانجام او بکلی خارج باشد (صحیح است) این‌اظهاراتی بود که بنده‌درموقع استخدام میلسپو بعرض‌مجلس رساندم‌وگفتم معهذا اگر امروز زمامداران مملکت و مجلس شورای ملی بخواهد میلسپو را استخدام نماید بازهم با استخدام ایشان مخالفت نخواهم کرد مشروط براینکه دکترمیلسپو باصلاح بودجه‌مملکت بپردازد زیرا در بودجه مملکت من معتقد بودم هشت عشرش مخارج زائد و لوکس و فانتزی و غیر لازم است و اگر دو عشراین بودجه دردست یك‌دولت صحیح و وزیرمالیه‌لایق‌شایسته‌ای بیفتد بادوعشر آن میتواند تمام چرخهای اداری را بگرداند و هشت عشر دیگر راهم خرج اصلاح و عمران و آبادی و مصالح اساسی این مملکت بکنند وحالا که میلسپو میخواهد بیاید و باین مملکت خدمتی بکند باید این کار را بکند که این بودجه را باین طریق تنظیم واصلاح بکند وهمانطور که درقانون اومصرح است باید از کارهای سیاسی و مذهبی جداً احتراز بکند ودرکارهاهم ایرانی را مقدم برخارجی بشمارد و سعی بکند از عناصر ایرانی استفاده بکند و این موضوع استفاده از عناصر ایرانی در قوانین بعدهم تذکر داده شده و او متعهد بود که هرجا که یك آمریکائی میگذارد یك نفر ایرانی کاردان و لایق پیش‌دست اوبگذارد واین جزو تکالیف او بود ومتأسفانه این‌عمل را هم‌تابحال نکرده‌اند وهرکجاهم یك‌نفر آمریکائی روانه کرده و روز بروز وضع مالیه‌مملکت‌را بدتر کرده است (صحیح است) مثلاً بنده برای نمونه مالیه خراسان را بیان میکنم ایشان یك نفر آمریکائی گردن نام‌را فرستاده‌اند بخراسان بنده‌این شخص را ندیده‌ام و نمیشناسم و شکلاً هم نمی‌شناسم ممکن است این آدم خیلی خوبی باشد ممکن‌است‌یك آدم‌بدی‌باشدویك آدمی‌فرستاده‌است آنجا که نه‌اوخراسان‌رامیشناسدونه‌خراسان‌اورامیشناسد نه‌اومردم را میشناسد ونه مردم اورامیشناسند نه‌اوزبان مردم رامیداند ونه مردم زبان اورامیدانند نه او میتواند مردم رابی‌واسطه ملاقات کند ونه مردم میتوانند او را ملاقات کنند وامورراستانداری یك چنین‌استان بزرگی‌مثل‌خراسان در دست‌یك چنین آدمی افتاده است نتیجه چه شده ؟ نتیجه این شده است که یك‌عده مردم دزد وشیاد دور او حلقه زده‌اند و دور او راگرفته اند و راستی باور بفرمائید این‌هرج ومرج وبی‌ترتیبی واختلاس وغارتگری و دزدی که درخراسان ازموقع رفتن این شخص ایجادشده‌تابحال درتاریخ خراسان سابقه ندارد (صحیح است) باور بفرمائید که سابقه ندارد و یك عده عناصر افتاده‌اند مردم را غارت میکنند و می‌چاپند و میبرند و این آقا هم خبرندارد (اردلان ـ جای تأسف است) مثلاً صحبت ازپخش اجناس انحصاری و قماش میشود صریحاً عرض میکنم تمام اینها دروغ‌است بدانید. آقای رحیمیان‌شما اخیراً ازخراسان آمده‌اید آیا در درجز و قوچان و خراسان قماش توزیع‌شده است؟ (رحیمیان ـ خیرهیچ کجا نشده‌است) تمام اینهائی که در روزنامه ها بعضی اوقات می بینید این ها دروغ است شارلاتانی است اینها . تهران را با این موقعیت و با این همه وسایل از فرط بی لیاقتی نتوانسته‌اند اداره کنند در تهران قریب یك میلیون کوپن توزیع شده است و هنوز هم عده زیادی کوپن نگرفته‌اند والآن‌هم همان ترتیب کوپن‌فروشی همانطور که آقای دکتر عبده فرمودند در بازار رواج دارد

و چندین میلیون تومان از این طریق بطور عادی هر ماه دزدی میشود. مثلاً درموقعی که مذاکره ازقانون جمع آوری مازاد غله اینجا بود عرض کردم این بهترین موقع بره کشی است که یك عده دزد وشیاد بجان مردم خواهند افتاد وشروع بغارتگری میکنند وبعد متأسفانه اخباری هم که ازخراسان به بنده رسید و الآن هم میرسد این نظریه را تقویت میکند باور بفرمائید در تمام خراسان بنام جمع آوری مازاد غله از تمام دهات خراسان و ازفرد فرد رعایای آنجا از ده تومان گرفته تا پنجهزار تومان پول گرفته‌اند (صحیح است) و راجع بتمام اینها از خراسان تلگراف میرسد و شکایت میرسد و من در انبوه شکایت و تلگراف و کاغذ که از مردم رسیده غرق هستم وعرق خجالت میریزم که من یك ایرانی و وکیل مجلس هستم و وضعیت مردم بایداینطور باشد آنهم مسقط الرأس من. واقعاً بحثی بر میلسپو وبر آمریکائی نیست این بحث برما است که در اثر بی‌لیاقتی زمامداران مازمام امور بدست عناصر اجنبی واشخاص نالایق میافتد واین عناصر نالایق برای اصلاح امور مملکت یك چنین اشخاص نالایقی را مأمور میکنند. پس بحث برماست و از میلسپو یا گردن هیچ شکایتی نداریم این شکایت از خود ما است (صحیح است) از این موضوع که بگذریم موقعی که قانون اختیارات ۱۳ اردیبهشت در مجلس شورای ملی مطرح شد باز من در مجلس عرض کردم ناله کردم ضجه کردم که آقا مجلس شورای ملی این قانون شأن دولت است و شأن دولت را مجلس، نمیتوانید بیك اجنبی واگذار کنید یعنی این اختیاراتی که شما باین شخص میخواهید بدهید این اختیارات مال دولت است و باید بدولت داده شود واگر دولت مصلحت بداند میتواند باجنبی واگذار بکند مخصوصاً حق قانون گذاری نمیتواند مجلس بدیگری بدهد و این برخلاف قانون اساسی است و این صورت مجلس موجوداست و آن موقع بنده عرض کردم ومن الاتفاق آقای دکتر طاهری هم در آن موقع دراین قضیه با من موافقت داشتند واظهاراتی کردند ولی آنچه البته بجائی نرسید فریاد است ومؤثر واقع نشد حالا هم به‌بینیم من چه میگویم من چه میخواهم ودکتر میلسپو دراین مدت چه کرده است؟ البته بنده شرح اقدامات و عملیات وخرابکاریهای دکتر میلسپو رااگر بخواهم عرض کنم حقیقةً بدون مبالغه باید ده روز وقت مجلس گرفته بشود و در اینجا کتابها باید تدوین شود و قرائت بشود ولی البته نه چنین مجالی مجلس شورای ملی دارد و نه چنین کاری هم لزومی خواهد داشت. بنده خیلی خیلی مختصر و بطور اجمال عملیات آقای دکتر میلسپو را از صد هزار یکی از عملیات ایشان را از روزی که آمده‌اند و درقسمت مالی و اقتصادی تجارتی کشاورزی این مملکت دخالت کرده‌اند بعرض آقایان میرسانم اولاً بعد ازقضیه شهریور از کارهای خوب و پسندیده‌ای که دولتهای ما بآن متوجه شدند وکردند این بود که اجازه دادند بتجار و بازرگانان که هرقدر میتوانند اجناس مورد احتیاج این کشور را از خارجه بیاورند چه اجناس انحصاری وچه اجناس غیرانحصاری اعم ازقند وشکر وچای وقماش وشکستنی و اجناس دیگر و تجار ایرانی هم باستناد این اجازه دولت وبرای خدمت به‌ملت و کمك به‌هم میهنان خودشان وبرای اینکه حتی‌الامکان افراد این کشور را از مضیقه خلاصی بدهند با بودن جنگ اقدام کردند واز خارج اجناس وارد کردند و کمانده‌ها دادند و فارشات دادند وچیزی نگذشت که از هرنوع جنس مقدار زیاد بسرحدات ایران وبگمرکات ایران وارد شد ازقبیل قند وچای وقماش وغیره ویك مقدار بسیار زیادی هم که بهای آنها برابر میلیونها تومان بود در راه بود. اولین کاری که آقای دکتر میلسپو کرد این بود که گفت تمام این تجار اجناسی را که در گمرك دارند ووارد کرده‌اند باید بمن تسلیم بکنند وآنچه هم بعداً وارد میشود باید بمن بدهند بالنتیجه چون این کار برای تجار ایرانی هم صرف نداشت مقدار زیادی ازاجناس سفارش داده شده را تلگراف کردند که از مبداء برگردانند و مقداری هم که حل شده بود ونمیتوانستند برگردانند بممالك همجوار بردند و مقداری هم که به ایران وارد شده بود در دست آقای دکتر میلسپو ماند از آن جمله فرض بفرمائید چندین هزار صندوق چای در زاهدان ودر محمره و در نقاط

دیگر بود که اینها را میلسپو اجازه نداد که وارد بشود در صورتیکه اگر اجازه داده شده بود ووارد کشور شده بود چای هرقوطی حساب شده یك روپیه هم کمتر تمام شده بود ولی کاری را که آقای دکتر میلسپو کرد نتیجه اش این شد که این چای بعوض اینکه قوطی یك روپیه که ۸ ریال باشد بفروش برسد این قوطی ۳۰ تومان در بازار تهران بفروش رسید که الآن هم بهمان بدبختی مردم دچار هستند واین اولین اقدامی بود که این پهلوان اقتصادی و این مرد بزرگ که این همه دراطرافش سینه میزنند کرد این اولین کار ایشان بود که کردند قدم دوم را استدعا میکنم آقای اردلان جنابعالی هم توجه بفرمائید یك قسمت ازعرایض من بیشتر متوجه آقا است چون همیشه بمن التفات داشته‌اند منهم ارادت. یکقسمت ازکارهای میلسپو قانون مالیات است که در دورهٔ سیزدهم آورد به مجلس و درمقدمهٔ آن قانون وبعد هم درخارج بایك زبردستی فوق‌العاده بیان کرده بود و وانمود کرده بود که دولت ایران و کشور ایران گرفتار کسر بودجه و کسرخرج است واگر حقیقةً بودجه مملکت آناً از طریق مالیات و از طریق ترمیم مالیات وعملی کردن این قانون اصلاح وترمیم نشود این مملکت دچار ورشکستگی خواهد شد، دچار افلاس میشود و این فکر را با نهایت شدت منتشر کردند و قوت دادند متأسفانه یکعده ازجرایدماهم بدون اینکه واردمقاصد این آدم بشوند نفهمیده و ندانسته و غور نکرده طوری این موضوع را بزرگ کردند و منبسط نمودند و وحی آسمانی کردند که حتماً باید این قانون را مجلس شورای ملی بگذراند مجلس هم البته بااهمیت زیادی این قانون را تلقی کرد وبعلاوه عدد کمیسیون قوانین دارائی را مجلس رأی داد که عدهٔ دیگری هم به کمیسیون اضافه شود بنده هم ازجمله کسانی بودم که از طرف کمیسیون بودجه مأمور بحث ورسیدگی دراین قانون شدم وخوشبختانه آقای بیات نخست وزیر فعلی هم که درآنموقع وزیر دارائی بودند حاضر بودند اولین کاری که ما کردیم واولین مطلبی که ما عرض کردیم گفتیم وضعیت کشور را ما از نظر مالی و اقتصادی می سنجیم و تحقیق می کنیم به بینیم واقعاً اینطوری که دکتر میلسپو گفته‌است ما کسر بودجه داریم یا نه من ازاشخاصی بودم که معتقد بودم ودر کمیسیون هم بیش از ۵۰ مرتبه بعرض آقایان رسانیدم ویکروز هم که در اینجا جلسهٔ سری بود با حضور جناب آقای سهیلی نخست وزیر وقت بعرضشان رساندم که من هم عضو کمیسیون بودجه هستم وهم عمر خودم راصرف خدمت باین کشور کرده‌ام وازبودجه این مملکت اطلاع و تبحر دارم و عضو رسمی هستم باکمال صراحت بشما عرض میکنم نه تنها این کشور کسر بودجه ندارد بلکه من حاضر هستم اثبات کنم که مبلغی هم اضافه در آمد واضافه عایدات، اضافه دخل برخرج موجوداست اما آنوقت البته در دستگاه وصول ما معایب بسیاری بود و آنموقع تذکر دادم که اگر دستگاه وصول را اصلاح بکنید و از هرج ومرج وافراط و تفریط جلوگیری بکنید رقم عایدات شما خود بخود از یك به پنج ترقی خواهد کرد یعنی اگر یك تومان عایدات داشته باشید این یکتومان عایدات شما ۵ تومان خواهد شد واین ۵ تومان عایدات الآن هم هست و ازجیب مردم وازجیب این مملکت درمیآید اما بواسطه بی‌لیاقتی متصدیان امر توی جیب اشخاص میرود و دزدی میشود شما از دزدی جلوگیری بکنید واگر این کار را هم نمیخواهید بکنید چقدر شما کسرخرج دارید؟ ۵۰ میلیون کسر دارید ۱۰۰ میلیون کسر دارید ۲۰۰ میلیون کسرخرج دارید یا به ۵۰۰ میلیون احتیاج دارید، به ۱۰۰۰ میلیون احتیاج دارید رقمش را تعیین کنید معادل مبلغی که مورد احتیاج شما است معادل همان مبلغ مالیات وضع شود یعنی برمنابع موجوده افزوده شود و منابع موجوده را دست نزنیم و این سیستم مالیاتی که سالها درین مملکت عمل شده مردم آشنا شده اند مأمورین ورزیده شده اند و دفاتر تنظیم شده است روی همان سیستم بیفزائیم مثلا اگر صدی سه مالیات دم دروازه‌ها گرفته میشود صدی سه بنظر شما کم است صدی ده میگیریم این چندین مقابل بر مقدار مالیات ما اضافه میشود اگر مالیات برعایدات شما رقم صدی بیست کم است رقم صدی بیست را صدی چهلش بکنید همان سیستم که معمول است آنرا استعمال بکنید و چرخهائیرا که میگوئید از گردش افتاده است بگردش

دربیاورید ، درصورتیکه هیچ احتیاجی هم باینها نبود ، وزیر بار این لایحه مالیات جدید نروید ازنظر اینکه این مالیات جدید بهیچ وجه من الوجوه عملی نیست و کمتر کسی پیدا میشود مخصوصاً در این مملکت هیچکس حاضر نیست که برود کار بکند و صدی هشتاد آنرا بدیگری بدهد شما هر قدر هم دارای تقوی باشید معهذا حاضر نیستید صدی هشتاد ازدرآمد خودتان را به دولت بدهید و اگر عناصری هم باشند که بگویند ما میدهیم من بشما میگویم که صدی نودشان دروغ میگویند وبهرطور که بشود از قانون فرار میکنند و برای فرار از این قانون درمقام دادن پول و رشوه خواهند برآمد و تازه ما باب دزدی و اختلاس و رشوه گیری را درین مملکت مفتوح میکنیم و ازنظر اخلاقی ضرر و مفاسد بسیاری بجامعه و بکشور وارد خواهد آمد . از اینموضوع که بگذریم دراثر اجرای این قانون شما یك تماس زیادی بامردم پیدا خواهید کرد که حد اقل حساب کردیم لااقل سه میلیون پرونده باید در دوائر دارائی این مملکت برای اجرای این قانون جدید ایجاد بشود این سه میلیون پرونده را شما اصلا مأمور ندارید که بتوانید تدوین کنید ، چقدر وقت میبرد و چقدر وقت مردم و مملکت تضییع خواهد شد بهترین مالیات ها مالیاتی است که تماس مامورین با مردم کم باشد خاصه باطبقات روستائی ، باطبقات دهاتی و باطبقات خارج از مرکز که متأسفانه آشنائی با این مقررات و باین فرمولها ندارند ، البته این عرایض را هم نپذیرفتند وعلاوه بر آنکه نپذیرفتند دکتر میلسپو و اطرافیان او با یك جدیت وحرارت در مقابل اشتهار دادند که یکعده سرمایه دار که دراین کشور برده اند وخورده اند نمیخواهند مالیات بدهند و این قبیل انتشارات را دادند و حتی کار را بجائی رساند دکتر میلسپو که وقتی مستر ایدن تشریف آورده بودند بایران برای عبور از این مملکت بطوریکه بنده شنیده ام در یکی از مجالس بیکی از ایرانیها گفته بودند که « ایرانیها نمیخواهند مالیات بدهند » در صورتیکه ایرانی بهیچوجه برای ادای مالیات استنکاف نداشته و برای مصالح مملکت خودش و برای خرج مملکت خودش نه تنها حاضر است تمام مالش را برای مملکت بدهد بلکه در موقع لزوم جانش را هم تقدیم میکند (صحیح است) ولی در تحت تأثیر همین انتشارات کار رابجائی رساندند که بالاخره دورهٔ سیزدهم در آخر کار تقریباً خودشان را مجبور دیدند که چشم را برهم بگذارند و این قانون را در بسته تصویب کنند و من بشما قول میدهم که با اجرای این قانون لطمهٔ قطعی بعایدات دولت خواهد خورد و از عایدات دولت خواهد کاست و برای مردم زحمات بسیار زیادی ایجاد میشود همانطور که تا بحال شده بعلاوه یکباب دزدی و یك باب رسوائی جدیدی هم درین مملکت از نو مفتوح شده که تاچندین سال این مملکت گرفتار است (صحیح است) ازین مسئله که بگذریم طبق پیمانیکه ما با متفقین منعقد کردیم یعنی طبق پیمان سه گانه متفقین ما متعهد شدند و مکلف هستند مادام که جنگ برقرار است باوضاع اقتصادی ما کمك کرده واحتیاجات مارا ازحیث اجناس وکالا برطرف کنند البته با وجود این تعهد چون خود آنها هم وارد در جنگ بودند و گرفتاری های زیاد و بیشماری داشتند ماهم توقع زیادی بهیچ وجه من الوجوه از آنها نکردیم ودرمقام درخواست و مطالبهٔ چیزی برنیامدیم خود آن ها بمیل و تشخیص خودشان برای کشور ایران یك سهمیهٔ معلوم کردند که تقریباً حداقل بود من جمله سالی ۶۰ هزارتن قند و شکر و ۵۰ هزارتن هم کالا های متفرقه معلوم شد و قرار شد که کمیتهٔ تدارکات خاور میانه این مقداررا همه ساله دراختیار کشور ایران بگذارد در سال ۱۹۴۳ که مصادف بودیم با آقای دکتر میلسپو وایشان اجرای این وضعیت را عهده دار بودند ازسهمیهٔ که کمیته تدارکات خاورمیانه معین کرده بود بهیچوجه استفاده نشد یعنی از قند و شکر بیش از نصف استفاده نشده و همان نصف هم که استفاده شد یك مقدارش اجناسی است که خود تجار ایرانی با کشتیهای بادی از ممالك خارج و از بازار های آزاد دنیا وارد ایران کرده بودند که مقدار و رقم آنرا هم دکتر میلسپو بحساب سهمیه ایران برده و از سهمیه ایران کسر کرده اند و همچنین از باقی کالا های متفرقه که ۵۰ هزارتن بوده جوسال ۱۹۴۳ ۷ هزار تن

بیشتر استفاده نشده و نتیجه این شده است که مردم اینطور دچار مضیقه ، دچار بیچارگی بشوند و برای یك حب قند و برای یکمتر قماش معطل و سرگردان باشند گذشته از همه این ها اگر همان مقدار اجناسی که استفاده شده و آوردند در دسترس مردم میگذاشتند و عمل توزیع شان مرتب و منظم بود باز یك مقداری از مضایق مردم برطرف میشد و دچار این سختی نمی شدند ولی متأسفانه باید عرض کنم که در گمرکات ما هزاران کیسه شکر بواسطه عدم لیاقت وعدم مواظبت ولاقیدی آقای دکتر میلسپو اصلاً آب شدوازبین رفت مثلاً در گمرکات بوشهر بنده اطلاع دارم در گرمای تابستان پیرارسال بیش ازده هزار کیسه شکر دفعةً آب شد همچنین دربندر عباس همچنین در محمره و سایر بنادر دیگر ومقدار زیادی ازقماش راهم آورده بودندخارج نکردند ودر دسترس مردم نگذاشتند ودرهمان بنادروانبارها متمرکز کردند تا مقدار زیادی از آنها پوسید و مجبور شدند بدریا بریزند ، اینهم یکی از کارهای آقای دکترمیلسپو است اگر این مملکت حقیقةً یك دولتی میداشت واگرحقیقةً آن دولت میخواست کار بکند و بگوید من دولت هستم اولین وظیفه اش این بود که باید دست دکتر میلسپو را بگیرد وبمحاکمه بکشد به بیند که چگونه این شخص با این مسئولیت در مقابل ملت ایران وظیفه خودش را انجام داده است ولی متأسفانه من یقین دارم که بازهم با سلام وصلوات این قضیه را سنبل می کنند ونخواهند گذاشت که بعملیات این مرد نالایق رسیدگی شده و حقایق آشکار شود سهمیه ۱۹۴۴هم آنچه اطلاع دارم تابحال استفاده کاملی نشده وچیزی بسال مانده وتمام خواهد شد وسهمیه ۱۹۴۴هم ازبین خواهد رفت ودراین موضوع هم یك مسئولیت بزرگی متوجه دکتر میلسپو است که باید بمحاکمه جلب بشود باید تسلیم مجازات بشود باید عبرت بشود برای مستخدمین ایرانی ومستخدمین خارجی که بایران میآیند تایك عبرتی بشود که بدانند این مملکت ونده است ومملکتی است که روی پای خودش ایستاده وحاکم برمقدرات خودش است بدانند این مملکت خوب را ازبد میتواند تشخیص بدهد.

از موضوع این سهمیه که بگذریم مسئله جیره بندی است اولین مسئولیتی که بعهده دکتر میلسپو گذاشته شد این بود که سطح زندگی را این مرد تنزل بدهد ملاحظه بفرمائید از دقیقهٔ که ایشان تشریف آوردند تمام قوای خودشان را در مضیقه مردم صرف کردند که مردم از همه جهت دچار مضیقه بشوند یعنی اجناس مورد احتیاج و اجناس انحصاری را که دولت دردست گرفته بمردم داده نشود و از طرف دیگر بازار سیاه تقویت بشود برای اینکه رمق مالی مردم هم باین وسیله ازبین برود وشیرهٔ حیاتی آنها کشیده شود بطوری که درفروردین ۱۳۲۳ سطح زندگی نسبت به قبل از جنگ از ۱۰۰ به ۱۱۰۸ ترقی کرده و این ترقی سطح زندگی در دنیا بیسابقه است و ممالکی هم که در جنگ هستند و بوده اند و دچار هزاران گرفتاری هستند ازقبیل آلمان ، از قبیل انگلستان از قبیل آمریکا وغیره هیچ مملکتی را شما پیدا نمیکنید که سطح زندگیش باین پایه بالا رفته باشد و حتی بیچاره چینی ها هم که دچار نهایت بدبختی وبیچارگی شده اند دراثر جنگ و گرانی هم درچین بحد وافر رسیده و طاقت فرساست باز نمرهٔ دوم ایران قرار گرفته و ایران در رأس او قرار گرفته البته چون برای ما این بدبختیها تدریجی حاصل شده است اهمیت و عظمت آن ازنظر دور شده است و الا اگر دردو سال قبل می گفتند آقا قندمتی ۶۰ تومان وحشت میکردید و مورد قبولتان نبود یا مثلاً میگفتند ممکن است یکروز شکر برسد به منی ۵۰ تومان قبول نمیکردید چیتی که شما از بازار میخریدید متری سه قران بمتری ۱۲ تومان برای شما غیر قابل قبول بود اما چون تدریجاً حاصل شده و آن زبر دستی و چابکی دکتر میلسپو و کاردانی او در این مورد حقیقةً بکلا رفته است و تدریجی بوده است اهمیت آن از بین رفته و یك موضوع عادی تلقی میشود در صورتیکه حیات ملت ایران با این قضیه از بین رفته و واقعاً در دنیا هیچ کشوری پیدا نمیشود که سطح زندگیش باین مقدار ترقی پیدا کرده و کشور ایران اولین مقام و اولین مرتبه را در این موضوع حائز است ازحیث جیره بندی واداره

تثبیت قیمتها چون دریك موقع آقای مهندس فریور و آقای دکتر عبده درین مجلس بیاناتی کرده‌اند و بطور کامل مطالب را اظهار داشتند بنده چیزی نمیتوانم عرض کنم جز اینکه بیفزایم که این عملی هم که ایشان برای توزیع کوپن و جیره‌بندی کردند نه تنها بدرد این مردم نخورد بلکه برای ما اسباب خفت بود و نتیجه‌اش این بود که پارسال درموقع توزیع کوپن و جیره بندی دسته دسته مردم هجوم بیاورند بآن مرکز جیره بندی و فیلمبرداران امریکائی از آنها فیلم بردارند بروند در امریکا این وضعیت بدبختی ما را نمایش بدهند و از این طریق هم بعضی‌ها یشان میلیونر بشوند امریکائیها هم بدانند که هموطنشان آقای دکتر میلسپو چه عملیاتی در ایران انجام داده‌اند. من ترجیح میدهم که ازگرسنگی و بدبختی بمیریم و باین ترتیب در مقابل اجانب شرمسار و ننگین نشویم (صحیح است) حالا ازین موضوع که بگذریم اصلاً کشور ایران خوشبختانه از ممالکی است که تمام مواد اولیه و احتیاجات خودش رامیتواند درداخله فراهم کند و احتیاجی بخارج نداشته باشد اگر یك دولت حسابی و کافی ازشهریور باینطرف میداشتیم فقط ممکن بود که مقدار چهل یا پنجاه هزار تن احتیاج به قند پیدا کنیم یعنی کسر قند داشته باشیم اما باقی چیز ها را خودمان قبلاً در این مملکت موجباتش را فراهم کرده بودیم و تدارك دیده بودیم و آماده و مستعد بودیم که فراهم کنیم کارخانجات ما در شمال و کارخانجات پارچه بافی و چیت سازی و حریربافی برای رفع احتیاجات این مملکت بوجود آمده بود و قسمت مهم از احتیاجات این مملکت را میتوانست رفع کند حالا صرفنظر از اینکه محصول این کارخانجات هم بواسطهٔ سوء اداره تقلیل یافته و تقریباً دارد از بین میرود معهذا در کارخانجات شمال در پارسال بیش از ۵ میلیون متر چیت موجود بود در کارخانهٔ حریربافی چالوس بیشتر از ۸۰ هزار متر (بعضی از نمایندگان ـ ۸۰۰ هزار متر) یا هشتصد هزار متر حریر در انبار آنجا ما موجود داشتیم تمام اینها را در انبار گذاشت مردم را بمضیقه انداخت در دسترس یکنفر نگذاشت وحتی چندین هزار تومان و بروایت معتبر ۶۰ هزار تومان برای انبار گردان یکی ازین کارخانجات پول داده بود که از این اطاق بردارند بآن اطاق بگذارند و بمردم نداد (ساسان سوء نیت نداشته است) اجازه بفرمائید آقای ساسان شما هم میتوانید تشریف بیاورید پشت تریبون صحبت بکنید من برخلاف عقیدهٔ کسانی که میگویند میلسپو قبل از آمدن ایران جنون داشته و مدتها در دارالمجانین بوده و حالا هم باید بدارالمجانین برود من معتقد هستم که این شخص دارای یك هوش و مشاعر بسیار کاملی است که تمامش صرف بدبختی ملت ایران میشود (ساسان ـ آقا سوء قصدی نداشته است) آقای ساسان اینکه میفرمائید سوء قصدی نداشته است الآن پشت این تریبون بشما عرض میکنم و متعهد میشوم مجلس بمن مأموریت بدهد و اختیار بدهد حاضر هستم اثبات بکنم که بیش از دوهزار میلیون تومان ایشان ضرر مالی و اقتصادی به ثروت و دارائی کشور ایران وارد کرده است من الآن پشت این تریبون مدعی هستم و اثبات میکنم این اختیار را بمن بدهید اگر اثبات نکردم هر مجازاتی که میخواهید بکنید من از عهده برمیآیم و باجان خودم حاضرم متعهد شوم که بیش از دوهزار میلیون تومان ضرر زده است من متعهد میشوم در پشت این تریبون و رسماً عرض میکنم که من داوطلب هستم عملیات خسارات و ضررهای این مرد را ثابت بکنم حالا شما بفرمائید سوء نیت نیست باحسن نیت اینکار را کرده است بنده هم میگویم سوء نیت نداشته و آقا باحسن نیت یك چنین کاریرا برای من کرده باید این آدم را بهش بگویند دیگر تشریف ببرید عرض کردم بنده حاضر هستم و داوطلب هستم اثبات کنم که بیش از دو هزار میلیون تومان دکتر میلسپو بدارائی کشور ایران ضرر زده است (صحیح است) و اگر مجلس شورای ملی بمن مأموریت بدهد بنده رقمهائی را بیرون میآورم و نشان میدهم (صحیح است) حالا سوء نیت داشته یا حسن نیت داشته نمیدانم شما هرطور دلتان میخواهد تعبیر کنید بنده عقیده‌ام این است که این آدم بامشاعر کامل وحواس جمع تمام قوایش ومساعیش مصروف براین است که

این مملکت وملت را بزانو در بیاورد و افلاس این مملکت را ظاهر سازد که بالاخره این مملکت مجبور شود برای قرضه بمملکت و وطن ایشان متوسل شود و مقاصد سیاسی خودش را برآورده کند بنده عقیده‌ام این است و حاضرم اثبات کنم که این شخص دوهزار میلیون تومان خسارت بمملکت ما زده است (صحیح است) (خطاب به آقای ساسان) جنابعالی هم حاضر باشید این اختیار را بمن بدهید اگر اثبات نکردم مرا بدار بزنید طناب دار راهم خود جنابعالی بگردن بنده بیندازید (بعضی از نمایندگان ـ خدا نکند) در موقعی که تمام متاع کارخانه حریربافی چالوس درانبارها میپوسد و در دسترس مردم گذارده نمیشود این آدم بازدوازده میلیون دولار اجازه میدهد از سویس ابریشم مصنوعی به این جا بیاورند و ده مقابل قیمت واقعی بفروش میرسانند و مردم را لخت میکنند از این مسائل هم که بگذریم از حیث ارگانیزاسیون باور بفرمائید که نه تنها ارگانی زاسیون در دوائر مالی ما وجود ندارد بلکه هرج و مرجی در آنجا حکومت میکند که در هیچیك از ممالك دنیا سابقه نداشته و اگر امروز هم بسلامتی شما دست میلسپو را بگیرید و از این مملکت خارجش کنید باز چندین سال طول خواهد کشید تا این هرج و مرجی که این آدم در ادارات ما تولید کرده است اصلاح بشود و حقیقةً اگر یك آدم مقتدری پیدا شود وبخواهد اصلاحاتی بکند چندین سال باید صرف وقت بکند تا اصلاح بکند (صحیح است) در موضوع باربری وعملیاتی که در آنجا میشود چیزی عرض نمیکنم چون در دوره سیزدهم مکرر عرض کردم و در این دوره هم آقای دکتر آقایان یك مرتبه بیاناتی کردند و خاطر آقایان نمایندگان مستحضر شده است ولیکن آقایان بدانید که بیش از هزار میلیون تومان این اداره باین مملکت و به اقتصاد این مملکت ضرر و زیان رسانده و در نتیجه عده معدود و انگشت شماری میلیونر شده‌اند صحبت استفاده و اخاذی ودزدی هم حالا دیگر ازیك میلیون کمتر نیست (صحیح است) مثل سابق نیست که اگر کسی هزار تومان دزدی کرد قانع بشود ولی حالا میلیون میلیون است در این اداره بار بری عناصر معدودی هستند که هیچ نداشته و حالا صاحب میلیونها ثروت هستند بواسطه بی لیاقتی این شخص و در اثر عملیات این اداره باربری کامیونهای این مملکت اتومبیل های این مملکت کلاً خراب وبلا استفاده شده و من خواهش میکنم که چون آقای دکتر آقایان از من در این موضوع بیشتر اطلاع و بصیرت دارند اگر عرایض من صحیح نیست بیایند پشت تریبون و عرایض مرا تکذیب کنند (دکتر آقایان ـ کاملاً صحیح است) و بنده هم قبول میکنم یکی از مطالبی که باز شایان توجه و قابل مطالعه و دقت ورسیدگی است معامله برنجی است که در این سنوات گذشته با کشور شوروی شده قبل از اینکه وارد مطلب بشوم عرض میکنم نقاط شمالی ما خوشبختانه یا متأسفانه محصول عمده اش برنج است و این زراعت هم زائد بر مصرف ایران است و همیشه بخارج ایران باید حمل کنند و بفروش برسانند و همیشه رقم درشت صادرات ما را تشکیل داده و محل مصرف او مملکت شوروی بوده و به آنجا میرفته و این عمل از ابتدائی که شوروی وجود داشته و گیلانات بوجود آمده این ترتیب جاری بوده و این متاع ما را آن ها میگرفتند و در مقابلش متاع طرف احتیاج بما میدادند این یك امری است که مربوط بسیاست نیست و این یك معاملهٔ بوده است که چیزیکه زائد بر مصرف خودمان داریم بهشان میدادیم و آنچه لازم داریم ازشان میگیریم در این چند سال اخیر اختیار این کار بدست آقای دکتر میلسپو افتاد و برای انجام مقصود ابتدا یك شرکت برنجی درست کرد بنده اطلاع دارم که سال قبل حضرات تجار حاضر شدند که نظریات دولت و دستورات دولت و منویات دولت را صددرصد راجع بتحویل برنج باشوروی انجام بدهند وچهار میلیون تومان هم نفع خالص بدولت بدهند که این معامله را دولت به آنها واگذار کند (صحیح است) این کار را آقای دکتر میلسپو نکرد و خودش این معامله را کرد بعد در نتیجه بیلان میدهد

که در یك جا بیست و شش میلیون و در یك جا سی میلیون تومان ضرر کرده ام چرا ضرر کرده‌ای برای این که مراقبت نکردی برای این که هرج و مرج در کار شما بوده برای این که ادارائی که شما درست کرده‌اید فرع زائد بر اصل است برای اینکه شما دقت در انجام وظیفه خودتان ندارید از اینکه بگذریم اجناسی که درمقابل از شوروی گرفته شده این اجناس همه‌اش مورد احتیاج بوده چندین صدهزار متر پارچه بوده (بعضی از نمایندگان هشت میلیون متر) بله هشت میلیون متر پارچه بوده مقدار زیادی شکستنی بوده از قبیل لولهٔ لامپا ـ قوری ـ استکان ـ تعلبکی آقایان میدانند که این اشیاء چقدر مورد احتیاج توده و عامه مردم است چنانچه آقای مهندس فریور اینجا صورتش را به استحضار آقایان رساندند و بعد هم بنده تحقیق کردم چیت را وقتی که ما از آنها گرفتیم موقعی بود که در بازار متری ده تومان دوازده تومان فروش میرفت ما متری یازده قران از آنها گرفتیم و برای ما هر متری یازده قران تمام شد قوری دانهٔ پانزده قران برای ما تمام شد که اگر آنهٔ این اجناس ولو با یك نفع صد درصد در بازار گذاشته شده بود هم مردم از مضیقه خلاص میشدند و هم برای دولت یك بهره و نفع کاملی حاصل میشد میلسپو این اجناس را در انبار گذاشت تا وقتی که چیت ها در انبار پوسیده شد و شکستنی ها هم شکست و از بین رفت (بعضی از نمایندگان ـ سرقت شد) و قوری هم الآن سی تومان برای شما پیدا نمیشود!! باید کسانیکه سنگ این عناصر نالایق را از فرط بی‌لیاقتی بسینه میزنند فکر این مردم بدبخت را هم بکنند که این مردم چطور باید زندگی کنند و چگونه زندگی خودشان را ادامه میدهند (ساسان ـ عدم لیاقت و عدم شایستگی درست است ولی سوء نیت نداشته) (صدای ـ زنگ رئیس) (تهرانچی ـ خطاب به آقای ساسان اگر شما تو کوتان صد دینار بشما خیانت بکنند قوری او را بیرون میکنید آقا بگذارید صحبت کنند) بنده اطلاع پیدا کردم که برای معامله برنج امسال هم بوزارت دارائی رفته کلی میلسپو و آقای زرین کفش مراجعه شده بود یعنی تجار گیلانی و صاحبان برنج مراجعه کرده بودند که این برنج را ما باید معامله کنیم اجازه بدهید میلسپو گفته بود که من محال است اجازه بدهم بیگر اینکه در مقابل طلا بدهند خوب طلا را برای چه میخواهند طلا را میخواهند که بعد بفرستند در جاهای دیگر و اجناس مورد احتیاج ما را که از این رقمهائی است که بعرضتان رساندم از قبیل استکان قوری چیت از همین قبیل اجناس از ممالك دیگر وارد کنند در صورتی که طرف مقابل بشما عین همین اجناس را میدهد چرا قبول نمیکنید؟ این سوء نیت نیست؟ (بعضی از نمایندگان ـ کاملاً هست) از مسئله برنج که بگذریم تقریباً رقم صادرات ما هم بیمن اهتمام ایشان در این کشور از بین رفته است بنده نسبت بسایر نقاط اطلاعات خیلی دقیقی ندارم ولی نسبت بخراسان صادرات قسمت عمده خراسان پشم است کرك است میشن است میوه‌های کالیفرنی است خشکبار است کشمش است قیسی است و مواد روغنی مانند کنجد و خشخاش و زیره که هر سال مقدار زیادی علاوه از مصرف داخلی میلیونها تومان صادرات بوده و بخارج صادر میشده است اینها هم از حسن اهتمام و توجه دکتر میلسپو از بین رفته است و همیشه تجار خراسانی و زارع خراسان و کشاورز خراسان آه و ناله و فریادشان بلند است و تلگراف میکنند و شکایت میکنند و ناله میکنند و کسی جوابشان را نمیدهد از این مسائل که بگذریم به بینیم دکتر میلسپو و رفتار ایشان و اثر عملیات ایشان در امور کشاورزی چه بوده بنده از موضوع کشاورزی چند رقمش را مورد مثال قرار میدهم یکی پنبه است یکی ابریشم و یکی هم تریاك و تنباکو است راجع به پنبه اجازه میخواهم که یکقدری مفصلتر بعرض برسانم زراعت پنبه معلوم نیست از چه تاریخی در ایران ایجاد شده ولی قدر مسلم این است که در گذشته کشور ایران همیشه احتیاجات داخلی و ملبوس خودش را بوسیلهٔ کشت پنبه که بعمل میآورده رفع میکرده است و در دستگاههای محلی و پارچه بافی خودش پارچه‌های مورد احتیاج خودشان را می بافتند البته خرده خرده که بابه مناسبات و ارتباطات هرقدر در دنیا زیاد شده و اجناس

خارجی وارد ایران شده از قبیل پارچه‌های ابریشمی چیت وغیره و بهمان نسبت از پارچه‌های داخلی کاسته شده و در مقابل پنبه اش را صادر میکردند و لیکن دهاتی ها و روستائیان ما هنوزهم که هنوز است تمام احتیاجات خودشان را باید از این پنبه خودشان رفع کنند یعنی از این پنبهٔ که بعمل میآورد باید زن او این پنبه را نخ کند و از آن نخ کرباس ببافد برای پیراهن شلوار حوله شمد قطیفه حمام و تمام احتیاجات روستائی خودش را رفع میکرد و غیراز این احتیاجات از پنبه دانه هم استفاده های کلی میکرد یعنی اولا گاوهای زراعتی تا پنبه‌دانه نخورند نمیتوانند کار کنند و شخم بزنند شتر تا پنبه‌دانه نخورد نمیتواند بار بکشد و همیشه هم بارکش ایران بیشتر بوسیله شتر بوده و پنبه‌دانه قوت بارکشی بوده علوفه گاو و گوسفند بوده و روز بروز زراعت پنبه ما رو به ازدیاد و رو به ترقی بوده بطوریکه بعد از رفع احتیاجات و مصرف داخلی رقم صادرات ما بچهل هزار تن رسیده بود و این مطالب را بنده در دوره سیزدهم تفصیلا در مجلس شورای ملی هم عرض کردم در سنه ۱۳۱۶ بواسطه معاملهٔ که دولت با کشورهای بیگانه کرده بود در مقام این بر آمد که تجارت صادراتی پنبه را جزو انحصار خودش کند و پنبه را در انحصار خودش قرار بدهد البته یکی دوسال پنبه در انحصار دولت بود و تعهداتی که دولت در مقابل خارجی کرده بود و سالی بیش از بیست هزار تن بود توانست انجام دهد و مازاد او را هم شاید خود دولت یا بخارج میفرستاد و یا در کارخانجاتی که در داخله ایجاد شده بود بمصرف میرساند ولی از موقعی که دولت در امر پنبه مداخله کرده بواسطه سوء رفتار و سوء عملیات مأمورین روز بروز این زراعت نکث و تقلیل یافت برای آنکه مأمورین قصد استفاده داشته و میخواستند جیبشان را پر کنند مثلا بنده که زارع پنبه هستم پنج خروار پنبه عمل آورده ام طبق مقررات انحصار باید بیاورم تحویل انحصار بدهم باید پنبه را بیاورم جلوی انبار جنابعالی که باید تحویل بگیرید سه روز مرا معطل می کنید پنبه زیر آسمان من هم رعیت باید برود عقب کار کشت و زرع هر چه توی سرم میزنم فریاد میزنم که آقا این پنبه را تحویل بگیرید میگویند جا نداریم پنبه میماند توی باران و برف خراب میشود میگویند وقت ندارم باشد روز دیگر روز دیگر میگویند وقت ندارم بالاخره بقدری این بدبخت معطل میشود این جا که صد تومان که در جیبش هست باید پنجاه تومانش را به آقا بدهد تا وقت پیدا کند و این پنبه را تحویل بگیرد (ساسان ـ این هم تقصیر میلسپو است؟) بله حالا به میلسپو هم میرسیم میلسپو بسیار مرد شریفی است و باید برود بامریکا و خداوند دویست سال در آنجا عمر به او بدهد و همه ساله عکسش را هم برای جنابعالی بفرستد (خنده نمایندگان) قبل از اینکه پنبه انحصار بشود در نقاط پنبه خیز مردم یك کارخانجات پنبه پاك کن در دهات بلوکات و شهرها نسبت به اهمیت محلی ایجاد کرده بودند که این پنبه را خودشان پاك میکردند و پنبه‌دانه‌اش را برای مصرفی که عرض کردم کنار میگذاشتند و پنبه صاف و پاك تهیه میکردند و به بازار میدادند پس از انحصار آمدند تمام کارخانجات پنبه پاك کنی را بستند و نتیجه‌اش این شد که بنده که از بیست فرسخ باید پنبه خالص را حمل کنم مجبور هستم که در این بیست فرسخ این پنبه را با پنبهٔ دانه حمل بکنم در صورتیکه هر خروار پنبه شصت و پنج من شصت و شش من پنبه تخمش میشود و سی و پنج من پنبه خالص دارد که بواسطه این عمل بنده مجبورم شصت و شش من در هر خروار کرایه زیادی بدهم پنبه تخمش را هم که خودم لازم دارم برای بذر زراعت خودم برای مصرف رعیتی خودم آنهم بدستم نمی آید و مجبورم پنبه تخم مخلوط که مفید بحال زراعت من نیست قبول کنم و ثانیاً احتیاجات روستائی من گاو من که خوراکش پنبه تخم بوده گوسفند من که علوفه اش پنبه تخم بوده او هم از بین رفته و بهیچوجه به احتیاجات من نمیرسد و تازه پنبه تخمش را هم نمیدهند و میگویند میخواهیم روغن کشی بکنیم این عملیات بود که خرده خرده زراعت پنبه را در ایران از بین برد و رو به نکث گذاشت تا اینکه در دورهٔ سیزدهم در قانون ششم

بودجه آورده بودند که مدت انحصار پنبه را یکسال تمدید کنند کمیسیون بودجه نسبت باین موضوع بدلائلی که عرض کردم با آن قانون مخالفت کرد و آن ماده‌را حذف کرد آقای عدل‌هم وزیر کشاورزی بودند و آنچه ایشان برای این عمل محسنات ذکر کردند کمیسیون قبول نکرد وزیربارنرفت وگفت اگر دولت میخواهد نسبت به پنبه یك توجهی داشته باشد باید توجّه دولت درطرز کشت پنبه باشد نه در انحصار بالاخره آمدیم در مجلس و آقای عدل اینجا اظهار داشتند که ماچندین میلیون تومان بزارعین پنبه‌مساعده داده‌ایم اگر این انحصار لغو شود مساعده های دولت از بین میرود و شما برای یکسال اجازه بدهید تامابتوانیم باین‌وسیله مساعده‌های خودمان‌را وصول کنیم روی این استدلال مجلس موافقت کرد و اجازه داد که یکسال برمدت انحصار اضافه شود یکسال گذشت برای سال بعد وزیر کشاورزی لایحه مجددی آورد برای انحصار مجلس با نهایت شدت با این لایحه مخالفت کرد و لایحه را از دستور خارج کرد و لایحه کان لم یکن فرض شد و دلائل بسیار زیادی نسبت بمضرات انحصار ذکر کردو خود بنده از کسانی بودم که بحث مفصلی کردم و گفتم دوام انحصارباعث خواهد شدکه نه تنها رقم صادرات ما کم میشود بلکه برای‌مصرف داخلی‌خودمان‌هم محتاج به خارج‌خواهیم شد و بالاخره دست ما در بازار هندوستان و مصر و عراق و بازار نقاط دیگر دراز خواهد شد و مجبور میشویم که حتی پنبهٔ مورداحتیاج ومصرف خودمان‌را که سالی چندین‌هزار تن خواهد بود از خارج وارد این مملکت بکنیم و این انحصاررا نکنید وبگذارید زراعت پنبه بازرونق اولی‌خودش را بدست بیاورد بااینکه آن موقع اظهارات من کاملاً مورد قبول قرار نگرفت وتصور نمیکردند که یك روزی برسد که دست ایران برای پنبه به بازارمصر وعراق وافغان دراز شود ولی مجلس هم با انحصار موافقت نکرد آقای میلیسپو پیدا شد و بدون توجه باین مطالعات و ملاحظات وبدون‌سنجش نفع و ضرر این کار و بدون اینکه موضوع پنبه مربوط به اختیارات اوباشد و جزء وظایف اوباشد آمد و یك آئین‌نامه صادر کرد و پنبه را در اختیار خودش در آورد پنبه که در هرسال چهل هزار تن صادرات ما بوده بمقداری تقلیل یافت که بندّه عرض میکنم حالا از هشت هزار تن هم میزان کل محصول شما کمتر است (صحیح است) و برای احتیاجات خودمان همانطور که بنده پیش بینی کردم مقدار زیادی پنبه از مصر آوردند و مقداری از عراق و حتی اطلاع دارم که مقداری از افغانستان برای کارخانه سمنان آورده‌اند این‌هم یکی دیگر از نتایج خدمت دکتر میلیسپو است که بانهایت حسن نیت به کشاورزی این مملکت کرده و یك رقم مهم زراعت و عایدات این کشور را که در حدود چهل هزار تن پنبه بوده از بین برده است از اینکه بگذریم موضوع ابریشم است آقایان نمایندگان گیلان از بنده بهتر مستحضر و مسبوق هستند که زراعت ابریشم در سنوات گذشته تا چه مقدار ترقی کرده که حتی رقم آن به یك میلیون ودویست هزار کیلو رسیده بود ولی سال قبل تمام ابریشمی که بدست آوردند از ششصد هزار کیلو تجاوز نکرده و با ادامه این وضعیت اطمینان‌داشته باشند که این‌رقم‌مهم صادرات‌وتجارت شماهم که مورد احتیاج تمام دنیاست و باید روز بروز ترقی بکند از بین خواهد رفت تنباکوی ایران که بیش از مصرف خودش بوده و صادرات هم داشته و احتیاجات داخلی را از حیث توتون چپق و قلیان و سیگار رفع میکرده است بواسطه طرز عمل دولت تا آنجائیکه بنده اطلاع دارم در نواحی جنوب و در نواحی خراسان بکلی از بین رفته است در خراسان مناطق بسیار زیادی که در همه آن مناطق توتون بعمل میآمد در نتیجه طرز عمل غلطی که کرده اند توتون کاریش از بین رفته است (صحیح است) وحالا مجبورند که بروند درترکیه و قرار داد به بندند که دو هزارتن توتون برای مصرف داخلی ایران از ترکیه بایران حمل بکنند این‌هم البته حسن خدمت و ازعملیات برجسته آقای دکتر میلسپو است موضوع دیگری که خیلی قابل اهمیت است موضوع تریاك است اگرچه در موضوع تریاك یکدفعه در اینجا آقای دکتر کشاورز بیاناتی فرمودند دیروز هم

آقای دکتر عبده بیاناتی فرمودند برای منع مصرف تریاک واستعمال آن هرچه بفرمایند بنده موافق هستم وهراقدامی که برای جلوگیری آن بخواهند بعمل بیاورند بنده از موافقین جدی آن هستم اما باور بفرمائید که مصرف تریاك در ایران صدی صد بواسطه اقدامات خود دولت است (صحیح است) الآن هر یك از آقایان اگر قبول ندارند تمنا میکنم تشریف بیاورند برویم در دوائر وزارت دارائی و دوایر تحدید تریاک ملاحظه بفرمایند که از موقعی که برای مصرف تریاك اداره ای بنام اداره تحدید تریاك تأسیس کرده اند نتیجه اش این شده که این اداره با تمام قوا در ازدیاد مصرف تریاک میکوشد و تنها وظیفه اش را این میدانست که بهرقیمتی که هست در مقدار فروش تریاك و مصرف بیفزاید و این سمّ مهلک را بمردم تحمیل کند و تعمیم بدهد و در تمام دهات و حتی کاروانسراها وقهوه خانها و منازل عرض راه ماهیانه مردم مجبور بودند مقداری تریاك از اداره ببرند و مأمورین مخصوص تریاك را بمردم تحمیل میکردند و بضرب شلاق پولش را میگرفتند و هرگاه یك مأموری رقم فروشش تنزل میکرد از طرف اداره توبیخ میشد سرزنش میشد و وزارت دارائی هم آن مأمور را توبیخ میکرد سرزنش میکرد. معلق میکرد که چرا مصرف ماهیانه فلان محل از پنجاه من به سی من رسیده و باید شصت من بشود روی این اقدامات بوده است که خود دولت در ازدیاد مصرف تریاك کوشیده است ابداً بمردم مربوط نیست بلکه مربوط بعمل غلط دولت بوده است ولی از اینها که بگذریم تریاك ایران یك مقام بسیار مهمی در طب دارد و بیشتر آن برای مصرف دواجات طبی بوده است و صادرات داشته است و بازار عمدهٔ تریاك ایران شرق اقصی بوده است و همه ساله شاید در حدود شش هزار صندوق تریاك ما را دولت ژاپن وچین خریداری میکرد وازقرارصندوقی سیصد لیره ژاپنی‌ها میخریدند ودرحدود پانصد ششصد صندوق هم بانگلستان و فرانسه صادر میکردیم اما بازار اروپا بیشتر در دست ترکیه بود ومحصول تریاك ترکیه دربازار اروپا فروخته میشد پس تریاك ایران ازنقطه نظر طب مورد احتیاج دنیا است ویکی ازارقام مهم‌صادراتی این کشور را تشکیل‌میدهد بایدزراعت تریاك آنمقدار که مورد احتیاج طبی و صادراتی است کاملا تقویت بشود اما برای تحدید وجلوگیری از مصرف داخلی بنده کمال موافقت رادارم ازمطالعه پروگرام دولت‌چیزیکه اسباب مسرت و خوشوقتی شده است ماده اول پروگرام دولت است که اشاره بسیاست خارجی این کشورمیکندالبته هرسیاست خارجی که دولتهای ما اتخاذ بکنند درسرلوحهٔ آن تمامیت وحفظ استقلال وحفظ منافع واستقلال‌اقتصادی ایران بوده وخواهد بود(صحیح است)وهمیشه مابا‌همسایگان خودمان بامتفقین خودمان درنهایت صداقت وصمیمیت رفتار کرده‌ایم‌وحسن‌روابط همجواری‌را بتمام معنی‌رعایت کرده‌ایم وروابط ماهمیشه دوستانه بوده ودوستانه‌هم خواهد بودحتی بنده‌دریکموقع دیگردراین مجلس شورای ملی عرض‌کرده‌ام که ازموقعیکه روابط‌دیپلوماسی‌بمعنی‌و مفهوم‌عصرحاضردر دنیا ایجادشده و کشورایران‌هم با همسایگان خودش روابط دیپلوماسی‌ایجاد کرده‌وهمیشه‌روابط ایران‌نسبت‌بهمسایگان خودش مخصوصاً همسایگان شمال وجنوب همیشه صمیمانه و صادقانه بوده‌وهیچوقت‌دولت ایران‌قدمی برخلاف‌همسایگان خودش برنداشته و هیچوقت هم بر نخواهد داشت و یك سیاستی هم برخلاف همسایگان در این کشور موجود نبوده است(صحیح‌است) وخوشبختانه بعد از عقد پیمان دوستی هم رویه ای که ملت ایران در پیش گرفت اظهارات و عرایض بنده را تأئید کرد ونشان دادیم که ما با متفقین وهمسایگان خودمان نه‌تنهاهمکاری‌میکنیم بلکه درموقع لزوم ازهمدردی هم مضایقه نمیکنیم وآنچه هم مقدور وممکن‌بوده‌درحفظ دوستی کوشیده ایم و هرچه داشتیم در طبق اخلاص صمیمانه بمتفقین تقدیم کردیم (صحیح‌است) والبته همانطور که گفته شده کشور ایران واقعاً پل پیروزی آنها بوده و ملت ایران معتقدش براین است که باید از نتایج فتح و از ثمرات جنگ بهره ونصیب کامل ومهمی داشته‌باشد و انشاءالله هم خواهد داشت ولی البته چیزیکه مورد انتظاروآرزوی

همه ایرانیان است این است حال که خطرات جنگ هم‌از مملکت ما و سرحدات ما خوشبختانه دور شده است قوای متفقین هرچه زودتر کشور ما را تخلیه نموده تا بتوانیم سرنوشت زندگی خودمان را بطور آزادتری دردست‌بگیریم وبنده مخصوصاً آرزو دارم که دولت هم در انجام این مقصود بکوشد و با متفقین صحبت بکند که زودتر قوای آنها از ایران خارج شوند بنده در دوره سیزدهم عرض کرده ام که طبق نزاکت بین‌المللی و روابط دیپلوماسی که در تمام دنیا موجود است هر کشوری که بخواهد بکشور دیگری قدم بگذارد باید یك اجازه قبلی تحصیل بکند ورودقوای امریکا بدون رعایت این تشریفات و اجازه قبلی بوده است وبانهایت حسن نیتی که ما بآنها داریم وحسن نیتی که آنها بما دارند بنده نسبت باین قضیه اعتراض کرده ام و از دولت جداً خواسته ام که در مقام جبران برآید یاد دارم شبی هم یك عده از آقایان رفقا و دوستان در منزل من بودند آقای دکتر طاهری‌هم باآقای آقا سید کاظم بودند آقای ملك مدنی بودند آقای افخمی و اقبال هم بودند آقای یمین‌هم تشریف‌داشتند جناب آقای سهیلی نخست وزیر وقت‌هم تشریف آوردند وفرمودند که من‌امروز بامستر دریفوس سفیر امریکا صحبت میکردم دریفوس گفت من منصفانه حق بامیر تیمور میدهم که این اعتراض را کرده است و قول میدهم که این پیش‌آمد را جبران و استرضای خاطر دولت ایران را فراهم کنیم و گفتند که تاده روز دیگراین سوءتفاهم مرتفع میشود و بشهادت این آقایان این موضوع را به بنده وعده دادند که جبران کنند آقایان شاهد هستند که آقای سهیلی درخانهٔ من و درسر میزشام من این وعده‌را دادندو بنده‌یقین دارم که هنوزهم این حسن عقیده و قول در زمامداران دولت امریکا باقی‌است‌وبایددولت جنات آقای بیات سعی وافی بفرمایند که باین‌قضیه یك‌صورتی بدهندو قبل‌ازهمه‌امیدوارهستیم که‌قوای آمریکااین‌مملکت را تخلیه‌بکندقوای انگلیس‌هم‌تخلیه‌بکند قوای روس‌هم‌تخلیه‌بکند وما باهمه‌حسن‌نیتی که‌باهمه‌متفقین داریم‌نمیتوانیم‌هیچ‌یك‌ازاین‌قوا رادرمملکت‌خودمان به بینیم موضوعی را که لازم میدانم بعرض دولت برسانم این است که البته مشکلاتی امروز در مملکت در پیش پای دولت ایجاد شده این مشکلات و یامشکلات مهمتراز این‌هم اگرخدای نکرده بمملکت ما روی بیاورد بانیروی وحدت برمشکلات باید غلبه کنیم وقابل حل است مخصوصاً مجلس شورای ملی باید مرکز وحدت مملکت باشد و باایجاد وحدت در مجلس آنوقت دولت‌هم‌خواهد توانست که برتمام‌این مشکلات غلبه بکند (صحیح است) ومن یقین دارم که‌آقایان‌نمایندگان محترم هم بیشتر از بنده و بهتر از بنده متوجه این مصلحت هستند چیزیکه لازم است و دولت باید توجه بکند این است که در خارج از مجلس در داخلهٔ مملکت‌هم نگذارد که بوحدت ما لطمه‌ای وارد آید حافظ وحدت ما دولت است جای تردید نیست که وضعیت‌امروزمملکت ما عادی نیست و غیر عادی است در وضعیت غیر عادی مراقبتهای غیر عادی‌هم لازم است مقررات فوق‌عادی‌هم لازم است امروز بااینکه ماوارد در جنگ هستیم و رسماًهم وارد در جنگ هستیم سه قوای بیگانه‌هم در مملکت ماوجود دارد و حتی‌الامکان باید سعی کنیم که از تشتت و نفاق و دو دسته گی جلوگیری شود و بنده اطمینان دارم که ملت ایران کاملاً متوجه این مسائل بوده وخودآنهاهم در راه وحدت کوشش میکنندامامتأسفانه یکعده از عناصری‌هم شاید در مملکت هستند که نمیگویم‌از روی سوء نیت‌بلکه ازفرط جهالت سعی میکنند دو دسته گی وتفرقه و تشتت و نفاق ایجاد شود یکدسته بنام اتحادیه عشایر و یك دسته بنام اتحادیه کارگران برخلاف مصلحت است وروح عشایر و کارگر از این اتحادیه بی‌خبر است .

دکتر کشاورز ـ اینطور نیست آقا .

امیر تیمور ـ امروز مصلحت‌کشور براین است که در این‌مملکت وحدت ملی حتماً وجود داشته باشد وحافظ این وحدت هم باید دولت باشد (صحیح است) وحتی من‌باندازهٔ باین مطلب‌اهمیت میدهم که عقیده دارم دولت باید عناصری را که میخواهند وحدت ملی ما را متزلزل کنند بخواهد

وآنهارا متوجه مفاسد و مضاراقداماتی‌که شده بنماید وبآنها کوشزد شودکه فعلاً موقع این دسته بندیها واین نفاقها نیست و دولت باید جداً در مقام جلوگیری باشد هم ازشمال وهم از جنوب (صحیح است) وآن عناصری‌که میخواهند نفاق و دوئیت ایجادکنند باید دولت دست آنها را بگیرد و برکنار نماید این عمل هم بر خلاف آزادی و دموکراسی نیست شما تصور میفرمائید این موفقیتی که امروز دولت شوروی پیدا کرده است یا این فتوحاتیکه نصیب دولت انگلستان شده جز درسایهٔ وحدت بچیزدیگری بوده‌است؟ (صحیح‌است) الآن در سرتاسر انگلستان شما قدم بگذارید محال است که‌آنجا یکدسته‌ای پیدا شودکه برخلاف مصالح کشور و برعلیه سیاست عالیه دولت قدم بگذارد واگر یك چنین دسته ای پیدا شد دولت فوراً خفه میکند و مسببین محو میشوند و امروز اگر در روسیه یك صدائی بر خلاف سیاست دولت و برخلاف وحدت ملت روس بلند بشودآن صدا خفه میشود و مرتکب تیرباران میشود (صحیح است) آقا مملکت داری بچه‌بازی نیست گوش باین حرفها نباید بدهید در درجهٔ اول مسؤلیت بزرگی‌که بعهدهٔ شما است (خطاب بآقای بیات نخست‌وزیر) حفظ وحدت‌این‌مملکت است اولین وظیفه سنگینی‌که دارید حفظ وحدت این ملت است برای حفظ وحدت این مملکت شما باید تمام عناصر ماجراجوی را از هرطبقه و دسته‌ای که باشند سرجای خودشان بنشانید و باید بانهایت شدت و بانهایت قدرت با آنها رفتار بکنید (صحیح‌است) وکاری بکنید تاموقعی که این مملکت درحال غیرعادی است و تا وقتی که مملکت در حال جنك است و قوای بیگانه در این مملکت موجود است و باید مملکت درحال صلح و سلم باشند وحدت ایران از بین نرود (صحیح است) وقتیکه دنیا صلح شد و آزادی کامل شدآنوقت شما هم آزادی‌کامل بدهید و اجازه بدهید که هر دسته‌ای‌که میخواهد ایجاد شود ولی امروز ایجاد دسته جات مانند سم مهلکی‌است ومملکت را متلاشی‌میکند آقای بیات استدعا میکنم برای اینکه شخصیت سیاسی خودتان را احراز بکنید کوشش‌بکنیدکه حافظ این وحدت باشید واین وحدت را حفظ بکنید و سعی بکنید که حامی این وحدت باشید و از تشتت و اختلاف ونفاق جلوگیری‌کنید (احسنت ـ احسنت ـ صحیح است) .

فاطمی ـ مختصر بفرمائید .

امیر تیمور ـ (خطاب بآقای فاطمی) چون یکمرتبه دیگر عرض‌کردم ساعی هستم‌که فرمایشات جنابعالی را اطاعت‌کنم اگر میفرمائید بیایم پائین .

فاطمی ـ خیر عرض‌کردم مختصر فرمائید .

امیر تیمور ـ عرض دیگر بنده این است که هرکسی خانه خودش را خودش باید حفظ بکند شما برای اصلاح امورداخلی‌خودتان مطلقاً احتیاج بعناصر بیگانه وخارجی ندارید خاصه اینکه ما یك جامعهٔ مسلمان هستیم و پیرو قرآن هستیم باید به بینیم‌که دستور آسمانی و قرآن بما چه میگوید خداوند میفرماید : لَن یَجعلَ اللهُ لِلکافِرین علی المسلمینَ سبیلا یعنی‌خدا راهی نداده است برکافرین که بمسلمین حکومت کنند شما بحکم قرآن نباید درامور اجتماعی خودتان افراد بیگانه را مداخله بدهید و باید امور اجتماعی خودتان را بدست ایرانی بدهید و اصلاح آنرا ازافراد ایرانی ومسلمان بخواهید و باز درجای‌دیگر خداوند درقرآن‌میفرماید : لا تَتّخذُوا الیهودَ والنّصاری اولیاءِ یعنی رئیس و بزرك از یهود و نصارا برای خودتان انتخاب نکنید بلکه از خودتان انتخاب بکنید (صحیح است) حالا که‌صحبت باینجا رسید بیموقع‌نمیدانم ازاقدامی که آقای‌کاظمی وزیرمحترم فرهنك سابق بعمل آورده است تشکرکنم (صحیح است) و آن اقدامی است‌که ایشان در مدارس نموده و امر داده اند قرآن تدریس شود بنده در دورهٔ سیزدهم کراراً عرض‌کرده‌ام که شاید در دوره اخیر از حیث تعلیمات پیشرفتی نصیب ما شده است ولی از حیث تربیت واخلاق باور بفرمائیدکه ماخیلی عقب رفته وتنزل کرده ایم برای‌اینکه مابتوانیم مقام واقعی‌وحقیقی‌خودمان را در دنیا احرازکنیم باید پایه تعلیمات خودمان را روی

معارف اسلامی قرار بدهیم معارف اسلامی اولاً اشخاص را متکی بنفس بارمیآوردومیگوید: لَیسَ لِلانسانِ اِلاّ ما سَعی ثانیاً هیچگونه امتیازی بین طبقات بشر اسلام‌قائل نشده است و براثر تعلیمات اسلامی است که بین غلام‌حبشی وسید قرشی فرقی‌قائل نبوده است در بشریت وملیت‌احدی را بر دیگری امتیازی نیست فقط امتیاز بواسطه تقوائیست که در نزد خدا از همه‌چیز مهمتر است (صحیح است) آنهائیکه تقوایشان زیادتر است پیش خدا مقرب‌ترند از تقوی که بگذریم چیزیکه مهم است فضیلت است (صحیح است) پس باید سعی کنیم که معارف اسلامی کاملاً در این مملکت‌رواج پیدابکندشمابواسطه معارف اسلامی‌میتوانید روح وطن پرستی را بمعنای خودش در تمام این مملکت بوجود بیاوریدکه واقعاً با یك ایمان کاملی اگر یك‌موقعی خطری متوجه مملکت بشود و یك واقعه‌ای اتفاق بیفتدپیر و بُرنا و صغیر وکبیر وظیفه خودشان بدانندکه دفاع بکنند و حالا هم که آقای دکتر صدیق که از دوستان بنده هستند و از اشخاص لایق میباشند و در رأس وزارت فرهنگ قرار گرفته‌اند و بیشتر عمرشان را صرف تعلیم و تربیت کرده اند باید در این موضوع اهتمام بورزند آرزو های ما را انجام بدهند (انشاءالله) چون عرایض من قدری طول کشید و احساس میکنم که آقای فاطمی هم خسته شده‌اند فعلاً عرایض خودم را خاتمه میدهم و حق خودم را حفظ میکنم که بعد از فرمایشات آقای دکتر طاهری بقیه عرایض خودم‌رابکنم

نایب رئیس ـ آقای گرگانی.

گرگانی ـ بنده شخصاً جناب آقای بیات را شخص درستکار دانسته وبجناب ایشان ارادت کامل دارم ومدت چند دوره افتخار همکاری را با ایشان داشتم بیغرضی ایشان بهمه کس محل تردید نیست (صحیح است) چنانکه از قراراطلاع ازمقام خود استفاده مالی ننموده بلکه مال خودرا نیز درراه وطن برای آسایش افراد ملت خرج نموده اند البته قبول مسئولیت زمامداری کشور در اینموقع کار کوچکی نبوده و جلب رضایت عموم افراد کشور از مشکلات است (صحیح است) موافقت بنده با جناب آقای بیات دفاع از ایشان در مقابل مخالفین نیست بلکه عرایض و تذکراتی دارم که توجه فرموده و موافقت فرمایند. دولت بحوزه گرگان و دشت گرگان اهمیت نمیدهند یکی ازعرایض بنده راجع بمعارف حوزه مذکور است. در سال ۱۳۰۶ سرهنگ احمد خان حکیمی که فرمانده تیپ گرگان و دشت گرگان بودند و همچنین سرهنگ عبدالله خان توماج برای‌ترقی فرهنگ آن حوزه بینهایت جدیت نموده و حتی دبستانهای ملی درمیان ایلات تشکیل داده و همچنین مدارس شبانه روزی در تهران و در دشت گرگان یعنی در امچلی در بندرشاه در شهر گرگان ایجاد وباعث پیشرفت فوق‌العاده فرهنگ آن‌حوزه شده اند ولی متأسفانه وقتیکه آقای حکمت وزیر فرهنگ شدند کلیه شبانه روزیهارا منحل کردند علت این‌کم مرحمتی را نمیدانم باقی دبستانهاهم درپیش آمد شهریور ۱۳۲۰ اغلب تعطیل گردیدند. دولت کلیه عشایررا بازور تفنگ وسرنیزه نمیتواند مطیع نماید وفقط بوسیله رواج علم و دانش‌خواهد توانست آنهارا مطیع خود کند. هرقدر بر بودجه فرهنگ بیفزائیم بازهم کم است فعلاً بواسطه وجود ارتش متفقین در کشور خود بارتش‌زیاد احتیاج نداریم فقط برای‌تأمین امنیت داخلی عدهٔ ژاندارم با حقوق مکفی این منظور را تأمین خواهند کرد (صحیح است) و همچنین با وضعیت فعلی احتیاجی نیز باجرای دوسال خدمت نظام برای افراد کشور نیست (صحیح است) در عوض مخارجیکه برای این قسمتها منظور میشده ببودجه وزارت فرهنگ افزوده بشود(صحیح است). عرض دیگرم در خصوص انتخاب فرماندار و استقلال فرمانداری دشت گرگان است. در زمانهای سابق اشخاص دوجه اول امثال‌سپهسالارها بفرمانداری انتخاب میشدندحتی در زمان شاه سابق هم همینطور بوده چنانکه جناب آقای اردلان و جناب آقای سردار فاخر و امثال آنها فرماندار میشدند. بعلاوه فرمانداری دشت گرگان از بندرشاه تاآخر دشت گرگان که قریب هشتاد فرسخ بوده علیحده و مستقل بوده (صحیح است). با این عظمت دولت توجهی بآن‌حدود

ندارد چنانکه اقلاً یك مریضخانه پنج تختخوابی و حتی دکتر حسابی ندارد. اغلب ساکنین آنجا مریض و از بی داروئی از بین میروند دراین خصوص نیز دولت متوجه باشد زیرا آنها هم رعیت و تبعه این کشور هستند لذا بایستی فرمانداری و کلیه اداره جات دشت‌گرگان مثل سابق مستقل باشد. عرض دیگر تا کنون املاك اهالی شمال را با وجود ظلم و ستمی که از سابق بآنها رسیده نداده‌اند هرچه زودتر بهیئت رسیدگی دستور فرمائید بیچارگان‌را از فقر ومذلت نجات دهند (صحیح است) عرض دیگرم در خصوص زلزله گرگان است خیرخواهان از راه دلسوزی و اتحاد برادری و مسلمانی بزلزله زدگان اعانه مرحمت فرمودند و همچنین متفقینمان مخصوصاً دولت شوروی از کمك خودداری نکرده (صحیح است) و علاوه براعانه کمك و مساعدتهای دیگری نیز نمودند. از قرار اطلاع اکنون مبلغ قریب یك‌میلیون و سیصد هزار تومان جمع آوری شده ولی با وجود آنکه قریب نه ماه از وقوع زلزله میگذرد کمترین توجهی نسبت باهالی گرگان نشده...

اردلان ـ خیلی باعث تأسف است.

گرگانی ـ در مسافرت اخیریکه بگرگان رفتم هیچ ساختمان و آثار دیگری که دال برمساعدت باهالی باشد ندیدم فقط به‌بعضی‌ها جزئی پول داده‌اند که خرابیهارا تعمیر نمایند. ماهها میگذرد ولی هیچ اقدامی ازطرف دولت نشده دولت شرعاً و قانوناً مبالغ جمع‌آوری شدهٔ برای ستمدیدگان را برای محل دیگری مصرف کند گرگانی آنقدر بیحس نیست که بگذارد بدنام شود و تحمل نخواهد کرد که اعانهٔ که باسم او با منت برای آنها جمع آوری شده بمصرف دیگری برسد (صحیح است). دولت نباید مثل زمان شاه سابق که نظیر این مبالغ در جای خود مصرف نمیشد عملی نماید. دولت بایستی هرچه زودتر کلیه مبالغ فوق را برای کمك بآسیب دیدگان مصرف نماید اینکه وجه را راکد گذارده و ملت در آنجا بواسطه نداشتن مسکن و بهداشت تلف گردد. بنده غیر از آسایش ملت و پیشرفت امورات دولت نظر دیگری نداشته و همچنین از دولت تقاضای وزیر ویا فرماندار حتی بخشدار را ندارم زیرا میل ندارم شخصی‌را تحمیل نمایم چنانکه دوزمان جناب آقای قوام ازفرمانداری گرگان بدولت شکایت نمودم آقای قوام هرچه اصرار فرمودند کی‌را بفرستم بنده ابداً کسی‌را معرفی نکردم زیرا اگر نمایندگان کسی‌را تحمیل نمایند دولت وسایرین‌خیال خواهند نمود که با آن شخص قراری بسته‌اند و همچنین از شخصی که بدولت تحمیل شده اگر عمل بدی ایجاد نمود ولو پدر ملت را هم در آورد نمی‌توانند شکایت نمایند به دلایل فوق از دولت تقاضای نامناسب نداشته و ندارم

بعضی از نمایندگان ـ عده کافی نیست (اکثریت حاصل شد)

اردلان ـ بفرمائید آقا بسیار مطالب مفیدی است.

گرگانی ـ ولی وقتی که کارمندی عمل بدی نمود و نماینده مربوط بدولت گوشزد کرد وظیفهٔ دولت است که‌فوراً آن کارمند را از آن مکان برداشته و اظهار نماید که‌بازرس میفرستم زیراعرایض‌نمایندگان‌هرمحل‌بالاترین بازرسی‌است اگردولت‌میل داشته‌باشد بوسیله‌بازرسی‌حقیقت‌را بفهمدبعداز برداشتن بازرسی بفرستد در این خصوص یك موضوعی را عرض میکنم اهالی گومیشان از رئیس دارائی محل که ترکمان بوده به بنده شکایت نمودند بنده هم بخدمت آقای‌ظلی رئیس بازرسی رفته وشکایت اهالی را گفتم‌وعرض کردم که رئیس‌دارائی مذکور راعوض نمائید (وزیردارائی ـ اسمش چه بود)... بدفاترتان مراجعه نمائید پیدا میکنیدولی‌ایشان‌باوجود آنکه برعلیه‌رئیس دارائی‌مذکور شکایات زیادی موجود بود و پرونده‌اش پر از شکایت بود گفتند بازرس رفته و برله او رأی داده‌اند بدینجهت‌عوضش نمیکنم.

دکتر اعتبار ـ ظلی آدم دزدی نیست. اینطور نیست آقا.

گرگانی ـ. دزد است. بنده ملاحظه‌نمودم ازاشخاصی تحقیق نموده‌اند که همه قوم وخویش رئیس دارائی مذکور بوده‌اندلذا گفتم (بنده نماینده آن محل هستم و بوضعیت آن

جا کاملاً آشنائی دارم وصلاح دولت وملت در این است که آن شخص در آنجا نباشد اگر اتفاقی در آن خصوص رخ بدهد مسئول شمائید.) پس از اظهارات فوق درحضور آقای طباطبائی با حالت عصبانی خارج شدم بعداً بخدمت رئیس کارگزینی دارائی آقای همایون رفتم در آنجا هم یکنفر را دم درب گذاشته بودند که کسی را راه ندهد فکر کردم امروز اعلیحضرت ما این رویه‌هائی که آقایان دارند ندارد وشاید کار و بار آقا بالا رفته سپس شخص دیگری را واسطه قرار داده خدمت آقای رئیس کارگزینی رسیدم ایشان هم مثل آقای ظلی جواب سربالا داده گفتند در اختیار من نیست. از این قضیه یکماه نگذشته بود که خانه همان رئیس دارائی را هرچه مال خود ودولت بود غارت کردند و مبلغ ۱۵ هزار تومان وجه برده‌اند ودراین وقایع یکنفر نیز مقتول شده بود و بازهم این کشت و کشتار دنباله دارد.

حال وقتیکه بگرگان رفتم دادستان گرگان آن شخص را برای اینکه مبلغ صد و دوازده هزار تومان به دولت بدهکار است توقیف نموده و از اظهارات مردم هم استنباط میشود که برای دادن قماش و شکر صد هزار تومان از اهالی گرفته، باز بنده رحمم آمد و بدادستان گرگان عرض کردم که او را باقید کفیل آزاد نماید زیرا در محبس چیزی نخواهد یافت شاید ازمردم طلبی داشته وصول نماید پولهای فوق را بیچاره خودش نخورده بلکه بحامی های خود داده زیرا اگر نداده بود الان چیزی دردستش موجود بود در خاتمه مسببین و عاملین این قبیل کثافت کاری راحت نشسته و کیف مینمایند و زحمتش با بنده است در هر صورت در میان ایلات و اهالی یك کدورتی تولید کرده‌اند دولت بایستی جداً اقدام نموده ومسببین این عمل را بسختی بکیفر خود برساند که در آینده نظایر این گونه عملیات رخ ندهد و الامکنست اسباب زحمت زیاد تربشوند (خطاب بآقای نخست وزیر) آقای بیات شما هیچ توجه نمیفرمائید، میخندید امروز باید اگر ما ایرانی هستیم گریه کنیم نه اینکه بخندیم امروز ایرانیها گرسنه هستند، لخت هستند بالاخره چاره شان که ناچارشد میریزند ما را میکشند پاره پاره میکنند

نمایندگان ـ صحیح است

نخست وزیر ـ آقای گرگانی بنده متوجه فرمایشات حضرتعالی هستم بفرمائید

گرگانیـ . . . عرض دیگرم راجع ببالا رفتن سطح زندگی است، هر دولتی روی کار میآید این موضوع را جزء پروگرام خود قرار میدهد با وجود این اثری از پائین آمدن سطح زندگی نیست و از این حیث افراد کشور درمضیقه میباشند وهمچنین قیمت قماش جیره‌بندی بالا رفته دولت بایستی درین خصوص جداً اقدام فرمایند و الا ممکنست مشکلات بیشتری ایجاد گردد فعلاً باین مختصر تذکر قانع و عرایض خود را خاتمه میدهم و رأی اعتماد هم بنظر مجلس است

نایب رئیس ـ پیشنهادی راجع بختم جلسه رسیده‌است

حاذقی ـ مخالفم

نایب رئیس ـ چون عده کافی نیست جلسه را ختم میکنیم

جلسه آتیه ۳ ساعت قبل از ظهر شنبه ۱۱ آذرماه دراینموقع

(۴۰ دقیقه بعد از ظهر) جلسه بعنوان تنفس ختم و روز شنبه یازدهم آذرماه یکساعت و بیست دقیقه پیش از ظهر بریاست آقای ملك مدنی (نایب رئیس) تشکیل گردید

[۷ - اقتراع شعب]

نایب رئیسـ چون مدت شعب شش‌گانه سر آمده بنابراین احتیاج هم هست که کمیسیون عرایض و مرخصی از شعب ۶گانه جدا شود بدواً اقتراع شعب ۶گانه بعمل میآید. شش شعبه عده حاضر ۱۱۷ نفر هرشعبه ۱۹ نفر به اول ودوم وسوم هم یکنفر اضافه میشود.

(اقتراع توسط آقای حاذقی منشی بعمل آمده نتیجه بقرار ذیل حاصل شد)

شعبه اول ـ آقایان: شریعت‌زاده ـ ساسان ـ دهقان دکتر آقایان ـ ذکائی ـ سنندجی ـ شهاب فردوسی ـ خلعت‌بری ـ قبادیان ـ دکتر معاون ـ جواد مسعودی ـ فرمند ـ ابراهیمی ریگی ـ گرگانی ـ افشارصادقی ـ امینی خاکباز ـ فتوحی ـ مجد ضیائی.

شعبه دوم ـ آقایان: ذوالقدر ـ مؤید ثابتی ـ دهستانی تهرانچی ـ بوشهری ـ رحیمیان ـ دولت آبادی ـ دکتر رضازاده شفق ـ مهندس پناهی ـ مرادآریه ـ اقبال ـ صمصام‌بختیاری افخمی ـ عامری ـ فیروزآبادی ـ خلیل دشتی ـ آشتیانی ـ رضا تجدد ـ نصرت‌الله اسکندری.

شعبه سوم ـ آقایان: ایرج اسکندری ـ یمین‌اسفندیاری ملایری ـ حشمتی ـ فرهودی ـ ذوالفقاری ـ حسن اکر مخبرفرهمند ـ رضاحکمت ـ محمدصادق طباطبائی ـ مصطفی فاطمی ـ ارباب‌کیو ـ فرخ ـ علی‌دشتی ـ عزت‌الله‌بیات ـ نراقی دکتر کشاورز ـ قشقائی ـ رضا رفیع.

شعبه چهارم ـ آقایان: فرود ـ فولادوند ـ مهندس فریور ـ فلسفی ـ ظفری ـ نبوی ـ اسعد ـ تیمورتاش ـ دکتر عبده ـ کام‌بخش ـ فداکار ـ امامی ـ محمد طباطبائی ـ دکتر طاهری ـ سلطانی ـ ایپکچیان ـ صفوی ـ محمدعلی مجد ـ مهدی نمازی.

شعبه پنجم ـ آقایان: ثقةالاسلامی ـ جمال‌امامی ـ دکتر رادمنش ـ محمدعلی اعتمادی ـ تیموری ـ سیف‌پورفاطمی ـ اسکندرمقدم ـ تولیت ـ محمد بهادری ـ مؤید قوامی ـ کاظم جلیلی ـ عبدالکریم صدریه ـ نجومی ـ اردلان ـ مظفرزاده شجاع ـ گله‌داری ـ محمدعلی امام‌جمعه ـ ضیاءالدین نقابت.

شعبه ششم ـ آقایان: عباس‌مسعودی ـ سیدضیاءالدین طباطبائی ـ فرمانفرمائیان ـ مرآت‌اسفندیاری ـ عبدالله‌معظمی صدرقاضی ـ ملك‌مدنی ـ سیداحمدبهبهانی ـ ابوالفضل حاذقی دکتر اعتبار ـ دکتر آقایان ـ امیرتیمور ـ دکتر محمد مصدق پوررضا ـ حسین‌تهرانی ـ محمدهاشمی ـ مهدی‌عدل ـ لنکرانی ابوالحسن صادقی.

شعبه۱ ـ عطاءالله روحی ـ شعبه۲ ـ عمادالسلطنه فاطمی شعبه۳ ـ سرتیپ‌زاده.

نایب رئیس ـ از آقایان خواهش میکنم پس از خاتمه جلسه برای انتخاب هیئت رئیسه شعب و انتخاب اعضاء کمیسیونهای عرایض و مبتکرات شعب را تشکیل دهند

دکتر مجتهدی ـ پس بنده چکاره هستم؟

نایب رئیس ـ چون شما غائب بودید درصورت اسامی قید نشده است ولی حالا اضافه میشود به شعبه ۴ عده با جنابعالی ۱۱۸ نفر میشود.

دوفقره پیشنهاد ازطرف آقایان بهبهانی وفرمانفرمائیان رسیده قرائت میشود:

پیشنهاد مینمایم اعتبارنامه‌ها را در درجه اول مطرح فرمایند ـ بهبهانی

مقام ریاست پیشنهاد مینمائیم بقیه اعتبارنامه‌ها طرح شود ـ صدرقاضی ـ فرمانفرمائیان.

نایب رئیس ـ مخالفی نیست؟

جمعی از نمایندگان ـ مخالفی ندارد.

[۸ـ قرائت گزارش شعبه۴ راجع بنمایندگی آقای پوررضا]

نایب رئیس ـ گزارش شعبه ۴ راجع بنمایندگی آقای پوررضا خوانده میشود:

(آقای فولادوند راپرت شعبه ۴ را دایر به‌انتخاب آقای پوررضا از فیروزآباد بشرح ذیل قرائت نمودند)

انجمن انتخابات چهاردهمین دوره در ۱۳۲۳/۵/۳ طبق مادهٔ چهارده قانون انتخابات تشکیل وبه تشکیل شعبه‌های فرعی پرداخت و از ۲۳/۵/۹ در حوزهٔ اصلی و بتدریج در حوزه‌های فرعی اخذ رأی بعمل آمده و در نتیجه از ۸۴۹۰ رأی اخذ شده آقای حبیب‌الله پور رضا با داشتن ۴۷۲۴ رأی حائز اکثریت شناخته شده و بنمایندگی معرفی شده‌اند وشکایتی در پرونده دیده نشد شعبه پس‌ازرسیدگی به‌محتویات موجود در پرونده صحت انتخاب آقای پور رضا را تصدیق و اینك گزارش آن تقدیم میشود.

نایب رئیس ـ تقاضای رأی مخفی شده است قرائت میشود:

رفیع ـ حالا موقعش نیست.

مقام ریاست مجلس شورای ملی ـ در مورد اعتبار نامه آقای حبیب‌الله پوررضا طبق ماده ۹۰ آئین‌نامه رأی مخفی با مهره سیاه و سفید رأی گرفته شود. نراقی ـ رحیمیان ـ فداکار ـ تیمورتاش ـ سرتیپ زاده ـ فرمند ـ مظفرزاده ـ مرآت‌اسفندیاری ـ امیرابراهیمی ـ پناهی ـ ایرج اسکندری ـ شریعت زاده ـ مؤید ثابتی ـ فیروز آبادی ـ کام بخش ـ

صادقی ـ دکتر رادمنش (۲۳) نفر هستند .

یکی از نمایندگان ـ عدهٔ غایب هستند . اسامی را بخوانید تا آنهائی که حاضر هستند معلوم شوند .

نایب رئیس ـ آقایانی که حاضر هستند چند نفرند ؟ آقای هاشمی بخوانید (آقای هاشمی اسامی آقایان را بشرح ذیل قرائت کردند)

نایب رئیس ـ آقایان اجازه بفرمائید تا اسامی را قرائت کنند :

آقای امیرابراهیمی (گفته شد نیستند) . آقای نراقی (نیستند) آقای فداکار (حاضرند) آقای تیمور تاش (حاضرند) آقای رحیمیان (حاضرند) آقای دکتر رادمنش (حاضرند) (صادقی ـ بنده پس میگیرم) آقای فرمند (حاضرند) آقای مؤید ثابتی (حاضرند) آقای فیروزآبادی (حاضرند) آقای سرتیپ زاده (حاضرند) آقای دکتر کشاورز (حاضرند) آقای پناهی (حاضرند) آقای ایرج اسکندری (حاضرند) آقای شریعت زاده (نیستند) آقای کام بخش (حاضرند) آقای ذکائی .

ذکائی ـ بنده هم پس میگیرم .

هاشمی ـ یك امضاء هم هست خوانده نمیشود .

نمایندگان ـ رأی بگیرید . چون عده پیشنهاددهندگان کافی نیست .

ایرج اسکندری ـ بنده مخالفم .

نایب رئیس ـ آقای ایرج اسکندری مخالفید ؟

کاظمی ـ اعلام رأی شد چطور میشود با آن مخالفت کرد .

ایرج اسکندری ـ بلی آقا .

دکتر عبده ـ اعلام رأی شده است .

نایب رئیس ـ میماند برای جلسه بعد .

سید ضیاء الدین ـ اعلام رأی شده است بعد از آن نمیشود مخالفت کرد .

بعضی از نمایندگان ـ اعلام رأی شده است نمیشود مخالفت کرد .

نایب رئیس ـ آقای قائم مقام الملك نظری دارید ؟

قائم مقام الملك ـ بنده نظری ندارم .

بعضی از نمایندگان ـ اعلام رأی شده است آقا .

نایب رئیس ـ آقای سرتیپ زاده نظری دارید ؟

سرتیپ زاده ـ بنده مخالفم .

نایب رئیس ـ پس میماند برای جلسه بعد .

دکتر طاهری ـ اجازه میفرمائید ؟

نایب رئیس ـ بفرمائید .

دکتر طاهری ـ وقتی که تنفس داده شد دیگر معمول نبود مابین مذاکرات مطلبی مطرح شود . با این حال مطرح شد و اعلام رأی شد دیگر مخالفت موضوع ندارد . خیر که خوانده شد کسی که مخالف است باید اظهار بدارد برای مخالف ولی اعلام رأی شد و مخالفتی هم نشده بود باید رأی گرفته شود (صحیح است)

جمعی از نمایندگان ـ اعلام رأی شد . (همهمه نمایندگان) زنگ رئیس .

نایب رئیس ـ بی اجازه صحبت نکنید بنده خودم تکلیف خودم را میدانم اجازه بفرمائید صحبتشان را بکنند بنده که مخالف مقررات عملی نمیکنم .

دکتر طاهری ـ اگر اعلام رأی نشده بود چرا صورت رأی مخفی را خواندند بنابراین باید رأی گرفته شود . (صحیح است) .

دکتر شفق ـ بنده مخالفم اجازه می فرمائید ؟

نایب رئیس ـ بفرمائید

دکتر شفق ـ بنده در اعتبار نامه بچهاتی که مورد ندارد عرض کنم بی مداخله بودم ولی در این جا من شاهد هستم بمحض خواندن گزارش شعبه و قبل از اینکه اعلام رأی بفرمائید شروع کردند به خواندن یك پیشنهادی که هیچکدام نمیدانستیم که آن پیشنهاد چیست و آقای سرتیپ زاده پیش بنده بودند به محض خواندن گزارش شعبه میخواستند اجازه بگیرند برای اینکه مخالفت بکنند و مجالی داده نشد ؛ این عین شهود بنده است حالا اگر برخلاف مقررات اقدامی نشده است چه عرض کنم .

نایب رئیس ـ اجازه بفرمائید بنظر بنده این تشخیص با ریاست مجلس است و تصور میکنم باید بماند برای جلسه بعد (صحیح است) این صحبت ها مورد ندارد ، مخالفت شد باید بماند برای جلسه بعد (صحیح است)

فاطمی ـ همه را بگذارید برای جلسه بعد

[۹ - بقیه شور در برنامه دولت]

نایب رئیس ـ برنامه دولت مطرح است . آقای کامبخش

کامبخش ـ من آقای بیات موقعی که اخذ رأی نمایل بعمل می آمد بحضرت عالی رأی ندادم . موقعی هم که اخذ رأی اعتماد بعمل خواهد آمد البته باز هم بحضرت عالی رأی نخواهم داد

نخست وزیر ـ متشکرم .

کامبخش ـ ولی تصور نفرمائید که این موضوع جنبه شخصی دارد بنده و کلیه رفقای من ، ما یگانه علاقه ای که داریم باین آب و خاك است و باین مملکت و هر اقدامی که می کنیم از نقطه نظر همین علاقه ای است که داریم و بس ، نه اینکه تصور بفرمائید چون حضرت عالی هستید و چون حضرت عالی کاندید یك فراکسیون خاصی هستید از این نقطه نظر با حضرت عالی مخالف هستم ، بنده فکر میکنم که اغلب از نمایندگان این موضوع را صحبت کرده اند که ما در مدت این ۱۵ یا ۳۰ روز در مدت این بحران حتی الامکان سعی کردیم که برای این مشکلاتی که ایجاد شده است یك راه حلی بدست آوریم و فراکسیون ما یك قدم پیش آمد برای اینکه این راه حل بدست بیاید برخلاف معمول همیشگی و برخلاف معمولی که داشت مخصوصاً در این جا که شاید نسبت به یك شخص اکثریت تام مجلس حاصل شود رأی دادند و منظورشان این بود که راه حل پیدا کنند ولی بعد از اینکه آن راه حل بدست نیامد یك اکثریت تامی پیدا نشد بیك شخص خاصی من شخصاً یك استدلال دیگری بنظرم آمد نسبت بیك شخصی که بایستی زمام امور کشور را در این روز بدست بگیرد و آن استدلال این است که خودم برای این موقعیت ها مخصوصاً برای این موقعیت فعلی یك مقیاسی دارم یك سنجشی دارم و آن سنجش عبارت از این است ، که من فکر میکنم یك نفر شخص عادی هستم ، یکنفر شخص عادی و در جریان گذشته در جریان بیست ساله گذشته در موقع سلطنت رضاشاه پهلوی برای من هر گونه امکان ترقی میسر بود بشرط اینکه با آن وضعیت ، با وضعیت آن وقت سازش بکنم و من که یك فرد عادی هستم چون آن وضعیت آنروزی را مخالف دیدم باصلاح کشور خودم فکر کردم هر کسی جای من باشد بایستی سعی کند آن مقداری که برایش میسر است جلوی رفتن کشور ما را بطرف آن پرتگاه نگاه بدارد و من فکر میکنم که در آن موقع زجر دیدم ، شکنجه دیدم زندان رفتم ، ولی در این قسمت سهیم بودم و آنقدری که توانستم مبارزه با آن وضعی که آن را بر خلاف صلاح کشور خود تشخیص میدادم کردم و فکر میکنم چون موقعیت فعلی موقعیت مهمی است موقعیت باریکی است ، موقعیت فوق العاده ای است در یك چنین موقعیت فوق العاده شخصی که مورد اعتماد کامل نمایندگان نیست یعنی یك رأی اعتمادی ندارد که جنبهٔ تام داشته باشد این شخص بایستی اقلا یك شخص فوق العاده ای باشد که بتواند بعداً با تدبیرهای خودش این آرائیکه کسر دارد بدست بیاورد و مملکت را از این اشکال بیرون بیاورد و فکر کردم که اقلا یکی از صفات فوق العاده بودن آن شخص این است که در موقعی که یك سیاستی را برای کشور خودش خطرناك میدانست با آن سیاست یا مبارزه میکرد و یا اینکه اقلا همکاری نمیکرد ممکن است گفته شود که حضرت عالی همکاری که در آن موقع میکردید با آن سیاست چند دوره وکیل بودید وزیر بودید ممکن است گفته شود که آن همکاری از این نقطه نظر بوده که حضرت عالی در آن دوره با سیاست آن روز دولت موافق بودید در این صورت این مهمترین دلیلی خواهد بود فقلا برای مخالفت بنده باسر کار و اما یك صورت دیگر هم هست ممکن است که بگوئیم که خیر موافقتی نداشتید و آن سیاست را حضرت عالی هم به حال این کشور مضر میدانستید ولی با آن اراده قوی که بتوانید در آن موقعیت از آن مقام صرف نظر بکنید آن اراده قوی در شما نبوده است در این صورت فکر میکنم باز هم در یك چنین موقعیتی که مملکت دچار

یك چنین اشکال بزرگی هست باز هم کسی که آن اراده را نداشته شاید مناسب نبودولی چون من شنیده ام که حضرت عالی شخص خوبی هستیدخوبی‌البته دلیل نیست که مادریك چنین موقعی زمام یك کشوری را بدست شما بسپاریم ولی این موضوع‌را قطع بدانید که‌با تمام‌این‌تفاصیل اگر چنانچه احیاناً حضرت عالی از این مجلس رأی اعتماد گرفتید واگر چنانچه احیاناً یك مدتی بزمامداری خود باقی ماندید و اگرچنانچه احیاناً دیده‌شد که‌میل‌دارید‌باین کشورخدمات بر جسته بکنید اولین‌اشخاصی که با شما موافق خواهند شد ما خواهیم بود ، این موضوع را سابقه بایشان دادم و حالا هم اگرشمااین رویه را پیش بگیرید مخالفت ، شروع‌میشود و خواهیددیدکه همینطور است . دلیل دوم که موجب‌مخالفت بنده با دولت حضرت عالی شد این است که ما همه میدانیم که دولت گذشته یك اشکالی پیش آورد و گذاشت حالادر خوب و بد آن بعدصحبت میکنیم یك اشکالی پیش آورد و گذاشت ، در دولت اول آقای ساعد حضرت عالی و گویا آقای زند شرکت داشتید البته آن وقت‌شاید مشکلات‌تازه شروع‌میشد در دولت دومی ساعد دو نفردیگر از وزراءفعلی شما شرکت داشتند البته این بخودی خود شاید آن قدرها مهم نمیشود ولی بنده فکرمیکنم قانون‌اساسی‌ما یك‌موادی دارد که آن مواد با تعمق کافی‌تنظیم شده‌است قانون اساسی ما کلیه وزرأ را هم بالانفراد و هم بطور دسته جمعی مسئول عملیات دولت میداند البته این اتفاقی که موجب مسئولیت دولت باشد فعلانیست یعنی چیزی‌نیست که موجب‌مسئولیت دولت باشد محکمه‌ای تشکیل نشده کسی محاکمه نشده است که مسئولیت‌آن معین‌بشود ولی‌فکر کردم‌اگرچنانچه ما به منطق قانون اساسی یك قدری دقیق بشویم و بخواهیم به روح قانون‌اساسی پی ببریم ونظر آن کسانی را که قانون اساسی را وضع کرده اند بمنظور آنها خواسته باشیم‌نزدیك، بشویم‌خواهیم دید که‌اگر یك دولتی‌اشکالی را برای مملکت پیش بیآورد که آن اشکال مخصوصاً مهم باشد و قطعاً بدانید که برای رفع آن اشکال بهتر آن است که آن اشخاصی که در ایجاد آن اشکال شرکت داشته اند دیگر شرکت نکنند و البته با این تفصیل و با این ترتیب بهتر آن اشکال رفع‌خواهد شد این هم یکی از دلایل‌مخالفت من بادولت فعلی‌شما است . من راجع بخبط ها وخطاهای‌دولت گذشته چیزی نخواهم گفت ، چون در این زمینه صحبت زیاد شده است ، عصبانیت هم‌بموقع خودش تولید شد باندازه کافی و تصور میکنم که کافی است همه میدانند و منظور را همه حس میکنند ولی یك موضوع باقی است و آن موضوع از این نظر مهم است که حضرت عالی بایستی در کشف و چگونگی این موضوع دخالت بفرمائید ، از این نقطه نظر این موضوع را عرض میکنم آن موضوع اعلامیه ایست که آقای ساعد منتشر کرده بودند و این روزها در جراید دیده شد. دربارهٔ این اعلامیه اینجا صحبت نشده است و من تصور میکنم تحقیق وکشف این که این موضوع چه‌صورتی داشته است شاید بعهده شما باشد من این طور فکر میکنم شخصاً که از دو حال خارج نیست یك رئیس دولتی یا یك اعلامیه‌ای صادر میکند برای اینکه آن اعلامیه درمعرض افکار عمومی قرار بگیرد یا اینکه نظر دولت‌است واین بطور محرمانه بسفرا متحدالمال میشود و اعلام میشود ، اگر ایشان این اعلامیه را برای افکار عمومی جهان صادر کردند شایسته این بود که اول در معرض افکار عمومی ملت ایران بگذارند (صحیح است) تا ملت ایران قضاوت خودش را در آن چه که مربوط باو است قبل از دیگران بکند (صحیح است)

سید ضیاءالدین طباطبائی ـ آن در جواب آژانس تاس بود که‌آنرا صادر کرد .

کام بخش ـ آقای رئیس اخطار بفرمائید . حضرتعالی هم نوبه دارید آقای طباطبائی ، اینجا تشریف خواهیدآورد اگر چنانچه خیر ، این اعلامیه اعلامیه‌ای بود که برای سفرای مافرستاده شد یعنی میخواستند ایشان باشتاب زدگی هرچه تمامتر نظر خودشان را بسفرای ما درخارجه اعلام بدارند آنوقت البته این موضوع جنبه اسناد محرمانه دولتی را دارد، یك متحدالمالی است محرمانه میفرستند برای‌سفراء

و برای فقط اطلاع خودآن سفرا بنابراین اگرچنانچه کسی اسنادمحرمانه دولتی را دردسترس‌اشخاص‌خارج گذاشته باشد آن شخص مجرم است وبایستی تعقیب بشود پس بنابراین ما میخواهیم نسبت بآن شخص یا نسبت به آنهائی که این عمل را کرده‌اند اعلام جرم کنیم . این موضوع البته از موضوعاتی است که بایستی حضرت عالی تحقیق بکنید و آن کسی که دراین‌جا جرمی مرتکب شده‌است باید تعقیب بشود . همین سیاست استتار همین موضوعی که از جریانات هیچکس ازهمین ملت‌ایران‌خبر نداشت وقتی گاهی کارهائی میکردند که خود اعضای‌دولت هم خبر نداشتند . این‌یکی از آن سیاست های غلطی است که ما را باین اشکال مواجه کرده ، من فکر میکنم که این اشکال فعلی ما را کمتر موضوع نفت ایجاد کرده است و بیشتر موضوع سیاست استتار ، اگر چنانچه سیاست استتاری در بین نبود تشویش ایجاد نمیکرد این تشویش که برای همسایه مادولت‌شوروی ایجاد شد این یك تشویش طبیعی بود روزنامه تایمز هم‌همین طور تصدیق میکند .

سید ضیاءالدین طباطبائی ـ چرا تصدیق کرد .

کام بخش ـ اگرچنانچه آقای‌ساعد‌همان‌روزی که بایشان پیشنهاداتی شده بود عین آن پیشنهادات را بعرض مجلس شورای ملی میرسانیدند ، در معرض افکار عمومی میگذاشتند‌تامردم میفهمیدند وازجریان کارمطلع بودند، البته‌این تشویش‌خاطر برای کسی‌ایجادنمیشدوشایدبرای‌مانفع یك‌چنین‌سیاستی‌این میشد که دیگران وقتیکه میدیدند باچه شرایطی آمده‌اند با ما معامله بکنند در شرایط خودشان ملاحظه نفع بیشتری برای ما میکردند حالا من نمیدانم مقصود از این مستور نگاهداشتن شاید برای این بود که شاید نفع بیشتری برای ما ملحوظ نشود و مبالغ کمتری به کمپانیهای معینی داده شود . نمیدانم فقط من یك چیزرا دراینجا شاهدم یك چیزرا شاهدم که ما نمایندگان مجلس شورای ملی اطلاعات راجع به نفت را با منقاش از آقای ساعد بیرون‌میآوردیم . البته یك چنین عملی را اینطور مستورنگاهداشتن ، موضوع موجبات تشویش را فراهم میکند . بنده این اعتقاد را دارم که اگر چنانچه با تمام معنی این ملاحظاتی را که عرض کردم این ملاحظات را میداشتیم من حتم دارم حالاهم همین طور است که همسایه ما دولت شوروی بما چیزی‌را تحمیل نمیکرد و نمی گفت . ما حق داریم همسایه خودمان‌را بشناسیم وبدانیم با کی همسایه هستیم . در زمان رضا شاه این حق گرفته شده بود واگر کسی فقط ازنظر اینکه بفهمد آنجا چه خبراست و این چه دولتی است که تشکیل شده است ویا یك چیزی میخواند ویامیخواست اطلاعاتی کسب کند این شخص مجرم بود ولی ما ضرر یك چنین سیاستی را دیدیم . وقتی متفقین وارد کشور ما شدند تمام اهالی شمال تصور میکردند که با یك عده اشخاص وحشی مقابل خواهندشد وهمه فرار کردند زندگیها بهم خورد . بعد دیدند که معقول ترین وبا انضباط ترین سربازها سربازان شوروی هستند (صحیح است) اگر چنانچه ما قبلاً میشناختیم با کی همسایه هستیم البته یک چنین جریاناتی تولید نمیشد . حالا بایستی این نکته‌را بدانیم که تمام همسایگان خودمان‌را بایستی خوب بشناسیم . دولت شوروی،در بین همان مللی که داخل اتحاد جماهیر شوروی‌هم هستند درهمانجا هم اگر چنانچه درهمانجا هم بخواهند یك معاملهٔ با آن کشورها بکند هیچوقت آن معامله جنبه تحمیل ندارد بهمین مناسبت است که از قراری که من اطلاع حاصل کردم و مطالعه کردم در آنجا یك شورای ملی است که جانشین مجلس سنا است و برای اینکه مبادا کم و زیاد جمعیت تأثیر بکند بین نمایندگان مجلس عمومی ورأی یکی ازملل تحمیل بیك ملت دیگر بشود در آنجا تعداد نمایندگان ملل اتحاد جماهیر شوروی متساوی هستند تا اینکه اگر قانونی در مجلس شورای عمومی گذشت و در این مجلس ملی نگذشت آن قانون قابل اجرا نباشد برای این که تحمیل نشده باشد و اگر ما دقت کنیم و خوب بشناسیم همسایمانرا و رویهٔ صحیحی داشته باشیم ما میتوانیم بخوبی این اشکالاتی را که برای ما ایجاد شده است این اشکالات را رفع کنیم ولی مشروط براینکه‌حسن ملیت داشته باشیم ولی‌مشروط براینکه

یك عملیاتی که موجب تحریك و عصبانیت باشد ازما سر نزند مشروط براینکه پروپا کاندی در کار نباشد با یك چنین شروطی که امروز متأسفانه بعضی‌ها آن شروط را مقائل نیستند واین شروط را عمل نمیکنند وباسفارشات خودشان با رفتار خودشان که بایستی در اینموقع کاملاً جنبهٔ متانت داشته باشد تحریك میکنند وبا این ترتیب البته اشکالات ممکن است روز افزون شود . آقای بیات از آن روزی که آقای سید ضیاء الدین طباطبائی خدا انشاء الله عمر وعزتشان را زیاد کند (سید ضیاء الدین ـ تشکر میکنم) از آن روزی که ایشان در کشور ما کودتا فرمودند از آنروز ببعد یك سیاست مخصوص یك جانبی درتمام شئون اجتماعی کشور ما رسوخ پیدا کرد (سید ضیاءالدین ـ اشتباه میفرمائید) در طی بیست سال حکومت رضاشاه یکعده با این سیاست پرورش یافتند این سیاست تاحدی برای بعضی ها طبیعت ثانوی شد عادت شد فکر میکردند که بایداینطور فکر کرد بایداینطور عمل کرد حتی بقال سر گذر میفهمید بکی باید بد بگوید و بکی خوب تا از او خوشش بیاید حتی بقال سر گذر باین سیاست پی برده بود اگر چنانچه صاحب یك دکانی میخواست مستأجر خودش را بیرون کند فوراً پنج تومان میداد بیکنفر پلیس تأمینات و او هم راپرت میداد که فلان سراج که در فلانجا دکان دارد اورا دیدم که از پهلوی سفارت شوروی رد میشد وتصور میکنم از آنجا بیرون آمد آقا عین این پرونده هست وبنده از این پرونده‌ها صدها سراغ دارم ودر سینه بنده مضبوط است ممکن است عرض کنم این سیاست درطی تمام این دورهٔ بیست ساله رواج داشت وشاید بسیاری از اشخاص باشند که یك کاری بکنند وخودشان متوجه نباشند که درتحت تأثیر همان عوامل واقع شده اند من میتوانم بگویم که مثلاً آقای دکتر عبدی که این جانطق فرمودند ومطالبی را اظهار فرمودند که تمام آنها صحیح بود اگر چنانچه ایشان در یك مورد خاصی منّه بخشخاش گذاشتند و یك مورد دیگر را ندیدند سوء نیت نداشتند این تأثیر همان بیست سال سیاست یك جانبه است که درتمام ماهاهست ویك جورفکر میکنیم من فکر میکنم آقای بیات که اگر چنانچه بخواهد دولت شما پایدار باشد و ملت ایران شما را خادم خودش بداند و همانطور که عرض کردم بخواهید که ماهم پشتیبان شماباشیم ما میگوئیم یك طرف را نگیرید باید شما یك سیاست بتمام معنی بیطرفانه داشته باشید که از این ببعد روی آن رویه سیاست کشور ما را روشن کنید که این دفعه هم هربقال سر گذری بفهمد که برای ما هیچیك از همسایگان ما فرق ندارند (صحیح است) متأسفانه کسی که این حرفها رامیزند ویا کسی که میخواهد یك چنین سیاستی را عمل کند اغلب از اوقات ازاین میترسد که از این وضعیت که سابق موجود بود تابخواهم منحرف شوم فوراً بمن یك رنگی میزنند ممکن است بگویند آنها رنگین بودند و شما هم رنگی شدید ولی هر کس که بنفع ملت خودش درموقع مقتضی عاقلانه ازسیاست دنیا استفاده کند و یك کاری را لازم بداند و یك همکاری را لازم بداند و بالعکس آن کسی که از روی علاقه کاری برای مملکت خود نکند رنگ ندارد (سید ضیاءالدین ـ صحیح است) یك کسی بمن گفت که چرا شما با فلان آقا ملاقات نمیکنید ، صحبت نمیکنید (اکبر ـ با کی ؟) با یك کسی بروید صحبت کنید ، ملاقات کنید حرفهای یکدیگر را بهم بگوئید صحبت کنید بلکه یك راه حلی پیدا شود بنده گفتم که راه حل در یك موقع ممکن است پیدا شود (یمین اسفندیاری راه حل چی؟) راه حل اختلاف را . اگر چنانچه همه کس مثل من فکر بکند ، مثل من ورفقای من فکر بکند و آن فکر عبارت ازاین است که من اگر چنانچه فکر میکنم که یك دولت شوروی هست سیاست این دولت شوروی بنا بماهیتی که دارد نمیتواند متجاوزانه باشد و اگر یك همکاری با او میکنم نمیتواند بضرر ملت باشد اگر یك چنین عملی باشد و تشخیص داده شود که من همان کسی هستم که دیروز با دولت تزاری چون مخالف باسیاست مملکت ما بود مخالف بودم شما حق ندارید بمن بگوئید رنگ دارید شما نمیتوانید بمن بگوئید که چون یك روز با یك سیاستی مخالف بودی امروز هم با یك سیاست صحیح که بنفع ملت خودم وبنفع کشور

خودم است باید مخالف باشی ولی اگر چنانچه من یك شخصی باشم که دیروز بادولت تزاری همکاری کرده باشم وامروزهم میگویم بااین دولت باید همکاری کرد وفردا بایك دولت دیگر آن روز من رنك دارم وهمچنین اگر امروز دولت انگلیس متفق ما است وما می‌بینیم و میدانیم چون متفق ما است نظر تجاوز نسبت بما ندارد اگر دیروز نظر تجاوز بماداشت وآنطوری که اکنون دوستانه است نبود اگر چنانچه بنده آنروز طرفدار سیاست انگلیس بودم آن روزی که آن سیاست را بحال مملکت خودم مضر تشخیص میدادم آن وقت من رنك دارم در غیر این صورت البته رنگی باقی نیست . از اینها که بگذریم آقای بیات من میخواستم این موضوع را بعنوان ایراد به برنامهٔ شما عرض کنم که شما البته برای سیاست خودتان برای اینکه رأی اعتماد بیشتری داشته باشید و موافق و مخالف شما نفهمند که شما مخالف و یا موافق با دکتر میلسپو هستید اسمی از دکتر میلسپو در برنامهٔ خودتان ذکر نکردید راجع بدکتر میلسپو در اینجا صحبت خیلی زیاد شد و من فکر میکنم که چیزنا گفتنی نباید باشد که در اینجا گفته شود (امیر تیمور ـ بسیار مانده‌است) یك موضوعی را که باید راجع بدکتر میلسپو در نظر داشت و من کلیهٔ عملیات دکتر میلسپو را خلاصه میکنم در این یك جمله و آن این است که به عقیدهٔ من دکتر میلسپو ازطرف سرمایه های خاصی مأموریت دارد که صنعت واقتصادیات ایران را ازبین ببرد وزمینهٔ یك بازار وسیعی برای بعد از جنك جهت آن سرمایه های خاص تهیه بکند (صحیح است) من این را میدانم عقیده آزاد است این را که عرض میکنم بدون مدرك البته نیست آنچه که مدرك میل داشته باشید به شما ارائه میدهم (ساسان ذکر کنید ما هم بفهمیم) یکیش را الآن عرض میکنم (یمین ـ سوء نیت در کار نیست) (خنده نمایندگان) یکی را عرض میکنم آقای ساسان شما در این موضوع خیلی عصبانی هستید . کارخانجات قند پیشنهاد میکنند که در این سال گذشته ما چهل میلیون تومان عایدی داشتیم ازاین چهل میلیون تومان شانزده میلیون تومانش نفع بوده است اجازه بدهید دومیلیون ونیم برای تکمیل وبکار انداختن کارخانه قند ورامین خرج کنیم و از عایدی همان کارخانه بلافاصله مستهلك میکنیم ایشان اجازه ندادند درصورتیکه وجهی که داده میشد از همانجا مستهلك میشد و مردم هم به قنداحتیاج دارند آنوقت از طرف دیگر بیست میلیون تومان تصویب شده‌است برای ساختمانهائی که شایدامروز هیچ مورد احتیاج ما نیست باز هم میخواهید عرض کنم ؟ (ساسان ـ حرف زدن خیلی آسانست) پانصد هزارتومان تقاضا کرده‌اندبرای اینکه کارخانه کنسروسازی بندرعباس و کارخانه روغن گیری ورامین را تکمیل و آباد کنند و از آن ها مبالغی استفاده ببرند این را هم نداده‌اند پانصدهزار تومان در مقابل میلیون ها تومان مخارجی که برای این کارخانه ها شده است . باز هم میخواهید عرض کنم مدرك داره و از این مدارك بسیار است و من مخصوصاً اطلاع کامل دارم . اینجا یك یادداشت داده‌اند که آقای دکتر میلسپو آئین نامه‌ای تنظیم نموده راجع به انحلال اداره منع احتکار و به مأمورین وزارت دارائی دستور داده که از اجرای قانون منع احتکار خودداری نمایند و منظورش البته تشویق احتکار است . من اطلاع دارم که در صددند آن کارخانجاتی که دولت فعلاً دارد و با آن زحمات آن کارخانجات تهیه شده است نوشته‌اند که آن کارخانه ها را با دستیاری یك عده که طرفدار ایشان هستند میخواهند رفته رفته آن ها را از سر واکنند و از این مقوله در هر صورت میگذریم موضوع پخش قند و شکر و قماش این یك موضوعی است که همه سابقه دارند از همهٔ اینها گذشته الآن پانزده ماه است از سیصد نفر عاملین قماش طهران پول گرفته‌اند و ودیعه گرفته‌اند قماش را هم بهشان داده‌اند مردم هم محتاج بخرید قماش هستند به آن ها می گویند نفروشید همینطور پول آن ها هم مانده است آن عاملین قماش به مجلس هم نوشته‌اند مجلس هم نوشته است ولی هرچه از مجلس نوشته میشود تکلیف این کار رامعلوم

نمیکنند . ما در اینجا قانون تصویب میکنیم ، بودجه تصویب میکنیم ایشان لازم نمیدانند قوانینی که ما تصویب میکنیم اجرا کنند . یکی از قوانین خوب دورهٔ سیزدهم قانون آبیاری است که تصویب شد که یك بنگاه آبیاری مستقلی در این کشور باشد و یك سرمایهٔ مستقل هم آن قانون در دسترس آن بنگاه گذاشته است که این سرمایه اگر چیزی ازش مصرف نشد جزء صرفه جوئی بودجهٔ دولتی نمیرود و در بانك کشاورزی میماند تا اینکه مورد خرج طبق آن قانون پیدا کند . من برای موضوع آبیاری حوزهٔ انتخابیهٔ خودم با مهندسین رفتیم تمام آنجا ها را باز دید کردیم از جنوب قزوین گرفته تا شهریار طهران همه جا مستعد احداث چاههای ارتزین است همه جای این جا ها ممکن است چاه های آرتزین زده شود البته آنوقت اینجاها یك پارچه بهشت میشود با مهندسین که صحبت میکردیم گفتند تمام اعتباری را که باید باین کار ها برسد تمام را گرفته اند و هیچ اعتباری مطابق قانونی که تصویب شده است برای آن ها قائل نمیشوند . این اعلامیه که ملاحظه میفرمائید دراین اعلامیه چهار هزار وپانصد نفراز کارگران کارخانجات تسلیحات امضاء کرده اند و منتشر کرده اند بدست اغلب از آقایان هم رسیده است مینویسد : که متجاوز از یك سال است که پرداخت دستمزد ، اضافه کار ، کمك خواربار وسایر مزایای قانونی ما کارگران کارخانجات تسلیحات قورخانه ، سلطنت آباد پارچین ، مسلسل سازی نا منظم و بتعویق می افتد چندین بار دراین موضوع باآقای ساعد صحبت کردیم وهردفعه گفتیم که آقای دکترمیلسپو هرچه ما پول در مقابل اسلحهٔ خودمان از متفقین میگیریم آن پولها را ضبط میکنند و آنچه که لازم است برای کارگرها داده شود آن را نمیدهند . چندین بار دراین موضوع صحبت کردیم و بالاخره منتج به نتیجهٔ نشد وبسیاری مخارجات لازم دیگرهم هست که مادراینجاتصویب میکنیم وایشان جلویش را میگیرند و فعلاً من نمیخواهم زیاد دراطراف اینموضوع صحبت کنم یك چیز راآقای دکترمیلسپوخوب یاد گرفته اند که ازموقعیت خودشان خوب میتوانند استفاده کنند موقعی که جبههٔ دوم باز میشود و متفقین پیش میروند و پیشرفت آنها شروع میشود البته طبیعی است قیمت اجناس در بازار پائین می آیدفوراً یك اعلامیهٔ صادر میکنند وبحساب خودشان این تنزل را میگذارند بدون تصور اینکه شاید چهار صباح دیگر همین جنس بالا برود . درهرصورت یکی ازموضوعاتی که بایستی کاملاً دقت فرمایند همین موضوع دکتر میلسپو است . بنده یك مختصر تذکری هم میخواستم در مورد فرمایشات آقای امیرتیمور بدهم که دیروز اظهاراتی فرمودند و البته ممکن است این موضوع یکقدری موجب سوء تفاهم باشد و میخواستم یکقدری روشن بشود . آقای امیرتیمور صحبت کردند از اینکه یك نفاقی موجود است که بایستی حتی الامکان یك کاری کرد که این نفاق از بین برود واظهار کردند که این عمل را که بایستی آقای بیات انجام بدهند بعقیدهٔ بنده این موضوعی است که از خود ما شروع شده است و مربوط بخود ما است اگر چنانچه شما آقای امیرتیمور برای ما سایر ممالك را در اینجا بعنوان شاهد ذکر فرمودید که درسایر جاها این جریانات در بین هست بنده میخواهم عرض کنم که فرق بین ما و سایر جاها از بسیاری جهات زیاد است در مملکت انگلستان یادر مملکت امریکا هیچوقت نمیگویند که ما فلان اعتبارنامه را رد کنیم بمناسبت اینکه این شخص یا کمونیست است ویا فرض بفرمائید منتسب بیك حزبی است آن روزی تخم نفاق در اینجا کاشته شد که ما وکلای اول تبریز را و کلای اول آذربایجان را از وکالت محروم کردیم ویك آذربایجانی را که مهد آزادی بوده است دراین کشورازاین عمل خودمان منزجر کردیم اگر چنانچه این موضوعات در بین نبود البته خیلی آسان بود این نفاقی را که جنابعالی فرمودید رفع بشود ایشان مطالبی راجع بموضوع اتحادیه کارگران و زحمتکشان فرمودند و اظهار کردنداتحادیه‌ای موجوداست که روح کارگر ازآن اتحادیه خبر ندارد بنده بشما قول میدهم که الآن شما تصمیم بگیرید وهمان اتحادیه‌ای که بقول شما روح کارگر ازآن خبر ندارد

در ظرف یك روز از شمال گرفته تاجنوب تمام چرخهای زندگی وحیاتی که زندگی شمامربوط بآنست از کاربیندازد یك چنین اتحادیه یایك چنین جمعیتی را نمیشود گفت که روح کارگر ازآن خبر ندارد اگر چنانچه شما در مقابل آن اتحادیه کارگران خواستید اتحادیه عشایر را بیاورید (جمعی از نمایندگان ـ همه برادران ما هستند) اولاً عشایر خودشان خوب میدانند که ما نظر بدی نسبت بآنها نداریم اغلب آنها با ما هم زنجیر بودند همین رؤسای عشایر اگر چنانچه همین را در نظر میگرفتند میدانستند که نظر ما نسبت بآنها کاملاً صادقانه است بنده نمیدانم مقصود از چنین اتحادیه چیست و بنده نسبت به اتحادیه عشایر صحبتی نمیکنم برای اینکه همهٔ آنها برادران ما هستند (صحیح است) و یك موضوع دیگری را هم که باید تذکر بدهم این است که دولت اخیر ساعد یك صورتی تنظیم کرده بودند باینکه یك عده از اشخاصی را که منتسب بما هستند ، اشخاصی که منتسب بیك احزابی هستند (مقصودشان حزب مابود) این اشخاص را حتی الامکان یاخارج کنند از کار یا اینکه تبعید کنند دربعضی از وزارتخانها این عمل شروع شد و بنده به آقای بیات عرض میکنم که اگر چنانچه این وضعیت بخواهد ادامه داشته باشد آنوقت البته مخالفت ما باآقای بیات فقط جنبهٔ مخالفت پارلمانی نخواهد داشت بلکه مبدل به نفاق شدیدی خواهد شد (ساسان ـ اینها تولید نفاق میکنند آقا) (نایب رئیس ـ آقای ساسان دربین مذاکرات ناطق صحبت نفرمائید) آقای ساسان دبیرمدرسه را بعنوان چاقوکش تبعید کردند این روزنامهٔ رعد امروز است دوستی روزنامهٔ رعد امروز باحزب توده معین است بنده عین این روزنامه را تقدیم آقای سروری میکنم که ملاحظه بفرمایند که با آن پروندهٔ که نباید بدلخواه رعد امروز که در اینجا نوشته شده است اگر چنانچه با این مدرك میشود یکنفر دبیررا تبعید کرد بفرمائید (ساسان ـ آقای سروری خودشان دقت میکنند) آقای ساسان حضرتعالی مدعی العموم بوده اید ولی اینجا محتاج بمدعی العموم نیست بنده مقصودم تذکر بود در وزارت پست وتلگراف مخصوصاً صورتی تهیه شده بود برای تبعید کردن و خارج کردن این اشخاص موضوع آخری که بنده عرض میکنم و عرایض خودم را خاتمه میدهم موضوع حکومت نظامی است در آنجلسه وقتی که آقای دکتر کشاورز صحبت میکردند اظهارشد که مقررات حکومت نظامی چون فعلاً در طهران حکمفرما است میبایستی یك چنین عملیاتی بشود من صحبت نمیکنم در اطراف اینکه آیا حکومت نظامی فعلاً لازم است یالازم نیست آنوقتی که حکومت نظامی در اینجا اعلام شد آنوقت جنگ پشت دیوارهای کشور ما بود ولی امروز جنگ هزاران کیلو متر از سرحدات ما دور است ولی با این حال اینموضوع یك موضوع دیگری است ایرادی که ما بحکومت نظامی داریم این است که استفادهٔ از این حکومت نظامی درهرمورد یك طرزی است وبنا باقتضای زمان وبنا باقتضای مکان فرق میکند وباید دید عمل حکومت نظامی درچه زمان و مطابق باچه سیاستی این عمل انجام میشود ایشان آن عملی را میگفتند که آقای ساعد در ضمن مراسله شماره ۱۵۶۸ خودشان بحکومت نظامی مینویسند که از این تاریخ به بعد ماده ۱۰ قانون حکومت نظامی را باید طابق النعل بالنعل اجرا کنید من میگویم حکومت نظامی هست و وجود دارد خوب این یك مقرراتی دارد چه دلیل دارد که یك روز باید فلان ماده اجرا شود و یك روز نباید اجرا شود یك روز باینصورت باید اجرا شود ویك روز بصورت دیگری باید اجرا شود صحبت ما این است که چرا باقتضای زمان و مکان و هر روز بیك نحوی مطابق دلخواه اشخاص باید اجرا شود و از مواد آن استفاده شود والا ما از این جریانات واز اینکه برعلیه ما تانك ومسلسل و توپ بیاورند احتراز نداریم و تصور میکنم هرقدر تماس ما با این نظامیان بیشتر بشود وبماانزدیك بشوند بیشترخواهند فهمید که بروی ما وبه روی برادران خودشان نمیتوانند سرنیزه بکشند هرقدراین تماس زیادتر بشود همانقدر این موضوع را بهتر میفهمند چیزی که هست آقای بیات این است که شما بایستی اینموضوع را درنظربگیرید که ما نشان دادیم که در این مملکت خواه ناخواه مایك قدرتی هستیم یك قدرت قابل

توجه و شما بایستی رویه خودتان را نسبت بما روشن کنید واگر چنانچه شما نمیخواهید ما را بحساب بگذارید ما خودمان خودمان را بحساب خواهیم گذاشت .

امیر تیمور ـ بنده اخطار نظامنامه‌ای دارم .

نایب رئیس ـ مطابق کدام ماده ؟

امیر تیمور ـ آقای نمایندهٔ محترم در ضمن بیاناتشان اشاراتی به اظهارات بنده در جلسه گذشته فرمودند و مورد مثال قرار دادند و تعبیراتی در اطراف آن فرمودند درصورتیکه اظهارات بنده در جلسه گذشته آنطور نبود که ایشان فرمودند وسوء تعبیر شد این است که مطابق نظامنامه میتوانم توضیحاتی بدهم . (نایب رئیس ـ باختصار بفرمائید) فرمودند که بنده اظهار کردم که نفاق موجود است بنده عرض کردم که در این مملکت وحدت مارا یك عده‌ای ازبین برده‌اند و میخواهند ایجاد نفاق کنند و همچنین عرض کردم در این مملکت اتحادیه هائی موجود است و برای این مملکت اتحادیه کارگر واتحادیه عشایر سم مهلك است (صحیح است) و معتقدم این است و خواستم بدولت تذکر بدهم که از اتحادیه عشایر و اتحادیه کارگران حتماً باید جلوگیری بشود وامروز تمام قدرت قانونی باید در دولت متمرکز باشد و همه کارهای مملکت باید با دولت باشد و امروز یك جریانی پیدا شده است که ادامهٔ این جریان برای بقای مملکت ما مورد ندارد البته وقتی که جنگ تمام شد وقتی قوای اجانب از مملکت ما خارج شدند و در حال صلح بودیم آنوقت باید این حرفها را زد (کام بخش ـ دیگران هم در حال جنگ هستند و بیشتر از ما دارند) بعقیدهٔ بنده امروز باید قدرت در دست دولت متمرکز باشد ودولت باید حافظ وحدت کلی باشد و از تمام این قبیل اتحادیه ها اعم از شمال و جنوب جلوگیری کند وعناصری هم که میخواهند ایجاد نفاق کنند دستشان را بگیرند و خارج کنند اعم از این که از شمال باشد و اعم از اینکه از جنوب باشد این عقیدهٔ بنده بوده است و به آقای رئیس الوزراهم توصیه میکنم که این کاررا بکنند .

[illegible] ـ هیچ دولتی نمیتواند این کاررا بکند برخلاف قانون اساسی است و جلوگیری از اتحادیه‌ها ممکن نیست .

نایب رئیس ـ آقای دکتر مصدق .

دکتر مصدق ـ وقت گذشته است وبنده نمیدانم پیشنهاد ختم جلسه بکنم یا اینکه مطالب خودم را بگویم . (جمعی از نمایندگان ـ بفرمائید) میخواستم از آقایان نمایندگان استدعا بکنم که رویه نمایندگان دوره اول‌را درنظر بگیرند که صبح می‌آمدند و تا چهار از شب رفته در مجلس بودندو راحتی نمیکردند و نهار را هم از منزل همراه می‌آوردند و اینجا میخوردند ویك مسائل مهمی که بود انجام میدادند .

جمعی از نمایندگان ـ صحیح است .

دشتی ـ اگر واقعاً و راستی میگوئید صحیح است عصرهم بیائید و جلسه تشکیل شود .

دکتر مصدق ـ در موقع اسم نویسی بنده حقیقةً مردد بودم که موافق باشم یا مخالف زیرا که عملیات دورهٔ گذشته را اگر کسی در مجلس شرح بدهد ربطی بدولتی که می آید ندارد (صحیح است) پس اگر کسی با عملیات دورهٔ گذشته مخالفت داشته باشد نباید مخالف این دولت باشد زیرا عملیات دورهٔ گذشته مربوط باین دولت نیست و اگر بخواهیم نسبت باعضای دولت اظهاری کنیم اعضاء دولت در این مملکت همه سر و ته یك کرباس هستند همه باهم انقدر فرقی ندارند اگر ما بگوئیم این بهتر است یا آن ممکن است بگویند نظر شخصی است فعلاً یك دولتی تشکیل‌شده است البته هردولتی هم که تشکیل میشود یکنفر موافق اسم مینویسد و یکنفر مخالف پس بنده گفتم خودم را موافق مینویسم ویك شرایطی را میگویم باین دولت اگر این دولت آن شرایط را انجام داد من با این دولت موافقم اگر آن شرایط‌را انجام نداد با این دولت مخالف خواهم بود آقای نخست وزیر هم که فرمودند من بیانات آقایان نمایندگان‌را اصغا میکنم و در آخر عقیدهٔ خودم‌را میگویم . فعلاً من دوشرط دارم ویك پیشنهاد قبول پیشنهاد من مربوط بآقایان نمایندگان است وقبول شرایط هم مربوط بآقای نخست وزیر است و تصور میکنم اگر آقایان دیگر هم که با دولت مخالفت فرمودند اگر با این دو شرط

بنده آقای نخست وزیر موافقت کنند آنهاهم با این شرط با دولت موافقت خواهند کرد بشرط اینکه دولت نظریات و شرایط من‌را درمجلس قبول کند اگر کردند آنوقت‌خواهیم دید که یك دولتی تشکیل شده است که تقریباً مورد اتفاق و موافقت این مجلس با آن خواهد بود و چند روزی‌هم این عمل‌را بمورد آزمایش میگذارند ووقتی درعمل دیدیم‌دولت منظور مجلس را انجام داد که بهمان حال باقی خواهد بود اگر نشد برای مخالفت فرصت خواهیم داشت وهروقت‌مخالفت خود را میتوانیم بکنیم . این نظریه من است و حالا نظر خودم‌را عرض میکنم :

در جلسه هفتم آبان مخالفت خود را نسبت بامتیاز نفت اظهار نموده وبعرض مجلس رساندم‌که راه استخراج منحصر بدادن امتیاز نیست وبطریق دیگرهم خود دولت می‌تواند معادن نفت را استخراج کند وچون امروز نفت بمنزله آب حیاتست ما هرقدر در استخراج آن تأخیر کنیم بدول قوی مجال میدهیم که از خود رفع محظورکنند واز ما امتیاز بخواهند وآنوقت‌است که ما باید معادن خودرا تملیك‌نمائیم هرگاه در ابواب فقه بابی هم برای امتیاز بود عرف بین المللی اقتضا می کرد که فقها امتیاز نفت را اینطور تعریف‌کنند تملیك عین او منفعة مادام الحیوة زیرا امتیاز دهنده قادر نیست که در آخر مدت صاحب امتیاز را از مؤسسات خارج کند وبرطبق امتیازنامه مؤسسات نفتی را تصرف نماید وناچار است هرطورکه صاحب امتیاز بخواهد مدت را تمدید نماید واز منافع هرقدر برای ما سهم معین کنند وقتی‌که نتوانیم داخل شرکت شویم وبحساب آن رسیدگی کنیم نقش برآب است . حداقلی‌را هم‌که قرارداد معین کند باید صرف‌کاری نمودکه صاحب امتیاز موافقت نماید . فراموش‌نمی کنم که دوره ششم تقنینیه وزیر مالیه وقت ازنظرمصالح مملکت پیشنهاد نمودکه عواید نفت‌جنوب از جمع بودجه خارج شود وبعنوان ذخیره مملکتی حسابی جداگانه داشته باشدوبعد معلوم‌شد که مراد ازذخیره‌مملکتی احداث راه‌آهن وخرید اسلحه‌ومهماتست . اینجا است که زمامداران دولت اتحاد جماهیر شوروی باید از خدا دور نشوند وبا ملت ضعیفی مثل ما همانطورکه تاکنون خوب رفتار کرده‌اند بازرفتار نمایند وبه‌بینند چیزهائی‌که برعلیه آنها تهیه شده بود چطور برنفع آنها بکار رفت عرفت‌الله بفسخ العزائم ونقض الهمم من اگر با امتیازمخالفت نموده‌ام پیشنهادهائی هم برای استخراج نفت وفروش آن کرده‌ام که آنها را نباید از نظر دور داشت‌که‌کار نفت را برای بعد از خاتمه جنگ‌گذاشت . آنهائی‌که میگویند مذاکرات نفت به بعد از جنگ محول شود یا از درك حقایق عاجزند ویا اینکه عقیده از خود ندارند ولی آنهائی که اهل تشخیصند و نماینده این ملتند می‌دانندکه تأخیر موجب زیان است . وضعیات بین‌المللی ایجاب می‌کندکه هرچه زودتر تکلیف معادن نفت معلوم شود امروز یکی از شخصیت‌های مهم‌کشور دوست ومجاور ما تشریف آورده اند و می‌خواهند در کار نفت مذاکره نمایند هردولتی در کار تأخیر کند بمملکت خیانت مینماید آن روزیکه سیاست یك طرفی بود ۳۲سال امتیازنفت جنوب تمدید شد وازروی حداقلی‌که خودکمپانی برای عایدات دولت معین نمود متجاوز از ۱۶ بلیون ریال از کیسه ملت رفت و نسلهای آتیه را از چنین عایدات هنگفتی محروم‌کرد . نسلهای آتیه هرقدر نفرین‌کنندکم کرده‌اند وبجای رحمت حق دارندبما لعنت‌کنندگرچه امروز توازن کامل در سیاست نیست ولی اگر همین موازنه هم بهمخورد هریك از دول‌که موازنه را برد ما را بدبخت مینماید . فرض‌کنیم که سیاست مجاور شمالی ما قوت‌گرفت وگفت با امتیاز دارسی مخالف بودم ولی در عهدنامه ۱۹۲۰ دست از مخالفت‌کشیدم تمدید امتیاز موازنه را برهم زد ومن بیش از آنچه تمدید داده است چیزی نمی‌خواهم . فرض دیگر اینکه سیاست موافق نظریات مجاورجنوبی شد وآن دولت‌گفت امتیازسایرمعادن را هم می‌خواهم . اساس‌کار دنیا روی عدل نیست وهرملتی عدالت را از نظر منافع خود قضاوت می‌نماید وباضعیف‌تر ازخود می‌کند آنچه را که انصاف ووجدان جایز نمیشمارد

مگر نبود که باشتهای امتیاز ۹۲ ساله شرکت هائی آمدند وباب مذاکرات را با سهیلی وساعد باز نمودند . مگر نبود همین که حریف گفت از این نمد ما را هم کلاهی تمام حرفها وعملیاتی که برای انجام مقصود شده بود از بین رفت . فرض سیم اینکه متفقین در تسخیر معادن نفت ایران با هم اتفاق کنند وهر کدام برای خود از این نمد کلاهی بخواهند ما باید آن را بقدر وسعت کلهٔ هریك تقسیم کنیم وهر قسمت را در طبق اخلاص بگذاریم وبا کمال خضوع و خشوع تقدیم نمائیم وخود را مرهون نوع پرستی و بشر دوستی آنها بدانیم . پس تا چنین روزی نرسیده است باید هرچه زودتر تصمیمی که حافظ منافع ما است اتخاذ کنیم ومجال ندهیم که ازنمد ما برای خود کلاه بسازند . ما برای مصرف خود فعلاً نفت لازم نداریم و برای اینکه معادن دیگر استخراج شود احتیاج بسه چیز داریم : اول ـ محل مصرف ، پس از آن سرمایه برای استخراج وبعد متخصص ، که نظریات خود را باختصار عرض مینمایم .

(۱) محل مصرف

با نماینده بزرك دولت شوروی داخل مذاکره شویم و قراردادی برای هرمدت که توافق نظر حاصل شود منعقد نمائیم و نفت مازاد از مصارف خود را با نرخ متوسط بین المللی نفت در هرسال معامله نمائیم

(۲) تحصیل سرمایه .

برفرض که برای ما رمقی بود و میتوانستیم بدون مساعدت غیر نفت را استخراج کنیم این کار خارج ازصلاح است ما باید سلف فروشی کنیم و وجهی بعنوان بیعانه و بقید اینکه فقط صرف استخراج نفت شود بگیریم ونفت که استخراج شد حساب مشتری را ازبابت اصل وسود وجهی که داده است تصفیه نمائیم .

(۳) مدیر ومتخصص

برای این کارما بدوقسم اشخاص محتاجیم ، اداری وفنی متخصصین اداری را از هموطنان و فنی را از متخصصین بین المللی که موقع قرارداد فروش معلوم خواهد شد انتخاب مینمائیم .

این است نظریات من راجع باستخراج تمام معادن ایران که با هر دولتی که مشتری خرید نفت است مذاکره نمائیم و هرچه زودتر شروع بکار و گریبان ملت را خلاص کنیم وبرای هموطنان کار گر که تا آخر جنك تمام بیکار میشوند کار تهیه نمائیم .

من تصور مینمودم که اگر داخل کار شوم کار نفت و کارهای دیگری انجام دهم و بعداز اینکه اکثریت قریب باتفاق مجلس مرا نامزد نخست وزیری نمود معلوم نشد بچه عنوان اکثریت و اقلیت هر دواز من صرف نظر کرد وفقط بمن کسانی رأی داده اند که منفردند .

بعداز عرض تشکر از عموم آقایان محترم که بنخست وزیری بلاشرط من رأی داده‌اند سئوال میکنم ، اگر نظرشان این بود که قانون سال ۱۳۰۶ بارفتن من بدون استعفای سه ماه قبل موافقت نداشت ماده ۲ قانون مزبور را که خود اینجانب در جلسه ۱۱ تیر ماه ۱۳۰۶ پیشنهاد نموده‌ام و بشرح ذیل است : « تا انقضای هر دوره تقنینیه نمایندگان مجلس شورای ملی نمیتوانند هیچیك ازخدمات دولتی را موظفاً قبول نمایند مگر اینکه سه ماه قبل از قبول خدمت نمایندگی استعفا نموده باشند» مانع نیست و بیانات اینجانب هم که درمذاکرات مجلس بشماره ۹۱ مندرج است حاکی ازاین معناست وچون نظریات این جانب مفصل و در دونوبت بعرض مجلس رسیده است قسمت مختصر آن را که در صفحهٔ ۱۸۷۸ مندرج است عیناً نقل میکنم . و از قسمت مفصل آن که در صفحهٔ ۱۸۷۶ همان شماره ملاحظه میشود برای اینکه وقت مجلس تضییع نشود خود داری مینمایم اینك عین مذاکرات . « چون یکی از نمایندگان فرمودند که این ماده مخالف قانون اساسی است خواستم عرض کنم کاملا با اصل ۳۲ قانون مطابقه شد و مخصوصاً نظریات حضرت آقای رئیس (مقصود آقای حسین پیرنیا مؤتمن الملك است) جلب شد . بهیچ وجه مخالفت ندارد و اینکه قانون اساسی می گوید که چنانچه یکی از وکلا در ادارات دولتی و موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل می شود ما نگفتیم

که نمیشود این مسلم است ما گفتیم اگر وکیلی خواست برود وزیر شود یا رئیس فلان اداره بشود تازمانیکه وکیل است نتواند برود. حالا اگر خواست برود بازهم مختار است منتها سه ماه قبل باید استعفا بدهد یا اینکه حقوق نگیرد » .

بنابر آنچه عرض شد اگر کسی خواست که درتمام دوره وکالت در ادارات دولتی غیر موظف کار کند مانعی نیست وبدون استعفای قبلی میتواند ولی بشرط اینکه سوء استفاده نکند و بجای وظیفه مدد معاش بگیرد ، مراد از وظیفه هر وجهی است که بهر اسم ورسم از خزانه دولت خارج شود از مواجب و شهریه و مدد معاش و انعام بهر صیغه‌ای از صیغ که باشد . پس برای خارج شدن ازمجلس مانعی نبود وباید فهمید که برای بازگشت چه مانعی تصور مینمایند . اصل ۳۲ متمم قانون اساسی ازاین قرار است :

« چنانچه یکی از وکلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود ازعضویت مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت او درمجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی و انتخاب او از طرف ملت خواهد بود که بعضی از نمایندگان محترم وظیفه را مترادف با مسئولیت دانسته‌اند در صورتیکه مترادف با حقوق است و نظریهٔ دوره ششم و سیزدهم تقنینیه همین است چنانچه مراد ازموظف حقوق نباشد احتیاج نیست که قبل از کلمه مستخدم موظفاً قیدشود و یك چنین تعبیر مثل این است که بگویند اگر یکی از اعضای ادارات دولتی در مجلس با تعهد دادن رأی و کیل شود از عضویت اداره منفصل است و حاجت باظهار نیست که رأی دادن متلازم با نمایندگی است کما اینکه انجام وظیفه واستخدام لازم وملزوم یکدیگرند وهر کس در ادارات دولتی مستخدم شد وظیفه دار ومسئول است. پس مراد از موظفاً گرفتن وجهی است ازخزانه دولت و هر کس قبل ازخارج شدن از مجلس تعهد کرد بدون اخذ حقوق خدمت کند از عضویت مجلس منفصل نمیشود و تعهد باید صریح باشد تاخللی بعضویت او نرساند ، مضافاً باینکه ماده ۱۵ قانون استخدام کشوری چند مقام را که از آن جمله وزارت است از رتب نه گانه اداری خارج مینماید. و بعضی بر این عقیده‌اند که اصل ۳۲ تا کنون باین طریق عمل نشده یعنی آنهائی که وزیر شده‌اند بعد از انفصال به مجلس مراجعت ننموده‌اند بعقیده من اول باید سئوال نمود کسانی که ازمجلس بشرط نگرفتن حقوق رفته‌اند کیانند و برفرض اینکه متعهد شده باشند بدون حقوق خدمت کنند بازگشت آنها دلیل نیست که اصل ۳۲ مانع باشد و نتوانند بمجلس باز گشت نمایند چه عدم مطالبه حق دلیل نداشتن حق نیست ودرقانون اساسی بعضی ازاصول هست که اجرانشده مثلاً اصلی که راجع است بمجلس سنا ، پس اگر ملت ایران تقاضای تشکیل مجلس سنا نمود بنابر این عقیده باید گفت که مجلس سنا نباید تشکیل شود درصورتیکه هر وقت مقتضیات وجود سنا را ایجاب نمود آنرا باید تشکیل داد بعضی ها هم چنین عقیده دارند که اصل تفکیك قواء ثلاثه مانع است که وکیل با حفظ مقام نمایندگی وزیر شود ، در صورتیکه حکومت ملی منقسم باقسامی است که یکی از آنها حکومت پارلمانی است و برطبق قانون اساسی ما کشور ایران دارای این حکومت است و در حکومت‌های پارلمانی وکیل بوزارت میرود واز وزارت که افتاد برمیگردد و درمجلس وکیل میشود . و در جواب آنهائی که فرموده‌اند اگر وخامت اوضاع خدمت را برای هر کس واجب عینی نموده است ومن که چنین اظهاری نموده‌ام چرا باید قبول کار را مشروط ببازگشت مجلس کنم عرض میشود که مرا مردم انتخاب نموده‌اند تا آخر دوره در مجلس خدمت کنم ، اگر مجلس تصور نمود که من دردولت مفیدترم و ازحقوق هم که صرفنظر نمودم حق این بود که بازگشت من بمجلس تأمین شود و شرط بازگشت برای این بود که اگر از خدمت دولت محروم شوم ازخدمت ملی محروم نشوم و در مجلس باشم تا بتوانم جهات عدم موفقیت و یاعدم مساعدت مجلس را بجامعه عرض نمایم . پس معلوم شد که حلیت وحرمت هر چیز منوط با کثریت است ، اگر اکثریت خواست که حرام راحلال کند میکند واگر نخواست حلال هم حرام میشود . من از اکثریت سئوال نمیکنم که چرا با نخست وزیری مشروط من موافقت ننمود ، از ابتدای این دوره من در اقلیت بوده‌ام و اکثریت غیراز مخالفت من با

دادن امتیاز نفت یاحرفهای دیگر من موافقت نکرد حفظت شیئاًوغابت عنك‌اشیاء. من ازفراکسیون توده سئوال‌میکنم که ازاول‌این دوره که با من مخالف‌تبود ودرمطبوعات‌خود مرا تقدیر نمود ویکی ازنمایندگان آن فراکسیون قبل‌از مذاکرات‌نفت‌درجلسه‌خصوصی‌مجلس‌مرا برای نخست‌وزیری پیشنهادکرد و نظریات من هم درباب امتیاز نفت با نظریات فراکسیون‌موافق بود چونکه آقای‌دکتر رادمنش درجلسه علنی ۱۹ مرداد اینطور اظهار نمود (من و رفقایم با دادن امتیازات بدولت های خارجی بطور کلی مخالفیم همانطور که ملت ایران توانست راه‌آهن را خودش احداث کند یقین‌دارم که باکمك مردم و سرمایه داخلی ما میتوانیم تمام منابع ثروت‌این مملکت‌را استخراج کنیم) چه‌شد که بانخست‌وزیری مشروط من مخالفت کرد. من تصور نمی کنم که جوانان روشنفکر مملکت معنی قانون را نفهمند بلکه اینطور تصور میکنم که بانظریه سیاسی من که موازنه منفی است‌موافقت ندارند، بنابراین لازم میدانم که نظریات خود را توضیح کنم من آنچه عرض کرده‌ام درمصالح مملکت ومنافع آن دولتی است که طالب موازنهٔ سیاسی است. هرگاه ما تعقیب از سیاست مثبت کنیم باید امتیاز نفت شمال را هم برای مدت ۹۲ سال بدهیم وباین طریق موازنه سیاسی برقرار کنیم گذشته از این که ملت ایران برای همیشه واکنون مجلس با این کار موافق نیست و دادن امتیاز مثل این است که مقطوع‌الیدی برای حفظ موازنه راضی شود که دست دیگر اورا هم قطع کنند درصورتیکه هرمقطوع‌الیدی برای حفظ ظاهر هم که باشد طالب دست مصنوعی است و آن مقطوع‌الیدی که بخواهد مقطوع‌الیدین شود خوب است خودرا ازمذلت زندگی خلاص وقبل ازاینکه یدِ ثانی او قطع شود انتحار کند.

جمعی ازنمایندگان ـ صحیح است.

دکتر مصدق ـ صحیح است خواهش میکنم نگوئید، تصدیق و تکذیب مطالبم موکول به قبول یا رد پیشنهادی است که عرض میکنم تعقیب سیاست مثبت برای کسانی خوب است که از عهدهٔ آن برآیند پیروی از این سیاست برای آنهائی‌مفید است که اهل حسابند ازهر کسی که سئوال شود هشت بیشتر است یا شصت میگوید ۶۰ پس هشت نفر نمیتوانند با شصت نفرمقاومت کنند ولواینکه چند پیشه‌ور دیگر هم اضافه نمایند. از نظر وطن پرستی هرگاه ما از سیاست مثبت پیروی کنیم برفرض اینکه در مجلس دو دسته مساوی تشکیل شود هروقت که باهم موافق شدند کار ما زار است ولی اگر ما از سیاست منفی تعقیب کنیم و مجلس از نمایندگان حقیقی ملت تشکیل شود از چنین مجلس کاری برخلاف مصالح ملت نمی گذرد و آنوقت است که موازنهٔ سیاسی بنفع ایران برقراراست. با هریك از نمایندگان در خارج مجلس صحبت کنیم غیراز نوع خواهی ووطن دوستی نظری ندارند. ازهریك ازافرادی که دراین جنگ شرکت میکنند اگرسئوال شود غیر از خیر بشر چیزی نمی‌خواهند وحاضر نیستند مورچه‌ای را زیرپا گذارند ولی داخل صف که شدند هرچه‌آمر گفت می کنند وباکی ازقتل عام ندارند گرچه بعضی اشخاص مثل مرحوم حسن پیرنیا وجناب آقای حسین پیرنیا حاضر نمیشوند وکیل غیر آزاد شوند. فرض میکنیم که بهترین اشخاص باین طریق انتخاب شوند کاری که درمصالح مردم و ضرر موکل باشد نمی کنند و بدترین اشخاص را اگر مردم انتخاب کنند بحکم المأمور معذور هرچه میکنند در مصالح مردم مینمایند. آقایان محترم این اولین دفعه نیست که بمن تکلیف کارمیشود یکی ازدفعات در عهد سلطنت رضا شاه است. روزی آقای حسین علاءِ بخانه من آمد و گفت شاه بآقای سرتیپ حبیب‌الله شیبانی آنوقت رئیس ارکان حرب فرموده‌اند، اگردکتر مصدق رابخواهم می‌آید یانه، ازاین حرف تعجب نمودم و گفتم اگرروزهای دوشنبه حضور شاه نمیروم ازاین جهت است که نماینده ملتم وباصغای فرمایشات شاه احتیاج ندارم ولی چه مانع است که هروقت احضار شوم کسب افتخار نمایم. چیزی نگذشت شاه مرا خواست وفرمود درمجلس گفتید آنچه را که نمی‌بایست بگوئید عرض کردم آنچه روزنهم آبان ماه (روزی که‌سلسلهٔ

قاجاریه‌خلع‌شد) گفته‌ام ازنظر مصالح مملکت‌بوده است‌ومن‌بین شاه‌وطن دوست‌ومملکت‌فرق‌نمی گذارم، فرمودتوضیح دهید تا قانع شوم، عرض کردم روزی محمد علی شاه مرا احضار کرد وفرمود که خواستم توسط معاون‌الدوله (آنوقت وزیر خزانه) بابهبهانی (مقصود آیت‌الله آقاسیدعبدالله) راهی‌باز کنم کاری‌نکردهر گاه‌شمابتوانید کاری کنیدموجب‌امتنان‌است. عرض‌شد که‌شاه را باایشان چه‌حاجت‌است‌ایشان هرچه دارند از همراهی و مساعدتی است که با آزادی‌خواهان مینمایند شاه هم همین رویه را اختیار کنند و با مشروطیت مخالفت نفرمایند تا دکان سیاسی آقا تخته شود آقا واصحابش همگی من تبع شاه‌شوند. همان روز مذاکرات با شاه را به مرحوم بهبهانی گفتم تصدیق نمود و بسیار خندید. در جواب‌فرمود سرشما هم بوی قورمه سبزی دارد (خنده نمایندگان) این بود جواب عرایض من ازآن شاه هرگاه اعلیحضرت هم‌پس از عرایضی که میکنم همانطور جواب‌دهندچیزی عرض‌نکنم و الااجازه فرمائیدمطالبی‌را بعرض رسانم. فرمودندبگوئید تا معلوم شود. عرض شد موقع آمدن بحضور چشمم بسر در سنگی افتاد این بنای با عظمت را اعلیحضرت برای چه میخواهند! گفتند درخانه من‌است مگرمن خانه‌نمیخواهم! عرض کردم خانه حقیقی شاه قلب ملت است اگر آن را دارند احتیاجی باین‌ها ندارند فرمود دیگر بگوئید. عرض شد از بستن طاق نصرت در ولایات و آوردن مردم با البسهٔ عاریه باستقبال شاه مقصود چی است؟ چنانچه شاه بمردم خدمت کنند اگرمردم‌ندانند بازاعلیحضرت مأجورندچونکه تاریخ خدمات هر پادشاهی‌را بمملکت‌خودفراموش نمیکنند فرمودند که حرفهای شما جواب ندارد، غرض از خواستن شما این بود که بدانم برای چه از مجلس صرف نظر نمیکنید عرض کردم آقایی‌مستوفی‌میخواستندمرا وزیر خارجه کنند و اصرارهم نمودند نتوانستم قبول نمایم، فرمود من باو گفته بودم که شما را واره کار کنند وحالامقصود این نیست که وزیر خارجه شوید بیائیدخودتان‌مستوفی‌باشید. عرض‌شدحکایتی دارم که اگر اجازه بفرمائید عرض کنم: باکش مفیسکی مأمور تجارت دولت روسیه تزاری برای تصفیه حسابی در همین‌خانه که مستأجر بودملاقات نمودم وغیرازاو باخارجیها آشنائی نداشتم. در جریان جنگ ۱۹۱۴ که دولت‌انگلیس و روس میخواستند در مالیه ایران نظارت کنند منزل من آمد و گفت بابور نیوف مترجم سفارت نزد سپهسالارنبودیم (آنوقت رئیس‌الوزراء) گفتند برای ریاست کمیسیونی که باید تشکیل شود شما را در نظر دارند. چون یورنیف گفت که با شما سابقه ندارد من میخواهم شما را با او آشنا و به‌فن‌اتروزیر مختارمعرفی‌نمایم. غرض‌از تشکیل کمیسیون آن است که نمایندگان سه دولت در مالیه ایران تفتیش کنند و کمیسیون مرکب از پنج نفر است که سه عضو آن را دولت ایران و دو عضو دیگر را دولت روس و انگلیس تعیین مینمایند و اکثریت با دولت ایران است هر گاه شما ریاست آنرا قبول کنید بانك‌استقراضی (بانك دولت‌روسیه تزاری در تهران) سند می‌سپارد که‌مادام‌العمر بشما در هر ماه هزار تومان تأدیه نماید و لو اینکه کار را برای مدت کمی‌قبول نمائید. گفتم‌چون مجلس سوم‌مرا برای‌کمیسیون دیگری بنام کمیسیون تطبیق حوالجات انتخاب نموده‌است که‌با حقوق دویست‌تومان در ماه همین وظیفه را انجام‌نمایم هر گاه برای گرفتن ماهی هزارتومان از آنکار استعفا کنم مردم میگویند طمع مرا بچنین کار نابکاری وا داشت از اعلیحضرت هم اگر قبول خدمت کنم خواهند گفت که ماهی ۱۵۰۰ تومان‌را به ۲۰۰ تومان حقوق مجلس ترجیح داده ام، این است که استدعا میکنم تا آخر دوره تقنینیه از من‌صرف‌نظرفرمایند و بدیهی‌است که‌نخواستم‌ویانمیتوانستم بیش از این اظهاری نمایم مقصود شاه این نبود که از افکار من استفاده کند چه هر کسی بله آن شاه کار میکرد و از افکار خود استفاده نمی کرد بلکه نظرش این بود که مرا از مجلس خارج کند و ثابت نماید که من هم مثل بعضی‌ها آنچه میگویم عقیده ندارم پس از اینکه شاه دید هیچ چیز مرا نمی‌تواند از عقیده‌ام خارج کند مأیوسانه بمن نگاهی کرد و گفت این مذاکرات باید مکتوم بماند و دو عصر سلطنت

اعلیحضرت جوان بخت که چون خواهان ترقی و تعالی مملکتند و با نیت پاکی میخواهند شاه حقیقی مملکت شوند دعوت شدم و میخواستم قبول خدمت کنم بجهاتی که عرض میکنم نشد کسب افتخار نمایم . در جلسه هفتم آبان که من با دادن امتیاز نفت مخالفت نمودم بیانات من در عموم آقایان نمایندگان طوری اثر کرد که نخواستند در موقع بحران از من صرفنظر کنند و نمایندگان فراکسیونها و منفردین در کمیسیونی که جمعهٔ ۱۲ آبان تشکیل شد طرح قانونی ذیل را تنظیم نمودند : نظر بلزوم تعیین مفاد اصل ۳۲ متمم قانون اساسی و با توجهات بمقتضیات کنونی و لزوم استفاده از شخصیت ملی دکتر محمد مصدق ماده واحده ذیل به مجلس شورای ملی پیشنهاد و باقید دو فوریت تصویب آن تقاضا میشود

(ماده واحده)

الف ـ اصل ۳۲ قانون اساسی که مقرر میدارد «چنانکه یکی از وکلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم شود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود» ناظر بمستخدمین دولت که مشمول مقررات قوانین استخدامی هستند میباشد و نسبت به نخست وزیر و وزراء معاونین پارلمانی آنها شمول ندارد .

ب ـ بشخص دکتر مصدق استثنائاً اجازه داده میشود که بدون رعایت شروط مقرر ماده دوم قانون مصوب ۲۲ تیر ماه ۱۳۰۶ مقام نخست وزیری را قبول و پس از پایان تصدی بکرسی نمایندگی خود دربقیه مدت دوره چهاردهم تقنینیه بازگشت نماید .

من اینطور تصور میکنم که اگر ماده فوق با اکثریت قریب باتفاق نمیگذشت با اکثریت قابل توجهی تصویب میشد و باید دید چه سبب شد که اکثریت از عقیده‌ای که بزمامداری من داشت عدول کرد . بعضی میگویند که اکثریت بزمامداری من عقیده نداشت و آنرا برای اخراج من از مجلس وسیله قرار میداد چون بازگشت را شرط قبول کار نمودم منصرف شد ولی من آنچه واقع شده است عرض مینمایم وقضاوت را بنظریات اشخاص بیغرض محول مینمایم .

برای اینکه پس از قبول کار با عدم موفقیت مواجه نشوم و بین من و آقایان محترم که نهایت صمیمیت بود سوء تفاهم نشود توسط دوستانم بعرض فراکسیونها و آقایان نمایندگان منفرد رساندم که سرمایهٔ من منحصر به مخالفت با امتیاز نفت نیست و سرمایهای دیگری هم دارم . از ابتدای این دوره راجع به دکتر میلیسپو و اختیارات او و همچنین راجع بقرارداد فروش نفت وغیره حرفهائی زدم که از هیچیك نمی‌توانم صرف نظر کنم و حتی‌الامکان باید در اجرای آنها سعی نمایم . من هرچه درزندگی گفته‌ام برنامه من است خدا نخواهد که من حرفی بزنم و بآن معتقد نباشم اگر آقایان با گفته‌های من موافقند اظهار تمایل کنند ازحسن ظنی که ابراز میکنید آنهارا پشیمان نمی‌نمایم والا ازمن صرف‌نظر نمایند . با این پیغام آقایان محترم چه میتوانستند بکنند اگر بمن رأی نمیدادند مردم میگفتند چه شد که با آن همه حسن ظن از من صرف نظر نمودند و اگر رأی میدادند تازه اول دعوا بود . پس بهتر همین بود که با نخست وزیری بلا شرط من موافقت کنند و با شروطه مخالفت نمایند . من از آقایان محترم متشکرم که با من برخلاف مروت کاری ننمودند و نخواستند که رفیق نصف راه باشند و از این که بین ما همان صمیمیت باقی است سپاسگزارم . آقای نخست وزیر من بعنوان موافق صحبت میکنم و چون فرمودید که جواب نمایندگان را در آخر میدهید درصورتیکه بانظریات من موافقت کنید من بدولت شما رأی مثبت میدهم تقاضای من این است که دولت شما در دوموضوع بدون تأخیر اقدام کنند . در کار دکتر میلسپو و استخراج نفت من ازشما چیزیکه عقیده ندارید درخواست نمیکنم . آقای ساعد پس از آنکه خلافکاریهای دکتر را تصدیق نمود و یکی از نامهای مفصل ایشان در مجلس خوانده شد معلوم نشد چه پیش آمد که از عقیده خود عدول کند ، شرح عملیات او بیش از حد لزوم در مجلس گفته شده و چنانچه عرض کنم که ¼ وقت مجلس در این دوره صرف این کارشده اغراق

نگفته‌ام امیدوارم که شما کاری کنید که باین مذاکرات خاتمه داده شود .

راجع به نفت روزنامه رعد امروز در شماره ۳۱۵ ـ اول آذر مقالهٔ روزنامه تایمز لندن را منتشر نموده است که در باب نفت ایران سه مطلب اظهار می‌کند .

اول ـ تأسف و ملامت و در این باب میگوید : « اخیراً مذاکراتی میان امریکا و انگلیس راجع به نفت ایران جریان داشته ولی بطور کلی مذاکرات مزبور بیش ازهرچیز مربوط بمشکلات خاور نزدیك بوده است و درهرحال چون دولت روسیه برای شرکت در این مذاکرات دعوت نشده بود ممکن است همان مذاکرات سبب جزئی برای اقدامات اخیر روس شده باشد و آنرا عکس‌العمل مذاکرات انگلیس وامریکا واغفال خودش تصور کند . این عکس‌العمل طبیعی است اگرچه قدری از اصول خردمندی دور میباشد و در هرصورت اگر این خطاها تکرار گردد بزیان دولت های متفق تمام میشود » پس معلوم شد که دولت انگلیس و امریکا ازاینکه دولت شوروی را درمذاکرات خود شرکت نداده اند متأسفند و با این حال انتظار نداشتند که دولت شوروی بدون مشورت باآنها ازدولت ایران امتیاز بخواهد ودولت امریکا وانگلیس ناچار شوند ازامتیازی که میخواهند صرف‌نظر نمایند البته اصول خردمندی چنین ایجاب مینمود که دولت شوروی بخود ومتفقین خود ضرر نرساند وبامشورت آنها هر چه میخواهد تقاضا نماید . و قسمت دیگر از مندرجات تایمز که میگوید : « از این بالاتر آنکه بقرار معلوم دولت روس بدون مشورت قبلی بادوهم پیمان بزرگ خود (امریکا و انگلیس) در انجام تقاضای خود اصرار میورزد » آنرا تأیید مینماید .

دوم ـ امیدواری بآینده ، در این باب تایمز می‌نویسد : « اشتیاق دولت شوروی برای گرفتن امتیاز نفت ایران خیلی واضح و روشن است و سبب خاصی موجود نیست که مذاکرات راجع بآن را ببعد از جنگ محول سازد ولی متأسفانه دولت شوروی بقدری فشار آورد که جریانی شبیه به بحران در روابط شوروی و ایران پدید آمده است »

بنظر روزنامه مزبور برای اینکه مذاکرات به بعد از جنگ محول شود سبب خاصی مشاهده نمیشود دولت شوروی باید مانع را مرتفع کند تا بمقصود خود نائل گردد .

سوم ـ نصیحت و اندرز بدولت شوروی :

« مذاکرات کامل وروشنی میان انگلیس وروس وایران وامریکا دراین باب مطرح گردد این مذاکرات قدم دیگری برای رفع بحران خواهد شد » پس نتیجه این است که دولت شوروی با دولت انگلیس و امریکا داخل مذاکره شود و نظریات آن دو دولت را که جلب نمود مانع مرتفع و نتیجه مطلوبه حاصل میشود و اینکه اسمی هم از ایران برده اند برای این است که دولت ایران هم ازحق تمامیّت وحاکمیت خود که سران سه دولت تصدیق فرموده اند استفاده کند و قرار دادی که نمایندگان سه دولت تنظیم میکنند امضاء و خود را تمام نماید . بعضی را عقیده آن است اگر جناب آقای کافتارادزه مقارن انعقاد قرارداد نفت بین شرکت های انگلیس و امریکا تشریف آورده بودند چون آن دو دولت بسهم خود رسیده بودند ناچار میشدند که بدولت شوروی هم سهمی بدهند . این نظریه را نمیتوان قبول کرد زیرا ساعد استعفا میداد و زمامدار کسی میشد که هیچ قرار دادی برعلیه ایران امضاء نکند . اکنون نمیتوان پیش بینی کرد که پس از انتشار نظریات روزنامه تایمز دولت شوروی چه رویه ای اتخاذ میکند . ظاهراً رویه دولت شوروی از سه حال خارج نخواهد بود .

اول ـ دولت شوروی با نظریه روزنامه تایمز موافقت کند ، درصورت اتخاذ چنین تصمیمی آن دولت نفتی نبرده و سرمایه ای که سالها بدست آورده باخته چون هدف آن دولت این نبود که بقول خود با دول استعماری سازش کند وباکمك و قوه آنها کسب امتیاز نماید هدف دولت شوروی این بود که حامی دول ضعیفه باشد وبا آنها برای این که آزاد شوند کمك نماید موافقت دولت شوروی بادول استعماری روی اصل دفاع از دول محور بود ، پس وقتیکه دول محور

دارند از بین میروند هیچ علّتی ندارد که دولت شوروی آن اتفاق را برای بکار تا مشروع تقویت نماید.

دیوم ـ چنانچه متفقین موافقت نکنند در این صورت هرچه زودتر باید وارد معامله نفت شود و اینکار بطوریکه درمنافع ایران و شورویست تمام شود و بدنیا ثابت کند که غیر از خدمت بنوع بشر مقصودی ندارد و هیچوقت حاضر نیست که اعلامیه های تمامیت ایران و حق حاکمیت آن را که امضاء نموده و هنوز خشك نشده نقض کند.

سوم ـ دولت شوروی از نظریه خود عدول نکند در این صورت باید بداند که با وضعیت فعلی نمیتواند بطریق عادی نتیجه بگیرد آن روزیکه مجلس امتیاز دارسی راتمدید نمود درمملکت جنبنده ای نبود ولی امروز که مردم میتوانند نفسی بکشند و محرك تنفس مصنوعی هم دارند سوای معدودی نفع پرست کسی بدادن امتیاز رضا ندارد و فقط ایران نیست که نفع پرست در آن زیاد است اگر دنیا از این جماعت پاك بود چرا کار عالم تا این درجه ناپاك بود، پس کسب امتیاز از مجاری عادی و قانونی عملی نمیشود و آنوقت است که مخالفین رژیم بگویند آنچه در کار نیست حرف حسابست.. پس نتیجه این شد که اگر متفقین باهم موافقت کنند با دولت ایران داخل مذاکره میشوند و دولت ایران هم که قرار داد را امضاء نمود همان جوابی که فروغی باحضور آقای حسین علاء بمن داد بملت خواهد داد جواب آن مرحوم این بود که درمقابل ادعای دولت انگلیس راجع بمخارجی که در آن جنگ نموده من عقیده خود را بسفارت نوشتم مجلس آزاد است که آن را رد کند کما اینکه دکتر میلسپو هم بعقیده شخصی خود مخارج مزبور را پرداخت مجلس آزاد است که آن را قبول نکند. اگر دولتی هم آمد و امتیاز نفت داد قاعدتاً مجلس آزاد است که آنرا تصویب نکند ولی با این انتخابات و این اخلاق کدام مجلسی است که قرارداد را رد کند. ما به امروز مثل مرحوم حسن پیرنیا مشیرالدوله وزیری داریم و نه مثل نمایندگان دوره اول تقنینیه و کیلی که با قرارداد ۱۹۰۷ موافقت نکنند رحمت الله علیهم اجمعین، پس ما باید کاری کنیم که خود را مواجه باچنین روزی نکنیم و چون نظریات من راجع بمخالفت با امتیاز در جلسهٔ هفتم آبان مورد تصدیق اتفاق مجلس شد این است طرحی تهیه نموده ام که هیچ دولتی نتواند راجع بامتیاز نه مذاکره و نه قرار دادی امضاء کند و فقط راجع بفروش نفت با هر دولتی که مشتریست داخل مذاکره شود و از آقایان محترم درخواست مینمایم قبل از اینکه متفرق شوند طرحی که پیشنهاد میشود تصویب نمایند و بدنیا ثابت کنند که این مجلس خیرخواه ایران است اینك طرح من:

مجلس شورای ملی

از نظر حفظ مصالح مملکت امضاء کنندگان طرح قانونی ذیل را تقدیم و تصویب آنرا بادوفوریت درخواست مینمائیم.

ماده اول ـ هیچ نخست وزیر و وزیر و از اشخاصی که کفالت از مقام آنها و یا معاونت میکنند نمیتواند راجع بامتیاز نفت باهیچیك از نمایندگان رسمی وغیر رسمی دول مجاور و غیر مجاور و یا نمایندگان شرکت های نفت و هر کس غیر از اینها مذاکراتی که اثر قانونی دارد بکند و یا اینکه قراردادی امضاء نماید.

ماده دوم ـ نخست وزیر و وزیران میتوانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره میکند مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند.

ماده سوم ـ متخلفین از مواد فوق بحبس مجرد از سه تا هشت سال و انفصال دائمی از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

مادهٔ چهارم ـ تعقیب متخلفین از طرف دادستان دیوان کشور محتاج باین نیست که مجلس شورای ملی آنها را تعقیب نموده باشد و اجازه دهد دادستان مزبور وظیفه دار است که متخلفین از این قانون را برطبق قانون محاکمه وزراء مصوب ۱۶ و ۲۰ تیرماه ۱۳۰۷ تعقیب نماید.

این بود طرح من و این فکر را دو روز بعد از نطقی که راجع بامتیاز نمودم بیکی از آقایان نمایندگان محترم که اجازه ندارم نامش را بگویم بمن داد و آن روز را صلاح نبود

که پیشنهاد شود زیرا دولتین امریکا و انگلیس نمیخواستند با دولت اتحاد جماهیر شوروی راجع بکار نفت توحید مساعی کنند و پیشنهاد چنین طرحی گذشته از اینکه بیطرفانه تلقی نمیشد مورد هم نداشت زیرا عدم موافقت متفقین سبب بود که دولت ایران داخل مذاکره نشود، ولی امروز که قضیه دارد فرق میکند و امروز که روزنامه تایمز دولت شوروی را باتفاق نصیحت میکند تصویب این طرح ضروریست. هیچکس نمی تواند غیر از مجلس در مال ملت دخالت کند امروز مجلس با نظریات من راجع بندادن امتیاز موافقت نموده و آن را در صلاح ملت میداند پس چه لزوم دارد که دولت امتیاز دهد و مجلس را درمقابل کار خاتمه یافته قرار دهد. مانهی میکنیم دولت را که دراینکار دخالت نکند و اگر روزی آمد که مجلس از این عقیده عدول کرد برای مجلس چه اشکالی دارد که این قانون را الغاء کند. تا مجلس متفرق و تحت تأثیر واقع نشده باید آنرا تصویب کنیم هرگاه امروز اینکار نشد دیگر جلسه ای منعقد نخواهد شد که این طرح تصویب شود. نفت چیزی نیست که دولتهای بزرگ از آن صرفنظر کنند ما میگوئیم که تمامیت و حاکمیت ما را که خودشان تصدیق نموده اند نقض نکنند و اگر مقصودشان کشور گشائی نیست و فقط نفت میخواهند با ما داخل مذاکره شوند و معامله نفت کنند. ما نباید نماینده بزرگ دولت دوست و مجاور خود را دست خالی روانه کنیم و آن دولت را مجبور بسازش با متفقین کنیم. متجاوز از صد سال ایران روی اصل موازنه استقلال خود را حفظ نمود و زمامداران بی اطلاع آن عصر میدانستند که سازش آنها برای ما زیان است ولی وزیران امروز که قرارداد ۱۹۰۷ را مطالعه کرده اند چون همه ایمان و عقیده ندارند طالب دوام کار نه باین اصل مسلم توجه نمینمایند. هیچکس نمیتواند بگوید که نفت نباید استخراج شود و یا اینکه نفت شمال بجنوب برود و در آنجا بامریکا فروخته شود هیچکس نمی تواند منکر این اصل اقتصادی شود که هرقدر مخارج استخراج و اداری و کرایه کم شود نفت بهتر می تواند در بازار بین المللی رقابت نماید و باز کسی نمی تواند منکر شود اگر دولت شوروی با متفقین ساخت و موانع گرفتن امتیاز را از بین برداشت دیگر خریدار نفت نیست و استخراج نفت بدست خود ما محال است آنهائی که استخراج نفت را به بعد از جنگ محول میکنند غیر از اجرای مقاصد بیگانگان نظری ندارند. آقای نخست وزیر من عقیدهٔ خود را در مقابل خدا و وجدان گفتم و اگر قصور کنید شما و هیئت شما را خادم به مملکت نمی دانم. شما باید باستخراج نفت بدست خود ما اهمیت بدهید و برای این کار وزارت خاصی تشکیل دهید و هرچه زودتر یك وزیر صاحب عقیده و کاردان معین کنید و برای مردم بیکار تهیهٔ کار بنمائید که صلاح ما و متفقین در این است زیرا ما باید بین متفقین مجاور و دوست فاصله باشیم و صلح عالم را تأمین نمائیم. این طرحی است که تهیه شده است و از جوان‌های حساس مجلس خواهشمندم بیایند این طرح را بامضای آقایان برسانند که این طرح رسمیت پیدا کند.

(طرح تقدیمی در مجلس بامضای عده زیادی از آقایان نمایندگان رسید)

نایب رئیس ـ اجازه میفرمائید آقای دکتر این طرح را مطرح کنیم؟

دکتر مصدق ـ بلی این طرح است مطرح بفرمائید.

نایب رئیس ـ قرائت میشود:

مجلس شورای ملی:

از نظر حفظ مصالح مملکت امضاء کنندگان طرح قانونی ذیل را تقدیم و تصویب آنرا بادوفوریت درخواست مینمائیم:

مادهٔ اول ـ هیچ نخست وزیر و وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها و یا معاونت میکنند نمیتواند راجع بامتیاز نفت باهیچیك از نمایندگان رسمی وغیر رسمی دول مجاور و غیر مجاور و یا نمایندگان شرکت‌های نفت و هر کس غیر از اینها مذاکراتی که اثر قانونی دارد بکند و یا اینکه قراردادی امضاء نماید.

ماده دوم ـ نخست وزیر و وزیران میتوانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره میکند مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند.

ماده سوم ـ متخلفین از مواد فوق بحبس مجرد از سه تا هشت سال وانفصال دائمی از خدمات دولتی محکوم خواهندشد.

ماده چهارم ـ تعقیب متخلفین از طرف دادستان دیوان کشور محتاج باین نیست که مجلس شورای ملی آنها را تعقیب نموده باشد و اجازه بدهد. دادستان مزبور وظیفه دار است که متخلفین ازاین قانون را برطبق قانون محاکمهٔ وزراء مصوب ۱۶ و ۲۰ تیرماه ۱۳۰۷ تعقیب نماید.

نایب رئیس ـ فوریت اول این طرح مطرح است. آقای طباطبائی.

محمد طباطبائی ـ برای اظهار مخالفت با این طرح چون ارتجالاً و در غیر موقع عادی به مجلس آمد علاوه بر آنکه مطرح شدنش برخلاف نظامنامه است (جمعی از نمایندگان ـ نیست) بنده ناچارهستم که بخود طرح مراجعه کنم و از خود طرح استدلال کنم باینکه فوریتش صحیح نیست برای اینکه خود طرح بنظر من تطبیق بااصول و قوانین نمیکند و لااقل کاری که باید بکنیم این است که ازفوریتش صرف نظر کنیم اولاً دو اصل از قانون اساسی را میخوانم که آقایان توجه بفرمایند که اگر این طرح تصویب بشود بنظر من مخالف قانون اساسی است (بعضی ازنمایندگان ـ چرا؟) بایداجازه بدهید صحبت کنم تاعرض کنم. اینکه عرض کردم برخلاف قانون اساسی است دلیلش این است که یك قسمت از این طرح بموجب قانون اساسی تحصیل حاصل است (فرهودی ـ تکرار آن است ـ شما باید در فوریت صحبت کنید) عرض کردم برای اینکه توجه بفرمائید چرا فوریت این لایحه صحیح نیست باید از خودلایحه استدلال کنم و دلیل دیگری ندارم والا دلیل دیگری ندارم دلیل خود این لایحه است خوداین طرح دلیل براین است که صحیح نیست چرا؟ برای اینکه یك قسمت آن بموجب قانون اساسی تحصیل حاصل است و اگر مجلس شورای ملی باین طرح رأی داد قانون اساسی را شما لااقل (جمعی از نمایندگان ـ تأیید کرده اید) آقا قانون اساسی تأیید لازم ندارد....

نایب رئیس ـ آقایان اجازه بفرمائید که صحبتشان را بکنند بعد موافق بیاید جواب بدهد.

محمد طباطبائی ـ آقایان اصول را باید ما نگاهداریم و نباید بایك اعمال و یك رفتار خاصی ما اصول را متزلزل کنیم برای آینده. حالا این دو اصل را بنده میخوانم شاید آقایان یك خرده بیشتر بابنده موافقت بفرمایند.

اصل ۲۳ ـ بدون تصویب شورای ملی (البته مقصود مجلس شورای ملی است) امتیاز تشکیل کمپانی وشرکتهای عمومی از هر قبیل و بهر عنوان از طرف دولت داده نخواهد شد.

اصل ۲۴ ـ بستن عهدنامه‌ها ومقاوله نامه‌ها اعطای امتیازات (انحصار) تجارتی و صنعتی و فلاحتی و غیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد اصول دیگرهم هست که صریحاً مؤید این مطلب است که دولت بدون اجازه مجلس شورای ملی اگر دست به ترکیب مطالبی زد که مربوط بمقاوله نامه ها وقراردادها وامتیازنامها بود بدون تصویب مجلس شورای ملی اصلاً اثر قانونی ندارد اینکه دراین طرح نوشته شده است که: هیچ نخست وزیر و وزیر و اشخاصی که کفالت ازمقام آنها و یامعاونت میکنند نمیتواند راجع بامتیاز نفت باهیچیك از نمایندگان رسمی وغیر رسمی دول مجاور وغیر مجاور و یانمایندگان شرکتهای نفت و هر کس غیر از اینها مذاکراتی که اثر قانونی دارد بکند و یا اینکه قراردادی را امضاء نماید. باین عرض بنده توجه بفرمائید که اگر در گذشته وحال و آینده دولتی وارد مذاکره باشد با یك دولتی یانمایندهٔ یك کمپانی خارجی و بخواهد باآنها یك قراردادی به بندد وبخواهد امتیازی بدهد این عمل او که اثر قانونی ندارد (صحیح است) بموجب قانون اساسی هم مطابق این اصولی که خواندم اثر قانونی ندارد این جا شما تازه میخواهید بعد از اصولی مسلمه و مصرحه قانون اساسی قانون می گذرانید که قوت قانونی و اثرقانونی ندارد مثل اینکه تاحالا داشته است مثل اینکه در این مطلب به خصوص که راجع به نفت است اگر ازاین مقوله بگذریم در سایر موارد اگر دولت بدون اجازه و تصویب مجلس شورای ملی کاری کرد مثل این که اثر قانونی

دارد و حال این که در آن قسمت ها هم اثر قانونی نداشته و ندارد. این یك مطلب مطلب دیگر این است که (حالا مجموع عرایض من دلیل براین است که اگر آقایان اجازه بدهند از فوریت لایحه صرف نظر بشود) در ضمن این طرح شمااجازه میدهید که دولت برود قرارداد راجع بفروش نفت به بندد (بعضی از نمایندگان ـ خودش خیر با اجازهٔ مجلس شورای ملی) مطلب این است که دولت بیاید بامن خریدار وارد مذاکره و قرارداد فروش نفت بشود این قسمت هم بنظرمن قدری دقیق است و اگر دقیق باشید و توجه بکنید باین عرایض من برمیخورید باینکه ضمناً با تصویب این طرح شمااجازه داده اید که دولت برود عمل نفت راانجام بدهد و وارد مذاکره شود و صحبت کند و قرارداد فروش به بندد من نمیگویم که این به مصلحت مملکت نیست ولی شایان دقت است و باید مطالعه کرد که به بینیم آیا صلاح هست که یك چنین اجازه ای را بدولت بدهیم یا ندهیم. از لحاظ قضائی هم در این طرح نمیدانم ملاحظه کرده اید یانه؟ برای متخلفین مجازات قائل شده اند از سه سال تا هشت سال حبس و بعلاوه محرومیت دائم از حقوق اجتماعی این مسئله هم قابل دقت است این طرح باید برود به کمیسیون دادگستری وازلحاظ قضائی باید دراین امر توجه شود حالا این دفعةً داده شد نمیدانم که میشود این را تطبیق بااصول وموازین قضائی کرد یانه (فاطمی ـ چه مانعی دارد؟) من نمیگویم مانعی دارد ولی حتماً قابل دقت و مطالعه است وباید مطالعه کرد. بنابراین بااین توضیحاتی که عرض کردم بدون اینکه دراصل طرح بخواهم حالا مخالفت بکنم یا موافقت (برای اینکه هنوز وارد مواد نشده ایم) با توجهی که آقایان بعرایض من بکنند باید آقایان موافقت کنند که این طرح راامامی پذیریم با کمال مسرت و اگر آقایان موافقت کردند خود بنده هم موافقت میکنم ولی یك طرحی است که دفعةً داده شده است فعلاً از فوریت آن صرف نظر بشود وبرود بکمیسیونهای مربوطه و ازلحاظ قضائی وازلحاظ اصول دراین دقت بکنند وتطبیق بکنیم با موازین قانونی ومخصوصاً اگراین معایبی را که اشاره کردم که باصول صدمه نزند آنوقت که جریانش را طی کرد بیاید به مجلس شورای ملی وتصویب شود.

جمعی ازنمایندگان ـ رأی ـ رأی

نایب رئیس ـ رأی میگیریم بفوریت اول این طرح پیشنهادی آقای دکتر مصدق آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. فوریت دوم مطرح است (مخالفی نیست) رأی میگیریم بفوریت دوم آقایانیکه موافقند قیام فرمایند (اکثربرخاستند) تصویب شد. طرح پیشنهادی مطرح است مذاکره درکلیات است

جمعی ازنمایندگان ـ مخالفی نیست. وارد مواد شویم

نایب رئیس ـ ماده اول مطرح است. قرائت می‌شود:

ماده اول ـ هیچ نخست وزیر ووزیر واشخاصیکه کفالت ازمقام آنها ویا معاونت میکنند نمیتواند راجع بامتیاز نفت با هیچیك ازنمایندگان رسمی وغیر رسمی دول مجاور وغیر مجاورویا نمایندگان شرکتهای نفت وهر کس غیرازاین‌ها مذاکراتی که اثرقانونی دارد بکند و یااینکه قرار دادی امضاء نماید

نایب رئیس ـ آقای کاظمی

کاظمی ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای دکتر آقایان (حاضر نبودند) آقای دکترعبده

دکتر عبده ـ بنده موافقم ولی یك اشکالی دارد میخواهم عرض کنم اصلاح شود

بعضی ازنمایندگان ـ پیشنهاد بدهید.

نایب رئیس ـ آقای شریعت زاده

شریعت زاده ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای فرهودی

فرهودی ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای دکتر کیان (حاضرنبودند) آقای مهندس فریور

مهندس فریور ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای سیف پور

سیف پور ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای دکتر معظمی

دکتر معظمی ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای فاطمی

فاطمی ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای طهرانچی

طهرانچی ـ بنده یك نظری دارم و نظرم را ناچارم بعنوان مخالفت عرض کنم . بنده اساساً بااین ماده مخالف نیستم ولی یك نظر اصلاحی دارم (پیشنهاد بدهید) اول بایدتوضیح عرض کنم بعد پیشنهاد میدهم اینکه اینجا نوشته شده است مذاکرهٔ که اثر قانونی داشته باشد حق ندارد بکند مذاکره که اثر قانونی ندارد و من حذف این قسمت را پیشنهاد میکنم چون هیچ مذاکره‌ای در دنیا اثر قانونی نخواهد داشت ممکن است مبادلهٔ یك مراسله اثر قانونی داشته‌باشد ولی مذاکرهٔ تنها اثری ندارد اثر قانونی ندارد باین جهت بنده پیشنهاد خواهم کرد که این قسمت حذف شود

نایب رئیس ـ آقای کاظمی

مهندس فریور ـ حالا که پیشنهادی نداده‌اند که مذاکره شود . مذاکره وقتی است که پیشنهاد ایشان مطرح شود

نایب رئیس ـ ایشان فعلاً پیشنهادی نداده‌اند ولی‌چون بعنوان مخالف صحبت کردند باید یکنفر موافق جواب‌بدهد

کاظمی ـ بنده اجازه میخواهم قبل از اینکه عرایضم را عرض کنم بنام ملت ایران و بنام نمایندگان ملت‌ایران از نبوغ آقای دکتر مصدق سپاسگذاری کنم و از شخص ایشان هم غیر از این انتظاری نمیرفت که در این موقع‌یك چنین راه حلی که برای نجات ملت ایران است پیشنهاد کرده‌اند . امانظری که‌آقای تهرانچی میفرمایند متأسفانه توجه نفرموده اند که در قسمت سیاست مخصوصاً در این اواخر معمول و متداول شده است که یك مذاکراتی را ازش اتخاذ سند میکنند و آن را پایهٔ یك تعهداتی قرار میدهند البته از نظر اهمیت موضوع از نظر فوق العاده بودن این مسئله واین مشکلاتی که درمقابل ما عرض‌اندام میکند راجع باین مسئله نفت قانون خواسته است که از مذاکرهٔ در آنهم جلوگیری کند که این ذخیرهٔ ملی رابرای خود ملت ایران باقی بگذارد و بهمین مناسبت است که این نکته را ذکرفرموده‌اند که اگراین نکته را ازاینجابرداریم آن منظور اصلی واساسی بدست نخواهدآمد و باقی‌مطالب دیگر بقدری واضح و روشن است که اگر مخالف دیگری هست باید صحبت کند آنوقت جواب داده شود و الا فعلاً مطالب کاملاً روشن است

نایب رئیس ـ آقای دکتر رادمنش

دکتر رادمنش ـ بنده در یکی از جلسات که جناب آقای دکترمصدق هم بآن اشاره‌کردند تاآنجائی که مقدور بود راجع به‌موضوع نفت اظهارعقیده‌کرده‌ام ودرآنجا یك جمله‌ای‌گفته‌ام‌که معمولاً وقتی‌که ذکرمیشود آن‌جمله‌گفته نمیشود من‌گفتم که ما عقیده داریم‌که تمام منابع ثروت ایران باید بدست ایرانی استخراج بشود در این جمله اسم نفت را نیاوردم و بعد اضافه‌کردم که اگر اینمورد مورد استثنائی است آقای نخست‌وزیر در این موضوع شتاب زدگی نکنند چون در آنموقع بنده و رفقایم اطلاع پیدا کرده بودیم‌که مذاکرات بیك مرحلهٔ بسیارباریکی کشیده است ، حتی تمام شرایط قبول شده است وشرایط هم همان شرایط قرارداد دارسی است بعد از این‌ها هم چیزی‌که بما رسیده بود تأیید شد خودآقای نخست‌وزیرسابق ، ساعد در یك جلسه‌ایکه دروزارت امورخارجه تشکیل شده بود ودر حدود بیست نفر از آقایان نمایندگان حضور داشتند وبنده‌هم افتخارحضورداشتم‌ایشان فرمودندیك‌مذاکراتی‌در جریان بود ، بعدما متوجه شدیم پیشنهاداتی‌که بما داده‌اند این پیشنهادات عیناً همان پیشنهادات دارسی‌است ولازم بود که ما چهل سال منتظر باشیم وباز هم یك امتیازی بدهیم که عیناً آن شرایط در آن درج شده باشد . بنابراین بطورکلی همان طوریکه در آن جلسه عرض‌کردم شتاب زدگی وعجله درتصمیمات اساسی دولت نیست ، بنده‌اصولاً

باطرح پیشنهادی آقای دکتر مصدق راجع باین موضوع شاید مخالف نیستم ، ولی چون مطالعه کافی نکرده ام ونمیدانم‌که عواقب این تصمیم ما چه‌خواهد بود ، این‌است که میخواهم از آقایان اجازه بخواهم وهمچنین ازآقایان خواهش بکنم‌که در این مورد دقت بیشتری بکنند ، پس از ذکر این مقدمه این‌جا چند ماده ذکر شده است .

نمایندگان ـ ماده اول مطرح است

دکتر رادمنش ـ . . . . در کلیات میشود صحبت‌کرد .

نایب رئیس ـ در ماده اول است .

دکتر رادمنش ـ در ماده اول نوشته شده است هیچ نخست وزیر ووزیر واشخاصی‌که کفالت از مقام آنها ویا معاونت میکنند نمیتواند راجع بامتیاز نفت با هیچیك از نمایندگان رسمی وغیر رسمی دول مجاور وغیر مجاور و یا نمایندگان شرکت‌های نفت وهرکس غیرازاینها مذاکراتی که اثر قانونی دارد بکند ویا اینکه قراردادی امضاءنماید بنده گمان میکنم این ماده را لازم ندارد ، الزامی نیست ما برای اینکه این قبیل مذاکرات همان طوریکه گفته شد هیچ اثر قانونی ندارد ، یك دولتی میآید بایك شرکتی یا یك دولت دیگر یك سلسله مذاکرات میکنند این مذاکرات هیچ نوع جنبهٔ قانونی ندارد تاموقعی که‌بتصویب مجلس شورای ملی برسد ما برای این قضیه سوابق زیادی داریم بارها اتفاق افتادکه دولت‌ها آمدند صحبتهائی‌کردند تصمیماتی‌گرفتند معاهده‌ها امضا شد ، قراردادها را امضاء کردند ، بعدمجلس شورای ملی تشکیل شد و آن قراردادها ومعاهدات را لغوکردند (یکی ازنمایندگان ـ اصلاً تصویب نگردید)تصویب‌نگردید بنابراین ، این‌ماده‌رابنده‌هیچ‌لزومی برای ذکرآن دراین طرح نمی بینم چون این اصل قانون اساسی‌است‌وتازه این‌جا جایش نیست‌که ما قانون اساسی را تفسیر بکنیم و ما قانون اساسی را نمیتوانیم کوچکترین تغییری درش بدهیم فقط یك حقی برای ما قائل شده‌اندو آن تفسیر قانون اساسی است وما هم‌که این‌جا نمیخواهیم تفسیری درقانون اساسی بکنیم (نمایندگان ـ تأکیددرقانون اساسی است) تأکید هم از بنده وجنابعالی نخواسته‌اند که تأکید بکنیم ، مخصوصاً دراین‌جا ذکر شده است‌که‌هرکس غیر از آنها مذاکراتی‌که اثر قانونی دارد بکند حتی‌نباید مذاکره‌کرد ، اساساً من نمیدانم نخست‌وزیر چگونه این را اجرا میکند برای یك نماینده شرکتی‌که میآید اول اگر راجع بامتیازات حرف بزند . . . (یکی از نمایندگان البته باید مذاکره بکند) . . . . . بمحض اینکه وارد شد بگوید حرف نزن (همهمهٔ نمایندگان) . . . البته من‌نمیدانم چطوری است ولی این قضیه برای نخست‌وزیران یك اشکالاتی فراهم میکند ومخصوصاً از این لحاظ که دریکی ازاین‌مواد برای‌چنین نخست‌وزیری جرمی‌تعیین شده تعیین شده‌است ، که‌اگرحرف‌زد ولواینکه‌دانسته یاندانسته‌باشد ، بمحض‌اینکه مذاکره شروع شد جرمی‌رامرتکب شده‌است وازسه سال تا ۸ سال باید حبس‌شود ، بنده تصورمیکنم‌که این لایحه خیلی باعجله تهیه شده‌است وماهم اگر باعجله چنین تصمیمی بگیریم شایدصلاح نیست بنده بسیارخوشوقتم واگر رأی‌موافق‌ندهم اقلاً رأی ممتنع‌خواهم‌داد ولی‌میترسم که‌این لایحه با بعضی از موازین قانونی یا بعضی از مصالح ملی موافقت نداشته باشد وما بدون اینکه در این موقع نکات را متوجه باشیم یك تصمیمی بگیریم‌که بعد از آن تصمیم مجبور بانحراف یا متأثر بشویم این است‌که بنده راجع بماده اول عقیده ندارم و عقیده ام این است که اساساً هیچ لزومی ندارد ، چون این ماده اگر جنبهٔ قانونی داشتن مذاکرات رئیس دولت است ، رئیس دولت اصلاً مذاکراتش جنبهٔ قانونی ندارد تا وقتی‌که بتصویب مجلس شورای ملی برسد واین اصل قانون اساسی‌است بنابراین دیگرمادهٔ اول لزومی ندارد حالا مواد دیگر وقتی‌که مطرح شد عرایض خودم‌را عرض میکنم

بعضی‌ازنمایندگان ـ رأی رأی

نایب رئیس ـ چند نفر از آقایان اجازه خواسته اند .

دکترشفق ـ بنده اخطار نظامنامهٔ دارم .

نایب رئیس ـ راجع بچه موضوع .

دکتر شفق ـ راجع بهمین موضوع .

نایب‌رئیس ـ اگرراجع به‌موافق ومخالف صحبت کردن است دراین مورد صحیح نیست .

دکتر شفق ـ بنده تصورمیکنم این تعبیری که راجع‌به این طرح شد بموجب ماده آئین نامه مجلس برخلاف رأی نویسنده این پیشنهاد است ، اجازه میخواهم ازطرف آقای دکتر که این را عرض بکنم واما این که فرمودند که جنبه قانونی ندارد مذاکرات آقای نخست وزیر و بموجب این طرح ممنوع میباشد که هیچگونه مذاکره نکنند مقصود این نیست که یك نخست وزیر کلمهٔ نفت را بدهانش نیاورد وچراغ نفتی روشن نکند ، چنین حرفی نمیگویند . البته اگریك مأمور خارجی وارد شد و با آقای نخست‌وزیر دو ساعت هم راجع به‌نفت واستخراج آن ومعادن ایران صحبت کرد هیچ مانعی ندارد ولی ایشان فرموده اند اثر قانونی نداشته باشد، یعنی چه؟ یعنی نخست‌وزیر نگوید جلسه‌بشود مطرح بشودمذاکرات ثبت بشود، امضاء بشود، تصور میکنم منظور ایشان این است یعنی ثبت مذاکرات و امضا کردن صورت مجلس وامثال اینها که ممکن است اثرقانونی داشته باشد این قسمت ها را بموجب این طرح منع کرده‌اند

نایب‌رئیس ـ رأی میگیریم بکفایت مذاکرات

دکتر کشاورز ـ بنده باکفایت مذاکرات مخالفم

نایب‌رئیس ـ یکنفرصحبت کرد .

دکتر کشاورز ـ ایشان بعنوان اخطارنظامنامه صحبت کردند .

یکنفرازنمایندگان ـ آقای دکتربا کفایت مذاکرات مخالفند

نایب‌رئیس ـ یکنفر مخالفت کرد پس معلوم میشود که باید بیشتر ازیکنفر صحبت بکند

دکتر کشاورز ـ معلوم میشود که نباید صحبت کرد عجالةً رأی وصحبت دست شما است

نایب‌رئیس ـ مخالف نظامنامه است ولی بسته بنظر مجلس است .

دکتر کشاورز ـ نظر مجلس موافق است .

نایب‌رئیس ـ اشکالی ندارد بفرمائید .

دکترمصدق ـ اجازه میفرمائید ؟

دکتر کشاورز ـ بنده بعد ازآقای دکترمصدق عرایضم را عرض میکنم

دکترمصدق ـ من موافقم . بعد صحبت میکنم .

دکتر کشاورز ـ قبلاً شما بفرمائید .

دکترمصدق ـ راجع بمذاکراتی که اثر قانونی داشته باشدآقای دکتر شفق توضیحاتی فرمودند ، مقصود من این است که نخست وزیران یك مذاکراتی را که اثرقانونی داشته باشد نکنند مخصوصاً آقایان میدانند که نخست‌وزیران غالباً به سفارت خانه ها میروند ، این را بنده خودم دیده ام که در سفارتخانه ها از مذاکراتی که میشود پراندراکت میکنند یعنی اتخاذ سند مینمایند و هیچکس هم بیك سفارتخانه نمیتواند بگوید که چرا مذاکرات یك وزیری را نوشتید و نزاکت بین‌المللی هم اجازه نمیدهد اگرخلافی بنویسند تکذیب شود ، بدیهی است مذاکرات وزیر در سفارتخانه اثرقانونی ندارد ولواینکه درباب نفت ده ساعت‌هم صحبت بکند ووعده بدهد که من امتیاز نفت را بشما میدهم این‌مذاکرات رسمیت نخواهد داشت، ولی اگردروزارتخانه کاری بکند که اثرقانونی داشته باشد نه اینکه حرف باشد البته قابل مجازات است . واما اینکه فرمودند این عین قانون اساسی است ومحتاج بذکرنیست وذکر مجازات‌هم لازم نیست باید دانست که‌هرعملی‌مادام که ازطرف قانونگزارنهی نشده مباح است مثل اینکه قانون جزا هرفعلی را که نهی میکند مجازاتی‌هم باید باشد مطابق اصل نولاپناسین‌لگ یك مجازاتی که برای یك‌عملی نوشته نشده نمیشود کرد وعقاب بلا بیان جایز نیست باید قانون گذار یك چیزی را که نهی میکند یك سانکسیونی هم برای‌آن معین کند ، آنوقت است که از عمل نهی احتراز میکنند واگر قانون گذار نهی نکردآنکار مباح است و اگرنهی کرد و سانکسیونی معین نکرد اثری ندارد بنابراین ما ناچار هستیم هم نهی بکنیم هم برای وزیر

مجازات معین بکنیم که هیچ وزیری قادر نباشد وبداند اگر کرد مجازات دارد در این قسمت آقایانیکه مخالفت میکنند بعقیده من تجربیاتشان کم است مملکت ماآقا خیلی تحولات پیدا کرده، شما میدانید که دراین مملکت گاهی مدتهامجلس منعقد نشده است ممکن است یکوقتی یك‌دولتی بیاید روی کار وموافق باشد با دادن امتیاز استخراج نفت و مجلس هم منعقد نباشد وامتیازرا بدهد وبعدهم شروع کنند ، دهسال‌هم طول بکشد ووقتی‌هم که مجلس باز شد بعد بمجلس بگوید این‌طورشد، قرارداد وثوق‌الدوله‌را که‌بنابود بتصویب مجلس برسد این قرارداد را یك سیاست دیگرازبین برد چرا ملتفت مسائل نیستید آمدند یك قراردادی گذراندند ، من از شما خواهش میکنم که این عرایض مرا با کمال خیرخواهی تلقی بکنید، من غیرازخیرمملکت نظری ندارم، قرارداد وثوق‌الدوله گذشت، اگر سیاست شوروی نبود، اگر قرارداد۱۹۲۰ایران وشوروی نبود، اگرآن رفتارشوروی نبود بنده قسم میخورم که قرارداد وثوق‌الدوله نقض نمی شد ، ممکن نبود نقض شود یك سیاست دیگری آمد قرارداد وثوق الدوله را نقض کرد ، من همیشه باکابینه وثوق‌الدوله مخالف بودم، من‌همیشه بدولت دیکتاتوری معترض بودم ، مخالفت من با وثوق‌الدوله برای قرارداد بود که بواسطه قرارداد شوروی تئوریکمان‌از بین رفت ولی پراتیکمان دراین مملکت عمل شد مملکت ما هرروز یك حکم پیدا میکند ، ممالك ضعیفه هیچوقت قادر بتعادل سیاست خودشان نیستند، این ممالك باید همیشه یك حربه داشته باشند تا دول مجاور اگربخواهند استفاده‌هائی بکنند آن حربه بکار برده شود این پیشنهادی را که بنده دادم یك حربه‌ایست برای‌دولتها وقتی که مجلس شورایملی قدغن کرد که درباب امتیاز نفت باهیچ دولتی مذاکره نشود هیچ دولتی مذاکره نمیکند و اگر یك دولتی بیاید و قادر بشود که این قانون را در مجلس الغاء بکند این خیلی‌طول دارد وبنده میخواستم این مسئله در مجلس شورایملی ثابت بشود و این مجلس که نمایندگان ملت هستند امروز رأی بدهند که‌هیچ دولتی حق دادن‌امتیازنفت راندارد وهیچکس حق مذاکره راجع بامتیاز نفت را ندارد این نفت را بایستی خودمان استخراج بکنیم ما امتیاز بده به هیچکس نیستیم ، این نظر مجلس است ؛ پس همینطور که میگویم امتیاز نمیدهیم ؛ همین طور بآقای بیات عرض میکنم آقای بیات شما مکلف هستید که هرچه زودتر قرارداد فروش نفت را با هریك ازدولی که میخواهند ؛ درجنوب با دولت طالب نفت و در شمال با دولت طالب نفت منعقد کنید و ترتیب استخراج نفت راهم بهرشکلی که میدانید بدهید ؛ ما باید یك وزارت نفت داشته باشیم ؛ وزارت نفت را بایك آدم ویك وزیر لایق و صحیحی که در رأس آن وزارت خانه باشد تشکیل بدهیم واین کاررا هرچه زودترعملی کنند که‌هم‌برای بیکارها در این مملکت کار تهیه شود و هم دول مجاور دیگر این پنبه را ازگوش خودشان خارج بکنند که از این مملکت امتیازنخواهند .

نایب‌رئیس ـ آقای دکتر کشاورز

دکتر کشاورز ـ بنده با طرحی که آقای دکترمصدق به مجلس شورای ملی تقدیم‌کرده‌اند فعلاً موافقت یامخالفتی نمیکنم .

دکترمصدق ـ موافقت کنید، افتخار شما است که موافقت کنید .

دکتر کشاورز ـ یك نکته را باید بآقایان نمایندگان عرض کنم وآن این است که موافقت یامخالفت یك نمایندهٔ با یك‌طرحی بایدبعداز بدست آوردن یك مطالعات‌کافی‌انجام بگیرد ، اگر برای یك نمایندهٔ کاملاً واضح نشده باشد که قانونی که در یك موقع معین باشتابزدگی از مجلس گذشت اثرات‌آن قانون چیست وظیفهٔ نمایندگی‌خود را انجام‌نداده البته باید بنمایندگان‌فرصت بدهند که حرف موافق‌ومخالف را بشنوند وبعد برای خودشان یك‌عقیدهٔ اتخاذ کنند ووقتی که آن عقیده اتخاذ شد میتوانند موافقت یامخالفت خود را بصلاح ملت ایران ابراز نمایند آن وقت است که با طرح آقای دکتر مصدق موافق میشود یامخالف‌آن طرح خواهد بود بنده الآن خدا را شاهد میگیرم همین الآن که این‌جا

هستم نمیدانم که این طرح بعد از تصویب برای ملت ایران مفید است یا نه ، من نمیدانم ولی برای آقای دکتر مصدق ممکن است مسجل شده باشد ، البته ایشان وقت داشته اند و وقتیکه این را مینوشته اند لابد چند روز مطالعه کرده اند دلایل مخالف و موافق را پیش خودشان مجسم کرده اند و اینطور در نظر گرفته اند که این طرح به مصلحت مملکت و ملت ایران است ولی بنده هم که یك نماینده هستم و یك برادر کوچك شما حساب میشوم در عرض یك ربع نمیتوانم راجع بیك طرح باین مهمی الآن اتخاذ تصمیم بکنم ، الآن پیشنهاد میکنم بآقایان نمایندگان مجلس شورای ملی اگر این موضوع را مهم میدانند هیچکس از ما از مجلس شورایملی خارج نمیشویم و شما هم توی مجلس شورای ملی اجازه بدهید که فراکسیونهامان را تشکیل بدهیم یك قدری باهم مذاکره بکنیم یك خورده فکر بکنیم و به بینیم که این بصلاح ملت ایران هست یا نه آن وقت با اعتمادی که آقایان به خدمتگذاری و خیر خواهی و وطن پرستی آقای دکتر مصدق دارند اظهار نظر بنمایند ما تنها کسانی بودیم که تا بحال باشما صد درصد موافق بودیم و همیشه باشما رأی داده ایم و ضمناً در نخست وزیری جنابعالی هم اگر موافقت نکردیم ، ما مخالف نخست وزیری شما نبودیم آقایان نمایندگان هم شاهدند ، هیچ باراز دهن ما در جلسات خصوصی مخالفتی با نخست وزیری شما ابراز نشده و حتی نسبت به آن نظری که خود جنابعالی فرمودید ما میترسیدیم که مبادا در مجلس شورای ملی کسانی باشند که بخواهند شما را از مجلس شورای ملی خارج کنند و راجع به این طرح تا بحال ما و بعضی از آقایان نمایندگان دیگر شاید باشیم که هنوز نتوانسته ایم تصمیمی اتخاذ بکنیم و بفهمیم که آیا صلاح ملت ایران این است که برله یا برعلیه طرح شما رأی بدهیم عرض کنم اگر میل دارید قرار بگذارید که از مجلس شورای ملی خارج نشویم تا کار این قضیه را تمام کنیم .

دکتر مصدق ـ اگر شما ضرر کردید من جبران میکنم (خندهٔ نمایندگان) .

نمایندگان ـ رأی بگیرید آقا .

نایب رئیس ـ اجازه بفرمائید صحبتشان که تمام شد رأی میگیریم .

دکتر کشاورز ـ پنج دقیقه اجازه بفرمائید اجازه بدهید بدون خارج شدن از مجلس شورای ملی فراکسیونها در مجلس تشکیل شود و ما این طرح را بگذاریم جلومان با دقت بخوانیم شما این طرح را هنوز بما نداده اید که بخوانیم ممکن است در عبارات این طرح اشتباهاتی وجود داشته باشد که بعد از تصویب اسباب اشکال شود البته همهٔ شمارا شخص وطن پرستی میدانند ولی عقل کل که نیستید و ممکن است که یك اشتباهاتی هم کرده باشید اجازه بدهید این را مطالعه بکنیم و تا این طرح تصویب نشود از مجلس شورایملی خارج نخواهیم شد .

نایب رئیس ـ رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند ؟ (اکثر برخاستند) تصویب شد . پیشنهاداتی راجع بماده اول رسیده است که همه متشابه هم هستند راجع به امتیاز و استخراج اگر اجازه بفرمائید همه یکدفعه خوانده شود .

پیشنهاد آقای مرادآریه :

بنده پیشنهاد میکنم کلمهٔ استخراج بعد از کلمه امتیاز اضافه شود .

مهندس فریور ـ در کدام ماده ، عبارت ماده را یکدفعه دیگر قرائت بفرمائید .

(عبارت ماده اول بشرح سابق قرائت شد)

مهندس فریور ـ بنده مخالفم .

نایب رئیس ـ پیشنهاد آقای جمال امامی قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم . در ماده اول بجای امتیاز نفت امتیاز استخراج نفت قید شود .

نایب رئیس ـ آقای جمال امامی .

جمال امامی ـ منظور آقای دکتر هم همین بوده است اجازه بفرمائید پیشنهادات متشابهی هم هست خوانده شود .

نایب رئیس ـ پیشنهاد آقایان هاشمی و تهرانچی قرائت میشود :

پیشنهاد میکنم . جمله اثر قانونی داره حذف شود .

مهندس فریور ـ بنده مخالفم .

نایب رئیس ـ آقای هاشمی .

هاشمی ـ بنده اصراری ندارم با توضیحی که آقای دکتر دادند بنده مسترد میدارم .

نایب رئیس ـ آقای طهرانچی .

طهرانچی ـ اجازه بفرمائید بنده یك توضیح دیگری عرض کنم ، آقای دکتر مصدق در این موضوع فرمودند که ممکن است یك مذاکراتی وزیر در وزارتخانه یا در سفارتخانهٔ بکند و آنها اتخاذ سند بکنند و ممکن است که ثبت شود ، اگر ما بخواهیم این را اثر قانونی برایش قائل بشویم که اگر یك وزیری یك وعدهٔ کرد و آنها ثبت کرده باشند و بعد اظهار کردند که ما ثبت کرده ایم و فلان وزیر فلان جا فلان وعده را بما داده است و اگر این مذاکرات بشود و ما برای این یك اثر قانونی قائل بشویم بنده عقیده ام این است که در گذشته ضرر کرده ایم و در آتیه هم ضرر میکنیم و بنده عقیده دارم که ثبت مذاکرات یك وزیری در یك سفارتخانه دارای هیچ رسمیت و اثر قانونی نیست چه در سابق و چه در آتیه چه ثبت شده باشد و چه ثبت نشده باشد (صحیح است) اگر بخواهید بگوئید وعده ممکن است داده شود برای وعده هم اثر قانونی نیست که یك وزیر مختاری بگوید بمن وعده داده اند این هم اثر قانونی نخواهد داشت پس این جمله مذاکراتی که اثر قانونی داشته باشد میترسم حضرت آقای دکتر مصدق که یك ضرری متوجه ما بکند (امینی ـ اثر رسمی بنویسند) البته بنده با اثر رسمی موافقم و همان پیشنهاد بنده را اثر رسمی بکنید .

نایب رئیس ـ پیشنهاد آقای فرهودی :

پیشنهاد میکنم بجای اثر قانونی نوشته شود اثر وعده ای یا تعهدی .

نایب رئیس ـ آقای فرهودی .

فرهودی ـ نظر آقای دکتر مصدق (که البته نظر همه ماهم که این طرح را امضاء کرده ایم همین بود) این بود که یك مذاکراتی نشود که تولید یك تعهدی برای دولت ایران بکند و این تعهد دو صورت دارد یا بصورت وعده است یا بصورت تعهد است والبته یك وزیری نمیتواند مذاکره با یك کسی بکند که اثر قانونی داشته باشد فقط وزیر میتواند وعده بدهد یا ندهد بنده پیشنهاد کردم که هیچ وزیری نمیتواند مذاکراتی بکند که در نتیجه آن مذاکرات تولید وعده یا تعهدی بکند و این عین نظر آقای دکتر مصدق است . یا اگر مسئله اثر قانونی را گفتیم دچار یك اشکال میشویم و مثل این است که مرکز قانونگزاری را منتقل کرده ایم بدولت و گفته ایم که دولت نمیتواند مذاکره ای بکند که اثر قانونی داشته باشد .

نایب رئیس ـ بنظر بنده با اضافه کردن اثر رسمی اشکال رفع میشود آقای دکتر عبده هم همینطور پیشنهاد کردند پیشنهاد آقای دکتر عبده :

پیشنهاد میکنم در ماده اول طرح پیشنهادی بجای عبارت « مذاکراتی که اثر قانونی دارد بکند گذاشته شود وارد مذاکرات رسمی الزام آور بشود .

مهندس فریور ـ الزام آور که بهیچوجه نیست .

دکتر عبده ـ الزام آورش را بزنید .

نایب رئیس ـ آقای دکتر عبده .

دکتر عبده ـ همانطور که آقای دکتر مصدق فرمودند از نظر قانونی اساسی تا یك امتیازی بتصویب مجلس نرسد البته اثر قانونی ندارد ولی از نظر مذاکراتی که بین دو دولت و یا بین دولت و یك شرکتی میشود آن مذاکرات بقول انگلیسها جنتلمنز آگر منت است و یك مذاکراتی که ممکن است از نظر بین المللی یك تأثیری برایش قائل شوند بنا بر این ما نمیتوانیم بگوئیم هیچ مذاکره ای نشود ولی مذاکره را بایستی طوری بکنند که ایجاد وعده و تعهدی نکند این قسم مذاکره رسمی است و با این عبارت نظر تمام آقایان تأمین میشود .

نایب رئیس ـ آقای دکتر شفق .

دکتر شفق ـ بنده یك کمی تعجب میکنم آقایانی که اینجا تخصص در حقوق دارند اشکال میکنند ولی مطلب بنظر من واضح است (دکتر عبده ـ برای اینکه اطلاع ندارند

آقای دکتر) کلمهٔ اثر قانونی عبارت نیست از خود قانون ، اثرقانونی ندارد یعنی بهیچوجه تعهدی و الزامی درش نباشد طرف اتخاذ سند نکند منظور این نیست از اثرقانونی داشتن که شخص وضع قانون بکند ایشان خواستند یك کلمه نوشته باشند که هم رایج است وهم جامع است که منظوررا برساند والزام هم نداشته باشد وهم وعده نداده باشد هم تعهدی نداشته باشد طرف هم ترتیب اثر و رسمیتی نتواند بدهد هرصحبتی که جزئی رسمیتی داشته باشد میتوانیم آن را بگوئیم که اثر قانونی دارد مثلاً خود قانون مراحلی دارد وقتی مجلس وارد مذاکره ای میشود مثل حالا هنوز قانون وضع نشده است ولی این مذاکرات یك اثرقانونی دارد ایشان میخواستند این را برسانند که نه صورت مجلس درکار باشد نه طرف اتخاذ سندی بتواند بکند و نه یك جلسه رسمی منعقد خواهد شد هیچکدام اینها نخواهد بود و بعقیدهٔ بنده این نکته‌ای که آقای تهرانچی فرمودند موضوعی که در قانون اساسی هست و باك این هست که اگر بگوئیم فلان مطلب اثر قانونی ندارد مثل این است که تمام مذاکرات دیگر اثرقانونی دارد هرگز وارد نیست ما اینجا با این جمله متن قانون اساسی را تأکید کرده ایم یعنی موکداً یك دفعه دیگر میگوئیم که هیچ اثر قانونی ندارد بنده هیچ محظوری در این قانون نمیدانم الزام آورهم کافی نیست در تحت کلمهٔ اثر قانونی تمام این معانی هست خواهش میکنم موافقت بفرمائید همین شکل بگذرد .

دکتر عبده ـ اجازه میفرمائید ؟

نایب رئیس ـ موافقید با نظر ایشان یا مخالف .

دکتر عبده ـ بنده با پیشنهاد خودم موافقم طبیعی است.

نایب رئیس ـ پیشنهادی هم آقای مهندس فریور کرده‌اند همه اینها مشابه هستند : پیشنهاد میکنم نوشته شود صورت رسمی و اثر قانونی ندارد .

هاشمی ـ دارد باید باشد. مذاکراتی که صورت رسمی و اثر قانونی دارد بکند .

مهندس فریور ـ صحیح است دارد .

ایرج اسکندری ـ بنده اخطار نظامنامه دارم.

نایب رئیس ـ راجع بچه ماده است بفرمائید .

ایرج اسکندری ـ طبق مادهٔ ۷۷ نظامنامه داخلی مجلس طرح یا لایحه قانونی که فوریت آن تصدیق شده باشد فقط در یك نوبت در بارهٔ آن شور میشود و در این شور بدواً در بارهٔ آن بطور کلی و رویهمرفته مباحثه میشود پس از آن در باب صلاحیت مذاکره فرداً فرد مواد آن رئیس ازمجلس کسب رأی مینماید . ما خواستیم راجع بکلیات صحبت کنیم گفتند در ماده اول است نمیشود در کلیات صحبت کرد در فوریت هم که نگذاشتند صحبت کنیم راجع بکلیات هم که رأی گرفته نشده بنده خواهش میکنم این اصلاح شود اول راجع بکلیات رأی گرفته شود و بعد راجع بجزئیات .

نایب رئیس ـ عرض کنم راجع بکلیات رأی گرفته نشد ولی ایراد آقای ایرج اسکندری هم وارد نیست در کلیات مذاکره شد مجلس تقریباً موافق بود و مخالفی نبود چون در کلیات مخالفی نبود وقتی که بورود در مواد رأی گرفتیم تصویب شد که وارد مواد بشویم فعلاً پیشنهاد آقای مهندس فریور مطرح است. آقای مهندس فریور .

مهندس فریور ـ بنده پیشنهاد کردم که این کلمه نوشته شود برای اینکه هر وزیر یا نخست وزیری با هر کسی که خواست صحبت بکند مذاکرات بکند بتواند ولی مذاکراتی نباشد که صورت رسمی و اثر قانونی داشته باشد .

نایب رئیس ـ رأی میگیریم باین پیشنهاد آقای مهندس فریور آقایانیکه موافقند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد . پیشنهاد آقای دکتر آقایان :

پیشنهاد میکنم ماده اول اینطور تنظیم شود .

ماده اول ـ استخراج وبهره برداری نفت منحصراً متعلق بدولت ایران است و هر گونه نقل و انتقال این حق ممنوع است .

مهندس فریور ـ این را ممکن است آقا یك طرح دیگری پیشنهاد بفرمائید پانزده نفر امضا کنیم مطرح شود این غیر از آن است .

نایب رئیس ـ آقای دکتر آقایان .

دکتر آقایان ـ عرض کنم ما چه میخواهیم ؟ مقصود آقای دکتر مصدق این است که از اسباب زحمت نفت خلاص بشویم حقیقت قضیه این است وقتی که اینطور است اگر ما خواستیم یك عملی بکنیم که مطابقت کامل با اصول اقتصادی امروزه دنیا داشته باشد خیلی بهتر از این خواهد بود که ما بیائیم یك مجازاتی برای وزرا قائل بشویم . راجع بامور اقتصادی ازچهل سال باینطرف یك مکتب اقتصادی مخصوصی هست که کارهای بزرگ اقتصادی مملکت بایستی منحصر بدولت یعنی ملت باشد پریروز در فرانسه قانونی گذراندند و یك قسمت عمدهٔ کانهای ذغال را ملی کردند ناسیونالیزه کردند از صاحبانش پس گرفتند بنا بر این برای اینکه کسی نتواند ایراد کند که چرا ما میخواهیم این قانون را بگذرانیم بهترین قانونی که در این موقع میتوان گذراند این است که استخراج و بهره برداری نفت متعلق بدولت ایران باشد .

جمعی از نمایندگان ـ البته هست آقا نمیخواهد .

فداکار ـ این توهین است آقا .

نایب رئیس ـ رأی میگیریم به پیشنهاد آقای دکتر آقایان (بعضی از نمایندگان ـ پس گرفتند آقا) . پیشنهاد آقای دکتر اعتبار :

پیشنهاد میکنم در ماده یك بعد از کلمه نفت درسطر دوم کلمه و معادن دیگر هم اضافه شود .

نایب رئیس ـ آقای دکتر اعتبار .

دکتر اعتبار ـ سایر معادن ایران هم حائز اهمیت کافی است و اگر نظر آقایان باشد چندی قبل حمله ای شده بود بیك دسته که آمده بودند برای گرفتن امتیاز معادن این است که بنده تقاضا میکنم این کلمه را علاوه کنید که بیطرفی هم کاملا واضح وثابت باشد وضمناً در آنجائی که مینویسد: مذاکراتی که اثرقانونی داشته باشد بعقیدهٔ بنده اگر مکاتباتی هم بهش اضافه شود بهتر است .

بعضی از نمایندگان ـ مذاکره که ممنوع شده است از مکاتبه .

نایب رئیس ـ آقای هاشمی .

هاشمی ـ هر چند خیلی از ظهر گذشته است و وقت منقضی شده است بنده با پیشنهاد آقای دکتر اعتبار موافق نیستم موضوع مبتلا به الآن ما نفت است و ما نباید اینقدر تعصب داشته باشیم که هرچه داریم دست بگذاریم رویش و برای اخلافمان هم تا پانصدسال هزارسال باقی بگذاریم امروز هم با فقر دست بگریبان باشیم (دکتر اعتبار ـ کی گفت دست بگذارید رویش) اجازه بدهید وقت هم گذشته عرضم را بکنم این طرحی است که بمناسبت احتیاج مبرم جناب آقای دکتر مصدق پیشنهاد فرمودند اکثریت هم روی خوشی نشان میدهد بتصویب آن خوب است تکمیل بفرمایند مرحمت خودشان را و پیشنهاد کمتر بدهند وهمان طرحی را که ایشان نوشته اند ومطالعه کرده‌اند تصویب کنند و در مقابل اگر اقلیتی هم هست مطابق همه جای دنیا در دادن رأی آزاد است وتشخیص با اکثریت است .

ایرج اسکندری ـ بنده از همه زودتر پیشنهاد کردم این تبعیض عجیبی است .

نایب رئیس ـ رأی میگیریم به پیشنهاد آقای دکتر اعتبار (بعضی از نمایندگان ـ کدام پیشنهاد ؟) آقایان اگر خودشان توجه نمیکنند و باعث شلوغی و بی نظمی مجلس میشوند تقصیر بنده نیست پیشنهادها خوانده میشود آقایان توجه نمیکنند آنوقت به بنده ایراد میکنند اگر میخواهند مجلس منظم باشد آقایان هم توجه داشته باشند . آقایانیکه با پیشنهاد آقای دکتر اعتبار موافقند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند) تصویب نشد . آقای ایرج اسکندری حذف ماده را پیشنهاد فرموده‌اند این قانونی نیست وقتی که باصل ماده رأی گرفته میشود اگر رأی داده نشد خودبخود حذف شده است .

ایرج اسکندری ـ بنده اخطار نظامنامه‌ای دارم .

نایب رئیس ـ بفرمائید با اختصار .

ایرج اسکندری ـ طبق ماده ۴۲ نظامنامه داخلی و اصل ۴۰ قانون اساسی باید طرحهای قانونی که در مجلس مطرح میشود باحضور وزیر باشد وچون هنوز وزرا رأی اعتماد بهشان

داده نشده بنابر این هیچیك از وزرا در اینجا رسمیتی ندارند و این طرح قابل طرح در مجلس نیست .

نایب رئیس ـ آقای دشتی .

دشتی ـ بنظر بنده اگر امروز این طرح تصویب نشود تقصیر موافقین است نه تقصیر مخالفین خود آقایان موافقین هم پیشنهاد میکنند و وقت مجلس را میگیرند و یك سیر کنستانسها و یك وضعیت پیدا شده است که نمیگذارند کاری بکنیم طرحی است آقای دکتر مصدق پیشنهاد کرده اند عده‌ای هم امضا کرده اند حالا هی مثل بچه‌ها بهانه گیری میکنند هی ایراد میگیرند . اما راجع باینکه باید وزیر باشد یا نباشد ابداً لزوم ندارد وزیر باشد اگر کاری مربوط بیکی از وزرا باشد این امر طبیعی است که باید دفاع کند ولی این امر مربوط بوزارتخانه‌ای نیست و بعلاوه صاحب مملکت و عامل مهم کارهای مملکت مجلس شورای ملی است این دیگر حضور وزیر را لازم ندارد (صحیح است)

نایب رئیس ـ رأی میگیریم بماده اول با اصلاح آقای مهندس فریور آقایانیکه موافقند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده دوم :

ماده دوم ـ نخست وزیر و وزیران میتوانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره میکند مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند .

نایب رئیس ـ آقای تهرانچی مخالفید بفرمائید .

تهرانچی ـ برای اینکه حضرت آقای دکتر مصدق بذل توجهی بکنند بنده آمدم پشت تریبون ، اینجا در ماده دوم در این طرحی که تهیه فرمودید میگوید دولت میتواند راجع بفروش مذاکره بکند و مجلس شورای ملی را از نتیجه مذاکرات آگاه بکند یکوقت ممکن است فروش طوری باشد که بگوید من فلانقدر فروختم که در فلان مدت تحویل بدهم اگر تحویلی ندادم تو حق داشته باشی خودت بیائی استخراج کنی همه اطرافرا باید نگاه کرد برای معامله و بنده خیال میکنم برای فروش و برای معامله خوب دولت میتواند مذاکره بکند و مانعی ندارد و بعقیده بنده ذکر این ماده لازم نیست زیرا اینجا در این ماده ابداً پیش‌بینی نشده است که دولت مکلف باشد این کار را بکند میگوید دولت میتواند این کار را بکند راجع بفروش مذاکره کند خوب ما که در ماده قبل نهی کرده ایم که حق مذاکره راجع بامتیاز ندارد. حق فروش نفت را دارد البته نفت که استخراج شده باشد میتوان آنرا فروخت و مثل یك امتعه تجارتی که داشته باشد میتواند وارد مذاکره فروشش شود و مطابق قوانین بین‌المللی بفروشد بعقیده بنده در این طرح ما محتاج نیستیم این ماده را ذکر بکنیم بهمین جهت بنده حذف این ماده را میخواهم پیشنهاد بکنم اگر ما این را بنویسیم یکوقت ممکن است دچار اشکال بشوند مثلا یك فروشی ممکن است مجازاتش این باشد که اگر نتوانستند در فلان مدت مثلا سالی چندین میلیون تن تحویل بدهند خریدار حق داشته باشد استخراج کند یا او حق دارد فلان کار را بکند و بعقیده بنده اگر این ماده را بگذاریم در اینجا چون برای فروش مذاکره کردن و از مذاکره خودش مجلس را مطلع کردن مانعی نیست ممکن است یك فروش باشد که اگر انجام نشد خود او میتواند بیاید انجام بدهد و استخراج کند و این نقض غرض میشود با آن نظری که شما دارید پس بهتر است این ماده را برداریم .

نایب رئیس ـ آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق ـ بنده خواستم عرض کنم که چقدر فرق است بین آن ملتی که بمب میبارد آنجا و از جا حرکت نمیکند و این مجلس که یکساعت غذایش دیر شده و تك تك میروند (بعضی از نمایندگان ـ نمیروند) بالاخره بنده تصور میکنم مجلس از اکثریت بیقتدر ما آقا باید رشد سیاسی داشته باشیم رشد سیاسی معنایش این نیست که در مجلس یك قانونی که میآید هزار پیشنهاد بدهیم و اینکار ثابت خواهد کرد که در مجلس شورای ملی هر وقت قانونی می آید همیشه باید در تحت امر یك دیکتاتوری باشد یعنی هیچوقت حرفی نزنیم یعنی ما یك دوره‌ای واقع شده این اینطور و یك دوره آنطور بود که قانون بآن مهمی مسئله امتیاز

نفت که آمد در مجلس دو نفر بیشتر صحبت نکردند در دو نوبت و امتیاز نفت مدت سی و دو سال برش اضافه شد و از مجلس گذشت ولی امروز را من پیشنهاد میکنم امتیاز نفت به کسی داده نشود اینقدر درش پیشنهاد داده میشود که این لایحه نگذرد بنده چه میگویم اولاً در ماده اول اینطور نوشته شده است که دولت حق ندارد مذاکره راجع به امتیاز نفت بکند (بعضی از نمایندگان ـ آن تصویب شد) در ماده دوم نوشتم دولت میتواند برای فروش مذاکره بکند مقصود این است که سوء تفاهم نشود بین ما و دول خارجی که امتیاز نمیدهیم و مذاکره هم نمیکنیم ولی اینکه نوشتم دولت مکلف است و میتواند این برای این است که اگر بگوئیم دولت باید این کار را بکند شاید یك طرفی نباشد که این تقاضی را بکند و آنوقت دولت با او مذاکره بکند پس ما بدولت یك فاکولته‌ای دادیم و دولت را مجاز کردیم اگر کسی آمد خواست تقاضای خرید نفت را بکند دولت بااو داخل مذاکره بشود باید یك چنین ماده‌ای نوشته شده باشد و حذف این هم مورد ندارد این عقیده صریح مجلس شورای ملی است برای فروش نفت نسبت بهر یك از دول مجاور (صحیح است)

جمعی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است .

محمد طباطبائی ـ بنده مخالفم با کفایت مذاکرات .

نایب رئیس ـ بفرمائید .

محمد طباطبائی ـ عرض کنم نه آن اندازه باید معطل کرد و نه این اندازه باید عجله کرد اینجا در ماده دوم میگوید :

بعضی از نمایندگان ـ آقا راجع به کفایت مذاکرات بفرمائید .

محمد طباطبائی ـ آخر راجع باینکه آیا کافی است یا کافی نیست باید دلیل عرض کنم و دلیلش در این ماده دوم است چون ماده دوم مطرح است آقایان باید اجازه بفرمایند که لااقل دو نفر از آقایان صحبت بکنند آقای تهرانچی صحبت کردند آقای دکتر مصدق هم جواب دادند برای این که آقای که شما میخواهید بفروشید اصلاً یعنی چه ؟ فروش در یك چیز موهوم که اصلاً وجود ندارد چه معنی دارد (بعضی از نمایندگان ـ سلف میفروشند) آخر چیز موهوم را که نمیشود سلف فروخت . . .

جمعی از نمایندگان ـ موهوم نیست .

نایب رئیس ـ آقایان اجازه بدهید صحبت کنند .

طباطبائی ـ استخراج نفت اولاً موکول به آزمایش های علمی و فنی است که فقط آزمایش چندین سال طول میکشد مخارج هنگفتی میخواهد و وسایل و ماشین آلات زیادی میخواهد (مهندس فریور ـ داریم آقا) بعد از آزمایش میرسد باستخراج و بعد از استخراج آنوقت شما متاعی دارید که میتوانید بفروشید یا نفروشید بنظر من ماده اول هم جامع بود و هم مانع و حاوی همه نظریات آقای دکتر مصدق و من خیال میکنم که اگر از دو ماده بعد صرف نظر بشود بمصلحت است . من آمدم آنجا عرض کردم که فوریت این لایحه صحیح نیست و دلیلش هم همین است که خود آقای دکتر مصدق تشریف آوردند اینجا و شکوه کردند که اینهمه پیشنهادات برای چیست و خود این دلیل بر این است که آقایان توجه نمیفرمایند بیك مطلبی که حقیقت دارد و صحیح است .

نایب رئیس ـ رأی بکفایت مذاکرات میگیریم آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد . چند فقره پیشنهاد رسیده است .

پیشنهاد آقای مهندس فریور :

پیشنهاد میکنم نوشته شود این مذاکرات مادام که به اطلاع و تصویب مجلس نرسیده است هیچگونه رسمیتی نخواهد داشت .

نایب رئیس ـ آقای مهندس فریور

مهندس فریور ـ عبارتی که موجب مخالفت آقای تهرانچی شد این بود که این آخر عبارت اخیر جمله یکقدری نارسا بود ماده دوم این بود که نخست وزیر و وزیران میتوانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن خود را

اداره میکند مذاکره کنند و از جریان مذاکرات مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند بنده بعوض اینکه ازجریان مذاکرات مجلس‌شورای ملی را مستحضر نمایند نوشتم مادام که این مذاکرات باطلاع و تصویب مجلس نرسیده است بدیهی است رسمیت‌ندارد باین جهت بنده خیال میکنم آقای تهرانچی هم از مخالفت خودشان منصرف شوند.

نایب رئیس ـ آقای شریعت زاده

شریعت‌زاده ـ آقای نایب رئیس در آن ماده اول ببنده اجازه ندادند بنده عقیده خودم را عرض بکنم آن هم که تصویب شده‌است صحیح نیست‌زیرا هیچ مذاکرات مقدماتی نسبت بکارهای ملت ایران رسمی ومؤثر نیست بنابراین لازم نیست بگوئیم اگر بتصویب نرسیده صحیح نیست این‌مفهوم مخالفش این است که بگوئیم قبل از تصویب تأثیری داشته باشداین است که‌بنابر این‌بنده موافق‌نیستم با این‌مذاکرات ماده‌اول تکلیف را معین کرده است و گفته است اعطای‌هیچ امتیاز و هیچ عملی بخارجه و بداخله بدون تصویب مجلس عملی نیست.

مهندس فریور ـ آقا بنده یك توضیحی مطابق نظام نامه باید بدهم.

نایب رئیس ـ بفرمائید.

مهندس فریور ـ آقای شریعت زاده و آقایان دیگر متوجه هستند که این مسئله محرز است مادام که مسئله‌ای بتصویب مجلس شورای ملی نرسیده هیچگونه قوت قانونی ندارد ذکرش‌درمتن قانون اولاً مخالفتی باقانون اساسی‌ندارد پیغمبر اسلام هم در قرآن ده جا گفت نماز بخوانید بعد از پیغمبر هم امام ها گفتند نماز بخوانید. ما قوانینی که میگذرانیم مباینتی با قانون اساسی ندارد.

و اساساً میخواستم بیك نکته هم آقایان را متوجه کنم و آن این است از این مذاکرات از این پرتکل ها بهانه‌ممکن است‌بدست داده‌شود وتمام اشکال سیاسی که درمملکت‌ماپیش آمد درنتیجه رویه غلطی بود که‌بنظر ما ازطرف دولت آقای ساعد ابراز شدوالا نتیجه‌اش را که همه موافق بودیم ما نباید یك کاری بکنیم که موجب کمترین‌بهانه‌ای بشود وموجب کمترین انخاذ سندی بشود بقول آقای دکتر مصدق بنابر این ذکر این‌مطلب‌هم از نظر تأئید هیچ مانعی نداردمخالفت هم نفرمائید تصورمیکنم آقای‌دکترمصدق‌هم که این مطلب را ذکر کرده‌اند مخصوصاً و متعمداً ذکر کرده‌اند برای پیش نیامدن سوء تفاهم.

نایب رئیس ـ رأی میگیریم به پیشنهاد آقای مهندس فریور آقایانیکه موافقند قیام فرمایند (عده‌ای قیام نمودند) تصویب شد.

آقای‌هاشمی تردیددارند دراینکه‌تصویب‌شده‌است‌یاخیر.

محمدطباطبائی ـ آقااین اشکال قانونی داردفرمودید تصویب شد.

نایب رئیس ـ آقا این تشخیص باهیئت رئیسه است ایشان متوجه شدند که اکثریت نیست تذکر دادند بعد هم بنده عرض کردم که تردید شد آقای هاشمی.

هاشمی ـ بنده که اینجا نشسته‌ام کاملاً حواسم جمع‌است مجلس پنجاه‌مقابل‌اینهم آشفته‌بشودبنده‌اشتباه در کوچکترین چیزی نمیکنم دیدم اکثریت نشد عرض کردم اکثریت نشد توجه بفرمائیدودرخاتمه‌هم‌عرض‌میکنم‌نظری که‌آقای‌دکتر مصدق گرفته‌اند وباحواس جمع‌نوشته‌اند باپیشنهادات مختلف آنها را بهم نزنیم وهمان که ازفکرصائب‌ایشان صادرشده‌است رأی بدهیم وبا این پیشنهادها بیخود وقت‌مجلس‌راتلف نکنیم پیشنهاد هم رسیده است که برخلاف قانون اساسی است.

پیشنهاد آقای فرهودی:

مذاکرهٔ که برای فروش نفت میشود هیچگونه تعهدی برای استخراج نفت درمدت معینی نخواهد بود.

نایب رئیس ـ آقای فرهودی.

فرهودی ـ ماده دوم راجع است باین‌موضوع که‌دولت میتواند وارد مذاکره بشود راجع بقرارداد فروش نفت بنده هم اینطور پیشنهاد کردم واصراری هم ندارم ونخواستم این ماده حذف شود خواستم این درصورت مجلس نوشته شود که این مذاکرات خواه منجر به‌بستن قراردادی بشود یا نشود

تعهدی برای دولت ایران نباشد که ما در یك مدت معین و محدودی نفت را استخراج کنیم هر وقت استخراج کردیم و خواستیم بفروشیم قرارداد فروشش را منعقد کنیم و فعلاً مسترد میکنم.

نایب رئیس ـ پیشنهاد آقای سیف پور:

پیشنهاد میکنم که ماده دوم بطریق زیر اصلاح شود: هیئت دولت میتواند برای فروش‌نفت دربازار های بین‌المللی مذاکره نموده نتیجه مذاکره را بعرض مجلس شورای ملی برساند و پس از تصویب مجلس نظریه اکثریت نمایندگان ملت را بموقع اجرا بگذارند.

نایب رئیس ـ آقای سیف‌پور.

سیف‌پور ـ این ماده سه نقص دارد اول نوشته است نخست‌وزیر و وزیران تمام عیبی که بکابینه ساعد گرفتند گفتند که چرا آقای ساعد وارد مذاکره شده وصحبت کرده است یا وزیرانش چرا صحبت کرده‌اند بنده این‌جا پیشنهاد کردم که بجای‌نخست وزیر ووزیران نوشته شودهیئت‌دولت وچون این مذاکرات مهم است بنده پیشنهاد کردم این مذاکرات باید درجلسه‌هیئت‌دولت مذاکره‌شود ودردفتری که آنجا هست وارد بشود. این اول دوم‌اینکه نوشته شده است میتواند راجع‌باستخراج نفت وفروش نفت ورویه ای که برای استخراج نفت ایجاد خواهد کرد صحبت بکند شما درماده اول گفتید که بهیچ خارجی و داخلی‌امتیاز نمیدهیم واستخراج نفت ازصلاحیت ملت‌ایران‌است ازصلاحیت‌دولت ایران است که بنشیند پروژه حاضر کند و بیاورد بمجلس و گوید که ما باین ترتیب نفت را استخراج میکنیم با چه مقامی‌صحبت میکنیم یك‌قسمتی‌است که باید درهیئت‌دولت صحبت شود و باید آنجا صحبت بکنند این دو موضوع بود که بنده خواستم تذکر بدهم.

نایب رئیس ـ آقایانیکه با پیشنهاد آقای سیف پور موافقند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند) تصویب‌نشد آقای دولت‌آبادی پیشنهاد جنابعالی هم جایش اینجاایست حالا رأی میگیریم بماده دوم آقایانیکه با ماده دوم موافقند قیام‌فرمایند (اکثرقیام نمودند) تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود:

ماده سوم ـ متخلفین از مواد فوق بحبس مجرد ازسه تا هشت سال وانفصال دائم ازخدمات دولتی محکوم خواهند شد

نایب رئیس ـ آقای دکتر عبده.

دکتر عبده ـ مخالفت بنده با اساس‌این‌ماده نیست وباین ماده هم رأی میدهم فقط مخالفت بنده از نظر تکنیك قضائی است که حالا عرض میکنم در این ماده نوشته شده است متخلفین ازمواد فوق بحبس مجرد ازسه تاهشت سال و انفصال دائم ازخدمات دولتی محکوم خواهند شد.

هرگاه تخلف ازماده دوم هم مستلزم حبس از سه سال تاهشت سال باشد بنظر بنده این‌مجازات غیر متناسب واصلاً مربوط بماده دوم نیست این کلمه متخلفین ازمواد فوق‌باید اصلاح شود ونوشته شود متخلفین ازماده اول (دکترمصدق موافقت میکنم) اما قسمت دوم بنظر بنده مجازات تبعی است که در این ماده پیش بینی شده بطوریکه آقایان ملاحظه میفرمایند مجازاتی که آقای دکترپیش‌بینی‌کرده‌اند این حبس جنائی‌است وحبس‌جنائی‌مطابق قانون‌مجازاتش‌مستلزم انفصال ابد از خدمات دولتی است دیگر این قسمت محتاج بذکر نیست اگر اجازه بفرمایند این قسمت هم حذف‌شود وبنده هردوقسمت را هم پیشنهاد کرده ام.

جمعی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است.

نایب رئیس ـ پیشنهادی رسیده‌از آقای‌دکترعبده‌قرائت میشود:

بنده پیشنهاد میکنم درماده دوم انفصال‌دائم ازخدمات دولتی حذف شود.

نایب رئیس ـ آقای مهندس فریور.

مهندس فریور ـ آقای دکترعبده فوراً این انفصال ابدرا مجازات تبعی گرفته درصورتیکه این مجازات کمپلمانتر است یعنی تکمیلی است و مجازات اصلی است یعنی هم‌این وهم آن خواهش میکنم از آقای دکتر عبده این را پس بگیرند.

نایب رئیس ـ رأی میگیریم به‌پیشنهاد آقای دکتر عبده آقایان موافقین قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند) تصویب نشد رأی میگیریم بماده‌سوم با اصلاح عبارتی که موافقت هم کردند یعنی متخلفین ازماده اول بجای متخلفین درموادفوق آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

ماده چهارم قرائت میشود:

ماده چهارم ـ تعقیب متخلفین از طرف دادستان کشور محتاج باین نیست که مجلس شورای ملی آنها را تعقیب نموده باشد واجازه‌دهد دادستان مزبوروظیفه داراست که‌متخلفین ازاین قانون رابرطبق قانون‌محاکمه وزراء مصوب ۱۶ و ۲۰ تیرماه ۱۳۰۷ تعقیب نماید.

نایب رئیس ـ آقای دکتر عبده.

دکتر عبده ـ عرض کنم مطابق اصل هفتاد و نه متمم قانون اساسی تعقیب وزرا با مجلس شورای ملی است یعنی مدعی‌العموم دیوان کیفر نمیتواند یك وزیری را مورد تعقیب قرار بدهد فلسفه این موضوع هم این است که جرایمی که یك وزیری مرتکب میشود ممکن است غالباً جنبهٔ سیاسی داشته باشد وبایستی سلب صلاحیت یك وزیر بتصویب مجلس برسد بنابراین‌بموجب قانون اساسی سلب صلاحیت یکوزیر بدون تصویب مجلس شورای‌ملی ممکن نیست و قانون عادی هم نمیتواند این حق را که مختص مجلس شورای ملی است سلب کند وبنظر بنده این ماده برخلاف اصل قانون اساسی است وپیشنهاد حذف آنرا کرده ام.

نایب رئیس ـ آقای دکتر معظمی.

دکتر معظمی ـ فرمایشی‌را که آقای دکتر عبده کردند اصولاً صحیح بود اگر بدون اجازه مجلس شورای ملی بود فعلاً مجلس شورای‌ملی‌اجازه میدهد که دراین مورد بخصوص اگر وزرا تخلفی کردند دادستان دیوان کیفر تعقیبشان بکند ومخالفتی باقانون اساسی ندارد.

نایب رئیس ـ آقای شریعت زاده.

شریعت زاده ـ برطبق اصل ۶۹ قانون اساسی تقصیرات وزراء ازطرف مجلس شورای ملی باید عنوان بشود وتقصیری هنوز واقع نشده است که‌قانون‌فعلی را درحکم عنوان‌بدانیم بنا براین دلیلی ندارد که قانون محاکمه وزرا را دراین مورد تغییر بدهیم. همانطور که نمایندگان ملت با علاقه تام این قانون را تصویب میکنند اگروزیری برخلاف‌این رفتار کرد باهمان کیفیت تقصیر آنرا طرح میکنند وتعقیب‌میکنند ولی در حدود قانون محاکمه وزراء.

نایب رئیس ـ آقای دکترشفق شما بااین ماده موافقید یا مخالف؟

دکتر شفق ـ بنده با این پیشنهادی که ایشان کردند وتوضیحی که آقای شریعت زاده دادند موافقم.

دکتر مصدق ـ بنده برای اینکه کار تمام شود این‌ماده را پس میگیریم.

نایب رئیس ـ یك ماده الحاقیه رسیده است از طرف آقای ایرج اسکندری قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم ماده ذیل بقانون الحاق شود

ماده ٤ ـ نخست‌وزیران و وزرا و اشخاص مندرج در ماده یك موظفند راجع بهر گونه تقاضائی که در باب امتیاز معادن رفت میشود فوراً به مجلس شورای ملی‌گزارش نمایند و مجلس باید در باره آن تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.

نایب رئیس ـ آقای ایرج اسکندری

ایرج اسکندری ـ عرض کنم این مادهٔ یك‌که ازتصویب مجلس شورای ملی گذشت این ماده بطور کلی امتیاز دادن را از بین نبرده است (بعضی از نمایندگان ـ خیر اینطور نیست) اجازه بفرمائید اینجا گفته است که نخست وزیر و وزرا حق‌ندارند مذاکره بکنند ودرقانون اساسی هم دارد که باانظر مجلس‌شورای ملی‌میشود تصمیم گرفت وامتیاز داد پس معنای‌این این‌است که بطور کلی امتیاز بموجب ماده یك از بین نرفته نهایت گفته است که وزرا و هیئت‌وزیران حق مذاکره ندارند بنابراین بنده عرض میکنم که اگر نخست وزیر: چون نخست‌وزیر که آنجا نشسته است ممکن است یك مأمور خارجی بیاید آنجا و تقاضائی بکند او که

حق ندارد و قانون اساسی هم که دادن امتیاز را منع نکرده است پس باید فوراً اوبیاورد به مجلس و آنوقت مجلس یاقبول میکند یا رد میکند بنابراین این پیشنهاد بنده تکمیل آن ماده یك‌است وتصور میکنم ضروری‌است(همهمه‌نمایندگان) خوب ممکن‌است‌همه آقایان مخالف باشند ولی آقایانی که‌میل دارند در موقع صحبتشان همه سکوت بکنند خوب است توجه بکنند مخصوصاً آقای فرهودی و الا اگر همهمه بشود که نمیشود بحث کرد خلاصه نظر بنده این است که اگر بطور کلی اصل امتیاز دادن را قبول ندارید پس این‌ماده را اینطور تنظیم کنید که بهیچوجه من‌الوجوه در کشورایران امتیازداده نمیشود اینطور که نگفتید شماماده یك را مطالعه بفرمائید در ماده یك قید شده است که نخست وزیر ووزرا در صورتیکه با ایشان مذاکره شد و حاضر شدید مذاکره بکنند اینقدر مجازات دارد یعنی حق مذاکره ندارند ولی گفته نشده است که مطلقا امتیاز نمیدهیم غیر از این هم نمیتوانستند این ماده را تنظیم کنند برای اینکه در قانون اساسی ذکر شده‌است که‌امتیازنامه‌ها ومقاوله نامه‌ها بایستی بتصویب مجلس شورای ملی برسد این در حقیقت یك پتین و توضیحی ازقانون اساسی بوده‌است و دراین ماده که تصویب شده است قید شده که هیچیك از وزرا و نخست وزیران نمیتوانند راجع باین موضوع مذاکره بکنند پس مرجعش کجا است یعنی ناچار است که آن وزیرو آن رئیس‌الوزرا وقتیکه بهشان مراجعه شد فوراً بیاورند به مجلس شورای‌ملی و مجلس تصویب بکند بنده مقصودم این بود حالا ممکن‌است عبارت را تغییر بدهید

نایب رئیس ـ رأی میگیریم بماده‌الحاقیه پیشنهادی آقای ایرج اسکندری آقایان موافقین قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد

پیشنهاد آقای دولت آبادی:

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بعنوان ماده ۵ بطرح مورد بحث اضافه شود: تبصره سایر معادن ایران نیز مشمول مقررات فوق میباشند

نایب رئیس ـ این پیشنهاد شما نظیرش رد شده است‌در ماده دیگر پیشنهاد شده و رد شده است

دولت آبادی ـ این رد نشده این غیر از آن است

هاشمی ـ نظیر پیشنهاد آقای دکتر اعتبار بود که ردشد

نایب رئیس ـ بفرمائید حالا توضیح بدهید

دولت آبادی ـ در آن موقع مجلس توجه نکرد چون یك مشکلاتی چندی قبل پیش‌آمد وبعضی از روزنامه ها هم بآن‌اشاره کردند بنده خواستم‌معادن دیگر راهم‌مشمول بشود که رفع آن مشکلات بشود و سایر معادن هم مشمول‌این قانون بشود

نایب رئیس ـ مشابه این را آقای دکتر اعتبار پیشنهاد کردند و مجلس رد کرد دیگر موردی ندارد. بحث در کلیات است. آقای طباطبائی

محمد طباطبائی ـ عرض‌کنم وقتی یك طرح قانون یا یك لایحه از طرف دولت به مجلس تقدیم میشود که یك ماده نیست وشامل مواد زیادی است بحث در کلیات اول‌دارد وکلیات آخر در کلیات اول اصلاً فراموش شد و اخذ رأی نشد واما کلیات ثانی همه آقایان توجه کنند این‌صحبتی را که من عرض میکنم بعد از اینکه از اینجا تشریف بردند این لایحه را یك قدری دقت بکنند بنظر من خیلی نفع ندارد من بالاخره نفهمیدم که‌دولت ممنوع ازمذاکره‌است راجع بنفت یا ممنوع از امتیازاست آنوقت ماده‌دوم بطوری که قبلاً عرض کردم درعین‌اینکه یك چنین فکری‌اصلاً هست‌راه را باز کرده است که راجع بفروش با هر کس که میخواهد واردمذاکره میشود و اگرخواستند او را متخلف تشخیص بدهندخواهد گفت که بموجب ماده دوم مجاز بودم نسبت بفروش نفت مذاکره بکنم وحالا که می بینم آقایان میل ندارند زیاد در این باب صحبت بشود عرضی نمیکنم

نایب رئیس ـ رأی میگیریم بمجموع مواد این طرح آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب‌شد اگر اجازه بفرمائید جلسه را بعنوان تنفس تعطیل میکنیم جلسه فردا ساعت نه دستور هم بقیهٔ برنامه دولت (در این

موقع (که ساعت سه ربع بعد از ظهر است جلسه بعنوان تنفس تعطیل و روز یکشنبه دوازدهم آذر یکساعت و ربع پیش از ظهر بریاست آقای دکتر معظمی (نایب رئیس) تشکیل گردید)

[۱۱ تصویب اعتبارنامه آقایان لنکرانی و پور رضا]

نایب رئیس ـ پیشنهادی رسیده است راجع به این که اعتبارنامه ها مطرح شود .

پیشنهاد میکنم که قبل از طرح برنامه دولت اعتبار نامه آقایان لنکرانی و پوررضا وقشقائی مطرح شود (اقبال)

جمعی از نمایندگان ـ صحیح است

نایب رئیس ـ مطابق ردیف نوبت اعتبارنامه آقای لنکرانی است . آقای ملك مدنی

ملك مدنی ـ بنده می خواستم از آقای حاذقی همکار محترم خواهش کنم راجع بمخالفت با این اعتبار نامه مخالفت خودشان را مسترد بفرمایند (صحیح است) چون ماها همگی باید باهم همکاری کنیم آقای حاذقی هم از مخالفت خودشان صرف نظر کنند

حاذقی - بنده بایستی عرایضی عرض بکنم و تا وقتی که عرایض خودم را نکنم ممکن نیست از مخالفت صرفنظر کنم

جمعی از نمایندگان ـ آقا وقت مجلس را نگیرید لازم نیست .

حاذقی ـ ممکن نیست بنده باید عرایض خود را عرض کنم.

نایب رئیس ـ بفرمائید

حاذقی - بنده خیلی متأسفم که طرح این اعتبارنامه بتأخیر افتاد و مخالفتی که من نسبت به اعتبارنامهٔ حوزه اردبیل کرده بودم بیك صورت دیگری تلقی شد برای اینکه مقصود ومنظور خود را از این مخالفت عرض کنم لازم است مقدمهٔ عرض کنم که مطلب روشن شود وعلت مخالفتی که بنده کرده بودم معلوم شود برای اینکه مخالفت کردن وبعد پس گرفتن این بشوخی وتعارف بیشتر شبیه است وماهم باهم شوخی نداریم عرض میکنم مخالفت بااعتبارنامه بایکی ازدوعلت پیش بینی میشود اول مخالفت با شخصیت وصلاحیت یکنفر نماینده ووکیل که ازیك حوزه انتخاب شده ودراین جا من میخواهم صریحاً عرض کنم همانطور که روز اول به بیشتر از آقایان و دوستان و مخصوصاً آقای سردار فاخر حکمت و یکعده دیگر که حاضر هستند و شاهدند بنده عرض کردم که هیچگونه اعتراضی بصلاحیت شخص آقای لنکرانی ندارم وایشان را یك فرد شایسته میدانم واین موضوع را همهٔ آقایان تصدیق میکنند با یك تفاوت مختصر و کوچکی که ممکن است فرض کرد که همه باین مملکت علاقه داریم همه به آب وخاك خودشان دلبستگی دارند و همه میل دارند که فرصتی بدستشان بیاید که بمملکت خودشان خدمت بکنند وایشان هم دراین صلاحیت اگر ازسایرین جلو نباشند عقب هم نیستند بنابراین نسبت بصلاحیت شخص آقای لنکرانی من، هیچ اعتراضی ندارم ولی اجازه میخواهم که آقایان اجازه بفرمایند که من علت مخالفت خودم را عرض کنم (همهمه نمایندگان ـ آقا بس است مخالفتی ندارد) تصدیق میفرمائید که تامن عرایضم را نکنم هیچ مجالی برای رأی دادن آقایان نیست. عرض میکنم یك نقص اساسی وبزرگی که دراین مملکت هست وباید باعلاقهٔ آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی این نقص اصلاح شود آن عدم اعتناءِ به قوانین و مقررات است هیچ تردیدی نیست که وقتی سعادت ملت ایران و مملکت ایران تأمین میشود که به اصل قوانین وموازینی که از طرف هیئت مقننه بصورت قانون وضع میشود ازطرف خود مجلس شورای ملی از طرف هیئت حاکمه از طرف تمام افراد و طبقات باین قوانین واصول احترام گذارده شود (دکتر اعتبار آقا این مطالب با اعتبارنامه آقای لنکرانی که ارتباطی ندارد) این احترام بقوانین ومقررات یك امر مهم و بزرگی است که بایستی بیش از اینها مورد توجه مجلس شورای ملی قرار بگیرد برای انجام عمل انتخابات، مطابق قانون انتخابات یك مواد و اصولی پیش بینی شده واین مواد و اصول اگر مطابق نظر هیئت مقننه رعایت شود وانجام بگیرد بدون تردید همانطور که عرض کردم یك زمینه اساسی برای ترقی وتعالی وسعادتمندی ملت ومملکت ایران فراهم میشود در دوره گذشته بیشتر از آقایان نمایندگان شاهد وگواه هستند

که آن طوری که انتظار ملت ایران بود قانون انتخابات مورد عمل و اجرا قرار نگرفت (صمصام ـ اینطور نیست قرار گرفت) عرض میکنم من یك مقالهٔ را در یك روزنامه خواندم که ما بیشتر مایل هستیم که آنچه در عمل هست با حرف اورا تکذیب کنیم در حالتیکه خود آقایان تصدیق میفرمایند که آنچه تأثیر دارد عمل است و بحرف نمیشود عمل را ازبین برد بنده هیچگونه غرض ومنظوری نسبت به شخص آقای لنکرانی ندارم وهمچنین نسبت بسایر آقایان ولی حالا که مجالی بدست من آمده اگر چنانچه موضوع انتخابات اردبیل نبود و جای دیگر هم بود این عرایض را بنده میکردم چون البته این عرایض من درگذشته هیچ تأثیری نمیکند ولی در آینده ممکن است منشاء اثری باشد واین منشا اثر شدن هم بسته بتوجهی است که مجلس شورای ملی در موضوع داشته باشند عرض میکنم اگر چنانچه توجه بفرمائید شاید اکثریت آقایان نمایندگان در حوزه نمایندگی خودشان صالحترین و شایسته ترین افراد باشند ولی اگر توجه کنیم به اینطور انتخابات حتی طبیعی ترین نماینده های این مملکت مشوب بیك مداخله‌های غیرقانونی دولت معرفی شده‌اند (جمعی از نمایندگان ـ آقا اینطور نیست) (فاطمی ـ چرا توهین میکنی آقا) عرض میکنم که مداخله که دولت وقت در انتخابات کرد یك امری بود که شاید هیچیك از آقایان به آن مداخله نه راضی بودند و نه مایل بودند (صحیح است) این مورد تردید نیست و بایستی مجلس شورای ملی و آقایان نمایندگانی که علاقمند باصلاح این مملکت هستند این موضوع را یك امر اساسی تلقی کنند زیرا که سرفصل اصلاحات مملکت اصلاح امر انتخابات عدم مداخله دولت در امر انتخابات است من منظورم ابراز هیچگونه اهانت به کسی نیست زیرا موردی ندارد و این عرایض را وجداناً خودم را ملزم میدانم که عرض کنم تصدیق میفرمایند در هرحوزه‌ایکه انتخابات بدون مداخله دولت انجام گرفته ملت ایران کاملاً رشد واستعداد خودش را ابراز کرد و اشخاصی را که انتخاب کرد صالحترین افراد ملت ایران هستند که تا فرصتی بدستشان آمده قد مردانگی را علم می کنند وبرای حفظ مصالح ایران صحبت می کنند و زحمت می کشند ووقت صرف میکنند وآبروی مملکت را حفظ می کنند انتخابات تهران یك نمونهٔ از آزادی انتخابات است و یك نمونه بارزی است که نشان میدهد که وقتی که افراد ملت ایران آزاد در عمل باشند بهترین انتخابات را انجام میدهند ومثل آقای دکتر مصدق و آقای دکتر شفق وآقای دشتی وآقای دکتر عبده وآقای تهرانچی وهمه آقایان دیگری که از تهران انتخاب شده‌اند همه تصدیق میفرمایند که بهترین افراد این مملکت هستند (همهمه نمایندگان ـ آقا اصل مطلب را بفرمائید) (صدای زنگ نایب رئیس) عرض می کنم خود بنده وارد بودم در خیلی از حوزه های انتخابیه آقایانی که الآن این جا حاضر هستند کاندید بودند و ملت به آنها رأی میدادند ولی آن عمل دولت وقت ومداخلهٔ دولت وقت این انتخابات آزاد را مشوب به انتخابات با مداخله دولت کرد ومن عرض کردم درگذشته این عرایض تأثیری ندارد بلکه آقایان اگر فرصت بدهند که این عرایض بشود برای دوره‌های دیگر مورد توجه زمامداران وقت خواهد شد آقایان این نکته را تصدیق میفرمائید که رئیس دولت وقت وقتی که اعلان انتخابات داده شد پشت رادیو بملت ایران توصیه کرد که بیدار باشید و از حق ملی خودتان استفاده کنید در انتخابات آزاد شرکت کنید هریك رأی ممکن است اسباب سعادت این مملکت بشود و کوتاهی دراجرای این امر و ندادن رأی آزاد ممکن است بضرر و زیان مملکت واقع شود با اینحال در موقع انتخابات دولت وقت به فعالیت افتاد و موانعی ایجاد کرد که بیشتر انتخابات همانطور که عرض کردم مشوب بمداخلات غیرقانونی دولت گردید (همهمه نمایندگان ـ صدای زنگ ـ فاطمی آقا این مطالب توهین است چه مربوط به اعتبارنامه است) من خیلی متاسفم که توجهی بعرایض من نمیشود آقای عمادالسلطنه در قانون نمیدانند که وکیل طبیعی آنجا هستند

نایب رئیس ـ مطابق نظامنامه شما باید راجع بانتخابات

اردبیل صحبت کنید ولی جالااز موضوع خارج شده‌اید

جاذقی - من فرمایش همه آقایان را مطاع میشمارم و اگر توجه میفرمودید من عرایض خودم را طوری عرض میکردم که هیچگونه شائبه در عرایض من نباشد زیرا هیچگونه منظور اهانتی بهیچکس ندارم من همه آقایان نمایندگان را محترم میدانم وهمه نماینده رسمی ملت ایران هستند بنده عرض کردم که میخواهم از نظر توجه دولت و زمامداران مملکت این عرایض را در ضمن مخالفت با انتخابات اردبیل عرض کنم اینها یك مقدمهٔ بود که خواستم تذکر بدهم وبعد به نتیجه برسم عرض میکنم با اینکه در هرحوزه آقایانیکه بنمایندگی آنجا انتخاب شده اند شاخص‌ترین افراد آنجا هستند باز چون رئیس دولت وقت باآن مواعیدی که داده بود وباآن بخش‌نامه هائی که منتشر کرده وآن دستورهائیکه ظاهراً وعلناً درروزنامه‌هامنتشر شد عمل نکرد چون ترتیب اثربحرفهای خودش نداد و مخالف حرفهای خودش عمل کرد وافراد ملت ایران ازین عمل دولت رنجش پیدا کردند من این‌عرایض را میکنم برای اینکه زمامداران آینده با توجه باحترام قانون وقتی که اعلان آزادی‌انتخابات داده شد بهیچوجه درامرانتخابات مداخله نکنند واین امررا بگذارد باختیار ملت ایران اما راجع بانتخابات‌اردبیل‌عرض کنم شخص آقای لنکرانی‌مورد احترام تمام‌رفقای‌مجلس هستندومن‌خودم شایدکسی باشم که بصلاحیت ایشان وشایستگی ایشان‌هم اذعان داشته باشم وهم در مورد لزوم رأی بدهم (دکتر اعتبار - چون اگر مخالفی‌هم داشته‌اند همه موافق شده‌اند) . . . من خودم تعمد داشته‌ام که همه را باایشان موافق کنم عرض میکنم در امر انتخابات آنجا یك اعمال خلاف قانونی انجام شده و این اعمال خلاف قانون را من درپروندهٔ انتخابات آنجا دیده‌ام و قسمتی ازآن را هم با مدارك ودلایل درتلگرافاتی که مخابره شده‌است بنده مطالعه کرده‌ام وبطور کلی مخالفت من باپروندهٔ انتخابات اردبیل روی این اصل است که روی مداخلهٔ دولت وقت بطلب آزادی ازمردم اردبیل شدیم المبته آقایان میدانند که کاندید انتخابات شدن گناه نیست ودرهرجا ممکنست دوتا سه‌تا کاندید باشند وآنکه ازهمه بیشتررأی دارد او نمایندهٔ آنجا خواهد بود دراردبیل هم پیش ازآنکه آقای‌لنکرانی کاندیدآنجا باشند دو نفر دیگر هم آنجا کاندید بودند که اسمشان درخاطرم نیست وپیش از آنکه صحبت آقای لنکرانی بشود نسبت بآن شخص یك تضییقاتی شده است یعنی‌مأمورین دولت آمده‌اند واورا دریك‌کامیون گذاشته‌اند وازمحل تبعیدکرده‌اند من میخواهم عرض‌کنم‌که این عمل عمل خلاف قانون است چون من‌آرزویم ایده‌آلم اینست که قانون دراین مملکت مجری بشود ومأمورین دولت‌که در درجه اول خودشان بایستی مجری قانون باشند باید احترام به‌قانون‌کنند نبایستی برعکس این یعنی خلاف‌قانون رفتار کنند میخواهم خواهش بکنم از اولیای دولت که اگر چنانچه اینعمل اینطور انجام‌گرفته آن مأمورینی‌که در آنموقع این عمل را مرتکب شده‌اند باید تعقیب بشوند، معایب دیگری‌که درپرونده ایشان است اینست که در بعضی جاها اصلاً رعایت قانون انتخابات نشده نه از حیث صلاحیت رأی دهنده ونه ازحیث تعداد اشخاصی‌که مراجعه کرده اند برای دادن رأی مثلاً در حوزهٔ غربی آستارا همه آقایان میدانندکه آستارا، من نمیدانم جمعیت واقعی آن چقدر است ولی همینقدر عرض میکنم تعداد آرائی‌که باسم آستارا در صندوق ریخته شده ٤ برابر پنج برابر عده افراد واجد شرایطی است‌که میتوانستند رأی بدهند برای اینکه من زمینه دستم است وهمینطور خلاف قانون‌های دیگرهم شده ومن چون عرض‌کردم با شخص آقای‌لنکرانی مخالفتی ندارم این تذکرات قانونی‌رادادم واعتراضم رانسبت بشخص ایشان پس میگیرم .

نمایندگان - رأی رأی

(در اینموقع آقای فرمانفرمائیان مخبر شعبه پشت تریبون رفتند)

نایب رئیس - آقای‌فرمانفرمائیان من بشما اجازه‌ندادم بفرمائید سر جایتان .

فرمانفرمائیان - آقا بنده مخبر شعبه هشتم .

نایب رئیس - آقا پیشنهاد کفایت مذاکرات رسیده است آقای حاذقی پیشنهادکفایت مذاکرات‌کرده‌اندقرائت میشود :

نمایندگان - رأی رأی .

نایب رئیس - باکفایت‌مذاکرات‌مخالفی‌نیست ؟ (ظهار شد - خیر) پس رأی میگیریم باعتبارنامهٔ آقای لنکرانی‌از اردبیل آقایانیکه موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد . اعتبارنامه آقای پور رضا مطرح است . آقای سرتیپ زاده .

جمعی از نمایندگان - آقای‌سرتیپ‌زاده حاضر نیستند.

نایب رئیس - آقای ایرج اسکندری .

ایرج اسکندری - عرض‌کنم که‌بنده‌یك‌اسناد ومدارکی تهیه کرده بودم که راجع به آقای پور رضا هم از لحاظ صلاحیت ایشان و هم از لحاظ طرز انتخابشان صحبت‌بکنم ولی‌چون‌مجلس راآماده برای‌شنیدن عرایض خودم‌نمی‌بینم این است که صرفنظر میکنم و دیگر اظهاری نمیکنم (احسنت) .

نایب رئیس - رأی میگیریم باعتبارنامه آقای پور رضا از فیروز آباد آقایانیکه موافقند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. اعتبارنامه آقای قشقائی هم هنوز گزارشش نرسیده است . آقای رحیمیان .

(۱۲ - بقیه شور در برنامه دولت)

رحیمیان - خواستم‌عرض‌کنم‌بنده با دولت جناب‌آقای بیات مخالفم ، خدا را شاهد میگیرم که مخالفت بنده با این دولت از نقطهٔ نظرشخصی نیست و فقط برای مصلحت‌کشور میباشد وجناب آقای بیات را هم بطوریکه شنیده‌ام‌یکنفر از رجال‌محترم وپاکدامن این‌کشور هستند و نسبت‌باعضای کابینهٔ ایشان هم نظری‌ندارم بلکه همهٔ آقایانرا قابل احترام میدانم ولی اصولیکه برای خودم قائل شده‌ام و آن اینست که با وضع فعلی‌کشور با دولتی موافقت بکنم‌که دارای شخصیت مهمتری ومقتدر وبرنامهٔ‌اساسی او اقلاً تعقیب یك مشت اشخاص خائن و دزد ومفسد وناصالح این‌کشور باشد ولواینکه از هرطبقه این‌جامعه باشند برای اینکه‌جریان بیست ساله این‌کشور اشخاصی را سبز وبوجود آورد که‌غیر چپاول و غارتگری‌وخیانت‌به تمام ارکان‌مقدس‌این مملکت‌و ترویج فساد اخلاق عمومی‌کار دیگری نکردند و نمیکنند وپس ازشهریور هم درموقع بدبختی و ذلت‌این مردم‌بیچاره ایران هیچگونه رحم و شفقتی از این اشخاص فاسد و ناخلف دیده نشد بلکه از وضع آشفتهٔ این‌کشور و ازضعف دولتهای سابق سوءاستفاده‌کرده و با فشار زیادتری ببدبختی این مردم افزودند واین طبقه همهٔ نمایندگان محترم میدانند که حتی‌درتمام مقامات‌حساس این‌کشوردست دارند وقدرتی نیست‌که از عملیات این‌اشخاص جلوگیری و آنهارا بسزای خودش برساند بهرحال پس از شهریور ۱۲ کابینه تاکنون عوض شده رویهمرفته حساب‌کنیم ، هر دولتی سه‌ماه‌وخردهٔ بیشتر دوام نکرده‌اند ازدو حال خارج نیست یا وزرای‌وقت دارای لیاقتی برای خدمت بکشور نبوده‌اند یا در انتخاب و سقوط آنها نظر شخصی یا جریانهای دیگری بوده‌که باعث دوام‌آنها نشده‌است . بنابراین‌یکروزی درپشت‌همین تریبون درحضورنمایندگان‌محترم عرض‌کردم‌که وظیفهٔ وجدانی بمن حکم میکندکه بدون پروا اظهار کنم که از عملیات این تیپ وزرا وامثال‌آنها واین دولتها چشم من‌آب نمیخورد و ایمان‌کامل‌دارم‌که اینهایا رفقای‌اینهابتوانندباری‌ازدوش‌ملت ایران بردارند بلکه با این طرز عمل وفکر های بچگانه ملت ایران را بطرف نیستی سوق میدهند بعلت اینکه بدبختانه دراین‌کشورسیرهٔ‌کار براین است‌که مرد را برای کار نمیخواهند ، کار تهیه میکنند برای مرد تا این طرز تفکر واین عمل درمغزهای طبقهٔ حاکمهٔ ما جاری‌است محال است کاری‌بطرزخوبی‌اداره‌شودبلکه مانند همیشه نتیجهٔ‌معکوس در بر خواهیم داشت و نتیجه‌اش وضع فعلی این‌کشوراست که می‌بینیم خلاصه بعضی ها میگویند بهتر از اینها برای زمامداری‌کشورپیدانمیشوند باید با همین ها ساخت اگرچه خودم با این عقیده موافق نیستم ولی این‌نظریه اگرصحیح

باشد بدیهی است برای این کشور نهایت بدبختی است اگر هم صحیح نباشد وما ها نمایندگان مایل نباشیم اشخاصیکه دارای شخصیت های مهمتری هستند ولیاقت بیشتری دارند روی کار بیایند تصدیق میفرمائید که این عمل هم دراینموقع خیانتی است بکشور . قبل از تعیین این کابینه در جلسات خصوصی نمایندگان دو عقیده بود یکی روی کار آوردن دولت با شخصیت و لایق و مقتدر یکی دولتهای ضعیف و باری بهر جهت بگذرد بنده هم یکی از اشخاصی بودم که طرفدار یك دولت مقتدر ولایق تری بودند بدلیل اینکه وضعیت جریان فعلی کشور ایجاب میکند دولتی روی کار باشد که بتواند کارهای مؤثری بعمل انجام دهد نه اینکه بحرفهای توخالی و با برنامه های مشعشع بیایند روی کار و پس از مدتی کارها را از اول خرابتر کردن از کار کنار بروند و باز مشغول گرفتاری دولت دیگری و مدتی هم مشغول صحبت دراطراف برنامه های تازه و غیر عملی باشیم با این عمل جز اتلاف وقت وبجز اینکه میدانی خالی باشخاص مغرض بدهیم کار دیگری نکرده ایم . بهرصورت کارهائیکه فعلاً ضروری است وباید دولت انجام دهد بنظر من اول خواستن عذر آقای دکتر میلسپو است که همکاران محترم بنده در اطراف عملیات ایشان مفصلاً بیان فرمودند بنده هم معتقدم که دولتهای ما با بودن ایشان و این اختیارات کاملاً وجود عاطل و باطلی هستند (صحیح است) اصلاً خیال میکنم وزیر لازم نداریم وزیریکه اختیاری نداشته باشد راجع بامور کشور خودش عقیدهٔ خودش را بانجام برساند وجودش برای چه لازمست ؟ پس با بودن میلسپو وزرای ما کاری از پیش نمی برند یا باید اوتنها بماند یا اینها . راجع به قسمتهای مختصری از کارهای میلسپو که شخصاً تماس داشته ام بعرض آقایان میرسانم راجع به تقسیم کالای انحصاری در کشور بمیل خودش هرجا نظریه خاصی داشت و میل او بود برد و تقسیم کرد هرجا دلش نخواست بکاغذ نوشتن گذراند بنده برای قماش از سال گذشته مکرر مراجعه کردم همه اش مراسلات نوشته است که دستور اقدام داده شد که بزودی انجام دهند حال یکسال است که هنوز این مراسلات قطع نشده و قماش هم تا بحال توزیع نشده . قسمت دیگری در موقع وزارت دارائی آقای زرین کفش تلگرافی از سوء جریان گرفتن تعهد غله از قوچان رسید که از قرار معلوم این جریان در تمام خراسان معمول بوده که آقای امیرتیمور مفصلاً بیان فرمودند سئوال کنید وزارت دارائی چه جوابی بمردم داد ، چه کاری انجام داد ؟ برای اینکه اختیاری نداشت باید بآقای میلسپو مراجعه کرد بنده مراجعه کردم نتیجه چه شد ؟ نتیجه همان که متصدیان وصول غله بدون اعتنا بشکایات مردم هرچه دلشان خواست کردند وکسی هم بداد مردم بدبخت نرسید . راجع بدخالت آقای میلسپو در بانك ملی . با اینکه یکنفر ازنمایندگان محترم دراین بابت تذکری دادند بنده هم ناچارم عقیدهٔ خودم را عرض کنم که دخالت آقای میلسپو در کارهای بانك ملی ایران با اینکه قانوناً چنین وظیفهٔ نداشته ولی برای اینکه این بنگاه ملی که محل اطمینان مردم ایران است آنرا هم شاید بوضع بدتری دچار سازند که سلب اطمینان مردم ایران بشود با اینکه درشخصیت و لیاقت آقای ابتهاج تردیدی نبوده است خواسته اند ایشانرا ازریاست بانك معزولش کنند فقط میخواهم یك فقره جوابی که قابل توجه میباشد و آقای ابتهاج باین شخص داده است برای استحضار تمام نمایندگان محترم قرائت کنم .

نمایندگان ـ بفرمائید .

مراسلهٔ شماره ۱۸۶/۱ مورخه ۲۶ مرداد ماه ۱۳۲۳

آقای دکتر میلسپو رئیس کل دارائی

نامهٔ شماره ۶۷۰۹ مورخ دیروز شما را الآن دریافت نمودم مکرر بشما تذکر داده ام که شما هیچگونه حق مداخله در امور بانك ملی ایران که طبق قانون اساسنامه مصوب ۲۲ مرداد ۱۳۱۷ اداره میشود ندارید . اقدام بی رویه ای که اکنون نموده وبدون اجازه صاحبان سهام شخصی را برای بازرسی بانک تعیین کرده اید گذشته از آنکه لطمه بحیثیت تنها بنگاه ایرانی که بدست ایرانیان اداره میشود ومورد اعتماد عموم اعم از داخلی وخارجی میباشد وارد میآورد کاملاً سوء نیت وغرض شخصی شما را ثابت میکند زیرا خود شما بارها

در طی مذاکرات حضوری بمن گفتید و در گزارشهای چاپ شدهٔ خودتان اذعان کرده اید که بانك ملی ایران به بهترین ترتیب اداره میشود واگر واقعاً در اینکار دارای حسن نیت بودید بجای این اقدام خودسرانه و موهن یا من یا صاحبان سهام بانك را از گزارشهائی که بآنها اشاره کرده اید مطلع میکردید تااقدام مقتضی بعمل میآمد . چون اخیراً درچندجا دیده ام که خودتان را دلسوزترین خدمتگذار ایران معرفی کرده اید لازم میدانم بشما بگویم که شما هرقدر نسبت بکشور من دلسوز باشید حق ندارید چنین جسارتی کرده وبخودتان اجازهٔ این تصور رابدهید که در این مملکت ایرانیانی یافت نمیشوند که باندازه شما نسبت بوطن خودشان علاقمند باشند بنابراین نمیتوانم اجازه بدهم کسی برخلاف اساسنامه بانك درامور بانك ملی ایران مداخله نماید

خواستم عرض کنم که اگر وزرای وقت ماهم دارای چنین رویه ای بودند هیچوقت مجال روح دیکتاتور منشی در کارها و بدرست کردن چیزی شبیه به دولت در دولت باین شخص نمیدادند .

راجع بماده اول برنامه در اطراف سیاست خارجی که آقای دکتر عبده و آقای امیرتیمور شرح مفصلی بیان فرمودند وعقیدهٔ شخصی بنده هم این است ، هردولتی که روی کار بیاید وظیفهٔ قطعی او این باشد که سیاست موازنهٔ کامل بین همسایگان معظم ما رعایت ودرجریان سیاست امروزهٔ دنیا توانا و خیلی عاقل باشند چون موازنهٔ سیاسی درایران یگانه ضامن بقاو استقلال ایران است .

راجع بماده دوم برنامه امنیت در ایران بدون مجازات ممکن نیست و بدست کی باید امنیت بر قرار شود وزرای ما که ازطهران پا بیرون نمیگذارند و از جریان حدود کشور و روحیهٔ مردم هم خیال نمیکنم اطلاع کاملی داشته باشند ، کی باید انجام دهد ؟ مأمورین دولت ، اگر اینها مایل بودند یا قادر بودند تابحال میکردند فرمانداری ها که نمایندهٔ وزارت کشور هستند و باید کاملاً ناظر جریان عملیات سایر مأمورین دولت باشند ولی دربودن فرمانداری ها یك سروان ژاندارمری صد هزار تومان از مردم اخاذی میکند و سایر مأمورین هم هر کدام درحدود اختیارات واقتدار خود مردم را بچاپند واین فرماندار از دستش کاری برنیاید که این اشخاص را تعقیب کند چه لزومی دارد فرمانداری وجود داشته باشد (استدعا میکنم آقایان توجه بفرمایند) خنده دراین است که اگر یکنفر ژاندارمی که باید تعقیب وبکار او رسیدگی شود افسر مافوق اورا برای رسیدگی مأمور میکنند هربچهٔ اطلاع دارد اگر یکنفر مأمور جزء کاری کرد صدی هفتاد با افسر مافوق خود ارتباط دارد وزارت کشور تا کنون از اول الی آخر چه کاری برای رضایت مردم انجام داده است بنده برای وضعیت شهرستان قوچان شرحی بآقای سروری عرض کردم قرار براین شد الی ۱۰ روز یك کمیسیونی برای رسیدگی بکارهای مردم اعزام دارند تا یکماه هم طول کشید خبری نشد و تابحال هم نشده وزارت کشور که مأموری در دسترس نداشته و قادر به رسیدگی کارهای مردم نباشد چه لزومی دارد وجود داشته باشد . ؟

راجع بمادهٔ سوم برنامه ـ بعقیدهٔ من دولت های ما دو برنامه دارند یکی برنامه های ظاهری که همین هاست یکی برنامه های باطنی که خودشان میدانند وآن این است تاکنون دولت هائیکه روی کار آمده اند و یا خواهند آمد طرفدار یك اقلیت محدودی هستند با اینحال چه امیدی میتوان داشت که برای سعی در بهبودی زندگی مادی و معنوی عامهٔ مردم بکنند هزینهٔ زندگی را به چه طریق پائین میآورید ؟ اولاً بطوریکه عرض کردم با بودن آقای میلسپو کاری از دستتان بر نمیآید گذشته از آن تاکنون عمل هیچکدام از دولت های گذشته نشان نداده که اقدامی بنفع عموم عامه مردم بکنند مادر این مملکت تا کنون ندیده ایم که تاجری که چای برای او کیلوئی دو تومان تمام شد وبه این مردم ۵۰ تومان فروخت و سرمایهٔ خودش را هم بکشور امریکا یا جای دیگر منتقل نمود چه معاملهٔ کرده باشند یا صاحب کارخانهٔ از حدود انصاف خود خارج و اجناسش را ده برابر قیمت تمام شده گرانتر فروخت چه مجازاتی برای او قائل شدند

یا مأمور دولتی که با این اشخاص ساخت چه وقت بمحاکمه جلب شد و همه میدانند که مخصوصاً دراین مدت سه‌سال اخیر تمام این عمل ها شده است چه کرده‌اند بنابراین اگر دولت منافع عمومی را در نظر دارد تا اینکه یك ادارهٔ مجازاتی به تمام معنی‌ومستقل بوسیله اشخاص‌لایق ووطن پرست‌تشکیل ندهند تمام این صحبت‌ها هیچگونه ارزشی برای ملت ایران ندارد هروقت هر کس از افراد این مملکت ازوزیر گرفته تا یکنفر سبزی فروش دانستند و فهمیدند کاری اگر برخلاف وظیفه و مقررات کشور انجام داد فوراً مجازاتی هست که جلوی اورا بگیرد آنوقت میتوان باینحرفها امیدواری داشت والا تمام این صحبت‌ها جزشیره مالیدن بسرملت ایران چیز دیگری نیست

راجع بمادهٔ ٤ برنامه ـ آقایان میدانند تشکیلات ادارات کشوری ما با این وضع فعلی حقیقةً ننگ آور است و هیچ کاری نمیشود کرد بعقیدهٔ من صدی پنجاه ازافرادیکه داخل در ادارات کشوری شده‌اند یا بتوجه اشخاص متنفذ بوده یافقط برای‌دزدی داخل شده‌اند یا شخصاً متمولند واحتیاجی بحقوق دولت ندارند دولت میتواند این اشخاص رااز ادارات بیرون کند وحقوق آنها را به اشخاصیکه صالحند ومانده‌اند بدهند آنوقت اطمینان دارم کارهای کشوریك جریان خوبی پیدا بکند دزدی و خیانت هم خیلی کمتر میشود والا اقدام دربهبودی حال کارمندان دولت یاتقویت حس وظیفه‌شناسی و انضباط کامل بوسیلهٔ اجرای اصل پاداش و بازخواست این حرف ها یك دلخوش کنکی است که بدرد ملت و مأمورین نمیخورد یعنی دولت آن‌تشکیلات منظمی را ندارد که قادر بانجام این‌عمل باشد فقط دولت باید شهامت این را داشته باشد که صدی پنجاه عضو ادارات را که وجود آنها لازم نیست و زائدند از ادارات بیرون کند . بعقیدهٔ من دولت باید چند چیزی را در نظر داشته باشد در درجهٔ اول همانکه عرض کردم ادارهٔ مستقلی بنام ادارهٔ مجازات تشکیل تا بتوان بدین وسیله دست یك مشت دزد و خائن را کوتاه نمود .

دوم ـ باید جداً طرفدار حفظ حقوق تمام مردم و مایل برفاهیت وسعادت عموم افراد کشور باشد و میدان چپاول را بیك عدهٔ محدودی نسپارد .

سوم ـ اگر کسی ازنمایندگان‌محترم خدانکرده تقاضای غیر مشروعی داشت رد کند و انجام ندهد (یمین اسفندیاری صحیح است ـ بسیار صحیح است) .

چهارم ـ نسبت بایلات و عشایر درهر گوشهٔ از کشور باشند علاقمند و فرهنگ و بهداری را در میان آنها توسعه و آنها را امیدوار و علاقمند بکشور بکند و مأمورین دزد و فاسد را بحدود آنها نفرستد که باعث جنجال و گرفتاری کشور را فراهم وبرای منافع شخصی یکعده اشرار تراشیده و متوسل بقشون کشی و برادر کشی بشوند .

پنجم ـ ازوزیر گرفته تا کوچکترین افراد مأمورین دولت نسبت بمردم مهربان وظیفه شناس و دارای این روحیه باشند که‌این مردم لخت وبیچاره ارباب و حقوق دهندهٔ آنها هستند مطالبی راجع بحوزه انتخابیهٔ خودم که گفتن آنها ضروری‌است مختصراً عرض میکنم (استدعامیکنم دولت توجه داشته باشد) .

اولاً ـ اخیراً یك عده‌نظامی خلع اسلحه‌بآن حدود رفته‌اند البته‌بایداسلحه‌ازدست‌مردم گرفته‌شودولی بعضی نکاتی‌است که برای اطلاع دولت عرض میکنم . اولاً سال گذشته عده‌ای تقریباًدرحدود ۳۰۰ نفرازاشرارترکمن مسلح بدهات قوچان ریختند که بعضی از دهات آنجا را غارت و درمقابل این تجاوز و غارت و چپاول دولت کسی را نداشت که جلو گیری کند رجوع کرد بیکنفر از خوانین که ایشان بکمك‌محلی‌ها خودشان جلو گیری کردند ولی اموال غارت شده مردم‌هنوز دولت موفق نشده‌است‌پس گرفته بمردم بدهد و دراینخصوص همیشه شکایت نموده‌اند ولی متجاوز از یکسال است که دولت کاری نکرده‌است وحالیه درمقابل ترکمن‌ها که تمام مسلح هستند لازم‌است و مصلحت هست که از بعضی‌اشخاص درقوچان اسلحه گرفته شود یاخیر آنرا باید دولت تشخیص بدهد ولی میخواهم سئوال کنم دولت میتواند قول بدهد که اگر از طرف همان‌اشرار مجدد مثل سال گذشته تجاوزی‌شد

چه‌اطمینانی بمردم میدهند ؟ بعقیدهٔ من دراین جور مناطق اول لازم است امنیت کاملی بین تمام‌طوایف برقرار کنند و پادگان‌های نظامی در بعضی قسمتها که ضروری است نگاه دارند که کسی از وظیفهٔ خود تجاوز نکند و اغنام و احشام مردم در معرض تهدید عده‌ای از اشرار ترکمن یا دیگران واقع نگردد برای اینکه درقوچان اکثر مردم دارای اغنام و احشام میباشند که امرار معیشت آنها ازین قسمت تأمین میشود وضمناً دولت دستور دهد (استدعا میکنم دولت کاملاً توجه کند) که بنام اسلحه گرفتن هر کس را که میشود پول ازاو درآورد اذیت‌وآزارنکنند (اردلان ـ صحیح است) و متعرض اشخاص صالح و مال‌داران نشوند .

دوم ـ راجع‌بدارائی‌شنیده‌ام که‌مأمورین مالیات‌بردرآمد بدهات قوچان ریخته اند وهرفقیر بدبختی که شاید ده بیست سی گوسفند داشته باشد برای هر گوسفندی ۵ پنج ریال از مردم مالیات بردرآمد میگیرند (جناب آقای وزیر دارائی) که ازین پولهای گرفته شده شاید صدی ده آنراهم بحساب دولت نیاورند من نمی‌فهمم ۵ ریال مالیات گرفتن از هر بز یا گوسفندی مطابق کدام قانون است با اینکه دراین‌قسمت باقای میلسپو نوشته‌ام ولی میدانم فایده‌ای ندارد لازمست آقای وزیر دارائی در این خصوص دستور تلگرافی بدهند که این اشخاص را تعقیب و بمحاکمه جلب کنند . ضمناً برای‌یادآوری میخواهم عرض کنم که در آن‌مناطق مرز نشین لازم‌است‌بفرهنگ و بهداری مردم توجه بیشتری‌بشود هرچه بدولت‌های سابق این‌تذکررا دادیم فقط بکاغذ پرانی گذشت درصورتیکه ازنقطهٔ‌نظر سیاست ومصلحت کشور کاملاً واجب و ضروری است ولی افسوس در مقابل این وضعیت حاضره آنچه بجائی نرسد فریاد است . درخاتمه عرایضم این‌طرحی را که بنده تهیه کرده‌ام اگر آقایان اجازه میفرمایند میخوانم :

مقام مقدس مجلس شورای ملی

نظر باینکه حفظ منافع عالیه (آقایان استدعا میکنم توجه بفرمائید خواهش میکنم توجه بفرمائید) (اردلان چشم آقا بفرمائید) و حقوق ملت ایران از فرائض وتکالیف اولیه نمایندگان محترم است و حفظ منافع ملت و کشور (حضرت آقای طباطبائی استدعا میکنم نخندید اینجا جای خنده نیست) دراین است که کلیهٔ روابط اقتصادی ومناسبات ایران‌باهمسایگانش برپایه آزادی‌اراده و استقلال فکر جامعه باشد . ونظر باینکه مجلس‌شورای ملی برروی‌همین اصل‌دیروز لایحه جناب آقای دکتر مصدق درباب امتیاز نفت و ممنوع شدن دولتهای ما را در اخذ تصمیم نسبت بآن باقید دوفوریت تصویب نموده و باتصویب مواد سه گانه آن ثابت نموده‌است که مجلس‌ایران معتقداست که هر گونه امتیازیکه از کشور ایران در اوضاع واحوال غیرعادی گرفته شود بی‌اعتباراست و چون خاطر نمایندگان و عموم افراد ایرانی آگاه است که واگذاری امتیازنفت جنوب بشرکت دارسی نیز در دوره استبداد وبرخلاف مصلحت ورضایت ملت ایران صورت گرفته وکلیه شرایط آن بزیان کشور بوده ومتأسفانه تمدیدوتجدید امتیازمزبورنیز در زمان دیکتاتوری و درموقعی‌برملت‌ایران تحمیل‌شده است که برای‌مجلس وملت‌ایران هیچگونه آزادی فکر و زبان وقلم حاصل نبوده و بالجمله تجدید و تمدید آن نیز بطریقی نامشروع و بضرر ایران صورت گرفته و در این معامله‌اجباری وغیر قانونی ملت‌ایران بشرحیکه جناب‌آقای دکتر مصدق در نطق‌های خودشان در مجلس تصریح نموده‌اند میلیاردها متضرر گردیده است نظر بجهات معروضه و نظر باهمیت موضوع و لزوم حفظ منافع ملی ماده واحده‌زیر را بقید دو فوریت پیشنهاد میکنم :

ماده‌واحده ـ مجلس شورای ملی ایران امتیاز نفت جنوب را که در دوره استبداد به شرکت دارسی واگذار شدیم و در دوره دیکتاتوری نیز آن را تمدید وتجدید نموده اند بموجب این قانون الغاء می نماید

عرض میشود که بنده یك روزی در اینجا صحبت کردم و عرض کردم که روح ملت ایران دراین مجلس حکمفرماست و بنده برخلاف نظر بعضی روزنامه ها و بعضی اشخاص که نسبت بنمایندگان محترم و نسبت باین مجلس جسارت و توهین‌هائی‌مینمایند اینهارا کاملاخیانت نسبت بکشورمیدانم

آقای دکتر مصدق السلطنه که یکی از رجال محترم این کشور هستند ثابت کردند که یکنفر فرزند بزرگ این وطن میباشند و حقیقةً لایق این نام میباشند و خودشان کاملاً این ضرر و این وضعیت را برای ما روشن کردند لذا از ایشان تقاضا میکنم که اولین شخصی باشند که پیشنهاد بنده را امضاء بفرمایند .

نایب رئیس ـ آقای دکتر آقایان .

دکتر آقایان ـ آقای دکتر کشاورز در مخالفتشان یك مطالبی را بعرض مجلس شورای ملی رساندند که بنده تصور میکنم باید جواب گفته شود (زنگ رئیس)

نایب رئیس ـ استدعا میکنم آقایان توجه بفرمایند آقای دکتر بلندتر بفرمائید .

دکتر آقایان ـ . . . آقای دکتر کشاورز وقتی که یك قضایای تاریخی را درش قضاوت عادلانه نشود چون تاریخ امروز امتداد تاریخ دیروز است امروز هم قضاوت عادلانه نمیشود و وقتی که قضاوت عادلانه نشد مملکت مثل یك کاروانی میماند که از راه غلط رفته باشد و به مقصد نخواهد رسید آقای دکتر کشاورز فرمودند که مشروطیت ایران در نتیجهٔ کودتای ۱۲۹۹ از بین رفت اگر ایشان و مخالفین این کودتا که امروز این قضیه را تنقید میکنند یك اشخاص بی اطلاعی بودند بنده حرفی نداشتم (دکتر کشاورز ـ این را بگذارید آقای سید ضیاءالدین خودشان بفرمایند وکیل مدافع نمیخواهند) عرض کنم که از تاریخ مشروطیت یعنی از روزیکه مجلس مقننه اول تشکیل شد تا روز کودتا چهار سال و ۹ ماه این مملکت مجلس داشته ۱۰ سال و دو ماه دورهٔ فترتش بوده مملکتی که این حال را دارد او را مملکت مشروطه اش نمیتوانیم نام بگذاریم مگر در تئوری .

دکتر کشاورز ـ اینطور نیست .

ایرج اسکندری ـ دورهٔ رضا شاه مشروطه بود ؟

دکتر آقایان ـ . . . این مملکت قبل از کودتا برخلاف آنچه اینجا گفته شد و هر روز گفته میشود فقط روی کاغذ مشروطه بود در عمل هیچوقت مشروطیت بصورت عمل در نیامده بود (دکتر کشاورز ـ این توهین به مجلس اول و دوم است) مملکتی که هر خانی ، هر مالکی در حدود خودش سلطنت مطلق داشت مملکتی که مالك عمده با لنگه جوراب مالك جزء را میداد خفه اش میکردند و لنگه جوراب را توی گلویش میکردند برای اینکه ملك اورا ببرند این مملکت را مملکت مشروطه نمیگویند مملکتی که وزارت پست و تلگرافش با نایب حسین کاشی یعنی یکنفر دزد قطاع الطریق عهد نامه می بندد (دکتر کشاورز ـ حالاهم باهمه رشید می بندد) که آقا ماهی فلانقدر بتو داده میشود که ـ .

حکمت ـ آقا این حرفها چیست میزنید این مزخرفات چیست میگوئید از موضوع خارج نشوید .

دکتر آقایان ـ آقا حق ندارید در وسط حرف بنده حرف بزنید .

بعضی از نمایندگان ـ هر وکیلی آزاد است حرفش را بزند .

ایرج اسکندری ـ کودتا قابل دفاع نیست هر کس کودتا کرده خیانت کرده .

دکتر آقایان ـ . . . از کودتا تا شهریور ما یك ترقیات خیلی مهم و زیادی کردیم مملکت در خارج یك آبروئی پیدا کرد من که در خارج بودم قبل از کودتا و بعد از کودتا تفاوتش را حس کردم همهٔ آقایان هم مثل من منتهی شما حق دارید بگوئید که در مدت این ۲۰ سال ظلم زیادی شد املاك مردم را بردند بیجهت یکعده زندانی شدند ، کشته شدند (صحیح است) اینها عیب رژیم وقت است ولی آقایان یعنی تمام عقلای دنیا یك اصلی را بطور ثابت معتقد هستند ما هم نباید انکار کنیم و آن اینست که یك مملکتی را از تاریخ خودش هیچوقت نمیشود برید و بتاریخ هم نمیشود زور گفت وفقط یك تکامل وضعیت مملکت را ممکنست با همراهی افرادش بیك جائی برساند اگر شما میل داشته اید که در ظرف ۲۰ سال این مملکتی که هر کس زور داشت لنگه جوراب بحلق دیگری می طپاند این مملکت در ظرف ۲۰ سال حال مملکت سویس یا انگلیس را پیدا کند این یك تقاضای بیجائی است برای اینکه اولوسیون

ملل باین ترتیب انجام نمیگیرد من خیلی متأسفم که آقای شریعت زاده اینجا تشریف ندارند ولی آقای قائم مقام الملك تشریف دارند (حکمت ـ چه فرمودید ؟) عرض کردم متأسفم که آقای شریعت زاده اینجا تشریف ندارند ولی آقای قائم مقام الملك هستند اینها میدانند که این مملکت یك وضعیتی داشت که یکنفر تبعهٔ خارجه حکومت وسلطنت مطلق داشت اگر یك تبعهٔ خارجه در کوچه میزد یك کسی را میکشت دولت ایران نمیتوانست حتی آن آدم را توقیف کند و وارد منزلش بشود و توقیفش کند این مملکت مشروطه است که اینقدر آقای دکتر کشاورز تعریفش را میکردند (فداکار ـ بهتر از این ۲۰ سال بود) این دیگر صحبت مقایسه است . اعتراض زیادی بدولت آقای ساعد شد در این اواخر راجع بحکومت نظامی ، آقای دکتر کشاورز و رفقایش یك مطلبی را باید کاملاً بدانند و این موضوع یك موضوع علمی است که ممکنست ندانند و او این است که اولاً وقتی یك قانونی هست این قانون باید محترم شمرده بشود . تا قانون حکومت نظامی هست و وجود دارد کسی بر خلاف مقرراتش نباید رفتار بکند حکومت نظامی خوب یا بد است باید باشد یا نباشد آن یك موضوع دیگری است اگر بد است باید اورا برداشت ولی تاوقتیکه وجود دارد نباید برخلاف مقررات یك قانونی رفتار کرد الآن کشور ما در یك خالی است که اینه قشون مختلف در آن وجود دارد مافوق العاده باید سعی داشته باشیم که خدای نکرده وضعیتی پیش نیاید که اجازه مداخله بیکی از آنها بدهیم تکلیف ما این است که بعد از سوم شهریور عجالتاً بغض و کینه را بگذاریم کنار آشتی بکنیم ودست بدست یکدیگر بدهیم و کوشش بکنیم که وضعیت مملکت اصلاح شود . عوض آن ما چه کردیم ؟ عوض آن ما بجان یکدیگر افتادیم و دولتی که قبل از سوم شهریور در تمام مملکت حکومت داشت وامنیت کامل در مملکت حکمفرما بود ما آمدیم آن دولت را بقدری فحش دادیم وبد گفتیم که امنیت مملکت بهم خورد امنیت یعنی چه ؟ امنیت یعنی یك حسی که در افراد یك جامعه پیدا میشود دولت که نماینده ملت است قوی است قانون قوت دارد وبرخلاف قانون نباید رفتار کرد این حس است که جلوگیری میکرد که یك زن یا یك بچه که قبل از سوم شهریور درسرتاسر مملکت مسافرت میکرد هیچکسی مزاحم او نمیشد و کسی او را صدمه و اذیت نمیرسانید ما این حس را از بین بردیم و برای بوجود آوردن این حس ما چندین سال زحمت کشیده بودیم حالا ما ده سال بیست سال دیگر هم باید زحمت بکشیم تا مجدداً این حس را در مملکت بوجود بیاوریم . . . .

دکتر کشاورز ـ پس بقول خودتان در این بیست سال امنیت کامل بوده

جمال امامی ـ گفتند امنیت راهها

فداکار ـ بقول خودت املاك مردم را بزور میبردند باز میگوئید امنیت بود

دکتر آقایان ـ ببخشید امنیت را باامنیت قضائی نباید تبدیل کرد بلی امنیت قضائی نبود و نمیتوانستند که امنیت قضائی بدهند اگر آقای دکتر کشاورز هم فردا دولتی تشکیل بدهد نمیتواند این امنیت قضائی را انجام بدهد برای اینکه یك رشدی لازم دارد و یك وقتی میخواهد این موضوع را با امروز و فردا نمیشود درست کرد این موضوع موضوع تکامل است بنده معتقد هستم که هر دسته ای یا هر کسیکه بعد از شهریور عوض تبلیغ اتحاد عوض کنار گذاشتن بغض و کینه عمل بر عکسی کرد این عمل بنفع مملکت تمام نشد و هر روز هم ضرر آن زیادتر میشود شخصی از رفقا که از کردستان آمده بود برای من تعریف میکرد که بیکی از خانهای کرد که شرارت میکرد گفتم چرا با دولت مخالفت میکنی . . . . .

یمین اسفندیاری ـ کی آمده بود ؟

دکتر آقایان ـ یك کسی آمده بود بآن کرد گفته بود که این کارهارا مکن شرارت مکن دولت قوی است میآیند تورا میگیرند ومیخکوبت می کنند آن کرد از زیر تشکش چهار پنج تا روز نامه در آورد و پرت کرد وسط اطاق گفت چه دولتی ؟ دولتی که زن و بچه وزرایش را یك

کسیکه یك قلم در دست دارد فحش میدهد بمن که تفنك در دست دارم چه میتواند بکند و چگونه می تواند طرف بشود . . . . .

صدر قاضی ـ (باعصبانیت) کرد با سواد نبوده است غیر ممکن است اکراد با سواد شرارت بکنند

سندجی ـ (با عصبانیت) اینطور نیست . این طور نیست . مزخرف میگوئی اشتباه میگوئی

اردلان ـ کردستان نبوده جای دیگر بوده است (زنك ممتد رئیس)

یکنفر از نمایندگان ـ کردستان نبوده خلجستان بوده (همهمه نمایندگان) (زنك رئیس)

یمین اسفندیاری ـ برخلاف عرض کرده‌اند

دکتر آقایان ـ اجازه بفرمائید از کردستان نبوده از خلجستان بوده تصور نمیکنم که آقایان مدعی باشند که در کردستان یکنفر آدم شریر ، پیدا نمیشود

صدر قاضی ـ کسیکه سواد داشته باشد شرارت نمیکند میگوئید روزنامه زیرتشکش بود کسیکه سوادداره شرارت نمیکند دزدی نمیکند

جمال امامی ـ چرا یکنفرشریر آنجا هست

نایب رئیس ـ آقایان اجازه بدهند ناطق صحبت خود را بکند

دکتر آقایان ـ اصل بد بختی مملکت اینجاست که بعد از شهریور دولت روحیه خودش را باخت . . .

جمال امامی ـ روحیه ما را هم باخت

دکتر آقایان ـ ملاحظه بفرمائید ازجمله بدبختی‌هائی که برای ایران پیش آمد نمود بیشتر از بد بختی نبود که برای انگلستان پیش آمد کرد ولی چون آنها روحیه را نباختند بالاخره فاتح شدند . . .

رادمنش ـ ما هم نباختیم

دکتر کشاورز ـ زمامداران ما لایق بودند

دکتر آقایان ـ آقایان میدانند که قبل از شهریور هیچ مأمور خارجه‌ای حق کوچکترین مداخله در کارهای ما نداشت . . . .

یکنفر از نمایندگان ـ ظاهراً نداشت

دکتر آقایان ـ ما کارهایمان را خودمان اداره میکردیم خوب اداره میکردیم یا بد اداره میکردیم خودمان اداره میکردیم اما حالا کار بجائی رسیده است که اگر آقای دکتر کشاورز برای مسافرت باصفهان یا بندر عباس تشریف ببرند باداره شهربانی و تقاضای یکدانه تذکره نمایند بایشان نخواهند داد اما با تقاضای فلان مقام خارجی موافقت خواهند نمود . . . .

یکنفر از نمایندگان ـ چون زمان جنك است

دکتر آقایان ـ خیر این هیچ ارتباطی بجنك ندارد ایرانی میرود تذکره میخواهد مأمورین شهربانی باید باو تذکره بدهند آن مملکت خارجی میل ندارد که شما در مملکت او بروید بشما روادید نمیدهد این حق اوست که باید حکومت بکند ولی چون ادارهٔ شما یك اداره ایرانی است وقتی که وابسته باداره خارجی باشد اینکه بشما تذکره نمیدهند نتیجه همان باختگی روحی است (صحیح است) سال گذشته در بلوك فریدن بنده برخوردم بیك صاحبمنصب خارجی که مأمور جمع آوری غله بود . . .

فداکار ـ همان موقع که صندوق عوض شد (خندهٔ نمایندگان)

دکتر آقایان ـ بلی همان موقع بود عرض کنم که این مملکت یك مملکتی بود که قبل از سوم شهریور یك کدخدا این کار را انجام میداد این آقای صاحبمنصب چه کار کرده بود؟ این آقای صاحبمنصب با دوسه نفر از خانهای خرده قرار داد کرده بود که این دو هزار تن و سه هزار تن گندم جمع آوری کرده شود بفلان قیمت کدخداها را جمع کرده بودند و بهشان ابلاغ کرده بودند که هر کسی بر خلاف میل و اراده رفتار کند تبعید خواهد شد این خانها چه استفاده‌ای کرده بودند ؟ هر کدام ده بیست الاغ سوار جمع کرده بودند باین ده بآن ده ده بیست روز در هر دهی خراب شدند بسر آنده تریاك و چائی و قند و پلو خوردند و مازاد را اضافه بر مازاد گرفتند و از هر دهی هم هزار تومان هزار و پانصد تومان دو هزار تومان گرفتند

صمصام ـ هیچو چیزی نبوده .

دکتر آقایان ـ بنده اسم دهش را بآقا میگویم که خدایش را هم میگویم مقدار پولی را هم که گرفته است میگویم .

صمصام ـ اگر من بشما ثابت کنم که هیچو چیزی نبوده است چه میفرمائید ؟

نایب رئیس ـ آقا صمصام چرا در بین صحبت ناطق صحبت میکنید .

دکتر آقایان ـ عرض کنم در قریهٔ یان چشمه رفتند هم مازاد گرفتند و هم خوردند و هم دوهزار تومان پول گرفتند

اردلان ـ چه تاریخی ؟

دکتر آقایان ـ عرض کنم سال گذشته همین موقع . . .

نایب رئیس ـ آقای دکتر آقایان شما باید صحبتتان را بفرمائید نه اینکه بفرد فرد نمایندگان جواب بدهید .

دکتر آقایان ـ این هیچ اهمیتی برای من ندارد که رفته باشم در یك قریه و یك ظلمهائی هم کرده باشند هنوز هم از این قضایا زیاد اتفاق میافتد ولی برای من یکموضوع اهمیت دارد و آن این است که این استان و این فریدنی که تا آنروز میدانست که اگر یك بخشدار کوچکی که میآید آنجا باید از او اطاعت و پیروی بکند و هر وقت که دولت ابلاغی که میکند باید اجرا شود حالا وقتیکه می‌بیند برای جمع آوری گندمش دولت تحویل یك صاحبمنصب خارجی مینماید در روح و فکر خودش اینطور نتیجه میگیرد که دولت ایران بقدر این آدم قدرت ندارد که این کار را انجام دهد این فکر مضر است و اسباب زحمت مملکت شده و خواهد شد بنا براین اگر دولتهای ما روح خودشان را نباخته بودند بعد از آن سه چهار روزیکه ما با متفقینمان در حال جنگ بودیم . . .

سندجی ـ (با عصبانیت) ما کی با متفقینمان در جنك بودیم این حرفها چیست تمام صحبتهایتان دروغ است .

دکتر آقایان ـ من گفتم در آن سه روز که با متفقین خودمان در حال جنك بودیم آخر تاریخ را که نمیشود تکذیب کرد .

یکنفر از نمایندگان ـ در حال جنگ نبودیم در حال مقاومت بودیم .

فولادوند ـ ما جنگی نداشتیم .

اردلان ـ در حال بحران بفرمائید .

فاطمی ـ (با عصبانیت) ما با کسی جنگ نداشتیم (همهمه نمایندگان) (زنگ ممتد رئیس)

بعضی از نمایندگان ـ این مزخرفها چیست . این حرفها مسموم است .

دکتر آقایان ـ اگر آقایان اجازه بفرمایند من از عرایض خودم نتیجه میگیرم .

سیف پور فاطمی ـ (خطاب بآقای دکتر آقایان) آخر توجه بکلماتتان بکنید .

دکتر آقایان ـ بنده توجه دارم عرض کنم خدمت آقایان اگر وقتیکه یك صاحبمنصب خارجی یا مأمور خارجی در کار ما کوچکترین دخالتی که میکرد آنروزها اگر دولت دخالت میکرد و جلوگیری میکرد هیچ از این قضایا پیش نمیآمد و نگرانی در همسایگان ما پیدا نمیشد ما یك مملکت کوچکی هستیم بین دو همسایه خیلی بزرگ ما بایستی یك سیاستی داشته باشیم و یك عملی بکنیم که هیچگونه مجوز نگرانی برای هیچکدام از همسایگان خود ایجاد نکنیم (اظهار شد ـ اکثریت نیست) پس از چند دقیقه اکثریت حاصل شد .

اردلان ـ بفرمائید آقا .

دکتر آقایان ـ بنده میخواستم به آقای نخست وزیر که حضور ندارند عرض کنم .

فرهودی ـ آقای نخست وزیر نیستند کیفشان که هست (خنده نمایندگان) .

دشتی ـ پس صبر کنید تا آقای نخست وزیر بیایند .

دکتر آقایان ـ ما بایستی با یك ترتیب مساواتی با همسایگان خودمان رفتار بکنیم وقتیکه رئیس کل دارائی در روز نامه مینویسد که ما نمیخواهیم با مملکت اجنبی معامله بکنیم و هر خواننده‌ای میفهمد که این جمله مربوط بچه دولتی است این معلوم است که یك کار غلطی است و ایجاد یك نگرانیهائی میکند و اصولا هم کار احمقانه‌ایست

من مالی دارم وقتیکه مازاد دارم باید بهمسایه خودم بدهم این مسلم است که اگر من مالی رااضافه داشته باشم وبخواهم بفروشم حق تقدمش با همسایه من است این یك چیز طبیعی است اگر کسی ده تومان بمن بدهد آن دیگری هم ده تومان بدهد من حق ندارم آنرا تغییر بدهم ؟ من حق ندارم آنرا بهمسایه خودم بدهم ؟ اگر همسایه من حاضر نباشد مال را بقیمت عادلانه از من بخرد در اینصورت من اعلام نخواهم کرد که با او معامله نخواهم کرد من اعلام خواهم کرد و خواهم گفت آقا قیمتی که فلان دولت بمن میدهد مرا راضی نخواهد کرد مال مرا بیشتر میخرند ولی اینطور نمیگویند این طرز گفتن ایجاد یك دلسردی و اسباب زحمت روحی و فکری میکند و معلوم است که عمل صحیحی نیست دو مطلب باقی است که بایستی بعرض برسانم یکی مربوط بموضوع نفت و حسابی است که آقای دکتر مصدق در اینجا یکروزی دادند و دیروز هم رقمش را تکرار کردند .

یکنفر از نمایندگان ـ این مورد ندارد .

دکتر آقایان ـ اجازه بفرمائید همه میدانند که مرحوم داور یکی از عاملین بزرك بود در تنظیم و تجدید قرار داد نفت جنوب داور نیست که از خودش دفاع بکند ولی من تکلیف وجدانی خودم میدانم که این جا یك توضیحی بدهم برای اینکه آنهائیکه مرحوم داور را نشناخته اند بدانند که داور شخصی نبود که زیر بار حرف زور برود و نه شخصی بود که بمملکت خودش خیانت بکند موضوع خیلی مفصل است ولی یك چیز ثابت است بین امتیاز دارسی و تجدید نظر تفاوت از زمین تا آسمان است اولا مساحت امتیازش شش هفتم کم شده یعنی مساحت اولی تمام ایران بود غیر از پنج ایالت شمال و در تجدید نظر محدود بیکصد هزار میل مربع شده است بطوری که در تجدید نظر یك هفتم باقیمانده و شش هفتمش رفته است . تا تجدید نظر هیچوقت عایدات ما بسالی ۷۵۰ هزار لیره نمیرسید و از آن تاریخ تا امروز حداقل عایدات نفت از سه میلیون لیره پائین تر نیامده است .

ایرج اسکندری ـ پس میفرمائید یکمرتبه دیگر تجدید کنیم

دکتر آقایان ـ .... مطلب دیگر : بنده ....

دهستانی ـ آقاول کنید هر کس راجع بنفت صحبت میکند .

جمعی از نمایندگان ـ بفرمائید . بفرمائید .

دکتر آقایان ـ عرض کردم مطلب دوم بنده یك مطلب اختصاصی است عرض بنده خطاب بآقای وزیر فرهنك است یکی از اثرات بد ایندوره ۲۰ ساله این بود که باقلیت زبانی اجازه داده نمیشد که اینها زبان خودشان را مرتباً تحصیل بکنند . آقای وزیر فرهنك که خودش مرد عالمی است من میخواهم بایشان یك تذکری عرض کنم قدیمترین ممالکی که آزادی زبان را تجویز کرد وهیچوقت هم ازش ضرری ندیده است سویس است آقایان میدانند که مملکت سویس مرکب از سه زبان وسه نژاد مختلف است ولی یك ملتی است خیلی قوی .

جمعی از نمایندگان ـ اکثریت نیست آقا .

نایب رئیس ـ اگر آقایان اجازه بفرمایند پنج دقیقه تنفس داده شود . (صحیح است)

(در این موقع مقارن ظهر مجلس بعنوان تنفس تعطیل و مجدداً بفاصله نیمساعت تشکیل گردید)

دکتر شفق ـ بنده یك اخطاری دارم اجازه میفرمائید؟

نایب رئیس ـ آقای دکتر شفق .

دکتر شفق ـ بنده میخواهم دقت آقایان را بماده ۱۱۲ راجع بقطع نطق نمایندگان جلب کنم . در تمام مدتی که بنده در مجلس بوده ام ندیده ام اشخاصی که خودشان صحبت میکنند هر اندازه بی انتظامی هم بکنند کسی اظهار نظر بکند برای اینکه هر اظهار نظری و اندك نظری نسبت بآقایان صحیح نیست وقتی که آقایان میآیند اینجا میایستند و نطق میکنند وقتی که میگوئیم نماینده مجلس مصون است بدون تردید یك قسمت از مصونیت او هم در داخل خود مجلس باید رعایت شود . نماینده باید آزادی کامل داشته باشد راجع به عقایدی که میخواهد اظهار کند . اینجا مجلس شورای ملی است و نباید نزاع بشود در مجلس سر اینکه یك عقایدی اظهار بشود . اما راجع باینکه بموجب نظامنامه نطق کسی مخالف

نظامنامه است یا نیست بموجب بعضی مواد نظامنامه تشخیص این موضوع با رئیس است (صحیح است) و مقصود از این قانون این است که از هر دهنی یك آوازی درنیاید و نظام مجلس مختل نشود ما اگر نتوانیم عقایدمان را در مجلس بدون مشکلات بیان کنیم پس کجا باید بیان بکنیم ایشان تحقیقاتی دارند عقایدی دارند ولو اینکه مطابق میل وذوق ما باشد یا نباشد باید حرفشان را بزنند تا اینکه نظام مجلس مختل نشود وما مجبور به تنفس و تضییع وقت نشویم . من استدعا میکنم که همگی حاضر باشیم تمام نظریات وعقاید همکاران خودمان را بشنویم واگر مخالفتی داریم درموقع خودش بگوئیم (صحیح است)

نایب رئیس ـ آقای دکتر آقایان

دکتر آقایان ـ قبلاً برای برطرف شدن هر گونه سوء تفاهمی یك مطلبی را میخواهم توضیح بدهم . آقای سیف پور فاطمی در سرسرا یك مطلبی را به بنده فرمودند و گفتند آن مطلبی را که راجع بجمع آوری غله گفتید چرا اسم نبردید من میخواستم اسم ببرم ولی از آنجائیکه مطابق توضیحی که ایشان دادند ممکن است این بردن اسم ایجاد یك تصوراتی نسبت بیك خانهائی (خانهای بختیاری) بکند این بود که اسامی را ذکر نکردم . اولاً در آن موقع فریدن جزء بختیاری نبود و جزء اصفهان بود و این اشخاصی که گفتم اینها هستند : محمد جواد خان شجاعی ـ سالار شجاع محمد علی خان مردانی ـ ستار خان دلیلی . آقای سیف پور فرمودند که اینها خان نیستند اینها یك اشخاص لختی هستند چون دنبال اسامی شان خان بود من هم مجبور شدم که خان ذکر کنم ولی نمیدانم اینها چند مرده حلاج هستند همینقدر میدانم رفتاری که با اهالی کردند بسیار بد بود و در نتیجه این رفتار بود که فریدن را وصل کردند بحکومت بختیاری بله صحبت این بود که تا موقعیکه ما دولت ها را در مطبوعات و در مجلس و در بیرون ازشان بد گوئی میکنیم فکر این را نمیکنیم که حرفی را که در مجلس و در مطبوعات زده میشود انعکاسش در بین مردم و در ولایات و ایالات چیست . ما آن روز تصور نمیکنیم که یك دولتی موفق شود که واقعاً مملکت را در تصرف خودش داشته باشد و بتواند جلوگیری از هر گونه دسته بندی و خود مختاری و بقول آذربایجانی های ما (گله گوزی) بکند (بعضی از نمایندگان چه فرمودید آقا ؟) یك موضوعی که در زندگی ما مؤثر است وبنده میخواهم بجناب آقای نخست وزیر تذکراً عرض کنم این است که بدبختانه روی همان اصلی که عرض کردم دولتها روحیه خودشان را باختند . در این مملکت قسمتی از زندگی اقتصادی ما هم اسباب بازی شد . متفقین از نقطه نظر گرفتاری خودشان در دنیا که در نتیجه جنگ پیش آمده است مجبور بودند یك نظارتی در واردات وصادرات ممالك بکنند وبرای رفع احتیاج آنها از مقدار کشتی که در اختیار دارند یك مقداری را اختصاص بدهند بهر کدام از این ممالك . معلوم است اگر این موافقت متفقین نبود از آنجا که کشتی آزاد در دنیا وجود نداشت ما احتیاجات خودمان را نمیتوانستیم رفع کنیم و از این نقطه نظر سپاسگذاریم ولی صحبت در این است که آن مقدار جائی که سالیانه برای ما در کشتیها اختصاص داده میشود چطور مملکت از او استفاده بکند و در نتیجه همینکه دولتهای گذشته شخصیت این را نداشتند که قضایا را با مقامات عالیه متفقین حل بکنند این قضیه افتاده است بدست یك عده مأمورین جزء که عملیاتی که میکنند بمیل خودشان است ودر نتیجه اسباب زحمت مملکت شده است . آقایان همه میدانند اگر عرضه کننده زیاد باشد یك مالی تنزل پیدا میکند یا قیمت عادله پیدا میکند و اگر عرضه کننده کم باشد قیمت مال بالا میرود این کالا (بقول آقای مهندس فریور) در نتیجه تقسیماتی که بعضی اوقات روی رفاقت میشود یك مالهائی اختصاص داده شده است بیك اشخاصیکه در نتیجه زندگی و ارزش زندگی را بالا برده است . آقایان نظر دارند سال گذشته یك چراغ الکتریك اگر میخواستند بخرند پنج تومان ۸ تومان قیمت داشت ولی امروز بیك تومان یا ۱۵ ریال رسیده است چرا ؟ برای اینکه درسال گذشته اجازه بیك اشخاص محدودی داده شده بود و عرضه کننده کم بود

قیمتها بالا رفته. مالی بود درسال گذشته که قیمتش خیلی بالا رفته بود و هر کیلوئی به ۱۷ تومان و ۲۰ تومان رسیده بود ولی حالا ۳ تومان هم خریدار ندارد. بنابر این دولت باید کمال دقت را داشته باشد که آنجائی را که در کشتی برای ایران تخصیص داده‌اند و تا آخر جنگ سالیانه تعیین میشود تحت نظر دولت تنظیم و مرتب بشود و بین تمام تقاضا کنندها تقسیم بشود نه اینکه یك جا یك مالی بیك نفر یا دو نفر داده شود که اینها رمق اقتصادی این مملکت را بگیرند مخصوصاً اینکه تمام تجار ما ایرانی نیستند و نمیشود گفت که تفاوت ندارد در هرصورت این مال میآید بمملکت یا جیبش میآورد یا جیبین میآورد این غلط است برای اینکه این حسن ایرانی است وقتی که این مال را آورد و احتکار هم کرد (در حالیکه این برخلاف انسانیت است) این پولی که او از ملت ایران باین ترتیب میگیرد و خلاف انصاف است این پول جزء سرمایه ملت ایران باقی میماند ولی وقتی که یك نفر خارجی بود و این خارجی یك مالی را میآورد باین مملکت و یك تومان ارزش دارد و این شخص میفروشد بده تومان و این پول را میبرد بیرون این از دارائی و تمول این مملکت کسر می شود. من معتقد هستم که دولت آقای بیات که من بایشان هم رأی تمایل دادم و هم رأی اعتماد خواهم داد کوشش خواهند کرد از هر گونه مداخله مأمورین خارجی مال هر همسایه و هر ملتی که باشد در کارهای ما در خاك ما جلوگیری کنند. برای اینکه حقوق حاکمیت ما محفوظ باشد دردرجه دوم کوشش خواهند کرد که اقتصاد مملکت که هیچگونه نقشه‌ای ندارد و روی میل و اراده یك اشخاص محدودی می‌چرخد که صلاحیت این کار را ندارند ما از آن شورای اقتصادی که در نظر گرفته بودیم و عده از آقایان هم حضور داشتند و برنامه آنهم تنظیم شده ولی هیچوقت جمع نشد از آن شورا استفاده کنیم. آقای نخست وزیر بنده عقیده بنده معتقد باین اصل هستند که کارهای مارا ما خودمان باید بکنیم اگر میخواهیم حق این را داشته باشیم که ادعا کنیم ما مملکت مستقلی هستیم. درهر موضوعی میتوان صحبت و باهر دولتی و باهر همسایه ای هر معامله‌ای میتوان کرد مگر معامله‌ای که مربوط به حیثیت و حقوق حاکمیت مملکت باشد. اینها چیزی نیست که مورد گفتگو یا مورد بحث واقع شود.

طباطبائی ـ ختم جلسه

[۱۳ ـ اقتراع جهت شرفیابی روز عید غدیر]

نایب رئیس ـ چون پس فردا مصادف باعید غدیر است اجازه بفرمائید مطابق معمول ۱۲ نفر بحکم قرعه برای شرفیابی انتخاب بشوند.

بعضی از نمایندگان ـ جلسه کی است؟

نایب رئیس ـ اجازه بفرمائید اقتراع بعمل بیاید بعد جلسه را عرض میکنم.

(اقتراع بعمل آمده ۱۲ نفر آقایان زیر انتخاب شدند:)

آقایان: مظفرزاده - فرود - ظفری - نبوی - تیمورتاش - کاظم جلیلی - علی اقبال - مؤید قوامی - فلسفی - نقابت - فرمانفرمائیان - امیرتیمور.

هاشمی ـ دیروز آقایان محترم متوجه بودند که پیشنهاد و طرحی که جناب آقای دکتر مصدق بمجلس دادند در سه چهار ورقه بود و آقایان محترم طرف راست و چپ و مرکز مجلس متفرق شدند برای امضاء و شاید قریب ۷۰ یا ۸۰ بلکه ۸۵ امضا شد ولی از این اوراق یك فقره بیشتر بدست من نرسید استدعا میکنم آقایان بهریك از کارمندان و منشی‌های مجلس داده‌اند بفرمایند که ما آنها را مرتب کنیم (صحیح است).

[۱۴ ـ قرائت گزارش کمیسیون عرایض راجع باقای سهیلی و ارجاع آن بکمیسیون دادگستری]

نایب رئیس ـ چند فقره گزارش از کمیسیون عرایض رسیده است آقایان اجازه بفرمایند قرائت شود:

ریاست محترم مجلس شورای ملی ـ اعلام جرم آقای فرخ نماینده محترم مجلس بر علیه آقای علی سهیلی نخست وزیر سابق نسبت بدخالت در امر انتخابات شیراز، جهرم و آباده که برای رسیدگی بکمیسیون عرایض فرستاده بودند مورد مطالعه قرار گرفت و در مدارك آن که عبارت از رونوشت غیر مصدق دو برگ تلگراف بوده است دقت شد. مخصوصاً

از طرف کمیسیون آقای شهاب منشی کمیسیون قبلاً و آقای افشار رئیس کمیسیون بعداً به نخست وزیری رفته در اطراف تلگرافات مزبور تحقیق نموده چون گزارش داده‌اند که چنین تلگرافاتی موجود نبوده است لذا کمیسیون عرایض ادامه تحقیقات در اعلام جرم فوق را بعلت کافی نبودن مدارك لازم نمیداند.

نایب رئیس ـ بموجب ماده ۳ قانون محاکمه وزراء بکمیسیون دادگستری ارجاع میشود.

[۱۵ ـ قرائت و تصویب ده فقره گزارش کمیسیون عرایض و مرخصی]

نایب رئیس ـ گزارش مرخصی آقای طوسی بعرض مجلس میرسد:

آقای طوسی درخواست یکماه مرخصی از تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۲۳ نموده‌اند و مورد موافقت کمیسیون عرایض و مرخصی واقع شده اینك گزارش آن تقدیم میشود.

نایب رئیس ـ رأی گرفته میشود به یکماه مرخصی آقای طوسی آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. گزارش مرخصی آقای فتوحی:

آقای فتوحی یکماه مرخصی از تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۲۳ خواسته‌اند و چون بواسطه اشتغال بامور شیر و خورشید سرخ مراغه و سایر قضایای محلی بیست و چهار روز علاوه برمدت مصوبه درمحل اقامت کرده‌اند درخواست بیست و چهار روز تمدید نموده‌اند و کمیسیون عرایض و مرخصی با درخواست ایشان موافقت نموده اینك گزارش آن تقدیم میشود.

نایب رئیس ـ آقای فیروزآبادی.

فیروزآبادی ـ بنده مخالفت با این شخص ندارم غرض این است که عقیده دارم که مجلس باید سرمشق جاهای دیگر باشد باین معنی که هر کس کار کرد حق او را بدهد والا ندهد آقا یکماه مرخصی گرفته بودند و مجلس اجازه داده بود حالا دو مرتبه در این مرخصی یك مرخصی دیگر درخواست کرده‌اند ایشان باید بدانند که کار نکرده مزدی نباید گرفت آنهم دو مرتبه.

نایب رئیس ـ رأی میگیریم بگزارش کمیسیون عرایض راجع بمرخصی آقای فتوحی آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. گزارش کمیسیون راجع بمرخصی آقای امیرابراهیمی:

آقای امیر ابراهیمی درخواست چهل روز مرخصی از تاریخ ۱۴ آبان ماه نموده و مورد موافقت کمیسیون عرایض و مرخصی واقع شده است اینك گزارش آن بعرض میرسد.

نایب رئیس ـ رأی میگیریم بمرخصی آقای امیرابراهیمی آقایان موافقین قیام نمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد گزارش کمیسیون راجع بمرخصی آقای ذوالقدر

آقای ذوالقدر برای معالجه فرزندشان در تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۲۳ بفلسطین مسافرت کرده‌اند و مدتی مشغول معالجه بوده‌اند در نتیجه دو ماه و پنج روز غائب بوده‌اند و اکنون درخواست اجازه نموده‌اند کمیسیون عرایض و مرخصی عذر ایشانرا موجه تشخیص داده اینك گزارش آن تقدیم میشود

نایب رئیس ـ رأی میگیریم بمرخصی آقای ذوالقدر آقایان موافقین قیام نمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد گزارش کمیسیون راجع بمرخصی آقای دکتر شفق:

آقای دکتر شفق درخواست ۲۰ روز مرخصی کرده و بتصویب مجلس رسیده بود اکنون درخواست ده روز تمدید نموده‌اند و مورد موافقت کمیسیون عرایض و مرخصی واقع شده اینك گزارش آن بعرض میرسد.

نایب رئیس ـ رأی میگیریم بمرخصی آقای دکتر شفق آقایانی که موافق هستند قیام نمایند اکثر برخاستند تصویب شد. گزارش کمیسیون راجع بمرخصی آقای خاکباز:

آقای خاکباز درخواست یکماه مرخصی از تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۲۳ نموده و بتصویب مجلس رسیده بود چون انجام امور ضروری محلی ایجاب کرده که مدت بیشتری در محل توقف کنند لذا درخواست پانزده روز تمدید نموده‌اند و مورد موافقت کمیسیون عرایض و مرخصی واقع شده اینك گزارش آن تقدیم میشود:

نایب رئیس ـ رأی میگیریم بگزارش کمیسیون عرایض

راجع بمرخصی آقای خاکباز آقایانی که موافقند قیام نمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. گزارش کمیسیون راجع بمرخصی آقای دکتر زنگنه:

آقای دکتر زنگنه درخواست پانزده روز مرخصی از تاریخ پنجم آذر ۲۳ نموده‌اند و مورد موافقت کمیسیون عرایض و مرخصی واقع شده اینك گزارش آن تقدیم میشود.

نایب رئیس ـ رأی میگیریم بگزارش کمیسیون عرایض راجع بمرخصی آقای دکتر زنگنه آقایان موافقین قیام نمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. گزارش کمیسیون عرایض راجع بمرخصی آقای دکتر فلسفی:

آقای دکتر فلسفی درخواست سی و دو روز مرخصی از تاریخ دوم آبان ۲۳ نموده اند و مورد موافقت کمیسیون عرایض و مرخصی واقع شده اینك گزارش آن تقدیم میشود.

نایب رئیس ـ رأی میگیریم بگزارش کمیسیون عرایض راجع بمرخصی آقای فلسفی آقایانی که موافق هستند قیام نمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. گزارش کمیسیون عرایض راجع بمرخصی آقای مهندس فریور:

آقای مهندس فریور درخواست یازده روز مرخصی از تاریخ ۲۷ مهر ۲۳ نموده اند و مورد موافقت کمیسیون عرایض و مرخصی واقع شده اینك گزارش آن تقدیم میشود.

نایب رئیس ـ رأی میگیریم بگزارش کمیسیون عرایض راجع بمرخصی آقای مهندس فریور آقایانی که موافق هستند قیام نمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. گزارش کمیسیون عرایض راجع بمرخصی آقای منصف:

آقای منصف بواسطه کسالت ممتدی که دارند و متجاوز از چهارسال است مشغول معالجه بوده اند بهبودی نیافته اند برحسب دستور اطباء برای معالجه عازم فلسطین شده اند و درخواست دوماه مرخصی ازتاریخ هفتم آذر ۱۳۲۳ نموده‌اند کمیسیون عرایض و مرخصی عذر ایشان را موجه تشخیص داده اینك گزارش آن تقدیم میشود.

نایب رئیس ـ رأی میگیریم بگزارش کمیسیون راجع بدو ماه مرخصی آقای منصف آقایان موافقین قیام نمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. اگر موافقت دارند جلسه را بعنوان تنفس ختم کنیم (صحیح است) جلسه آتیه فردا صبح (دوشنبه ۱۳ آذرماه) ساعت ۹

(مجلس یکساعت وربع بعد از ظهر بعنوان تنفس تعطیل و مجدداً روز دو شنبه ۱۳ آذر ماه یکساعت پیش از ظهر بریاست آقای ملك مدنی (نایب رئیس) تشکیل گردید)

[۱۶ - بقیه مذاکره در برنامه دولت واخذ رای اعتماد]

نایب رئیس ـ آقای دشتی (گفته شد ـ تشریف ببرید پشت تریبون)

دشتی ـ بنده عرایضم چون مختصر است و عادت‌هم دارم که اینجا صحبت کنم اجازه بفرمائید اینجا عرایضم‌را بکنم موقعی که ما اسم نویسی کردیم برای بحث درپر گرام‌دولت من خیال میکردم واقعاً درمجلس شورای ملی پر گرام‌دولت مطرح خواهد بود وبحث در پر گرام دولت خواهد شد ولی متأسفانه چنانکه ملاحظه میفرمائید تا بحال بعقیدهٔ بنده در برنامه دولت صحبتی نشده است. متأسفانه ازدوره چهاردهم این عادت پیدا شده است که هروقت پر گرام دولت مطرح میشود در خود پر گرام هیچ صحبت نمیشود صحبت آقایان یا راجع باشخاص بود یا راجع بعملیات دولتهای سابق در کابینه اول ساعد تمام صحبتها یا راجع بدوره رضاشاه بود یا راجع بدولت سابق ودوره سیزدهم و حقیقةً این اسباب‌تأسف است برای اینکه برنامه مشی‌سیاسی‌دولت است برنامه‌دولت یك چیزی است که تکلیف مملکت‌را معلوم میکند و در آن برنامه است که دولت هم باید از نظریات جمیع نمایندگان راجع به سیاست مملکت راجع باقتصاد مملکت اصول وافکاری اتخاذ بکند و پرود دنبال آنکار ولی همانطوری که عرض کردم از اول دوره چهاردهم این نشد. البته در مثل نباید مناقشه کرد و مثل‌را نباید باواقع تطبیق کرد زیرا مثل‌برای این است که حقیقت و واقع یك شیئی کاملاً معلوم شود از قیافه مجلس و وضعیتی که کابینه دوم ساعد در آن روزها هنگام طرح برنامه‌اش گرفته بود مثلی را بخاطرم آورد نمیدانم عروسیهای سابق یادتان میآید عروس را روی یك

صندلی می نشاندند یك توری روی سرش میانداختند چهار ساعت باید بنشیند اطرافیانش میخوردند میزدند ساز میزدند میرقصیدند آن عروس هم باید بنشیند نگاه کند کابینه آقای ساعدهم گوش تا گوش درمجلس نشسته بودند وهرکس صحبت میکردند و یك کلمه ویك نفسی از آنها در نمی‌آمد (بعضی از نمایندگان ـ الآن هم همینطور است) وکلا که بعنوان موافق و مخالف اسم نویسی کرده‌اند اگر واقعاً مخالف و موافق صحبت میکردند یعنی کسی که مخالف بود مخالفت خودش را میکرد و کسی که موافق بود بلند میشد جواب میداد که دولت مقصودش این است اگر واقعاً اینطور بود خوب بود بنده یاد دارم چندین نفر از آقایان پشت سرهم صحبت کردند یکی از آقایان که جزء موافقین بود وقتی که رفت پشت تریبون قریب یکساعت یك‌ساعت ونیم صحبت کرد وتمام سیأت دوره رضا شاه‌را بعنوان موافقت صحبت کرد یا اینکه تمام از خرابکاری‌های دورهٔ سیزدهم و کابینه‌های سابق صحبت کردند و بنده نفهمیدم که اینها چه مربوط بکابینه دولت ساعد بود علت این پیشامد خود کابینه آقای ساعد بود زیرا آقای ساعد همانطوری که بنده عرض کردم با اینکه مرد وطن پرست و مرد شریفی بود و یك فونکسیونر عالیمقامی بود و متجاوز از سی سال سابقه سیاسی داشت ولی برای اینکه رئیس الوزراء بشود ساخته نشده بود ریاست وزرای یك مملکتی پلتیك ژنرال یك مملکتی را در دست گرفته است تنها اینکه یك فونکسیونر خوبی یا یك آدم پاکدامنی باشد کافی نیست باید سازمان فکری داشته باشد و استخوان بندی فکری و سیاسی او طوری باشد که بتواند سیاست مملکت‌را اداره کند و راه ببرد وقتیکه اینطور شد طبعاً پرو گرام را مطابق اصولی که دارد تنظیم میکند و بعد هم از آن دفاع میکند وقتی اینطور نیست میروند یك پرو گرامهای کلی که باب طبع همه باشد مینویسند آنوقت میآیند می نشینند صحبت میکنند ولی این دفعه وقتی کابینهٔ آقای بیات تشکیل شد بنده مخصوصاً اسم خودم‌را نوشتم برای اینکه خیال میکردم برنامه دولت اینجا مطرح خواهد شد و در برنامه صحبت خواهیم کرد برای اینکه خود آقای بیات هشت نه دوره ده دوره وکیل مجلس بودند ویك مرد پارلمانتری هستند واغلب وزرائی که دارند همه اهل‌منطق وبیان هستند آقای دکتر سیاسی آقای اردلان آقای نصرالملك تمام اینها صحبت میکنند ولی ملاحظه بفرمائید که الآن روز ششم یا هفتم است که برنامه دولت مطرح شده است و یکنفر از وزراء صحبت نکرده است علت اینکه چرا تا بحال برنامه مطرح نشده است دو چیز است یکی اینکه این برنامه یك چیز کلی است و خط مشی دولت‌را معین نمیکند یکی هم اینکه بالاخره باید دولت جواب بدهد و بحث را اداره بکند اگر یك نفر رفت پشت تریبون و راجع بدولتهای سابق صحبت کرد صریح دولت جواب بدهد که آقا این مربوط بدولت سابق است اگر مطلبی راجع به برنامه من دارید صحبت بکنید و راجع به برنامه من هرپرحرفی میخواهید بکنید.

شنیدم یکی از وزرا بیکی از وکلا گفته بود بهتر همین است که ما رفتار میکنیم برای اینکه وکلاهی حرف میزنند بالاخره خسته خواهندشد هریك از آقایان رفته است فکری کرده است ونطقی تهیه کرده ممکن است یکساعت برودپشت تریبون صحبت بکند و یکنفر دیگرهم برود در جواب او باز صحبت کند و چون همه در اطراف مطالب گذشته صحبت میکنند مجلس طبعاً خسته خواهد شد آخر سرهم ما بلند میشویم یا رئیس الوزراء بلند میشود میرود پشت تریبون و میگوید «خیلی خوب ما حرفهای شما را شنیدیم واغلب تذکرات خیلی مفیدبود ما آنها را سرمشق خود مان قرار میدهیم و انشاء الله خوب خواهد شد» و بعد هم رأی اعتماد میدهند و قضیه تمام میشود ولی بالاخره آن حقیقت حکومت دمکراسی بنظر بنده از بین برخاسته حکومت دمکراسی یعنی اینکه در این مجلس شورای ملی در این کانون ملت ایران رئیس‌الوزراء باید بگوید که من اینکاررا میخواهم بکنم این کاررا میخواهم بکنم خط مشی‌سیاسی‌من این است و هر کس اعتراضی دارد بلند شود بگوید روی این خط مشی بحث شود و بعد هم رأی بگیرند اما اکثر

برنامه فقط کلیاتی باشد البته قضیه بآنجا هائی منتهی میشود که آن اطمینانی که مجلس شورای ملی باید پیدا بکند و دولت روی آن تکیه صحیحی به مجلس شورای ملی باید بکند نخواهد کرد . ملاحظه بفرمائید پریروز یکی از مهم ترین مشکلات سیاست این مملکت در این مجلس مطرح شد دولت یك کلمه حرف نزد که من موافق هستم یانیستم (دکتر طاهری ـ سکوت موجب رضا بود) شبهه ندارد که دولت راضی بودولی باید آنرا تائید کند زیرا یادم میآید (برای تائید عرض خودم) وقتی که آقای ساعد در ضمن یکی از جلسات لایحه آورده بودند راجع به آقای دکتر میلسپو درست یادم نیست یا صریحاً گفتند یا از نطق خود آقای ساعد یا وزراشان اینطور استنباط میشد که ما آورده‌ایم « بنظر مجلس برسانیم مجلس هرچه میخواهد رأی بدهد ما اطاعت میکنیم » من آنجا گفتم که این شکل حکومت دمکراسی نیست در ممالك دمکراسی باید دولت خودش یك خط مشی سیاسی داشته باشد دولت یعنی چه ؟ دولت یك دستگاهی است که محرك و مدیر سیاست مملکت است و طبعاً باید تماس کامل با مسائل سیاسی داشته باشد و باید یك خط مشی سیاسی مسلم و ثابتی داشته باشد و بگوید آقا این خط مشی من است مجلس شورای ملی اگر با این خط مشی موافق است من میمانم و الا میروم پی فکر خودم این شکل حکومت کردن همان حکومتهای دیکتاتوری است یعنی رئیس الوزرا برود در مقابل تخت رضا شاه تعظیم بکند بگوید هرچه امر میکنید من اطاعت میکنم این ترتیب صحیح نیست دولت باید سیاست و اصول داشته باشد و مخصوصا دولت خودش باید خط مشی سیاسی داشته باشد برای اینکه و کلا غالباً تماس زیادی با مسائل سیاسی ندارند در این صدو چند نفر وکیل که نگاه میکنید اغلب اینها کاسب و زارع و تاجر و مستخدم هستند و اغلب اینها وظیفهٔ سیاسی نیستند بنا بر این اطلاعات سیاسی ندارند پس بنا براین شخصی که باید محققاً در سیاست کار بکند دولت است یعنی دولت باید واضح و روشن یك خط مشی داشته باشد و آن را بمجلس بیاورد و آن خط مشی عبارت از کلیات نیست ملاحظه بفرمائید الان مهمترین ماده‌ای که درصدر پر گرام دولت نوشته شده است بنده برای تان میخوانم اول « تشیید روابط دوستی با دول متحابه » مثل این است که بنده از آقای اکبر میپرسم امروز چکار میکنید بگویند من اکسیژن تنفس میکنم (خنده نمایندگان) این کلی گفتن فایده ندارد بنده بپرسم در کجای دنیا هست که دولتشان با دولتهای همسایه دوستی نمیکند این یك امر بدیهی است این بدیهی را گفتن و این کلی را گفتن که فایده ندارد : این خط مشی سیاسی دولت نمیشود ! بعد نوشته اند تعقیب همکاری کامل با متفقین ایران این پر گرام دولت است ؟! دو دولت بزرك قوی که چندین میلیون قشون دارند و شاید عده قشون آنها باندازه جمیت تمام ایران باشد والآن یك قسمت مملکت ما درتحت اشغال نظامی است (امینی ـ اشغال نظامی نیست آقا عهدنامه داریم) اجازه بدهید الآن عرض میکنم چیز هائی هست که باید اینجا گفته شود و آن این است که طبعاً روس و انگلیس آمدند توی مملکت ما وبنده نمیخواهم عرض کنم که اشغال نظامی است یانیست برای اینکه با حلوا گفتن که دهان شیرین نمیشود (امینی ـ قرارداد داریم) ما یك قراردادی بامتفقین داریم آیا به‌بینیم که مطابق این قرارداد با ما رفتار میکنند یا نه ؟ (بعضی از نمایندگان ـ خیر نمیکنند) پس باید دولت بیاید اینجا بگوید که من میخواهم حتما مطابق قرارداد با ما رفتار بشود (صحیح است) از ولایات اشخاص را تبعید میکنند ! از اوایل دوره گذشته جز دولت فروغی که نسبةً درمقابل تقاضای سایرین مقاومت کرد وبهتر از همه مقاومت کرد دولتهای دیگر به تقاضای آنها تسلیم شده اند . راه اینکه دوستی و اتفاق کامل بادول متفق خودمان داشته باشیم چیست ؟ این اشتباه است که خیال کنیم راه جلب دوستی ومحبت آنها این است که آنها هرچه بما تحمیل بکنند ما قبول کنیم ! (صحیح است) این اشتباه است ! دوستی وقتی صحیح است که روی تبادل منافع وتبادل احترام و تعادل مصالح باشد ! دوستی اگر غیراز اینها باشد این دوستی نیست

این آقا ونوکری است !! او بدرد نمیخورد ! (صحیح است) وقتی دولتی بخواهد پر گرام بیاورد باید اینطور پرگرام بنویسد برای چه برای اینکه ما علاقمند هستیم کاملاً اعتماد و اطمینان و دوستی روس وانگلیس را نسبت بخودمان جلب کنیم اما راهش چیست ؟ راهش این است که ما بقدر سر سوزن از حقوق خودمان صرف نظر نکنیم (صحیح است) شاید زائد باشد که من این را عرض کنم ولی این را باید گفت تمام ما میدانیم که ما آنچه در قوه‌مان بوده است برای جلب دوستی آنها ما گفته ایم و گمان نمیکنم که یك آدمی که مشاعر سالم داشته باشد در ایران باشد که بگوید ما یك سر سوزن یك نحوهٔ کوچك مخالفتی باروس وانگلیس کرده باشیم (صحیح است) ولی آیا آنها هم همین کار را کرده اند بدون تعارف باید گفت ! (بعضی از نمایندگان ـ ابداً نکرده اند) هیچکدامشان نکرده اند ! (صحیح است) مداخلاتی که اینها در جنوب و شمال کرده اند اظهر من الشمس است ؟! باید حتماً هم دولت و هم مجلس شورای ملی (اگر شما بخواهید زنده بمانید اگر شما پسران آن مردمان هستید که یك وقتی بیرقشان از بسفر تادرهٔ سند در اهتزاز بوده و بخواهید یك کسانی باشید که شایستهٔ پسری آن پدران باشید) باید زیر بار عبودیت سیاسی و اسکلاواژ نروید (صحیح است) حالا من یك چیزی که بآقایان میگویم این است که امروز محیط اجتماعی وسیاسی دنیا مؤید پشتیبان فکر و رویه نظر شما است (صحیح است) امروز که دارند ملتهای کوچك پوسیده و ضعیف مستقل میشوند و سایر دول هم استقلال آنها را احترام می کنند و کمك میکنند به ملل کوچك که خودشان حامی استقلال خودشان باشند یك ملت ایرانی که سه هزار سال تاریخ پشت سرش دارد کسی نمیتواند بگوید که زیر بار زور برود (صحیح است) یعنی اگر دولتهای ما صاف و پوست کنده بگویند که ما آن چیزی را که مطابق قرار داد است مطابق حقتان است میکنیم مطابق حقتان نیست نمیکنیم (صحیح است) اما از شما میپرسم آقایان بدون ذره ای مجامله دولت های سابق اینکار را کرده اند؟ (جمعی از نمایندگان ـ خیر) اینکه ما نمیتوانیم با اطمینان کامل دوستی روس و انگلیس را جلب کنیم بنظر من یك علتش همین است یعنی همین قبول تقاضای خارج از حق مأمورین آنهاست ـ ملاحظه میفرمائید شما وقتیکه یك تقاضای غیر مشروعی از دولت تان کردند باین تقاضی تن در دادید دفعه دیگر تقاضای دیگر می کنند و نتیجه تقاضای بیشتر کردن و قبول کردن چه می شود ؟ این میشود که ملت ایران از آنها میرنجد بعد یك ملت را ما چطور میتوانیم با آن ها موافق کنیم پس نه تنها اصول وطن پرستی بما حکم میکند بلکه فکر اینکه ما باید با دولت روس وانگلیس دوست باشیم بدولت ما حکم میکند که زیربار زور نرویم آخر این چه مملکتی است که کردها طغیان میکند و شما میخواهید قشون بفرستید برای سر کوبی آنها نمیگذارند (صدر قاضی ـ کرد ها طغیان نکردند) شما را بخدا اینقدر تعصب بخرج ندهید بسیار خوب کردها نکردند دشتی ها کردند اجازه بدهید که ما اینقدر تعارف بخرج ندهیم حقایق را بگوئیم در این مملکت بد بخت بد بختانه وطن پرستی اینقدر نیست الآن تمام عشایر مسلح هستند چرا مسلح شده‌اند . برای اینکه وطن پرستی در اینها قوی نیست (سنندجی ـ روح وطن پرستی هست مظالم گذشته مجبورشان کرد) روح وطن پرستی اگر در یك مملکتی باشد وزیاد هم باشد باید غیر از قوای دولت هیچ قوه‌ای نباشد (صحیح است) هر قوه‌ای غیر از قوای دولت مسلح بشود برای یك منظوری است ! چطور شد آنوقتی که دولت مستبد ظالمی بود هیچکدام اسلحه نداشتند حالا که مشروط شده است همه اسلحه دارند ؟ ! (صحیح است) در هرصورت به عقیدهٔ بنده اولین شرط همانطور که عرض کردم در سیاست خارجی عدم تسلیم به تقاضاهای نا مشروع است از دولت آقای بیات خواهش میکنم روشن و واضح بما بگویند چه رویه خواهند داشت ؟ آیا همان رویه ایست که سابقین تعقیب کرده اند یا اینکه حاضر هستند بصندلی علاقه‌مند نباشند و باصول علاقه‌مند باشند بوظیفه علاقه‌مند باشند به مملکت علاقه‌مند باشند تا اینکه بتوانند کاری را از پیش ببرند والا اگر اینطور نباشد کاری از پیش نمیبرید . همانطور که عرض کردم وضعیت واصول دنیا باشما مساعد است چرای برای

اینکه سرو کار شما با دو دولتی است که خودشان را طرفدار آزادی و عدالت میدانند (دکتر طاهری ـ برای اینکار جنگ کرده‌اند) بله برای اینکار اصلاً دست باسلحه زده‌اند بنظر بنده شما میتوانید گلیم خودتان را از آب بیرون بکشید ولی بچه شرط بشرط اینکه با کمال صراحت با کمال صداقت با آنها تا آن اندازه که لازم است و مصالح کشور اجازه میدهد موافقت کنید و آن اندازه که برخلاف مصالح مملکت خودمان است و مخالف حق حاکمیت ملی است موافقت نکنید این عقیده بنده است و باید یك چنین عقیده واضح و روشن داشته باشید.

مادهٔ دوم پرگرام راجع بحفظ امنیت است بنظر بنده حفظ امنیت یکی از چیزهای مهم است یادم می آید دراواخر دوره دوازدهم یك دسته میخواستند باهمدیگر توحید مساعی بکنند یك حزبی تشکیل بدهند حزبی یا چیز دیگری یادم نیست چه بود یکی از آنها گفته بود خوب است مرام را دو چیز قرار بدهیم یکی امنیت یکی هم تهیه خواربار برای مملکت واقعاً من آنوقت تعجب کردم که امنیت و خواربار چطور ممکن است مرامنامه یك جمعیتی باشد خوب امنیت و خواربار باید همه مردم داشته باشند حتی من یادم هست آقای فرهودی و تهرانی هم شاید درتوی جلسه بودند گفتیم آقا اگر یك دسته دزد هم دورهم جمع بشوند اول سعی میکنند قلمروخودشان را امن بکنند بعدهم خواربار داشته باشند پس بنابراین امنیت وخواربار برای چه مرام باشد ولی متأسفانه بعد هادیدیم بدرجه باین امنیت اخلال واردشده است که واقعاً ایجاد امنیت باید یکی ازمواد پرگرام باشد برای اینکه یك عکس العمل عجیبی در کشور پیداشده است تا شهریور ۱۳۲۰ یك شخصی توی این مملکت بود که تمام ترموزها و تمام زمامهای امور در دست او متمرکز بود او که ازبین رفت مثل اینکه تمام ترمزها از هم پاره شد یعنی یك عکس العمل عجیبی دراین مملکت پیدا شد اول عشایر مسلح شدند دوم درشهرها چاقو کش پیداشد سوم اینکه درادارات دزدی به حدوفور شیوع پیدا کرده چهارم هیچ مقامی مقام بالاتر ازخودش را قبول ندارد یك همچو وضعی ایجاد شده آیا قصدتان ازایجاد امنیت این است که اینهارا جلوگیری کنید وازبین ببرید اگر این است بفرمائید (ساسان ـ امنیت قضائی) امنیت قضائی ؛ میگویند استقلال قضائی آیا واقعاً استقلال قضائی باین قضائی که دزدها را تبرئه میکنند میتوان داد؟ این قابل مطالعه است ملاحظه بفرمائید یك وقتی یك کسی در این مملکت برای اینکه کتاب کارل مارکس توی جیبش بود شش سال حبس میکردند حالا دزد را میگیرند میبرند توی محکمه و آنجا ول میکنند میگویند دلایل کافی نبوده یادم میآید یك وقتی معاون یارئیس شهرداری بمن میگفتند که چراغهای بلدیه را پلیس گرفته است ازدزدی واورا برده است بدادسرا در آنجا قاضی محکمه گفته است که این دلیل کافی نیست از کجا که این شخص دزدیده باشد ، شاید بدست او آمده باشد ملاحظه میفرمائید؟ (صحیح است) با این وصف که دستگاه قضائی ما که اینقدرشل وضعیف کار میکند چطورمامیتوانیم امنیت را در مملکت درست بکنیم دزدی بدرجهٔ شایع شده است که بفلان مأمور یك کامیون قند میدهند ببرد بمازندران میبرد در بازار میفروشد ویا اینکه کسی که مأمور صندوق فلانجا است همینکه ۵ هزار تومان درصندوق دید آنرا میرباید و میبرد که عروسی کند (یکی ازنمایندگان ـ قضیه حاج ربابه) ویکی هم مثل قسمتی که الآن اشاره کردند ربابه خانم توی این مملکت مثل اینکه تمام ترمزها پاره شده وتمام آن مقررات و آن چیز هائی که باید مملکت را منظم نگاه دارد پاره شده است یك نمونهٔ خیلی کوچکی مثل بیاورم واو آنکه درمورد ادبیات است عیبی ندارد این روح تمرد وعصیان را نشان میدهد البته آقایانی که در ادبیات کار کرده‌اند میدانند بیانات سعدی درایران بمنزله قرآن است در عربی یعنی از لحاظ فصاحت مثل قرآن بحد اعجاز رسیده است آن کسانیکه اهل ادبیات هستند میدانند که حافظ باعث افتخار ایران است یعنی اگر یك مملکتی تنها حافظ را داشته باشد میتواند مباهات بکند که من حافظ دارم و من اهل مملکتی هستم که حافظ از آنجا بوده است . (صحیح است) .

مولوی یك کتابی است که عدهٔ معتقدند در دنیا کتابی باین عظمت و بزرگی نیست یعنی تفسیر قرآن است حکمت است ، اخلاق است تصوف وموعظه وحکایت همه چیز توی آن

هست ـ حال یکدستهٔ در این مملکت پیدا شدند میگویند باید اینها را بسوزانیم عصیانی در تمام مراحل زندگانی ما پیدا شده است . مذهب جعفری مذهب ما است و در قانون اساسی مذهب رسمی ما است میلیونها شیعیان دنیا بما نگاه میکنند و میگویند دولت ایران نماینده مذهب شیعه است و ایران مورد احترام میلیونها شیعیان دنیا است . عدهٔ پیدا شده‌اند وبرعلیه آن چیز مینویسند دولت هم نگاه می کند اینها نمونهٔ کوچکی ازهمان روح تمرد و عصیانی است که در تمام شئون زندگانی پیدا شده است و وظیفه هر دولت وطن پرستی اینست که آنرا ازریشه بر کند . اصلاهیچکس بهیچ چیزی پابند نیست مگر تمدن جامعه چیست ؟ جزیك سلسله مقررات ونظامات تمام مقررات از بین رفته است . با درشگه چی صحبت میکنید خودش را با یك وزیر برابر میداند (یکی از وکلا ـ شایدهم راست باشد) خیر اینطور نیست با وزیر برابر نیست با عملهٔ صحبت میکنید می گوید که چرا فلان رئیس اداره سوار اتومبیل میشود ومن نمیشوم یك آقامنشی عجیبی در تمام نقاط و در تمام شئون مملکت پیدا شده است جناب آقای بیات میتوانند اینها را جلوگیری کنند ؟ (عدهٔ گفتند ـ بلی ـ خنده نمایندگان) ماده سوم همانطوریکه عرض کردم یك کلی است که جنبهٔ تزیینی بیشتر دارد ۳ ـ «سعی در بهبود زندگی مادی و معنوی عامه مردم بوسیله پائین آوردن هزینه زندگی وتهیه واجرای نقشه چند ساله برای بهداشت عمومی وفراهم کردن موجبات اصلاح مدارس واجرای قانون آموزش وپرورش اجباری وهمچنین گذراندن قانون کار بمنظور تکمیل آسایش ورفاه کارگران .» ازخواندن این شعری بخاطرم آمد میگوید مرا بخیر تو امید نیست شر مرسان دکتر میلسپو ادعای اینکار را کرد که سطح زندگانی مردم را بیاورد پائین ولی سطح زندگی و هزینهٔ عمومی اکثر مردم نیامد پائین والبته از وقتی که خبر شکست آلمان شایع گردید وفرونت دوم باز شد طبعاً یك خرده اجناس پائین آمد بلافاصله دکتر میلسپو بریش گرفت و گفت این بنده هستم که هزینه راپائین آوردم پائین آمدن هزینه زندگی تا یك درجه زیادی متوقف براینست که این جنگ منحوس تمام شود . باید اجناس ازخارج وارد کرد اما اینکه این دستگاه امریکائی شما قادر باشد که مثل سایر ممالك جیره‌بندی کند و اجناس را بخوبی بمردم برساند قادر نیست و من عقیده دارم که بکلی این جیره‌بندی را بگذارند کنار وآزاد باشد بنده معتقدم که بهتر اینست که اگر این دستگاه را کنترل نکنند وبگذارند که آزاد باشد تا اینکه کنترل بکنند وزندگانی مردم را فلج نمایند این عمل درواقع یك قسمت زندگانی مردم را خراب کرده است مثلاً تهیه نقشه چندساله برای اجرای بهداشت عمومی تصور میکنید بااینکه وزیر بهداری هر دوسه ماه عوض شود بهداشت عمومی درست میشود ! اگر بهداشت عمومی را بخواهید درست بکنید وزارت بهداری رایك اداره مستقلی بکنید ویك اختیار چهارپنج ساله بیکنفر بدهید بدهید بآقای دکتر لقمان الملك (صحیح است) ولی بیك شرط بشرط اینکه آقای دکتر لقمان الملك هم هرچه طبیب است ازاداره بیرون کنند واینها را بفرستند برای معالجه امراض مردم یعنی برای مبارزه باامراض آنهارا مجهز بکنند یك وقتی درموقع انتخابات راجع بآقایان اطباء صحبت کردم که یکنفر طبیب چه ازوم دارد که وکیل شود آنروز تصور کردند که بنده مقام وکالت را بالا میدانم و مقام یکنفر یك طبیب را پائین تر از آن میدانم بنده این تصور را ندارم آقا بنده یك طبیب یك جراح قابلی را بمراتب کارش را بهتر از وکالت میدانم همین آقا (اشاره بآقای دکتر معاون) وقتیکه توی مریضخانه نجمیه بود و آن پیراهن سفید را می پوشید .

واقعاً مثل فرشته نجات بالاسر مریض میرفت (جمعی از نمایندگان ـ حالا هم هستند حالا هم میروند) خیلی خوب حالا هم میگویم قدر وقیمتش در جامعه و برای خدمت به جامعه بیش از بنده است که اینجا حرف میزنم . بنظر بنده اگر یك طبیبی برای سیاست قریحه خاصی داشته باشد و وارد سیاست شود باید طبابت را ول کند وبگوید که من طبیب نیستم مثل آقای دکتر طاهری (صحیح است) که طبیب سیاسی شده‌اند (خنده نمایندگان) ملاحظه بفرمائید یکنفر طبیب میرود روزنامه نویس میشود درصورتیکه طبابتش بیشتر نافع برای مملکت است تا جریده نگاری او یا فلان طبیب

اصرار دارد که مدیر کل باشد این را اساساً عرض میکنم پایه ترقی یك مملکت عبارت از طبقه مهندسین و دکترها شیمیست‌ها و فیزیسین ها اگر اینها بخواهند بروند نوکر دولت بشوند کاری پیشرفت نمیکند دولت بایستی سعی بکند و مخصوصاً طبقه روشنفکر وعالم مملکت باید جدیت نمایند که کارهای دولت دست اشخاص بی دست و پا و پفیوز نیفتد (خنده نمایندگان) و خودشان را برای کارهای آزاد و مولد ثروت مجهز کنند حالا تمام طبقات تحصیل کرده ماهجوم میآورند بدوائر دولتی و واقعاً در ممالك راقیه کسانی نوکر دولت میشوند که یا واقعاً دنبال افتخار خدمتگذاری هستند و یا با کسانی هستند که از راه حرفه‌های آزاد نمیتوانند متمول شوند اما اینجا هر کسی پول میخواهد تحصیل بکند میگوید میروم نوکر دولت میشوم خیال میکند نوکری دولت پول دارد. اما در قسمت بهداری آقای بیات فکر شما خیلی خوب است اما باین شکل عملی نیست. من یادم میآید موقعیکه فرانکو تازه براسپانی مسلط شده بود چون خیلی وضعیت اسپانی خراب شده بود یك میسیونهای سه نفری درست کرده بود آنها را میفرستاد توی دهات گویا یك نفر طبیب بود و یکنفر کشیش وغیره اینها میرفتند توی دهات هم طبابت میکردند و هم دوا میدادند حالا بنده نمیخواهم بگویم که شما هم همان کار را بکنید ولی ما محتاج باطبای سیار هستیم برای اینکه دراین مملکت اگر شما باسه مرض تراخم، مالاریا، امراض تناسلی مبارزه بکنید خیلی خوب است. پول بایشان بدهید یك مدیر کل اگر پانصد تومان حقوق میگیرد باین هشتصد تومان بدهید بفرستید باامراض مبارزه کند و احترام یك طبیب سیار که میرود مردم را معالجه میکند در نظر خدا و مردم بیشتر است از یکنفری که پشت میز اداره نشسته است معالجه مردم بمراتب بهتر است از یك نفر طبیبی که پشت میز اداره می نشیند اگر این کار را بخواهید بکنید که خیلی خوب و الا اگر برای تزیین است که چه عرض کنم.

در ماده چهارم تجدید نظر در قانون انتخابات، بنظرم قانون انتخابات هم مثل نمك معارف شده است که دولتهای سابق تا میخواستند کاری بکنند یك نمك معارف هم به آن می‌پاشیدند حالا هم دولتها در پروگرامشان قانون انتخابات را می‌آورند. در کابینه اول آقای ساعد قرار شد قانون انتخابات را بمجلس بیاورند و آقای منصورالسلطنه هم که خودشان قبول کرده بودند و دولت هم بایشان مأموریت داده بود از ایشان خواهش کردیم که یك قانون سهل و سادهٔ تهیه کنند بمجلس بیاورند یعنی مداخله دولت را حتی‌الامکان در انتخابات کم کنند و ترتیبی قائل شوند که در یك روز تمام شود و یك اصلاحاتی در این قسمت بکنید و این اصلاحات خیلی زیاد نیست، آقای منصور السلطنه هی گفتند بسیار خوب و حالا میگویند نوشتم (نمایندگان ـ میآورند) ... مخصوصاً این را باید زودتر بیاورید، این که اینجا میفرمائید اجرای قانون تعلیمات اجباری، وقتی که یك قانونی گذشت و دستور اجرای آن داده شد آنرا جزء پروگرام گذاردن که اجرا میکنیم معنی ندارد.

بعضی از نمایندگان ـ پولش را تهیه میکنند.

دشتی ـ ... بروید پولش را تهیه بکنید، اگر نشد بفرمائید که چون شما پولش را تهیه نکردید ما نمیتوانیم اجرا کنیم عرض دیگری در ماده ٤ داشتم.

ماده ٤ ـ تجدیدنظر درقانون انتخابات و تهیه لوایح بمنظور اصلاح و تثبیت سازمان وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی واقدام درترفیه حال کارمندان دولت و تقویت حس وظیفه شناسی و انضباط کامل بوسیله اجرای اصل پاداش و بازخواست من میخواستم توضیحاتی بدهند که این را چه شکل عمل میکنند، این کار سهلی نیست میخواستم بگویم که دردرجه اول مجلس شورای ملی و هم دولت باید سعی کند که آن کسانی که مالیات میپردازند یعنی طبقه مولد ثروت ـ بترفیه حال آنها بپردازند، نه بترفیه حال کسانی که مصرف کنندهٔ ثروت هستند (امیرتیمور ـ بسیار صحیح است) آیا دراین باب هیچ فکری کرده اید؟ الآن زراعت ما درنهایت درجه انحطاط وخرابی است وهمچنین صنایع ماخراب است وفعلاً آن چیزیکه بنای زندگی ورفاه جامعه است همه خرابست آن پولیکه شما میخواهید بکارمندان دولت بدهید وهرچه خیال آن را میکنید باید از آنها بگیرید، من میترسم که

یك وقتی اصلاً آنها نتوانند مالیات بدهند مثل یك اسبی که چهار فرسخ راه باید برود بیست فرسخ اورا بدوانند او نمیتواند بدود و بکلی اسقاط خواهد شد آیا برای این اصلاً فکری کرده اید، چرا برای آنها فکری نمیکنید ترفیه حال کارمندان دولت! شما الآن بقدری کارمندان دولت را زیاده کرده اید ودوایر دولت را پراز کارمند کرده اید که هم مالیات مملکت تکافوء ترفیه آنها رانمیکند اگر بخواهید هم تمام آنها رادرحال رفاه وآسایش نگاه بدارید وهم بخواهید بخزانه مملکت صدمه زیادی نخورد این ممکن نیست بنده میخواستم این اقدامی راکه میخواهند درترفیه حال کارمندان دولت بکنند بپرسم که بچه وسیله میکنند؟

حاذقی ـ پائین ماده سوم گنجانیده شده.

دشتی ـ ... ماده ٥ هم همانطوریکه عرض کردم یك کلیاتی است واستدعا میکنم بفرمائید آن نقشه های اقتصادی را که دارید ازچه سنخ نقشه های اقتصادی است راستی الآن یادم آمد آقای بیات، که اگر بتوانید چراغ برق طهران را اصلاح بکنید که این چراغ برق ازسرشب تا ساعت ۹ ده دفعه خاموش نشود.

یکنفر از نمایندگان ـ بعضی ازقسمتها خاموش نمیشود

دشتی ـ .... آن قسمتهائی که خاموش میشود عرض کردم، اگر شما این یك قسمت را اصلاح بکنید و این کار را بکنید وهمین چراغ برق طهران را درست کنید ما شما را روی سرمان میگذاریم و حلوا حلوا میکنیم، درخاتمه عرایضم یك موضوعی است که میخواهم بعرضتان برسانم، آن اعلانی است که همین امروز صبح یکی ازوکلای مجلس بمن داد پر ازمهملاتی است که رئیس مالیه رشت در رشت منتشر کرده، آنرا من برای شما میخوانم که آیا رئیس مالیه رشت حق دارد که این کار را بکند وخود این آن نحوه آنارشی که ما میخواهیم ازش اجتناب کنیم نیست. میگوید «بسیار مهم میداند که اهالی ایران ازحقایق اصلی که دروضعیت بهبودی اقتصادی این کشور دخیل است مستحضر باشند اینطورشنیده میشود که فعلاً یك اقلیت کوچکی درمجلس تشکیل شده وعلاقه‌مند میباشد که اختیارات اقتصادی میسیون امریکائی را تغییر بدهند و یا اساساً نسخ نمایند.»

ملاحظه بفرمائید مداخله یك نفر رئیس مالیه امریکائی (یکی ازنمایندگان ـ امریکائی نیست) حالا میخواهیم ما هم یکقدری تفسیر بکنیم. اولاً آقا رئیس دارائی رشت چه کار دارد که مداخله درامور مجلس بکند ودراقلیت دخالت کند واز کجا میداند که این اقلیت برضد میسیون امریکائی است وانگهی از کجا معلوم که ما میسیون امریکائی داشته باشیم اینها تمامش غلط است باز نوشته است «این موضوع ارتباطی با عقیده اکثریت مجلس ندارد برای اینکه اکثریت مجلس پیوسته نفع کشور را درنظر داشته وقلباً برای بهبود اوضاع عموم طبقات کوشش های لازمه را مینمایند ولی ممکن است که القاء شبهه درآنها بوسائل مختلفه تبلیغات وتحریکات ایجاد شده باشد.»

یعنی این القاء شبهه را اقلیت میکند یعنی اکثریت مجلس میخواهند میسیون امریکائی باشد واقلیت مجلس مخالف است ومیخواهد قانون ۱۳ اردیبهشت را لغو کند برخلاف اکثریت مجلس طرفدار لغوش نیستند (تحسین نمایندگان) و لغوش هم خواهیم کرد (تأئید نمایندگان) وبطور حتم هم خواهیم کرد، چه معنی دارد یکنفر رئیس مالیه رشت مداخله دراین کارها بکند (بازیك سطر ازاعلان رئیس دارائی رشت خواندند)

«بدیهی است مردم ایران باید بدانند که اگر چنین قانونی بگذرد مستشاران امریکائی نمیتوانند هیچگونه مسئولیتی رابرای بهبودی وضعیت اقتصادی ایران قبول کنند» اجازه بدهید باقی آنرا بخوانم ازاول تاآخر آن اینطوراست ملاحظه بفرمائید آقای بیات یکی ازقضایای مبتلی به ما قضیه دکتر میلسپو است نه امریکائی ها (صحیح است) خود حضرتعالی در دوره ۱۳ بودید و میدانید یکی از کسانی که باعث وبانی آوردن مستشاران امریکائی بوده، خود بنده بودم ودرتمام دوره ۱۳ بنده مدافع آنها بودم.

مهندس فریور ـ خدا ازسر تقصیرتان بگذرد.

دشتی ـ ... اجازه بفرمائید در آن روزیکه طرح راجع بالغاء اختیارات ۱۳ اردیبهشت را مطرح کنیم بنده بطور تفصیل دلایل اقدام خود وتقویت دکتر میلیسپو را عرض خواهم کرد ما یك دلایلی داشتیم از روی هوس وغرض شخصی نبود که

طرفدار آوردن یك میسیون امریکائی بودیم ، همان‌طور که عرض کردم بعد ازقضیه شهریور که یك نوع اختلال وعصبانی که عرض کردم در اغلب وزارتخانه‌ها بود جائی که بیشتر عقیده داشتیم ثابت و مستقر بماند و کمتر دچار آن بحران شود وزارت دارائی بود ، وزارت دارائی جائی‌است که باید از آن پول در بیاید وبتمام دوایر دولتی داده‌شود، مثل اینکه یك جائی است که مرکزحرارت وموتورحرکت تمام مملکت است وبنابراین باید وزارت دارائی یك جائی باشدکه قابل اعتماد باشد ، یك علت عمده‌اش این بود، یك علت دیگرش این بودکه ما میخواستیم کسی باشد که‌مغرض نباشدیعنی یکنفر خارجی باشدکه‌مغرض نباشد و وقتی‌که میآید این‌جا بنده و آقای دکتر طاهری در نظر او یکی باشیم این دودلیل ، یکی دیگراینکه معتقد بودم امریکائیها متد دارند ، معلومات دارند ، یك کسانی هستندکه مجرب وپخته هستند وبا معلومات و متد خودشان میآیند این وزارت مالیه را که اخیراً مورد هوی و هوس وزیران شده بود مالیه مملکت را منظم بکنند و ازاین هرج ومرجی‌که در این ده دوازده سالـه اخیر در این وزارتخانه پیدا شده است نجات بدهند و ازاین قبیل دلایل زیاد داشتیم برای آوردن دکتر میلیسپو چون سابقاً هم در ایران بوده ویك اطلاعاتی‌داشت والان هم بنده معتقدم‌که آقای دکترمیلیسپو یك آدم کاملاً شریفی است ویك آدمی است‌که دزد نیست وحتی بعضی عقیده دارندکه سوء نیت دارد ، آنرا هم من عقیده ندارم ، ولی صرف سوءنیت نداشتن دلیل این‌نمیشود که دست او را برای ارتکاب هر عمل خلافی باز بگذاریم هرکار میخواهد بکند . مثلاً همین قضیه بانك ملـی را در نظر بگیرید ، ایشان باابتهاج روی قضایای شخصی واغراض خصوصی مخالفت‌کردند (یکی از نمایندگان ـ چون ایشان ایرانی است وآن آقا امریکائی) نه آقا آن هم نیست این را نگوئید، مخالفت ایشان باآقای ابتهاج روی پیشآمدهائی که وقت دیگر خواهم گفت بدون اینکه مقررات قـانون را رعایت‌کنند او را عزل‌کرده است وبعد آقای زندرا معین کرده است ، آقای زند هم جواب دادند باوکه ریاست بانك ملی تابع مقرراتی است باید هیئت وزراء برحسب تقاضای وزیر دارائی تصویب بکنند وفرمانش را هم شاه امضاء کند صرف اینکه آقای دکتر میلیسپو اراده کند کـه این را بردارند آنرا بگذارند کار درست نمیشود بعد هـم دکتر میلیسپو بهیئت وزراء نوشت هیئت وزراء هم باونوشت شما حق ندارید این کار رابکنید آنوقت مثل عضوهای هوچی مثل هوچیهای دوتا پولی‌که در بازار داد و بیداد میکنند یا در روزنامه‌ها هو میکنند برداشته است به این‌جا بآنجا بخارجه تلگراف کرده‌است که معاملات این بانك قابل‌اعتماد نیست آقای دکترمیلیسپو آمده است که نظم ایجاد بکند نه اینکه مخل‌نظم‌شود (صحیح‌است) دکتر میلسپواست که‌اینکار را میکند که رئیس مالیه رشت این نامربوط را در جراید منتشر میکند معروف است‌که اگر پیش نماز فلان کار را بکند پس نماز معلوم است که چکار خواهد کرد ، ما دکتر میلسپو را خواستیم کـه حق ما را حفظ بکند و در مقابل تقاضای اجانب محکم باشد و خم نشود اما اجراء این عمل نباید مستلزم تولید اشکال سیاسی بـرای دولت بشود ، علی‌ای‌حال آقای بیات‌یکی از مسائلی‌که مورد توجه‌کامل مجلس شورای ملی است قضیه دکتر میلسپو است (صحیح است) ما معتقد بودیم‌که حضرتعالی‌درطی پروگرامتان این قضیه را اشاره میکنید ، البته حالا که اشاره نکردید ، در جواب عرایض بنده این مطالب را بفرمائید .

نایب رئیس ـ آقای حشمتی .

حشمتی ـ راجع بموضوع نفت چون در جلسه۱۱ آذر ماه ، مجلس شورای ملی با تصویب طرح جناب آقای دکتر مصدق نظر خود را اعلام‌کرد و خیال مجلس را آسوده کرد بنده در این قسمت عرضی نمیکنم وبسایر مطالبی که دارم میپردازم ، در این چند روزه عدهٔ از آقایـان بنام موافق و مخالف با برنامه دولت فرمایشاتی کردند بنده لازم میدانم از نقطه نظر مصالح‌کشور به بعضی از فرمایشات آقایان جواب بدهم بنابراین‌سعی‌میکنم‌که با نهایت‌ادب وبا رعایت نزاکت قسمتی ازفرمایشات‌آقایان را مورد بحث قرار بدهم ، یکی از آقایان همکاران محترم بنده دولت سابق را بتظاهرات ضد

دولت دوست و متفق‌ما کشورشوروی متهم‌کرد بنده ازدولت سابق نمیخواهم دفاع بکنم ، چون در اوایل امر با آن موافقتی نداشتم وهمچنین بنده مایل‌نیستم شخص آقای‌ساعد را از اشتباهاتی‌که‌کرده است و یا کرده باشد تبرئـه بکنم فقط میخواهم عرض کنم دولتی‌کـه بوسیله یك اکثریتی بوجود آمده . . . (یکی از نمایندگان ـ اکثریت‌نیست)

جمعی از نمایندگان ـ عده‌برای‌مذاکرات کافی‌نیست

نایب رئیس ـ به عقیده‌بنده‌این رویه برای‌مجلس‌صحیح نیست ، ما ساعت ۱۱ آمده‌ایم مجلس الآن پنجاه دقیقه‌است که کار کرده‌ایم . (امینی ـ ما که اینجاهستیم . معنی‌ندارد آقایان مجلس را از اکثریت میاندازند) . . بآنهائی که رفته‌اند عرض میکنم و اسامی‌شان هم هست اینجا ، یکنفر ناطق حرف زده مجلس از اکثریت افتاده است .

اردلان ـ اسامی‌شانرا بفرمائید قرائت‌کنند .

نایب رئیس ـ اسامی آقایانی‌که بعداًمجلس‌را ازاکثریت بیندازندبنده‌یادداشت‌میکنم وباطلاع مجلس‌میرسانم‌وخواهش میکنم از ارباب جراید که در روز نامه شان درج کنند . . .

(در این موقع عده کافی شد)

حشمتی ـ عرض‌کردم‌که بنده یقین دارم دولتی که بوسیله اکثریت مجلس روی کار آمده بهیچوجه نمیتواند احساسات ضد دولت شوروی داشته باشد ، چون درغیراین صورت مجلس تکلیف این دولت را تعیین میکرد . ملت ایران با فداکاریهای خارق‌العاده‌کـه در راه پیروزیهـای مشترك‌کـرده است توانسته است ثابت بکند دولت‌بامتفقین خودش همیشه نظرخوبی داشته . (صحیح است) وخوشبختانه این‌حقیقت دراعلامیه طهران مورد تصدیق وتصویب رؤسای بزرگ دول جهان قرار گرفت ، اخیراً دیده میشود که یك نوع نگرانی بی‌اساسی بین مردم ایجاد شده است ، و مثل این است‌که یك دستهای مرموزی این جنك اعصاب را در این‌مملکت تولیدکرده‌است، جنك اعصاب یکی ازاختصاصات جنگهای کنونی است‌که همـه آقایان اطلاع دارند ، بنده سعی میکنم که در این قسمت عرض بکنم وازآقای‌بیات تمنا میکنم که مخصوصاً در این موضوع توجه مخصوصی داشته باشند ، هروقت هرکسی میخواست دشمن خودش‌را ازبین ببرد ، میگفت این مشروطه‌خواه‌است بعدکه مشروطه رونق‌گرفت همه سعی میکردند دشمنان خودشان‌را مستبد قلمداد‌کنند امروزلغت‌مرتجع مد شده(حاذقی ـ وفاشیست) بنده نمیخواهم عرض‌کنم ، الحمدلله ما نمردیم ومعنی لغت مرتجع را فهمیدیم ، متأسفانـه این عـادت در رادیو هـای خارجی هم سرایت‌کرده است و اغلب دیده میشودکه اسم بعضی‌ها را در رادیوهای خارجی میگویند ، عادت دیگری هم پیدا شده‌که عده‌ای درکشورسعی‌میکنندکه خودشان‌را طرفدار یکی از متفقین بزرك ما بدانند ، درصورتیکه این عمل بنظر بنده تولید دو دستگی میکند وممکن است خدای نکرده یك جنك طبقاتی را درکشور برپا کند مـا امروز به اتحاد و اتفاق احتیاج داریم وهمچنین متفقین‌ما هم بیك وحدت کاملی احتیاج دارند ، لازم است عرض‌کنم که دوستی ملل اتحادجماهیرشوروی ، امپراطوری انگلستان وممالك متحدهٔ امریکا اختصاصی بطبقهٔ معینی ندارد ومتعلق بتمام ملت ایران است (صحیح است) ایرانیان میهن‌پرست با توجه بوضعیت جغرافیائی واوضاع سیاسی‌کشور دوستی صمیمانه متفقین را ازضروریات حیات سیاسی‌کشورمیدانند (صحیح است) بنده برخلاف نظر اشخاصی‌که خوشبختانـه عده آنها خیلی کـم است وضعیت‌کشور را نه فقط یأس‌آور نمیدانم بلکه یقین‌دارم‌که ازچهل سال قبل از این موقعیت سیاسی ما هیچوقت به‌خوبی امروز نبوده‌است واین‌موقعیت بنظر بنده بسیار امیدبخش است ونتیجه مواد عهدنامه های دوستی واتحاد جنگی بابزرگترین ونیرومندترین کشورهای جهان وموقعیت‌بین‌المللی ایران وبخصوص سیاست روشنی است‌که‌کشورهای بزرگ‌دنیا نسبت بایران اتخاذکرده‌است (صحیح است) بنده یقین دارم‌که در ابراز خوش‌بینی‌اشتباه نکرده‌ام زیرا در عصری‌که بزرگترین کشورهای جهان در مقابل استعمارکنندگان سد بزرك و نیرومندی را تشکیل داده‌اند ، در عصریکـه استقلال کشورهـای کوچکی مثل لوکزانبورك ودوك نشین مناکو محترم شمرده شده هرگونه

بدبینی راجع‌بایران و آینده این‌کشور بیمورد است . بنده آنهائی‌را که‌برای‌رسیدن‌بمقاصد شوم‌خود وبعنوان‌دلسوزی سم‌پاشی میکنند مستحق چوبهٔ‌دار میدانم . (صحیح است) بنابراین اگر تصورکنندکه در وسط ایران خطی‌کشیده شده است اشتباه‌کرده‌اند وباید بدانندکه تاریخ پرافتخار ایران‌خیلی ازاین خطها رابخاطردارد اگربتاریخ مراجعه کنیم می‌بینیم که موجب حقیقی بدبختیهائی که برای کشورها پیش آمده از خود اهالی آن‌کشور بوده است و بنده قول میدهم بآقایان اگر از اختلاف نظرهای‌کوچك درکشور صرفنظر بشود ویك کانون معاونتی درست شودو جز سعادت ایران هیچ چیزی منظور نظر نباشد ماشایستهٔ احترام خواهیم بود ، دنیاهم بما احترام خواهدکرد(صحیح است) در چندی قبل جزء اخبار خارجه نطق ژنرال‌دوگل را دیدم‌که‌گفته بود هرملتی باید انتظاراتش بقدر لیاقتش باشد ، این جمله پرمعنی از دهان شخصی خارج شده بود که‌وقتی‌که‌فرانسه درزیر یوغ وحشیانه آلمان ناله میکرد اعتماد و اعتقاد خودش رابرای تجدیدیك‌فرانسه بزرگتری از دست نداد خدا را شکر میکنم که وضعیت مملکت ما بهیچوجه با وضعیت آنروز فرانسه قابل مقایسه نیست و مثل آفتاب برای بنده روشن است‌که‌کشورما همیشه باین صورت باقی نخواهد ماند وبدست مردمان میهن پرست این کشور اوضاع ما روبه‌بهبودی‌خواهد رفت عرایض دیگری هم داشتم راجع ببرنامه دولت ، البته بنده راجع ببرنامه دولت در آن قسمت هائی‌که نسبتاً تخصص دارم عرایضی میکنم : اول راجع بارتش است در جلسه پنجشنبه آقای گرگانی فرمودندکه ما در این موقع‌که ارتش های متفقین ایران‌را اشغال‌کرده‌اند احتیاج بارتش زیاد نداریم ، ایشان فرمودندکه باید دوسال خدمت نظام وظیفه را تقلیل بدهیم بنده برعلیه این نظریه جداً اعتراض دارم ، زیرا ارتش‌های متفقین در اختیار ما نیستند که ما امنیت کشور را بدست آرتش متفقین بدهیم وانگهی مطابق پیمان ارتش متفقین ما باید در مدتی‌که از ششماه تجاوز نکند خاك ایران را ترك بکنند و امیدوارم تا آن تاریخ که زیاد طولانی نیست آقایان تصدیق بفرمایندکه تغییر شکل دادن یك ارتش در یك مدت‌کوتاهی که شاید ششماه بیشتر طول نکشد خیلی کار مشکلی است ، بعکس بنده از جناب آقای بیات تقاضا میکنم که نسبت باین ارتشی‌که با خون جگر شالوده آن ریخته شده توجه بیشتری مبذول‌کنند ، روزی‌که‌ارتش‌های متفقین خاك ایران را ترك میکنند برای جلوگیری از اتفاقات غیر مترقبه وبرای جانشینی از این ارتش که فعلاً یك قسمتی را اشغال‌کرده‌اند یك ارتش خوبی تهیه بشود راجع بمدت دو ساله عرض کنم چون در جلسات‌گذشته (در سابق) آقای دکتر معظمی یك پیشنهادی دادند و آقای تیمسار سرتیپ هدایت اشکالات فنی را تذکر دادند و پیشنهاد رد شد بنابراین طرح این موضوع ~~در مجلس~~ شورای ملی دیگرمعنی‌ندارد قسمت دیگرعرض بنده راجع بارتش این بودکه البته آقای وزیر جنگ‌که تشریف‌دارند اینجا از وضعیت افسران جزء اطلاع کامل دارند ، این افسران جزء ما حداقل معلوماتشان دیپلم متوسطه است و هیچیك ازوزارتخانه هاسطح ~~فرهنگی~~اش مثل ارتش‌نیست برای اینکه شما هیچ افسرکوچکی رانمی‌بینید که دیپلم متوسطه نداشته باشد ما تمام آرزویمان این است که یك روزی فرهنگمان ترقی‌کند فعلاً در وزارت جنگ‌این کار عملی‌شده‌است ولی‌برای کار روزانه این‌افسرها حدوحصری قائل نشده‌اند جنگ میگویند میروند انضباط دارند فحش اگربهشان بدهند نمیتوانند جواب بگویند اقلاً آنهاراسیر کنید اقلاً وضعیتشان را طوری مرتب کنیدکه وقتی مردیا کشته شد یك‌طوری باشدکه زن وبچه‌شان در زحمت‌نباشند و بدانند بعد از مرگشان چه کسی از زن و بچه‌شان سر پرستی و نگاهداری خواهد کرد (صحیح است) بنده نظر خصوصی ندارم چون سالها در ارتش بودم و از نظر اطلاعی‌که بوضعیت‌ارتش‌دارم وجداناً خود را موظف‌میدانم این مطالب را عرض‌کنم اینها ایران را دوست دارندوبرای علاقهٔ‌که به کشور دارند آمده‌اند در ارتش خدمت‌میکنند قسمت دیگرعرض‌بنده راجع به کشاورزی است بنده‌دراین

قسمت عرض زیادی نمیکنم فقط خیلی متأسفم که بواسطهٔ عدم استفاده ازآب رودخانه ها کشاورزان ایرانی اسم باران را رحمت الهی گذاشته‌اند و در موقعی که تمام وضعیت و موقعیت‌کشاورزی ما بستگی به نزول‌وعدم نزول باران‌دارد وزارت‌کشاورزی وقت خودش را بتربیت بوقلمون و خروس ژاپنی مشغول‌کرده و یك موسسه‌ای درست شده است ولی بنده‌که ندیده ام کاری بکنندیکوقت میگفتند یك‌متخصص کشاورزی آمده بود سمت ما و گفته بود چرا اینجا پنبه نمیکارندگفته بودندکه‌اینجا زمینش‌برای پنبه کاشتن‌مناسب نیست (بنده قبول نمیکنم این حرف را ولی میگفتند) گفته بودحالا که پنبه‌نمیشود پشم بکارید . بنده استدعادارم که یك توجه‌مخصوصی بامرکشاورزی بشود و یك‌پیشنهادی دارم پیشنهاد بنده این است‌که یك مالیاتی بالکل و تریاك بسته شود و دراین باب طرحی تهیه شود وتقدیم مجلس‌شود ووجه حاصله ازاین‌مالیات‌را اختصاص بامورسد بندی‌بدهند و زمینهائی‌که تهیه میشود بین اعضاء ادارات بین آنهائی‌که در ادارات زیادی هستند و بین کشاورزان تقسیم شود و از این کار دو عمل خوب نتیجه میگیرید یکی اینکه سازمان و تجدید سازمان ادارات سهل خواهد شد و یکی اینکه ملاکین وقتی می‌بینند که کشاورزان آنها میروند در جای دیگر کارمیکنند مجبور هستند که بآنها رفتار بهتری‌بکنند درخاتمه‌عرایضم‌چون‌بنده‌اولین‌کسی بودم‌که بانخست‌وزیری آقای بیات موافقت‌کردم بنابراین از تمجیدکابینه ایشان‌که خودم ایمان دارم خودداری نمیکنم و عمل آنها را موکول میکنم به قضاوتی که آقایان و مردم و مجلس شورای ملی خواهدکرد فقط قبلاً اجازه میخواهم که از چندنفر آقایان که نسبت بسه نفر از آقایان وزراء یکقدری اظهار بی‌لطفی کردند یکقدری‌گله‌کنم . در قسمت آقای زندکه یکدفعه هم کاندیدنخست‌وزیری بودندو اغلب آقایان‌هم نسبت‌بایشان نظر خوب دارند و آقای سروری‌که در حقیقت خودشان‌را دشمن آنارشی وچاقوکشی‌معرفی‌کردند بنده عرضی‌نمیکنم و آقای دکتر عبده در نطق بلیغی که آن روز فرمودند جواب‌کافی فرمودند اما راجع به آقای دکتر سیاسی‌عرضی دارم و خواهش میکنم آقای طباطبائی در نظریه‌خودشان تجدید نظرکنند آقای دکتر سیاسی آدم کم عقلی نیست یك مردیست که مردم و طبقهٔ تحصیل کرده بایشان اعتماد کامل دارند (صحیح است) و بنده نمیدانم چرا شما کمر قتل طبقهٔ تحصیل‌کرده را بسته‌اید . بنده خودم نیستم ولی نسبت به تحصیل‌کرده ها ارادت دارم . در خاتمه عرایضم دو پیشنهاد کوچك دیگر هست‌که لازم است عرض کنم البته آقایان شنیده‌اند که یك عده‌ای از مناطق مختلفه ایران از طرف‌مقامات‌ایرانی‌ولی‌بدستورمقامات خارجی تبعیدشده‌اند خیلی هم صحبت در این زمینه شده است این قسمت را امیدوارم از طریق وزارت امورخارجه آقای بیات مطالعه‌و اقدام بفرمایند اگر این‌مسئله حقیقت دارد باید جلوگیری شود و اگر حقیقت ندارد چرا بایدهمه نگران باشندو چرا باید همه افکارشان مشوش باشد قسمت اخیر عرایضم بشرط اینکه آقایان یکدفعهٔ دیگر به بنده مصونیت بدهندوحمله نکنند و اجازه بدهند عرضم را بکنم واین عرض بنده را تا آخرگوش بدهند بعد قضاوت بفرمایند و آن راجع بدکتر میلسپو است عرض بنده راگوش بدهید بعد هر فرمایشی دارید بفرمائید بنده از ایشان لاستیك اتومبیل نمیخواهم (امینی ـ هیچکس لاستیك اتومبیل نخواسته است) بنده مصونیت خواستم . و استدعا دارم از آقای بیات‌که درمورد دکتر میلسپو دچار احساسات نشوند و دقت بفرمایند وتمام جهات‌موضوع راکه‌تماس با وضعیت‌اقتصادی ما دارددرست در نظر بگیرند والبته اگرصلاح‌کشور بودکه دکترمیلسپو نباشد نباشد منتهی بنده بنام یکی از نمایندگان ملت تقاضا دارم ازآقای بیات‌که‌ما رامطمئن‌کنند ومعین‌کنندومشخص کنندکه دکتر میلسپو وقتی رفت دستگاه اقتصادی مابدست کی خواهد افتاد ما نان میخواهیم مردم هم نان میخواهند مردم تنها با قند وشکروچای زندگی نمیکنند این‌موضوع را اگردرست‌عملی‌کنند بنده عرضی‌ندارم مشروط‌براینکه با دلایل قطعی و دلایل دنیا پسند این موضوع بشخص بنده که به نسبت خودم یك حقی دارم حق قضاوت دارم‌ثابت‌شود

سیف‌پور فاطمی ـ اجازه میفرمائید بنده اخطار نظامنامه‌ای دارم.

نایب رئیس ـ بفرمائید.

سیف‌پور ـ عرض کنم بموجب ماده ۱۰۹ اخطار نظامنامه‌ای دارم. در این مجلس بیست و چهار نفر نمایندهٔ ایلات هستند و ثلث جمعیت این مملکت ایلات هستند در ضمن بیانات آقای دشتی صحبتی شد که ممکن است در خارج سوء تعبیر شود وهمهٔ آقایان نمایندگان اطلاع دارند که ایلات ایران از وطن پرست ترین افراد این مملکت هستند و در دورهٔ گذشته صدمات زیادی دیدند و رؤسای آنها در محبس‌ها جان دادند و هنوز هم املاك آنهارا پس نداده اندبنده‌تمنامیکنم آقای امیرجنگ که سمت‌پیشوائی و ریاست نمایندگان‌ایلات‌رادر این مجلس دارند بلند شوند و توضیحاتی در این موضوع بدهند که این‌موضوع بعد از اینکه‌درروزنامه‌هامنتشرشددرخارج‌سوءتعبیرنشودومادراینجا نسبت باشخاصی‌که به مملکت خدمت کرده‌اند ودرراه وظیفه خونشان ریخته شده است باید قدردانی کنیم (صحیح‌است)

نایب رئیس ـ آقای دشتی.

دشتی ـ بجای اینکه آقای امیرجنگ توضیح بدهند بنده باید توضیح بدهم. بنده هیچ نگفتم ایلات ایران وطن پرست نیستند بنده کی گفتم که ایلات خائن هستند کی گفتم؟ اگر چنین چیزی گفتم غلط کردم (خنده نمایندگان) بنده گفتم که ایلات نباید مسلح باشند این عقیده‌را داشته‌ام وحالاهم این عقیده‌را دارم و همیشه‌هم‌این عقیده‌را خواهم داشت.

سیف پور فاطمی ـ حالا که شهریهاهم مسلح هستند ولی ایلات اسلحه‌شان برای آزادی مملکت بکار رفت.

نایب رئیس ـ آقای اسعد.

اسعد ـ بنده خیلی متأسفم که در اینمدت چه‌موافق چه مخالف هر کدام بیاناتی که میکنند یك قسمت مطالب خودرا روی ایلات مطرح میکنند خدمات گذشتهٔ ایلات‌را در این مملکت تمام تواریخ دلیل ثابت کرده است که چه جانفشانیهائی ایلات در راه استقلال ایران کرده‌اند ولی آقایان آنهارا فراموش کرده‌اند و هر کدام هرنظرخصوصی که دارند یانظر اجتماعی که دارند صحبت خودشان‌را روی ایلات میآورند و خیلی متأسفم اگرچه آقای دشتی‌دوست بنده فرمودند که اینطور نگفته‌اند بنده‌هم نمیخواهم‌بگویم اینطور گفته‌اند و البته ایشان که از وکلای زبردست و کار کردهٔ ماهستند جایز نیست که اینطور کلمات راجع‌بایلات بیان کنند ایلات یك ثلث این مملکت و ملت ایران را تشکیل میدهند و همیشه اوقات خدمات آنها در تاریخ برجسته بوده است اگر چنانچه ایلات یك مردمان وطن فروشی بودند بعد از واقعه شهریور که ناموس وجان ومال وهستی ونیستیشان قبل ازآن ازدست رفته بود میتوانستند هر کاری‌را در این مملکت بکنند ولی نکردند برای‌اینکه آنها مردمان وطن پرستی بودند (صحیح‌است) و امروزهم وطن پرستی آنها مسلم است ودرتاریخ‌هم ثبت است وهمیشه وطن پرست بوده وهستند وحرف هیچکس درمورد ایلات که بگوید وطن پرست نیستند باور کردنی نیست (صحیح است) وبا وجود تمام خدمات بدبختی که خودم داشتم تا حالا میل نداشتم در این مجلس بیان کنم و امروز مجبورم بیان کنم که بیست و سه سال است ایلات ایران ناموس و مال و جان و همه چیزشان ازبین رفته و برای وطن‌پرستی که در آنها هست امروز ملاحظه میکنید باچه مشکلاتی مشغول خدمتگذاری هستند (صحیح است) و توقعی که فعلاً از آقایان دارند این است که اگر برای این‌وضعیت آنها بیانی نمیفرمائید توضیح هم نفرمائید.

نایب رئیس ـ بطوریکه آقای دشتی توضیح دادند نظر ایشان نظراهانت نبوده است ومتأسفانه سوء تفاهم شده‌است و بنده تصور نمیکنم که هیچیك از آقایان نمایندگان نسبت بایلات و عشایر ایران که از خالص‌ترین وپاکترین نژاد ایرانی هستند جزء نظر احترام نظردیگر داشته باشد بنابراین بنظر بنده سوء تفاهمی شده و جای هیچگونه نگرانی نیست. آقای نخست وزیر فرمایشی داشتید؟

نخست‌وزیر (آقای بیات) ـ روز اول که برنامهٔ دولت

مطرح شد اجازه خواستم انتقادات ونظریات ناطقین محترم‌را یادداشت کرده ودربارهٔ آنها یك‌جا توضیحات لازم‌بدهم. این تصمیم ازاین جهته بود که عده کثیری ازآقایان برای‌نطق‌نام نویسی فرموده‌بودندودولت‌نمیخواست‌صورت‌محاجه‌بمذاکرات بدهدبنابراین‌توضیحاتی که‌اینك‌بعرض‌میرسدمربوط‌بمذاکرات شش‌جلسه گذشته‌است‌البته چنانچه بازهم تذکرات ونظریات جدیدی از طرف نمایندگان محترم اظهار شود جواب آنها نیز بموقع خود عرض خواهد شد

این انتقادات و نظریات را اگرطبقه‌بندی کنیم‌بسه‌دسته تقسیم میشوند: یکی انتقاد از دولتهای گذشته عموماً و از دولت سابق خصوصاً. دوم تردید در صلاحیت این دولت در اداره امور مملکتی با اوضاع و احوال کنونی. سوم تذکرات راجع‌به‌برنامه وانتظاراتی که‌نمایندگان محترم ازدولت دارند درقسمت اول یعنی انتقاد ازدولت‌های سابق مخصوصاً ازدولت اخیر که بعضی از نمایندگان‌محترم‌به‌تفصیل بیان‌فرمودند من نمیتوانم نه درجهت مثبت‌نه‌درجهت منفی چیزی عرض کنم. مسئولیت کار آن دولت ها با خود آنها است و این دولت‌در افتخاراتی که ممکن است کسب کرده یا انتقاداتی که ممکن است مستحق شده‌باشند نمتیواندبهیچوجه شریك وسهیم‌باشد

در قسمت دوم: که تردید در صلاحیت این دولت‌برای ادارهٔ امور مملکت است ناچارم توضیحات بیشتری به عرض برسانم چنانکه چند شب پیش در رادیو ضمن نطق خود اشاره کردم من با اینکه چندین دوره افتخار نمایندگی ملت وعضویت این مجلس را داشته‌ام و سالهای متمادی در کارهای سیاسی کشوروارد بوده‌ام هیچگونه داعیه ندارم و نسبت بتجربه سیاسی واستعداد وتوانائی‌خود بنظرعجب و تحسین‌نمینگرم. بعبارت‌دیگرخودم‌راازهیچیك ازهموطنان دیگر شایسته‌تر برای انجام این وظیفهٔ سنگین نمی پندارم ولی بااینهمه سه‌عامل‌مهم‌مرا وادار‌بقبول این‌مسئولیت بزرك نموده است. یکی صفت راستی ودرستی وپاکدامنی که بی‌رودربایستی‌وبی‌خود ستائی بتصدیق همه کسانی که مرا از نزدیك میشناسند در خود سراغ دارم و همواره بآن مفتخر خواهم بود، دوم علاقه مفرط بخدمتگذاری نسبت‌به وطن عزیزمان ایران که فعلاً روزگاران سختی را میگذراند و نیازمند بفداکاری عموم فرزندان خود میباشد.

سوم ـ امر شاهنشاه معظم و اظهار تمایل و حسن ظن نمایندگان محترم ملت. خلاصه اینکه من پاکدامنی و درستی و عشق خدمت به میهن را از یکطرف و عنایت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و تمایل مجلس شورای ملی‌را ازطرف دیگر برای موفقیت عوامل کافی تشخیص داده و از این رو قبول‌مسئولیت کرده‌ام (صحیح‌است) حالا اگرکسانی هستند که این عوامل را برای خدمتگذاری بکشور مؤثر نمیدانند مختار خواهند بود

اما راجع به همکارانی که برگزیده ام ادعا ندارم که همه آنها مورد توجه و قبول همهٔ نمایندگان محترم هستند ولی گمان هم‌نمیکنم که هیچوقت هیچکس بتواند دوازده نفری انتخاب کند که‌ازجمیع جهات مورد قبول همهٔ نمایندگان باشند درهرحال من مدعی نیستم که چنین معجزه‌ای کرده‌ام همینقدر اطمینان میدهم که درانتخاب این همکاران‌بهیچوجه متوجه صفات صوری وظاهری وتعداد سنواتی که ازعمرآنها گذشته است نبوده بلکه مخصوصاً سعی کرده‌ام آنها علاوه بردرستی‌وپاکدامنی آزموده و کاردان‌ومصمم بخدمتگذاری وفداکاری باشند(صحیح‌است) اما راجع به‌قسمت انتقادبرنامهٔ دولت‌وتذکراتی که داده شده‌است. بعضی‌ازآقایان فرمودند این برنامه سخن‌است حرف‌است‌نوشته‌اندوبآن‌عمل‌نخواهند کرد. نمایندگان محترم تصدیق خواهند فرمود که این قضاوت قبلی نسبت بدولتی که هنوز مجال برای اقدام وعمل پیدا نکرده است بآن میماند که بی گناهی را برای جرمی که مرتکب نشده وتصورمیکنند مرتکب خواهد شد محکوم‌سازند. من تصدیق‌میکنم که دراین مملکت حرف‌زیاد زده میشود و کارکم صورت می‌گیرد من و همکارانم متوجه بودیم‌باینکه‌بقول‌حکیم‌فردوسی: دوصد گفته‌چون‌نیم کردار نیست. ولی‌ناچاربودیم‌ازاینکه‌پیش‌ازشروع‌بعمل‌مطابق‌سنن پارلمانی برنامه تنظیم وتقدیم کنیم. همین توجه سبب شد که بایجاز و اختصار بپردازیم و ازسخن فراوان اختراز جوئیم. عجب این که این ایجاز واختصارمورد پسند خاطرجمعی دیگرازنمایندگان محترم واقع نگردیده چنانکه فرمودند:

این برنامه مجمل و کلی است و بسیاری مطالب را یاد آور شدند که به عقیدهٔ آن‌ها میبایستی در برنامه آورده شده باشد. در جواب این ایراد باید عرض کنم که از مطالبی که تذکر دادند بعضی درخلال عبارات برنامه موجوداست و تذکر بعضی دیگر غیر میسر یا غیرلازم میباشد . دراینجا بذکر چندنمونه و مثال اکتفا میکنم . بعضی از ناطقین محترم پس از اینکه راجع برئیس کل دارائی مذاکرات مبسوطی فرمودند وعملیات او را مورد انتقاد قرار دادند اظهار تعجب کردند از اینکه چرادولت دربرنامه خود تعیین تکلیف او را ذکرنکرده است از این آقایان میخواهم خواهش کنم به بنده هم اجازه دهند که از تعجب آنها اظهار تعجب کنم زیرا معنی ندارد که این دولت یاهیچ دولتی در برنامهٔ خود که ناظر بامورمهمه واساسی کشور است راجع به تعیین تکلیف یکی از مستخدمین خود ذکری بنماید ولو آن مستخدم خارجی و عنوان مستشار داشته باشد (صحیح است) .

مثال دیگر : یکی از آقایان اظهار داشتند که مقتضی بود درماده اول ذکری از منشور اتلانتیك بعمل می آمد جواب این است که در پیمان سه گانه باین منشور اشاره شده و بنابراین تکرارش زائد بود همچنین فرمودند چرا دراین ماده شرط احترام متقابل نوشته نشده در جواب عرض میکنم که توضیح واضح شایسته نیست زیرا این اصل مسلم وبدیهی است که وقتی دو دولت مستقل باهم پیمان ببندند نسبت بهم احترام متقابل دارند و ذکر این جمله موهم این معنی خواهد بود که ممکن است دولتهای مستقلی بایکدیگر پیمان به‌بندند و احترام متقابل اساس مسلم روابط آنها نباشد .

چنانکه عرض شد دولت در تنظیم برنامه خود متعمداً باجمال پرداخته است درتوضیح این برنامه تذکر چند نکته لازم است . در قسمت سیاست خارجی شك نیست که مبنای روابط دولت بامتفقین خود پیمان سه گانه و اعلامیه ملل متحده مورخ ژانویه ۱۹۴۲ خواهد بود ضمناً دولت با کمال صمیمیت و راستی در تقویت حسن تفاهم باهمسایگان خواهد کوشید واگر آنطوریکه بعضی ازنمایندگان اشاره فرمودند خدای نخواسته غبار کدورتی در بین باشد برفع آن و باثبات حسن نیت دولت اقدام خواهد نمود زیرا معتقد است باینکه منافع ومصالح ایران وهمسایگان ایران درحسن تفاهم و دوستی ویگانگی است وهیچ موجبی هم بنظر دولت نمیرسد که مانع استقرار این دوستی و صمیمیت بنحو اتم و اکمل باشد ولی همانطور که آقای دشتی تذکر دادند نهایت دقت خواهد شد که این دوستی براساس احترام متقابل و رعایت کامل پیمان برای طرفین باشد . راجع به توقف قشون آمریکا در ایران همانطور که یکی ازنمایندگان محترم تذکر دادند البته اقدام عاجل بعمل خواهد آمد که دراسرع اوقات قرارداد مخصوص بامضاء طرفین برسد (نمایندگان ـ بسیار خوب) درسیاست داخلی دولت درنخستین وحله موضوع مستخدمین خارجی را مورد مطالعه قرار خواهد داد وتکلیف رئیس کل دارائی را که اکثر آقایان نمایندگان بآن اظهار علاقه فرمودند تعیین خواهد کرد .

دکترمصدق ـ باید مدت معین شود .

نخست وزیر ـ عرض کنم درظرف چند روز تعیین تکلیف میشود .

دکترمصدق ـ مدت صریحاً باید معین شود .

نخست وزیر ـ درظرف ده روز (بسیار خوب) دولت ضمناً مصمم است که در تشکیلات وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان آرتش اصلاحات لازم بعمل آورد و چنانچه درضمن این اصلاحات کارمندانی ازخدمت معاف شوند وسایل آسایش و رفاه آنها را فراهم سازد . مخصوصاً راجع به تعمیم بهداشت و اصلاح مدارس و اجرای قانون تعلیمات اجباری که تامدت ده سال فقط عبارت خواهد بود ازتهیه و تربیت معلم وساختن مدرسه اهتمام مخصوص مبذول خواهد داشت .

راجع به‌پائین آوردن هزینه زندگی وطرح نقشه های اقتصادی و کشاورزی وتهیه مقدمات تبدیل وضع فعلی بوضع عادی بعد از جنگ فعلاً هرچه گفته شود بیفایده خواهدبود زیرا این مسائل محتاج بمطالعه دقیق از طرف خبرگان و کارشناسان میباشد و دولت مصمم است از وجود اشخاص تحصیل کرده ودانشمند در مطالعهٔ این امور وطرح نقشه‌های

لازم که بتدریج بعرض مجلس خواهد رسید استفادهٔ کامل بنماید . موضوعی که باقی میماند و امکان هراقدام و اصلاحی منوط بآنست تقویت حکومت مرکزی وجلوگیری از پریشانی وبی انتظامی است (صحیح است) نمایندگان محترم بخوبی توجه دارند و بعضی از ناطقین تذکر هم دادند که با اوضاع واحوال کنونی نفاق واختلاف برای مزاج کشورحکم سم مهلك را دارد (صحیح است) وباید بهروسیله ای هست از آن جلوگیری بعمل آید (صحیح است) و وفاق و وحدت کلمه جای گزین آن شود . دولت صد درصد با این فکر موافقت دارد و مصمم است با هرج و مرج و عدم امنیت بهرصورتی که باشد جداً مبارزه کند (صحیح است) و اجازه ندهد افراد غیرمسئول ناپخته ویا مغرض با سخنان مفسدت آمیز ونسنجیدهٔ خود میان ایرانیان تخم نفاق بپاشند (صحیح است) یا میان ایران ودولتهای خارجی سوءِ تفاهم ایجاد کنند اینگونه اشخاص وهمچنین کسانیکه نسبت بمقامات داخلی یا خارجی بی احترامی و اهانت روا میدارند از طرف دولت مورد تعقیب واقع گردیده و در حدود قوانین بشدت تمام مجازات خواهند شد . (صحیح است ـ احسنت)

شك نیست که موفقیت دولت در انجام این امور که مفاد برنامهٔ تقدیمی و خلاصهٔ نظریات نمایندگان محترم است گذشته ازفعالیت وفداکاری من وهمکارانم درصورتی وبه‌نسبتی میسر خواهد بود که مجلس شورای ملی از دولت پشتیبانی نماید (صحیح است)

درخاتمه البته همانطور که عرض کردم چون بنده عمرخودم را به خدمتگزاری در مجلس شورای ملی گذرانده ام تقریباً ده دوره وبیست وپنجسال ازعمرخودم مفتخر بخدمتگزاری مجلس شورای ملی بوده‌ام تقریباً یك انس با قانون گرفته ام و بوضعیت پارلمان کاملاً مستحضرم امیدوارم بواسطهٔ همان تجربیاتی که دارم البته در اجرای قانون آنچه که در قوه دارم اقدام وعمل بکنم و درخاتمه هم از آقایان نمایندگان محترم استدعا میکنم که در اینموقع که واقعاً ما مشکلاتی درپیش داریم وبایستی بامید خداوند متعال وبتوجه وهمراهی وپشتیبانی نمایندگان محترم موفق باین خدمتگذاری بشویم از مساعدت خودشان دریغ نفرمایند .

راجع باجرای ماده دوم قانون ۱۱ آذر چنانچه تقاضائی از دولت بشود بلادرنگ وارد مذاکره میشود و جریان مذاکرات را بعرض مجلس میرساند .

جمعی ازنمایندگان ـ مذاکرات کافی است .

نایب‌رئیس ـ چند فقره پیشنهاد کفایت مذاکرات رسیده است . پیشنهاد آقای نبوی :

چون راجع به برنامهٔ دولت بقدرکافی مذاکرات بعمل آمده بنده پیشنهاد میکنم به کفایت مذاکرات رأی گرفته شود .

نایب‌رئیس ـ آقای نبوی

نبوی ـ جای شبهه نیست که مجلس جای بحث وتحقیق ومذاکره است ولی این مذاکرات و صحبت ها تا وقتی باید بشود که مطالب روشن نشده ولی اگر مطلب روشن شده باشد اگر بخواهیم باز بمذاکرات ادامه دهیم نقض غرض کرده‌ایم مذاکرات وبحث در برنامه مقدمات عمل به برنامه است و فعلاً که مذاکرات لازم در اطراف برنامه شده است همانطور که توقع داریم این برنامه عملی شود اگر یك وقت خیلی زیادی را برای مذاکره بگیریم از عمل بازمیمانیم آقایانی هم که مذاکراتی دراینموقع میفرمائید البته عقیده دارند که این تذکرات و پیشنهادات آنان عملی شود پس اگرمدتی صرف مذاکرات شود وآن مدت صرف عمل نشود گمان میکنم تمام مذاکرات تکرار مکررات خواهد شد و همان چیزهائی که سایر آقایان فرمودند وبعلاوه بنده خیال میکنم که فرع زائد براصل اینجا مصداق پیدا میکند چون الآن قریب یکماه است که ما راجع به ابراز تمایل به یك دولتی وقت گذرانده ایم واگر یکماه دیگر هم اینطوروقت بگذرانیم آنوقت خیال میکنم که از مقصود اصلی دور افتاده‌ایم . بنابراین استدعا میکنم آقایان بکفایت مذاکرات رأی بدهند و بمذاکراتی که تابحال شده است قناعت کنند (صحیح است)

نایب رئیس ـ آقای دکتر شفق مخالفید با کفایت مذاکرات ؟

دکتر شفق ـ بلی . عرض کنم یکنفر از آقایان همکاران محترم فرمودند که بایستی نفس مجلس را در نظر گرفت و اگر شخص احساس کرد که مجلس تمایل کلی بیك مطلبی دارد اگر در آن باب مخالفت کرد و وارد نظر مخالف شد شکست میخورد ولی چون بنده در تمام عمرم شکست خورده ام در این باب ورزیده شده ام و با اینکه میدانم رأی آقایان این است که مذاکرات بحد کافی شده است معهذا اجازه میخواهم در این جا چند کلمه عرض کنم که اگر خدای نکرده نوبت مذاکره به بنده نرسید اقلاً شهوت کلامم از این راه خاموش شده باشد (خنده نمایندگان) بنده هیچ انکار ندارم که در صحبت ها یك مطالبی تکرار میشود و برای این دو راه حل بیشتر نیست یکی اینکه ما خودمان که بندهٔ عاجز هم یکی از آنها هستم ملاحظه کنیم و انصاف بدهیم که مطالب مکرر گفته نشود یکی دیگر اینکه فراکسیونهای مجلس هم اگر موافقت دارند انصاف بکنند و در جهت موافق دولت بیست و هفت نفر اسم نویسی نکنند و باشخاصی که نظر دارند اجازه بفرمایند مطالب خودشان را بگویند و اگر مطالبی هم گفته میشود و آقایان عقیده بآن مطالب ندارند گوش کنند و اکثریت هم رعایت کنند (که متأسفانه فعلاً رعایت نمیشود) مطالب را در حدود موازین عقلی و منطق بیان کنند و اجازه بدهند مخالفین عقاید خودشان را بگویند . آقایان بعضی مسائل در مجلس گفته میشود که جواب دارد ، بعضی از مسائل گفته میشود که کنایه دارد بنده یکی را برای مثال عرض میکنم فعلاً یك موضوعی که مورد ابتلای این کشور شده است موضوع میسیون امریکائی است (امینی ـ میسیون نیست) که خدا کند ما خلاص بشویم در این باب صحبت هائی داریم که باید گفته شود و در صورتیکه خود آقایان میگویند که اینها مستخدم ما هستند نمیدانم چرا اینقدر بآن اهمیت میدهند ؟ نمیدانم . یکعده از اعضای مجلس از نمایندگان مجلس برخاستند یك نظری اظهار داشتند و آن این بود که اگر این امریکائیها از این کشور باید مرخص بشوند و بروند این را باید از راه عقل و تدبیر و ادب و نزاکت انجام بدهند و اگر هم فرصتی لازم دارند داده شود چنان که داده شد (نایب رئیس ـ راجع به کفایت مذاکرات بفرمائید) صحبت هائی که در مجلس از یکطرف شده است دیگران را مثل اینکه ملزم میکند کور کورانه طرفدار یك قسمت دیگر هستند . بنده میگویم اگر دکتر میلسپو از ایران برود تمام میسیون امریکائی از ایران برود ایران زنده باشد ولی باید یك وقتی داده شود که معلوم شود ماهم چه نظری داریم . این یك موضوع موضوع دیگر راجع به سر وقت آمدن است (نایب رئیس ـ آقای دکتر خارج از موضوع صحبت نفرمائید) خواهش میکنم اجازه بفرمائید به بینید من چه عرضی میکنم من عرض میکنم که نمایندگان باید سر وقت در اینجا حاضر شوند و آنوقت ممکن است هر کدام از آقایان میل داشته باشند و مطالبی دارند صحبت کنند در این روزها همیشه ساعت یازده حاضر میشوند .

نایب رئیس ـ آقای دکتر رعایت نظامنامه را بفرمائید شما باید در کفایت مذاکرات صحبت کنید سر وقت آمدن ربطی بکفایت مذاکرات ندارد .

دکتر شفق ـ عرض میکنم وقتی جلسه ساعت یازده تشکیل میشود فقط به دو نفر فرصت داده میشود حرف بزنند اگر میخواهید کار بکنید و موافق و مخالف صحبت خودشان را بکنند ساعت نه تشریف بیاورید . (بعضی از نمایندگان ـ ساعت نه همه میآیند) اگر آنوقت هم میآیند دو ساعت در خارج چای میخورند این ربطی بکار مجلس ندارد که ساعت یازده این جا تشریف میآورید (یمین اسفندیاری ـ بفرمائید چای میخوریم نه میخورید) فعلا از آقایان استدعا میکنم که اجازه بدهند اشخاصی که مطالب لازمی دارند بگویند من منظوری ندارم منظور بنده فقط این است که آقایان اجازه بدهند بطور کلی مطالبی شاید اشخاص داشته باشند که باید بگویند فرض کنید که من مخالف برنامه دولت هستم یك مطالب لازمی

برای بنده باقی باشد که قبلاً هم گفته نشده باشد ولی باوضع فعلی نمیشود من نماینده ملت هستم با این ترتیب یکی دو نفر که صحبت میکنند خسته میشوند آقایان و بمحض اینکه حس میکنند که آقایان خسته شده اند و رأی خواهند داد بکفایت مذاکرات فوراً پیشنهاد کفایت مذاکرات میشود و بآن پیشنهاد هم رأی خواهند داد . تازه اگر دو روز دیگر هم صحبت شود تازه دولت ساعت یازده خواهد آمد در صورتیکه هیچ مانعی ندارد که دو سه ساعت بیشتر آقایان وزراء در وزارتخانه شان کار بکنند و ساعت پو کر یك روز دو روز دیر بشود (همهمه نمایندگان زنك رئیس) آقایان عصبانیت در کار نکردن بکار نبرید ممکن است اجازه بفرمائید دو روز دیگر هم جلسه داشته باشیم اگر مطالبی هست گفته شود .

جمعی از نمایندگان ـ رأی ـ رأی

نایب رئیس ـ رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه موافقند قیام فرمایند (اکثر بر خاستند) تصویب شد . رأی میگیریم به برنامهٔ دولت آقایان موافقین . . .

نخست وزیر ـ بنده میخواستم تقاضا کنم باورقه رأی بگیرید .

نایب رئیس ـ بلی باورقهٔ رأی گرفته میشود آقایان موافقین ورقه سفید خواهند داد . عده حاضر ۹۸ نفر (اخذ رأی بعمل آمده ۷۲ ورقه سفید و نه ورقه کبود و سه ورقه سفید بی اسم شماره شد)

نایب رئیس ـ برنامهٔ دولت با ۷۲ رأی موافق و سه ورقه ممتنع و نه ورقه مخالف تصویب شد .

نخست وزیر ـ بنده از حسن توجه آقایان نمایندگان محترم تشکر میکنم و همانطور که عرض کردم امیدوارم که بتوانم استرضای خاطر آقایان نمایندگان محترم را فراهم بیاورم

دکتر کشاورز ـ استرضای ملت ایران را .

[۱۷ ـ موقع ودستور جلسه بعد ـ ختم جلسه]

نایب رئیس ـ اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) آقای بهبهانی پیشنهاد کرده اند که یکنفر عضو کمیسیون دادگستری را که انتخاب نشده است انتخاب او را جزء دستور جلسه آینده بگذاریم (صحیح است)

جلسه آینده روز پنجشنبه ۱۶ آذر سه ساعت پیش از ظهر

[مجلس یکساعت بعداز ظهر ختم شد]

نایب رئیس مجلس شورای ملی ـ ملك مدنی

اسامی موافقین ـ آقایان : دولت آبادی ـ ایپکچیان ـ خلیل دشتی ـ تیمور تاش ـ مهندس پناهی ـ سرتیپ زاده ـ حاذقی ـ گرگانی دکتر فلسفی ـ ابراهیمی ـ ریگی ـ محمد حسین قشقائی ـ مؤید قوامی ـ خاکباز ـ گله داری ـ سیف پور فاطمی ـ حسن اکبر ـ نمازی ـ هاشمی ملك مدنی ـ صفوی ـ حیدر علی امامی ـ ظفری ـ دهستانی ـ فاطمی ـ بهبهانی ـ بیات ـ مؤید ثابتی ـ طهرانی ـ ابراهیم آشتیانی ـ ذوالقدر مجد ـ محمدعلی اعتماد ـ مرآت اسفندیاری ـ روحی ـ حشمتی ـ فولادوند ـ افخمی ـ دکتر اعتبار ـ اردلان ـ تولیت ـ دکتر کیان ـ دکتر آقایان ملایری ـ حماد تربتی ـ مقدم ـ بوشهری ـ نبوی ـ نصرت الله اسکندری ـ فرود ـ صدریه ـ دکتر مصدق ـ دهقان ـ فرمانفرمائیان ـ فتوحی افشار صادقی ـ مخبر فرهمند ـ دکتر طاهری ـ اسعد ـ مظفر زاده ـ حکمت ـ نقابت ـ دکتر معاون ـ رستم گیو ـ امام جمعه ـ فیروز آبادی کاظمی ـ ساسان ـ امینی ـ مهندس فریور ـ ذوالفقاری ـ صمصام بختیاری .

اسامی مخالفین ـ آقایان : دکتر رادمنش ـ دکتر کشاورز ـ فداکار ـ فرخ ـ دکتر شفق ـ شهاب فردوسی ـ کام بخش ـ رحیمیان ایرج اسکندری .

ورقه سفید بی اسم ـ سه ورقه .

قانون

ممنوعیت دولت ازمذاکره و عقد قرارداد راجع بامتیاز نفت با خارجیها

ماده اول ـ هیچ نخست وزیر و وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها و یا معاونت میکنند نمیتوانند راجع بامتیاز نفت با هیچیك ازنمایندگان رسمی وغیر رسمی دول مجاور وغیر مجاور ویا نمایندگان شرکتهای نفت و هر کس غیراز اینها مذاکراتیکه صورت رسمی و اثر قانونی دارد بکنند و یا اینکه قراردادی امضاء نمایند.

ماده‌دوم ـ نخست وزیر و وزیران میتوانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره میکند مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی‌را مستحضر نمایند.

ماده‌سوم ـ متخلفین ازمادهٔ اول بحبس مجرد ازسه تاهشت سال وانفصال دائم ازخدمات دولتی محکوم خواهند شد.

این قانون که مشتمل برسه ماده است در جلسه یازدهم آذرماه یکهزاروسیصد وبیست وسه بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ سید محمد صادق طباطبائی

تصمیم قانونی

دایر بابراز رأی اعتماد به کابینهٔ آقای مرتضی قلي بیات نخست وزیر

مجلس شورای ملی در جلسه ۱۳ آذر ماه ۱۳۲۳ پس از طرح برنامه کابینهٔ آقای مرتضی قلی بیات با کثریت ۷۲ رأی از ۹۸ نفر عده حاضر رأی اعتماد داده است.

رئیس مجلس شورای ملی ـ سید محمد صادق طباطبائی